خون، باورها و برگه‌های رأی

مدیریت ناسیونالیسم کُردی در ترکیه، ۲۰۰۷-۲۰۰۹



رابرت اُلسن

ترجمۀ: هاشم کرمی

خون، باورها و برگه‌های رأی

مدیریت ناسیونالیسم کُردی در ترکیه، ۲۰۰۷-۲۰۰۹

رابرت اُلسن

ترجمهٔ: هاشم کرمی

نشر پانیذ

۱۳۹۰

سرشناسه : اولسون، رابرت W. Olson, Robert
عنوان و نام پدیدآور : خون، باورها و برگه‌های رای : مدیریت ناسیونالیسم کردی در ترکیه، ۲۰۰۷ - ۲۰۰۹/ رابرت السن؛ ترجمه هاشم کرمی.
مشخصات نشر : تهران: پانیذ، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : ۲۹۶ص.: نقشه.
شابک : ۴۰۰۰۰ ریال : ۲-۶۸-۷۱۰۵-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : عنوان اصلی : Blood, beliefs and ballots: the management of Kurdish nationalism in Turkey, 2007-2009,2009.
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : حزب کارگران کردستان
موضوع : حزب جامعه دموکراتیک
موضوع : کردان -- ترکیه -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۱م.
موضوع : کردان -- ترکیه -- رابطه با دولت
موضوع : ملی‌گرایی -- ترکیه
موضوع : ملی‌گرایی -- کردستان
موضوع : ترکیه -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۱م.
شناسه افزوده : کرمی، هاشم، ۱۳۶۳ -، مترجم
رده بندی کنگره : DR۶۰۳/الف۹خ۹ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی : ۹۵۶/۱۰۳
شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۶۰۶۴۹



خون، باورها و برگه‌های رأی

مدیریت ناسیونالیسم کُردی در ترکیه، ۲۰۰۷-۲۰۰۹

رابرت اُلسن

ترجمهٔ: هاشم کرمی

نوبت اول ۱۳۹۰

شمارگان ۲۰۰۰

لیتوگرافی باختر

چاپ دالاهو

تهران خیابان انقلاب خیابان ابوریحان خیابان وحید نظری پلاک ۲۶

۲۲۱۹۰۹۵۶-۶۶۴۱۵۹۸۲

nashrepaniz@hotmail.com

قیمت : ۴۵۰۰ تومان

شابک: ۲-۶۸-۷۱۰۵-۹۶۴-۹۷۸ ISBN:978 964-7105-68-2

مرکز پخش: سنندج کتاب میدیا ۰۸۷۱۲۲۲۸۳۲۷

تقدیم به:

همسرم پگاه و

پسرم آریا

سپاسگزاری

مایلم از همسرم پگاه بخاطر صبر و درک و عشقش که پشتیبان من در لحظات سخت بوده تشکر کنم. براستی او بود که با مهربانی و از خود گذشتگی، فرصت ترجمه این اثر را فراهم آورد. از پسر شیرینم آریا متشکرم که به هنگام ترجمه این اثر، نه مانند پسر بچه‌ای سه ساله بلکه چون مرد کاملی رفتار کرد و با جملات کودکانه خود که زبان از وصف شیرینی آنها باز می‌ماند خستگی را از من زدود. امید دارم که علاقه و عشق وافر پدرش به خاورمیانه و بهتر شدن زندگی مردمان آن در فکر و ذهن وی نیز جای گیرد. خود را به پدر ارجمندم علی‌مردان برای تشویق و کمک‌های مادی و معنوی در چاپ کتاب مدیون می‌دانم. از مادر عزیزم الهه بخاطر فراهم آوردن محیطی آرام و صمیمی به هنگام ترجمه کتاب بسیار سپاسگزارم. ترجمه تک تک سطور این کتاب بدون همراهی و کمک ایشان ممکن نبود. از جناب پروفسور رابرت اُلسن بسیار متشکرم که افتخار ترجمه این اثر گرانبها را به من سپرد. مهم‌ترین درسی که طی دو سال رابطه دوستانه از این استاد بزرگوار آموخته‌ام، تلاش برای درک عقلایی مسائل و پرهیز از چیره شدن تعصبات بر فکر و زندگی است. بدون شک با موفقیت در این زمینه خواهیم توانست زندگی شاد و پر از آرامشی برای همه مردمان خاورمیانه فراهم کنیم. از دوست و همشهری بزرگوارم جناب حاتم علیمرادی متشکرم که زحمت چاپ و نشر این اثر را با روی باز پذیرفت. بدون شک افرادی چون ایشان هستند که با فراهم آوردم زمینه ارتقای سطح آگاهی و دانش، خدمتی جبران نشدنی برای درک مسائل و حل آنها فراهم می‌کنند. از دوست عزیزم داریوش جلالی نیز کمال تشکر را دارم که بخش مهمی از کارهای مربوط به کتاب را با خوشرویی و مهربانی همیشگی انجام داد. داشتن دوستانی چون داریوش از موهبت‌های زندگی هر انسانی است.

هاشم کرمی

کارشناس ارشد مطالعات خاورمیانه

۲۵ فروردین سرپل‌ذهاب

فهرست مطالب

نکاتی در مورد تلفظ نام‌ها

c,C = حرف "ج"

ç,Ç = حرف "چ"

ğ,Ğ = صدایی مابین "گ" و "ی"

ı,I = حرف "ا" (الف ساکن و بدون حرکت)

i,İ = ای — ی

ö,Ö = (اُ – ـُ) با صدایی مابین (اُ) و (ـُ)

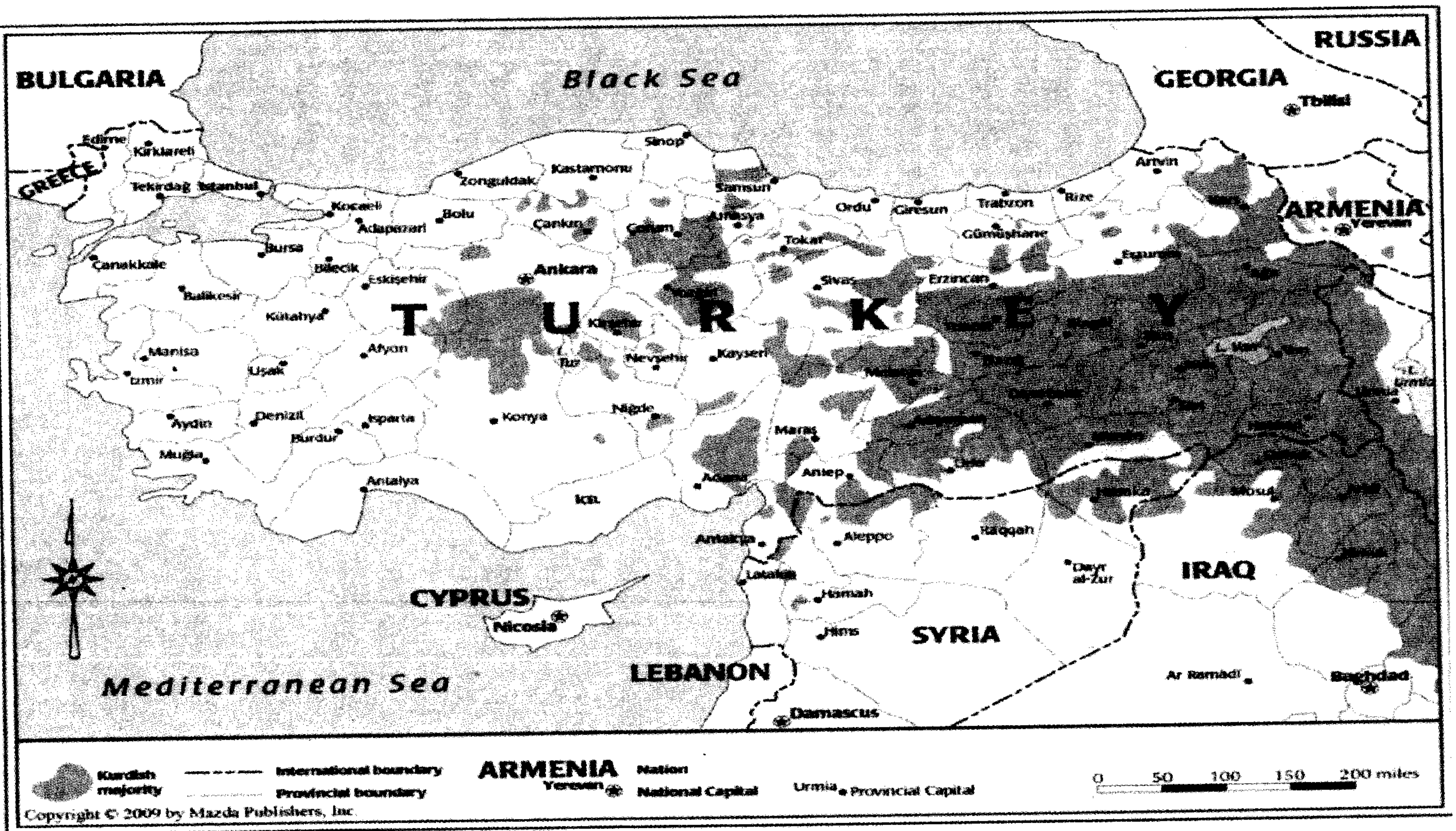
ş,Ş = حرف "ش"

ü,Ü = "ئو" کشیده

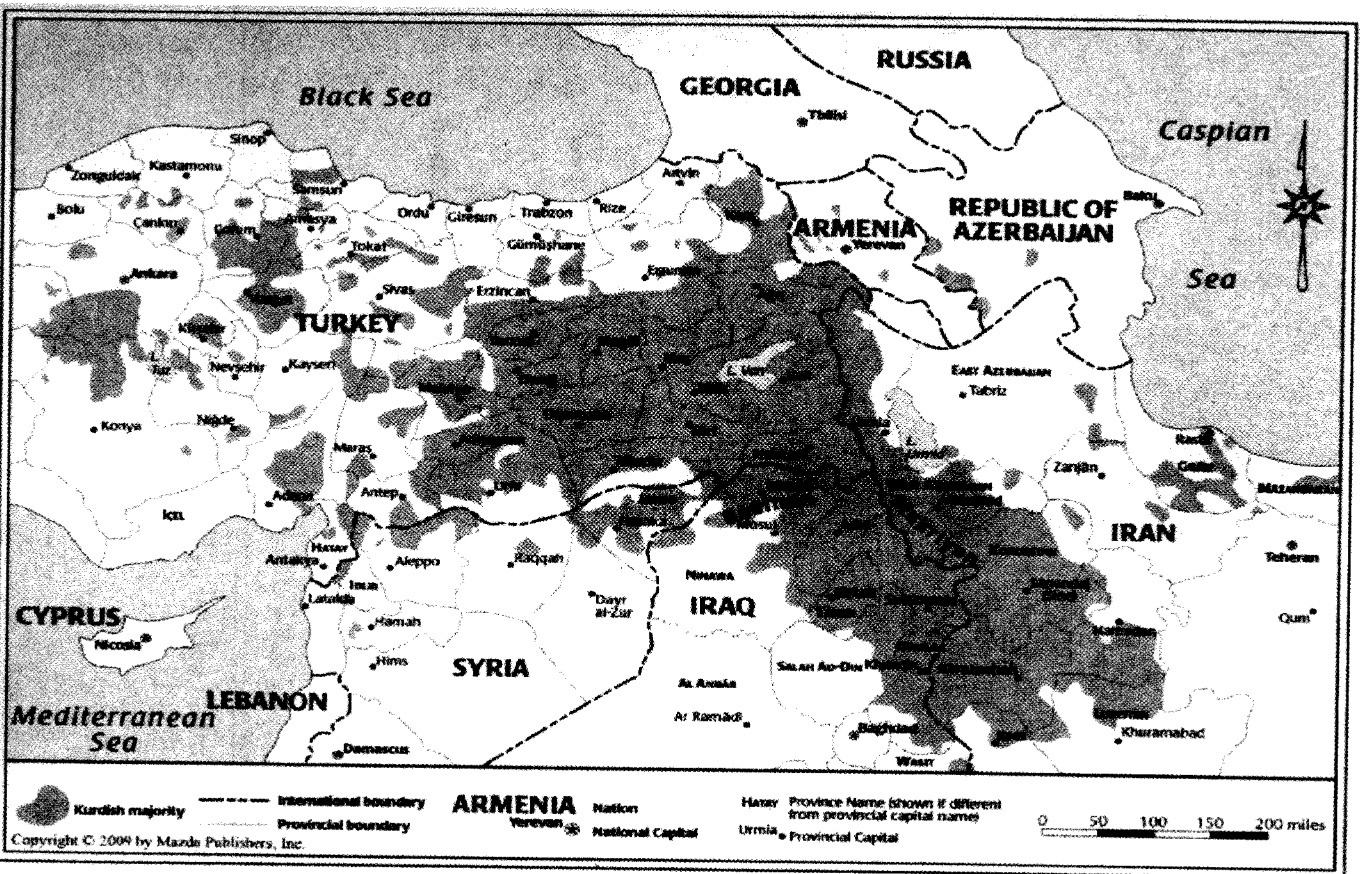
ترجمه اسامی و علامات اختصاری احزاب و سازمان‌های سیاسی

نام حزب یا سازمان سیاسی	علامت اختصاری انگلیسی	علامت اختصاری ترکی
حکومت موقت ائتلافی	CPA	-
حزب دموکراتیک چپ	DLP	DSP
حزب دموکراتیک خلق	DMP	DKP
حزب دموکراسی	DP	DEP
حزب خلق دموکراتیک	DPP	DEHAP
حزب جامعه دموکراتیک	DSP	DTP
حکومت موقت عراق	IGG	-
حزب عدالت و توسعه	JDP	AKP
حزب نشاط	HP	SP
حزب دموکرات کردستان	KDP	KDP
حزب دموکرات کردستان ایران	KDPI	KDPI
کنگره دموکراسی و آزادی کردستان	KFDC	KADEK
کنگره دموکرتیک خلق کردستان	KPDC	PKK /KONGRA-GEL
حکومت منطقه‌ای کردستان	KRG	-
حزب کارگران کردستان	KWP	PKK
حزب مام میهن	MP	ANAP
حزب رهایی ملی	NMP	MSP
اتحادیه میهنی کردستان	PUK	KYP
حزب دموکراسی مردم	PDP	HADEP
حزب زحمتکشان خلق	PLP	HEP
حزب مردم جمهوری‌خواه	RPP	CHP
حزب آزادی خلق انقلابی	RPLP	DEV SOL
حزب سوسیال دموکراتیک	SDP	SHP

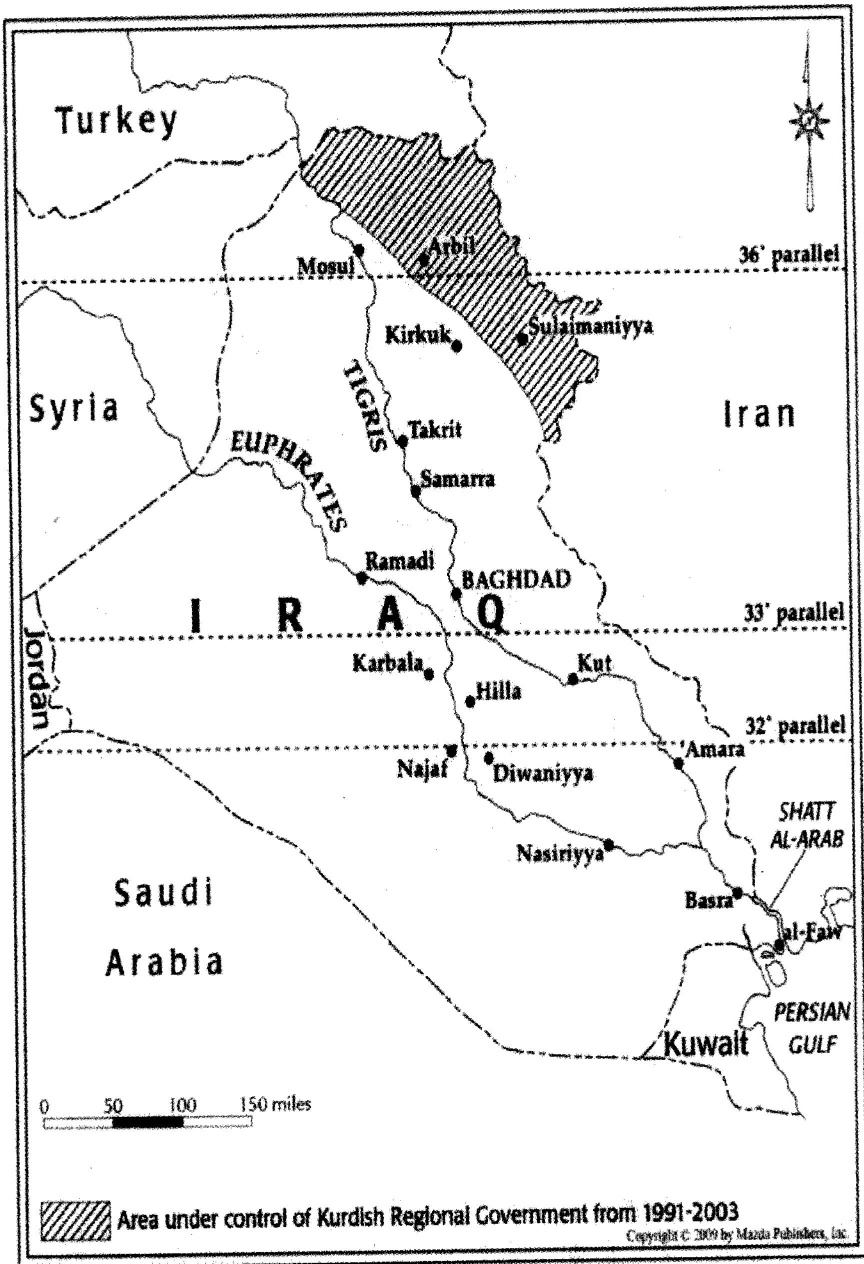
شورای عالی انقلاب اسلامی عراق	SCIRI	-
قانون اداری انتقالی	TAL	-
حزب کمونیست ترکیه	TCP	TKP-ML
مؤسسه مطالعات اقتصادی و اجتماعی ترکیه	TESEV	-
جبهه و حزب آزادی خلق ترک	TPLP-F	KKKP-C
جبهه آزادی دهقانان و کارگران ترک	TWPLP	TIKKO
حزب راه راست	TPP	DYP
حزب فضیلت	VP	FP
حزب رفاه	WP/PP	RP



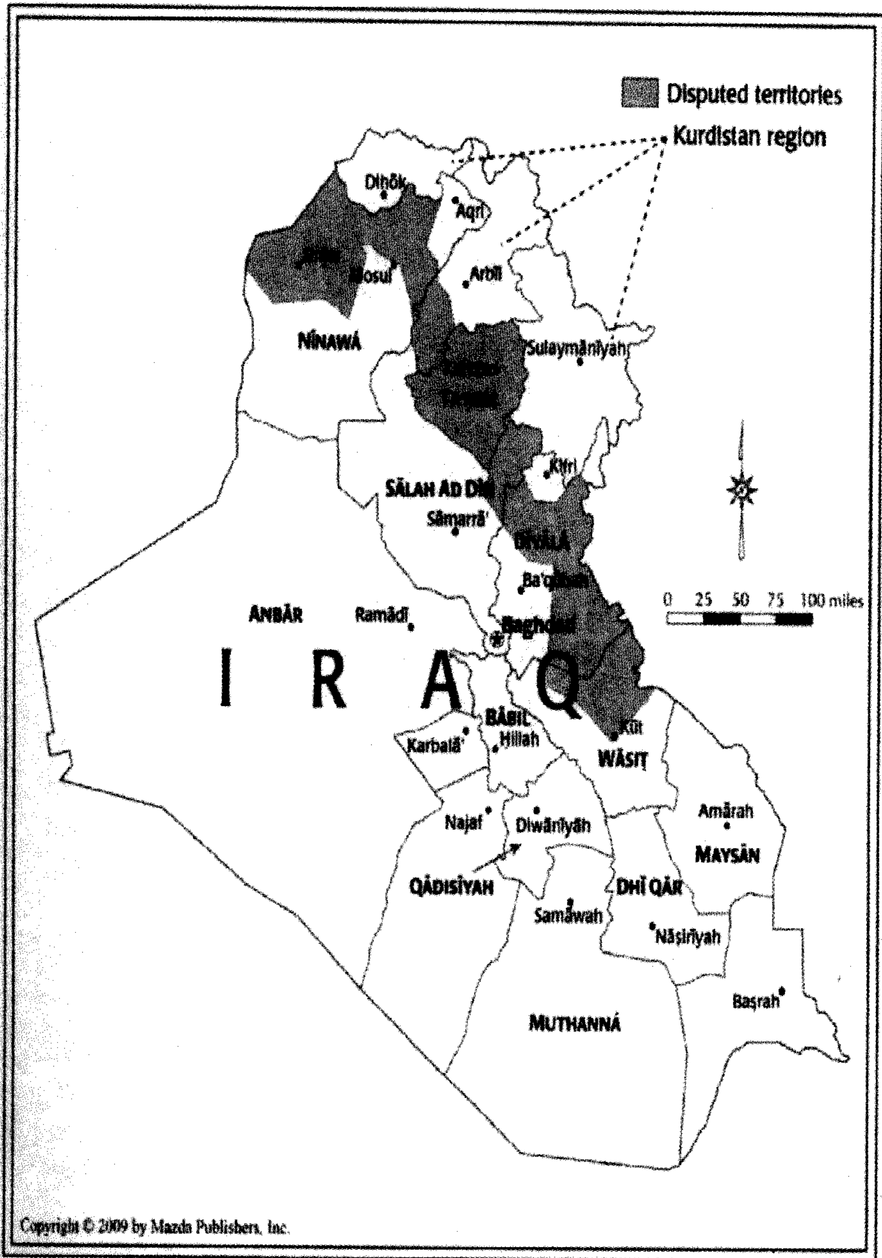
نقشه ۱- کُردهای ترکیه



نقشه ۲– مناطق کردنشین خاورمیانه



نقشه ۳– مناطق تحت کنترل کردها در شمال عراق



نقشه ۴– مناطق مورد مناقشه در عراق

مقدمه

کلمه "خون" در عنوان کتاب استعاره از تفاوت‌های رشد یافته بین کردها و ترکها در طول بیشتر سال‌های قرن بیستم، به ویژه پس از جنگ جهانی اول است؛ کلمه "باورها" به این مسئله اشاره دارد که چگونه تفاوت‌های بین دو گروه قومی، به اختلاف آنها و متمرکز شدن هر گروه پیرامون قطب‌های متفاوت هویتی، و گسترش جنبش‌های ناسیونالیستی نسبتاً متفاوت منجر شده است. ناسیونالیسم کُردی و ترکی پس از جنگ جهانی اول تاکنون با شدت و حدت متفاوتی رشد کرده‌اند. در سال ۱۹۲۳ در ترکیه به صورت تک بعدی و قهری بر پایه ناسیونالیسم قومی ترک، جمهوریی بنا شد که قدرت نظامی در حال افزایش دولت مرکزی قدرتمند را علیه کردها بکار می‌برد. در ۱۹۲۵، ۱۹۳۰ و مجدداً در ۳۸-۱۹۳۷، ترکیه با کردها وارد کشمکش‌های نظامی شدیدی شد. این کشمکش‌های نظامی به تضعیف جدی جنبش‌های نوپای ناسیونالیستی کُردی منجر گردید. کردها آنقدر قوی نبودند که بتوانند در برابر دولت مرکزی قدرتمند، که به ویژه پس از ۱۹۳۰ از ارتشی با نیروی هوایی در حال رشد برخوردار بود، در بیافتند.

انسجام و همبستگی مورد درخواست دولت ترکیه در دوره حکمرانی کمال آتاتورک از ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸ و جانشین او، عصمت اینونو، از ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۰ ، و ملی‌گرایی و میهن‌پرستی در زمان جنگ جهانی دوم، کردها را مجبور کرد مقاومت مسلحانه‌ای علیه حکومت انجام ندهند. حتی برپایی دولت مستقل کُردی جمهوری مهاباد در ۴۶-۱۹۴۵ در ایران که کردهای ناسیونالیست عراق با رهبری ملامصطفی بارزانی در آن مشارکت کردند، آنقدر کردهای ترکیه را تحت تأثیر قرار نداد که شورش کنند. علاوه بر کنترل‌های شدید دولت ترکیه، دلیل دیگر این بود که ملی‌گرایان کُرد هنوز از وقایع دوران جنگ داخلی کمر راست نکرده بودند.

به قدرت رسیدن حزب دموکرات در ترکیه در سال‌های دهه ۱۹۵۰ تا حدودی سبب رهایی کردها و ملی‌گرایان کرُد شد، اما به قدرت رسیدن مجدد عصمت اینونو منجر به تشکیل

دولت ائتلافی از ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۵ گردید و چنین دولت‌هایی به قدرت‌گیری حزب عدالت و توسعه (AKP) در نوامبر ۲۰۰۲ انجامید. این امر برای توسعه احزاب سیاسی کُردی که درصدد قبولاندن جدی برخی مطالبات ملی‌گرایی کُردی، مانند حق زبان و احترام دولت به حکمرانی قانون در مورد کسانی که پیگیر حقوق انسانی‌شان بودند، مطلوب نبود.

ماهیت غیر قابل اصلاح ناسیونالیست ترکیه که دولت «کمالیست» نامیده شده، به درگیری دولت با حزب کارگران کردستان (Partiya Karkerên Kurdistanê) یا همان PKK انجامید. حزب ملی‌گرای جنگاور PKK در سال ۱۹۷۸ تشکیل، و از ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۹ با آنکارا درگیر جنگ داخلی شد. ۱۵ سال جنگ شدید بین آنها به مرگ حدود ۳۵۰۰۰ نفر یا بیشتر – ۳۰۰۰۰ کُرد و ۵۰۰۰ ترک- که برخی از آنها غیرنظامی بودند منجر شد.[۱] اما جنگ خسارت‌های زیادی نیز بویژه در جنوب شرق و شرق ترکیه که عمدتاً کردنشین است به بار آورد. سه الی چهار میلیون کُرد مجبور به فرار یا مهاجرت به شهرهای غربی ترکیه یا مراکز بزرگ شهری مناطق جنوب شرق و شرق ترکیه شدند. حدود ۳۰۰۰ الی ۴۰۰۰ روستا و دهکده تخریب و غیرقابل‌سکونت شده است؛ زمین‌های زیادی بدون استفاده باقی مانده و به هدر رفته‌اند، مناطق جنگلی زیادی در اثر اقدامات نیروهای مسلح ترکیه (TAF) برای از بین بردن محل‌های اختفای گریلاهای PKK سوزانده شده‌اند. اگر چه جنگ داخلی بین دولت و PKK پس از دستگیری رهبر این حزب، عبدالله اوجالان، در فوریه ۱۹۹۹ فروکش کرد اما جنگ داخلی در دوران زندانی بودن وی در جزیره دور افتاده در دریای مرمره با شدت کمتری ادامه داشته است.

دانشگاهیان با هم بر سر این موضوع اتفاق نظر دارند که سیاست قهری ضد ملی‌گرایی کُردی دولت ترکیه پس از به قدرت رسیدن AKP در انتخابات نوامبر ۲۰۰۲ ادامه پیدا کرده است. نکته قابل توجه این است که AKP اولین حزب سیاسی در ترکیه است که پایه مشروعیت سیاسی‌اش، اصول ناسیونالیستی کمالیستی و بویژه سکولاریسم نیست. بسیاری تحلیلگران بر این باور بودند که ظهور و ورود AKP و گفتمان اسلامگرایش، تحت پرچم برادری و اتحاد ترک و کُرد در مفهوم «امت» که انسجام مسلمانان را خواستار

---

[۱] آمارهای مذبور مورد تایید دولت ترکیه است-م.

است، به تعدیل مطالبات کردهای ناسیونالیست جنگاور می‌انجامد. اما طبقات متوسط، متوسط به پائین و پائینی که رأی‌دهندگان AKP را تشکیل داده‌اند، بشدت ملی‌گرا هستند و این مسئله مانع هرگونه مذاکره جدی دولت تحت ریاست AKP با PKK شده که منجر به پیامدهای عمده‌ای بشود. مجموعه‌ای از احزاب سیاسی قوی کُردی در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ تشکیل شد اما همه آنها به دلیل یا دلایل مشابه بسته شدند. آخرینِ این احزاب، حزب جامعه دموکراتیک (DTP) در سال ۲۰۰۵ تأسیس شد و در انتخابات عمومی ژوئیه ۲۰۰۷ علی‌رغم این‌که مجبور شد کاندیداهایش را در قالب کاندیدای مستقل وارد انتخابات کند تا از نقض قانون احزاب سیاسی اجتناب نماید، توانست ۲۱ کرسی پارلمان را کسب کند. در سال ۲۰۰۶ دادگاه عالی استیناف ترکیه اهرم‌های قانونی را برای بستن DTP به حرکت درآورد اما تا سال ۲۰۰۹ این حزب هنوز مشغول فعالیت بود و اعضایش هنوز در پارلمان بودند. تحلیلگران چنین می‌پنداشتند که دادگاه قانون اساسی تا پس از برگزاری انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹ به توصیه‌های دادگاه عالی استیناف عمل نمی‌کند.

این کتاب به رقابت قدرت بین دولت و حزب عدالت و توسعه (AKP) با حزب جامعه دموکراتیک (DTP) که از انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ تا انتخابات ۲۹ مارس ۲۰۰۹ در موارد بسیاری مورد حمایت حزب کارگران کردستان (PKK) قرار گرفته می‌پردازد. انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ از این نظر مهم بود که AKP بیشتر کرسی‌های شرق و جنوب شرق را برای پارلمان بدست آورد. AKP پنجاه کرسی را بدست آورد، در حالی DTP توانست ۲۱ کرسی را کسب کند. درخشش AKP این گونه توجیه شد که این حزب قدرت را در دست داشته و هزینه زیادی کرده است. AKP "کالاهای سفید" – پودرهای لباسشویی و مواد غذایی منجمد– و زغال ، شکر، ماکارونی، روغن‌آشپزی و دیگر ملزومات اساسی را بین مردم فقیر شده جنوب شرق توزیع می‌کرد. کاندیداهای DTP به سختی در موقعیتی بودند که به کردهای انتخاب‌کننده‌شان بگویند از قبول کالاها خودداری کنند. AKP برای عدم نقض قانون احزاب سیاسی اطمینان حاصل کرد که کالاها از طریق نمایندگی‌های دولتی توزیع شوند نه سازمان‌های حزب. برخی تحلیلگران فکر می‌کردند گفتمان مذهبی AKP در مقایسه با گفتمان مارکسیستی و غیرمذهبی DTP برای کردها بیشتر جذاب

است. این نشان می‌داد AKP بیش از DTP با اعتقادات و ارزش‌های مردم مذهبی همگام و سازگار است. دولت و AKP با طراحی برگه‌های بسیار بزرگ رأی و دفن اسامی کاندیداهای DTP در میان علامت‌ها و اسامی دیگر، تا جایی که ممکن بود رأی دادن به DTP را مشکل کردند. غافلگیر شدن در انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ سبب تغییر استراتژی انتخاباتی DTP برای انتخابات مارس ۲۰۰۹ شد. انتخابات ۲۰۰۹ هم می‌تواند نشان‌دهنده میزان اثربخشی ابزارهایی باشد که دولت، نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، سازمان اطلاعات ملی(MIT[2]) و AKP برای مدیریت ناسیونالیسم کُردی و بخصوص ناسیونالیسم کُردی مقاوم و جنگجو بوجود آورده، پشتیبانی یا اجرا کرده‌اند.

یکی دیگر از جریانات جالب‌تر اخیر که طی این دوره ۱۶ ماهه رخ داد، تحقیقات دولت در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ در مورد توطئه راست‌گرایان تندرو ناسیونالیست به نام ارگنکون[3] بود. در اواخر سال ۲۰۰۸ تحقیقات نشان داد اعضای ارگنکون با نظامیان در حال خدمت و بازنشسته، ژاندارمری، سازمان‌های اطلاعاتی، دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران، اعضای دادگاه، اعضای پارلمان و حتی جانیان و افراد وابسته به مافیا رابطه داشته‌اند. جنایت‌ها، قتل‌ها و ترورهای صورت گرفته بدست اعضای ارگنکون متأثرکننده بود؛ در برخی موارد، کُردهای مقتول به داخل چاه‌هایی که متعلق به شرکت دولتی نفت بود انداخته شده و چاه را با اسید پر کرده بودند تا هیچ اثری بر جای نماند. یکی از دلایلی که دولت، TAF و AKP با تحقیقات در مورد ارگنکون موافقت کردند این بود که دیگر بیش از این، برای مدیریت دولتی ناسیونالیسم کُردی مفید نبود. به نظر می‌رسد دولت و AKP به این باور رسیدند که مدیریت دولتی ناسیونالیسم کُردی از طریق صندوق‌های رأی احتمالاً مثمر ثمرتر از جنگ صرف، نیروی نظامی یا پشتیبانی از سازمان‌های توطئه‌گری چون ارگنکون است. اعلام جرم علیه ارگنکون و برخی عملیات‌های آن در اوایل ۲۰۰۹ بر اهمیت انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹ افزود.

این کتاب پس از بررسی موارد مذکور، ابزارهای نیروهای مسلح، اجبار، توطئه‌های گسترده، قدرت دولت، قدرت احزاب سیاسی و روابط خارجی مورد استفاده ترکیه برای

---

[2] Milli Istibarat Teşkilati
[3] Ergenekon

مدیریت ناسیونالیسم کُردی از ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۲ تا ۲۹ مارس ۲۰۰۹ را پوشش می‌دهد. البته، همه این اهرم‌های اجبار و فشار قبل از ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ هم وجود داشته و به میزان زیادی هم مورد استفاده قرار می گرفتند.

این تحقیق اهمیت حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و موضع ترکیه نسبت به کردهای عراق را مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین، به خط‌مشی‌ها و سیاست‌های KRG در قبال ترکیه می‌پردازد. روابط بین KRG و ترکیه به مرور نقش مهمی در کنش و واکنش‌های طرفین، بویژه پس از سال ۲۰۰۸ و مقارن سال ۲۰۰۹، ایفا کرده است. تقویت روابط بین اربیل و آنکارا نیز اثر زیادی بر روابط کردهای ترکیه بویژه حزب کارگران کردستان (PKK) و حزب جامعه دموکراتیک (DTP) داشته است زیرا این احزاب با کاسته شدن از شکاف مابین اربیل و آنکارا در شرایط سختی قرار گرفته‌اند. همه این جریانات، دوره از ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ تا ۲۹ مارس ۲۰۰۹ را به دوره‌ای بسیار حیاتی در تعیین تغییرات بوجود آمده در سیاست‌های این دوره مبدل کرده است. چرایی این تغییر استراتژی‌ها و تاکتیک‌ها، اینکه چه چیزی آنها را مجبور به تغییر کرده، و میزان موفقیت و عدم موفقیت نسبی این تغییرات برای همه احزاب درگیر مورد بررسی قرار گرفته است. پیامد موفقیت‌ها و شکست‌های احزاب نسبتاً درگیر، اثرات مهمی بر آینده کردها در ترکیه، عراق، سیاست‌های ترکیه و عراق و همچنین در سیاست‌های ایران و سوریه خواهد گذاشت. این بدان معناست که نتایج انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹ در ترکیه، اثر قابل توجهی بر سیاست‌های ترکیه و عراق و همچنین خاورمیانه بزرگ‌تر در دهه‌های آتی خواهد گذاشت.

در این کتاب بر *فرایندهایی* تأکید کرده‌ام که مباحث انجام گرفته در تحقیق در آنها بوقوع پیوسته است. من در طول بیست سال گذشته مطالعات نسبتاً جامعی در روابط بین‌الملل و ادبیات سیاست تطبیقی انجام داده‌ام. خوانندگان در این زمینه‌ها با مدل‌ها، پارادایم‌ها و اصطلاحات نامأنوس بیشماری مواجه هستند و نویسندگان فرض را بر این گرفته‌اند که خواننده کاملاً با تاریخ و سیاست‌هایی که نویسنده پارادایم‌ها و مدل‌های متفاوتش را بر پایه آنها ارائه نموده آشناست. آنچه من در این اثر سعی کرده‌ام به انجام برسانم، تشریح و تعریف فرایندهایی بوده که بر عمل، تصمیم و سیاست‌های بازیگران مختلف اثر گذاشته و این‌ها خود از فرایندهایی که بازیگران در آنها نقش داشته‌اند منتج گردیده است. این بدان

معناست که بیشتر ادبیات تئوریک و نظری در لابه‌لای متن است. به عبارت دیگر، سعی نموده‌ام تا آنجا که بحث گسترده‌تری که دارم مبهم نشود، بگذارم کردها و ترکها هر یک بجای خودشان حرف بزنند.

رابرت اُلسن
دانشگاه کنتاکی
لینکستون، کنتاکی
۱۵ آوریل ۲۰۰۹

سرآغاز:

با اتمام نگارش این کتاب در ۱۵ آوریل ۲۰۰۹ ، به این نتیجه رسیدم که چالش‌های جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه مسئله‌ساز بوده و ثابت خواهند کرد در دهه‌های پیش‌رِو دولت ترکیه در مدیریت آنها به گونه‌ای که به رضایتمندی‌اش بیانجامد با مشکل مواجه خواهد شد. منظور من از "رضایتمندی" توان دولت ترکیه در مدیریت ناسیونالیست‌های کُرد، احزاب سیاسی و سازمان‌های نماینده جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی است، آن هم بدون اعطای هیچ‌گونه امتیاز سیاسی مهم و معنادار، یا حداقل هیچ‌گونه امتیاز سیاسی که دولت ترکیه آن را برای یکپارچگی سرزمینی دولت حیاتی می‌پندارد. این شامل هرگونه امتیاز سیاسی قابل توجهی چون تمرکززدایی حکومتی یا خودمختاری سیاسی مناطق یا استان‌های اکثراً کردنشین شرق و جنوب شرق است. معلوم بود که به دنبال انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹، نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، نهادهای امنیتی و قضایی، تمرکززدایی معنادار حکومتی یا خودمختاری معنادار سیاسی را برای استان‌های عمدتاً کردنشین برنمی‌تابند.

دستاورد مهم حزب جامعه دموکراتیک (DTP) در انتخابات ۲۹ مارس مقامات دولت ترکیه بویژه مقامات حزب عدالت و توسعه (AKP) را، بخصوص پس از دستاوردهای قابل توجهی که حزب در انتخابات سراسری ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ بدست آورده بود، آشفته خاطر کرد. در نتیجه نمایش قوی DTP در انتخابات، دولت اعلام کرد به کردها امتیازات بیشتری در استفاده از کُردی در پخش برنامه در رادیو و تلویزیون و حتی برخی ایستگاه‌های خصوصی و همچنین حوزه‌های عمومی اعطا خواهد کرد. البته، دولت از طریق نظام قضایی می‌تواند چنان ایستگاه‌ها و کانال‌هایی را تحت کنترل بگیرد. گسترش استفاده از کُردی در حوزه‌های عمومی یکی از اصلی‌ترین ابزارهای دولت برای مدیریت ناسیونالیسم کُردی در ترکیه است چرا که این بخش محور هویت کُردی است.

دولت فکر می‌کند از طریق اجازه افزایش تدریجی استفاده گسترده‌تر از کُردی در برنامه‌های رادیو و تلویزیون در دهه‌های پیش‌رِو، می‌تواند با کردهای همانندگرا، برخی اندیشمندان کُرد و کردهایی که دغدغه اولیه‌شان آزادی و اولویت‌های فرهنگی و زبانی

است همکاری مشترکی پیدا کند. مقامات دولتی و احزاب سیاسی نیز بدون شک فکر می‌کردند واگذاری امتیازات زبانی بیشتر مانند آموزش کُردی در دانشگاه‌های معین، اجازه می‌دهد بورژوازی کُردی در برابر ناسیونالیست‌های جنگجوتری چون PKK و DTP ادعا کند که مطالبات معتدل‌تر آنها از دولت برای کسب حقوق سیاسی و فرهنگی برای کردها، کارامدتر بوده است. این امر از طرف دیگر، به بوژوازی کُردی اجازه می‌دهد از تضعیف PKK هم در سراسر ترکیه و هم در شمال عراق حمایت کند. چنان روندی به تقویت بورژوازی کُردی در جنوب شرق و شرق منجر می‌شود و آن را قادر می‌سازد برای حیات‌بخشی اقتصادی لازم برای جنوب شرق، از دولت کمک‌های اقتصادی بسیار بیشتری مطالبه نماید. این امکان را نیز فراهم می‌کند که شرکت‌های عضو TÜSIAD و MÜSIAD در ساخت روبنای اقتصادی باثبات در جنوب شرق مشارکت کنند. انتظار می‌رود چنان جریاناتی، همان‌گونه که در بالا ذکر شد، به "یکپارچگی منسجم" کردها با دولت ترکیه – که بسیار متفاوت از "جدایی‌طلبی مثبت" مورد حمایت برخی ناسیونالیست‌های کُرد بود- منجر شود.

اما همان گونه که کتابم روشن ساخت، سیاست یکپارچگی منسجم شانس کمی برای موفقیت در جنوب شرق و شرق فقیر شده دارد. بعلاوه، سرکوب، بازداشت، حبس، قتل و کشتار ناسیونالیست‌ها، اندیشمندان و حتی شهروندان کُرد مظنون به عضویت در PKK توسط عوامل دولت، شامل قتل و دفن آنها در چاه‌های پر از اسید شرکت دولتی نفت و گاز، سبب نفرت، عدم علاقه و بیگانه شدن کردها از جامعه مسلط ترکی شده است. نفوذ گسترده‌تر جامعه ترکی در جامعه کُردی نیز مصالحه معنادار و مهم بین کردها و ترکها را مسئله‌سازتر نموده است. اولین دهه قرن ۲۱ این مطلب را آشکار کرد. بدون مصالحه اجتماعی بیان شده دوطرفه و به رسمیت شناختن حقیقی هویت کُردی، شانس مصالحه اجتماعی معنادار و مهم بین کردها و ترکها همچنان ضعیف باقی می‌ماند. من استدلال می‌کنم که تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، و از این‌رو، تنش‌های بین کردها و ترکها در نتایج انتخابات محلی ۲۹ مارس منعکس شده‌اند.

برای من جای تعجب نبود که برآیندهای پس از انتخابات که بطور قطع نشان از استحکام و توانایی DTP و PKK در جنوب شرق بود، نشان داد دولت ترکیه پی برده سیاست

یکپارچگی منسجم، شانس کمی برای حصول به هرگونه موفقیت منسجم دارد. امتیازات کُردی خاص مبنی بر اعطای تدریجی امتیازات فرهنگی و زبانی پیشنهادی دولت که توسط بولنت آرینچ از سخنگویان ارشد AKP اعلام شد، سودمندی کمی در مدیریت کارامد ناسیونالیسم کُردی بصورت دلخواه دولت داشت. این مسئله بویژه دغدغه واقعی حزب مردم جمهوری‌خواه (CHP) و حزب حرکت ملی (MHP) بود که با اعطای امتیازات در زمینه زبان مخالف بودند، علاوه بر این احزاب، نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، سازمان اطلاعات ترکیه (MIT)، ژاندارمری، پلیس ملی و گروهی از دیگر سازمان‌های امنیتی شامل بقایای ارگنکون نیز -که عناصرش هنوز هم در نیروهای مسلح و سازمان‌های امنیتی جا داشتند- با اعطای این امتیازات مخالف بودند.

نتیجه انتخابات ۲۹ مارس این را هم روشن ساخت که کانال "بدل کُردی" راه‌اندازی شده توسط AKP در آگوست ۲۰۰۹ برای راضی نمودن DTP یا PKK ناکافی است. پس از اجرای ابتکار مزبور، روشن شد مقصود حکومت و دولت، استفاده از این کانال در داخل یک پروژه ملی گسترده‌تر برای ناقص و کم اثر نمودن، و به حاشیه‌رانی PKK و DTP و بطور کلی، ناسیونالیسم کُردی بوده است.

طرح ابتکاری کُردی، همکاری با "طرح دموکراتیک" مبهم و تیره‌ای بود که از "طرح اتحاد ملی" نشو کرده، و نهایتاً به چیزی مانند "طرح برادری" تغییر شکل داده بود. همه نه فقط کُردها، بلکه آلبانیایی‌ها، بوسنیایی‌ها، مقدونیه‌ای‌ها، لازها، آبخازی‌ها، ارمنیان، یونانیان، اعراب و سوری‌ها باید با برادری با هم مصالحه می‌کردند. عدم کفایت چنان طرح‌هایی، حتی اگر در بلندمدت اثرات بهبودبخشی در برابر مخالفت پایدار نیروهای مخالف، احزاب سیاسی و سازمان‌های ناسیونالیست داشته باشند، هنگامی آشکار شد که دادگاه قانون اساسی در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۹ به اتفاق آراء ۱۱-۰ و بدون رأی مخالف! به بستن DTP حکم داد. چند روز پس از بستن حزب، رهبری DTP اعلام کرد ۱۹ نماینده دیگر پارلمانی که عجالتاً برخلاف رهبرشان احمد ترک و نماینده پارلمانی دیگر آیسل توغلوک برای پنج سال از فعالیت سیاسی منع شده بودند، در پارلمان باقی خواهند ماند. در پایان سال ۲۰۰۹ که این متن نوشته شده، به نظر می‌رسید چالش‌های جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی

در ترکیه و کشمکش آن با دولت ترکیه، با بازگشت دولت به سیاست‌های سرکوب که قبل از انتخابات ۲۹ مارس نیز به کار می‌رفت، پایان یابد.

در کتاب، من استدلال می‌کنم که مصالحه بین TAF و AKP در مورد سیاست‌هایی که علیه PKK، DTP و بطور کلی جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی اعمال می‌شود، بدان معناست که احتمال کمی وجود دارد TAF به حملات مسلحانه در ابعاد وسیع برای حمله به مخفیگاه‌های PKK در عراق یا سراسر ترکیه رجوع کند. در ادامه استدلال می‌کنم که TAF، MIT، ژاندارمری، پلیس ملی و دیگر افراد و سازمان‌های مخفی، مانند قوه قضائیه همچنان به عنوان ابزارهای بسیار مهمی جهت سرکوب جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه باقی خواهند ماند. اما با توجه به تلاش و دغدغه ترکیه برای مثبت نمودن قضاوت‌ها و افکار اتحادیه اروپا و سازمان‌های بین‌الملل حقوق بشر و همچنین افکار جهانی، نظام قضایی ترکیه ابزاری عمده برای مدیریت جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه خواهد بود. مقامات ترکیه –علی‌رغم بسیاری شواهد که خلاف این را نشان می دهد- استدلال می‌کنند نظام قضایی در ترکیه مستقل است و تحت تأثیر هیچ نیروی خارجی قرار ندارد. مقامات دولت ترکیه ظاهراً فکر می‌کنند بستن DTP در مدیریت جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی و نابود کردن PKK در عراق و به حاشیه‌رانی آن در ترکیه کمک‌شان می‌کند. اما به نظر می‌رسد چنین کارهایی برای کاهش رشد خودآگاهی کُردی، هویت و ناسونالیسم و بی‌میلی و بیگانه شدن کردها از جامعه ترکی مسلط، مسئله‌ساز خواهد بود. در پایان سال ۲۰۰۹ معلوم شد در سال‌های آتی، کشمکش بین کردها و ناسیونالیست‌های کُرد و دولت ترکیه و ناسیونالیست‌های ترک بصورت ستیزه‌جویانه و پر از درگیری خواهد بود.

اختلافات و کشمکش بین کردها و ناسیونالیسم کُردی با ترکها و دولت ترکیه و ناسیونالیسم ترکی، در اولین دهه قرن ۲۱، به واسطه توسعه یک شبه‌دولت کُردی در شمال عراق از ۱۹۹۱ به بعد بخصوص پس از حمله ایالات متحده و اشغال عراق در مارس ۲۰۰۳، بغرنج و پیچیده بود. در حالی‌که ایالات متحده اقدام به اشغال عراق کرد، ترکیه اقدام کمی علیه استحکامات PKK در شمال عراق انجام داد. این موقعیت فقط در ۲۰۰۹ تغییر یافت و آن هنگامی بود که به دلایل ذکر شده در کتاب، KRG، حکومت عراق، آنکارا و واشنگتن برای نابود کردن PKK در شمال عراق و به حاشیه‌رانی آن در ترکیه، به

همکاری نزدیکتر با همدیگر پرداختند. آمریکایی‌ها به حمایت از خودمختاری قوی کردها در عراق علاقه‌مند بودند، اما نه تا جایی که کردهای عراق امکان قوی بنیاد یک دولت مستقل را پیدا کنند. چنان روندی راهبردهای انرژی و نیازهای ایالات متحده و اروپا در سه دهه آتی یا بیشتر را به مخاطره می‌انداخت.

نیازهای انرژی ایالات متحده و اروپا در کنار چالش جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه بود و این امر ترکیه را مجبور کرد "طرح ابتکار خاورمیانه" خودش را در ۲۰۰۹ به اجرا درآورد. پس از اینکه احمد داووداوغلو در آگوست ۲۰۰۹ وزیر امور خارجه شد، این سیاست با توان بیشتری دنبال شد. داووداوغلو از وقتی که AKP در نوامبر ۲۰۰۲ حزب شد نیز از چنان سیاست‌هایی طرفداری می‌کرد اما تنها در ۲۰۰۶ بود که توانست آن را در واقع عملی کند. با توجه به اشغال عراق توسط ایالات متحده و حفاظت از کردها، ترکیه بجز همکاری با دیگر کشورهایی که جمعیت کُرد زیادی داشتند، مانند عراق، سوریه و ایران، گزینه‌های کمی در اختیار داشت تا از طریق آنها به مدیریت چالش‌های جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه بپرازد. آنکارا بدین نتیجه رسید که کارامدترین سیاست برای دستیابی به این هدف، ایجاد توافقنامه‌های تجاری و همکاری‌های اقتصادی همکاری-جویانه‌تر است. با تقویت روابط اقتصادی میان ترکیه، عراق، سوریه و ایران، امید می‌رفت هر چهار کشور بتوانند چالش‌های ناسیونالیستی کُردی خود را بهتر مدیریت کنند. هر چهار کشور از سال ۱۹۲۵ توافقنامه‌های امنیتی دوجانبه و چندجانبه گسترده‌ای علیه جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی، شورشیان، مخالفان و آشوب‌های عمومی داشتند. اما اشغال عراق توسط ایالات متحده و توسعه یک دولت شبه مستقل کُردی در شمال عراق، توانایی‌های هر چهار کشور را برای مدیریت جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی قابل تحمل برای دولت را به مخاطره انداخت. آنکارا، تهران، بغداد و دمشق متوجه شدند همکاری‌های تجاری و اقتصادی قوی‌تر برای کارامد نمودن توافقنامه‌های امنیتی‌شان ضروری است.

در تغییر سیاست‌های داخلی و خارجی خود در نتیجه چالش‌های ناسیونالیستی کُردی، آنکارا خوش شانس بود که متحدانی از جانب بغداد و واشنگتن و بطور روزافزونی پس از ۲۰۰۸، در اربیل داشت. سه حکومت اخیر به دلایل مختلف می‌خواستند PKK در شمال

عراق از بین برود. آنکارا هم امیدوار بود نابودی PKK در شمال عراق، به حاشیه‌رانی بیشتر آن در ترکیه بیانجامد.

هم دیدار رئیس جمهور اوباما از ترکیه در ۶-۷ آوریل و هم دیدار نخست وزیر اردوغان از واشنگتن در ۷ دسامبر تایید کرد اولولیت هر دو کشور، نابود کردن PKK در شمال عراق و به حاشیه‌رانی آن در ترکیه بود. این سیاست علی‌رغم پیروزی پرآوازه DTP در انتخابات محلی ۲۹ مارس پیگیری شد. انتخابات مزبور یکی از بزرگترین پیشرفت‌های دموکراتیک در تاریخ جمهوری ترکیه بود. اما پیروزی دموکراتیک در صندوق‌های رأی معنای چندانی برای واشنگتن نداشت. این کشور برای "ثبات" عراق و اجرای طرح کاهش نیروهای مسلح ایالات متحده به کمک ترکیه نیازمند بود.

نیروهای مسلح ترکیه علاوه بر نیروهای باقیمانده ایالات متحده و ارتش نوپای حکومت عراق مورد نیاز بودند. اما مهمترین پیشرفت در سال ۲۰۰۹، مشارکت حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) در توافقنامه‌های امنیتی بود که حاکی از همکاری اربیل با آنکارا، واشنگتن و بغداد در نابود کردن PKK در شمال عراق بود. با انجام این کار آنکارا و واشنگتن می‌توانستند از KRG بخواهند برای آنکارا به عنوان ابزاری مهم در مدیریت ناسیونالیسم کُردی در ترکیه عمل کند.

ایالات متحده، اروپا و اغلب جامعه جهانی نمی‌توانستند با ظهور گسترده‌تر و قوی‌تر جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در چهار کشور -ترکیه، عراق، ایران و سوریه- که ۹۸ درصد کردها در آنجا ساکن هستند با مدارا برخورد کنند. گمان می‌رفت چنان روندهایی، شبکه‌های کنونی خطوط لوله نفت و گاز موجود و در دست برنامه را به مخاطره بیاندازد. جنگجوتر شدن جنبش‌های ناسیونالیستی کردی احتمال تخریب یا خرابکاری در خطوط لوله کنونی و در دست برنامه را افزایش داد. برای محافظت از شبکه‌های خطوط لوله در برابر تهدیدات خصمانه، و انکار هر گونه حضور نظامی هند یا چین در منطقه از زمانی که بطور رسمی توسط ایالات متحده تایید شده بود، تعداد زیادی از نیروهای ایالات متحده در منطقه حضور داشتند. هدف ایالات متحده، اروپا و سرمایه بین‌المللی، کنترل شبکه‌های خطوط لوله انرژی سرچشمه گرفته از منطقه نبود آنها درک کرده بودند که این کار دیگر امکان پذیر نیست، بلکه می‌خواستند بر شبکه توزیعی خطوط لوله انرژی حکمفرما شوند.

بنابراین منافع و مطالبات ژئواستراتژیک بسیاری کشورها حتی آنهایی که مستقیماً به امور خاورمیانه علاقه نداشتند، منافع و علایقی در مدیریت جنبش‌های ناسیونالیسم کُردی بویژه در عراق و ترکیه بوجود آورد تا هیچ تهدیدی برای شبکه توزیع انرژی بوجود نیاید. چنان منافع و علایقی، ناسیونالیست‌های کُرد یا کردهایی که حس ملی‌گرایی و هویتشان رشد یافته است را فرو نمی‌نشاند و من سعی کرده‌ام این نکته را در کتاب روشن سازم.

در واقع، همین کوردایه‌تی –رشد حس هویت و ملی‌گرایی- میان کردها بود که در انتخابات ۲۹ مارس آشکار شد و دولت ترکیه را مجبور کرد "طرح ابتکار دموکراتیک" خود را شروع نماید.

برای ناسیونالیست‌ها، رهبران، اندیشمندان و جوامع کُردی آنها خردمندانه خواهد بود منافع اقتصادی ژئواستراتژیک بین‌المللی را به گونه‌ای هدایت کنند که خود را در شبکه بگذارند و در عین حال، از حاشیه‌ای شدن، شکست، تقسیم و نابودی جنبش‌های ناسیونالیستی در ترکیه، عراق، ایران و سوریه جلوگیری کنند.

مقامات دولت ترکیه ظاهراً فکر می‌کردند بستن DTP آنها را در مدیریت جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی ترکیه و نابود کردن PKK در عراق و در ترکیه کمک می‌کند. اما چنان توقعاتی نیز با توجه به رشد خودآگاهی، هویت و ناسیونالیسم کُردی و بی‌میلی روزافزون کردها و بیزار و بیگانه شدن از جامعه مسلط ترکی مسئله‌ساز به نظر می‌رسیدند. در پایان سال ۲۰۰۹ معلوم شد در دهه‌های پیشِ‌رو کشمکش بین کردها و ناسیونالیسم کُردی با ترکها و ناسیونالیسم ترکی خصمانه‌تر و پر از درگیری خواهد بود.

رابرت اُلسن

۳۱ دسامبر ۲۰۰۹

فصل اول:
رویدادهای پس از انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷:
توسعه اقتصادی در برابر حق زبان مادری

در این اثر به تحلیل روابط کُرد-ترک در ترکیه بین انتخابات سراسری ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ و انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹ می‌پردازم. هدف من نشان دادن این است که چه تغییرات مهمی در این برهه حدوداً دو ساله توسط ترکها و کردها در راستای یافتن راه‌حلی برای مسئله کُردی صورت پذیرفته است؛ مسئله کُردی یعنی چالش ناسیونالیسم کُردی برای نظام دولت ترکیه و همچنین چالش جنبش ناسیونالیستی کُردی در شمال عراق.[۱] من به جزئیات اثر تصمیم ماه مارس دادگاه قانون اساسی نخواهم پرداخت زیرا دادگاه قانون اساسی در ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۸ رأی به خاتمه دعوی مطرح شده علیه حزب عدالت و توسعه (AKP) داد.

دعوی صورت گرفته علیه AKP از آن جهت مهم بود که اثرات شایان توجهی بر مسئله کُردی می‌گذاشت. بسته شدن AKP اثرات بدی بر روابط ترک-کُرد می‌گذاشت چرا که در صورت نبود AKP، حزب سیاسی دیگری بغیر از حزب جامعه دموکراتیک (DTP) وجود نداشت که کردها به آن رأی بدهند. در حالی‌که دادگاه قانون اساسی به دعوی صورت گرفته علیه AKP رسیدگی می‌کرد، بستن DTP را نیز در دست بررسی قرار داده بود. برخی فکر می‌کردند از آنجا که AKP بسته نشد، احتمال بسته شدن DTP هم کاهش می‌یابد. مشاجراتی در مخالفت با بسته شدن DTP، توسط رهبر این حزب احمد ترک در ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۸ ایراد شد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. اتهام اصلی که دادگاه عالی استیناف ترکیه علیه AKP اقامه، و به دادگاه قانون اساسی ارائه داد، این بود که AKP سیاست‌هایی خصمانه در قبال خط‌مشی سکولار دولت ترکیه اتخاذ می‌کند. همچنین می‌توانستند ادعا کنند سیاست‌های اسلام‌گرایانه AKP فضا را برای تقویت ناسیونالیسم کُردی، بخصوص در مناطق اکثراً کردنشین جنوب شرق ترکیه مهیا می‌کند.

---

[۱] برای آگاهی از مسائل دیگر این دوره تا بحران‌های مارس ۲۰۰۸، که در نتیجه تصمیم دادگاه قانون اساسی برای بستن حزب عدالت و توسعه (AKP) و افشای توطئه ارگنکون، بر روابط کُرد-ترک اثر گذاشته‌اند نگاه کنید به:
Robert Olson,"Turkish-Kurdish Relations: A Year of Significant Developments," *Insight-Turkey*, vol. 10, no 3, (2008), 23-51.

پس از اعلام نتایج انتخابات ۲۲ ژوئیه، مشخص شد AKP از DTP که بیشتر صبغه کُردی دارد، کرسی‌های پارلمانی بیشتری کسب نمود.[۲]

راه یافتن حدود ۱۰۰ نفر کُرد به پارلمان که ۷۵ نفرشان عضو AKP بودند، دادگاه عالی استیناف، دادگاه قانون اساسی و نیروهای مسلح ترکیه (TAF) را دست پاچه و مشوش کرد. احمد ترک، رهبر DTP اعلام داشت توطئه ارگنکون مستقیماً به مسئله کُردی مرتبط است و چندین ترور و بمب‌گذاری و غیره که در جنوب شرق رخ داده و به دهه ۱۹۸۰ بر می‌گردد، بصورت هماهنگ توسط اعضای ارگنکون انجام شده است. یکی از بدنام‌ترین این بمب‌گذاری‌ها، بمب‌گذاری ۹ نوامبر ۲۰۰۵ بود که در یک کتابفروشی شهر شمدینلی[3] واقع در جنوب شرق ترکیه انجام شد و در اثر آن یک نفر کشته و شش نفر هم زخمی شدند. اتهامات و ظن کردها در مورد دست داشتن ارگنکون در قتل کردها درست بود، یکی از توطئه‌گران اصلی، ژنرال شَنر اِرویگور[4]، فرمانده بازنشسته ژاندارمری بود که در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات‌های زیادی علیه کردها در جنوب شرق و جاهای دیگر نقش داشت. توطئه‌گر دیگر، از فرماندهان سابق ژاندارمری، سرتیپ ژنرال وَلی کوچوک[5] بود که رئیس یگان فرماندهی اطلاعات ژاندارمری (JIGK) نیز بوده است. این یگان بعداً به نام یگان اطلاعات و ضدترور ژاندارمری (JITEM) شناخته شد. کوچوک فرمانده یکی از واحدهای عملیات ویژه JITEM را بر عهده داشت که عملیات‌های مخفیانه ضد تروریسم علیه کردها انجام می‌دادند.[۶]

بنا به اظهارات گارث جنکینز -که تحلیلش را بر پایه مصاحبه‌های انجام شده در طول دهه ۱۹۹۰ در جنوب شرق ترکیه انجام داده است- واحدهای JITEM معمولاً توسط افسران ژاندارمری هدایت می‌شدند، اما "از اواخر دهه ۱۹۸۰ به بعد تعداد بسیار زیادی از اعضای سابق حزب کارگران کردستان (PKK) به استخدام آنها درآمدند. این اعضای سابق

---

[۲] همان، ۲۵-۲۸.

[3] Şemdinli

[4] Şener Eryuygur

[5] Veli Küçük

[۶] سرهنگ عارف دوغان اعتراف کرد که بنیانگذار شاخه اطلاعات ژاندارمری ترکیه بوده که در میانه دهه ۱۹۸۰ JIGK را بنیاد نهاد. او در ۱۹۹۰ فرماندهی JIGK را به وَلی کوچوک واگذار کرد.

PKK که اکثراً دستگیر شده بودند و توّابین[۷] نامیده می‌شدند در ازای مصونیت از پیگرد قانونی یا تخفیف مدت حبس حاضر به همکاری با دولت شدند. برای جمع آوری اطلاعات، واحدهای JITEM به حبس و بازداشت، بازجویی و بطور مداوم به شکنجه و اعدام اعضای مشکوک PKK می‌پرداختند. واحدهای JITEM برخی افراد را نیز صرفاً به دلیل اینکه فکر می‌کردند کُرد ناسیونالیست هستند، مورد هدف قرار می‌دادند. آنها به ترور روزنامه‌نگاران و روشنفکران می‌پرداختند و در دفاتر انتشاراتی و سازمان‌های غیردولتی (NGO) بمب‌گذاری می‌کردند".[۸] جنکینز همچنین می‌گوید اتهامات ارگنکون "این ظن را تقویت کرد که هدف اصلی از تحقیقات، افشای ماهیت حقیقی دولت پشت پرده ترکیه نیست بلکه بی‌اعتبار نمودن نظامیان وفادار به سکولاریسم است که اکثر طرفداران AKP آنها را مانع اصلی در برابر تلاشهای حزب برای برداشتن محدودیت‌های کنونی در برابر ابراز هویت دینی در ترکیه همانند ممنوعیت استفاده از روسری و حجاب سنتی در دانشگاه‌ها می‌دانند.[۹] اگر دیدگاه جنکینز درست باشد، بدان معناست که دولت به عمد جلوی عملیات‌های ضدکُردی ژاندارمری، نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، و سازمان اطلاعات ملی ترکیه (MIT) را نگرفته است تا بعداً آنها مورد تفحص و مؤاخذه قرار گیرند. به عبارت دیگر، دولت AKP خطر تقویت ناسیونالیسم کردی در اثر افشای اقدامات ارگنکون را پذیرفت تا بتواند دستورالعمل اسلامگرا و سیاست‌های کمتر نظامی-گرا علیه کردها را پیگیری کند. دستگیری ژنرال هورشیت تولون[۱۰]، فرمانده بازنشسته لشگر یک نیروهای دریای اژه ارتش ترکیه روشن ساخت که اقدامات ارگنکون مورد حمایت، چشم پوشی و اغماض و/ یا رضایت فعالان TAF و MIT بوده است. ژنرال شنر ارویگور مدیر جامعه اندیشه آتاتورک[۱۱] نیز بود. این سازمان قبل از انتخابات سراسری ۲۲ ژوئیه با

---

[7] CONFESSORS

[۸] این نوشته جنکینز اطلاعات کاملی از عملیات‌های JITEM در جنوب شرق ترکیه در اختیار می‌گذارد:

Gareth Jenkins, "Murky Past of Turkey's Gendarmerie Intelligence Emerges in Ergenekon Investigation," *Eurasia Monitor*, vol. 6, Issue 17 (4 September, 2008) at *www.jamestownfoundation.org*.

[۹] همان.

[10] Hurşit Tolon

[11] Atatürk Düsünce Derneği

راه اندازی تظاهرات عظیم مردمی بیش از یک میلیون نفری سعی نمود قدرت AKP را برای انتخابات تضعیف کرده یا از بین ببرد.

علاوه بر تأمل دادگاه قانون اساسی در رسیدگی به پرونده بستن AKP و افشای ارگنکون، عامل عمده سوم اثرگذار بر روابط کُرد-ترک در سال ۲۰۰۸، صدور حکم دادگاه قانون اساسی در مورد بستن یا نبستن DTP بود. اغلب تحلیلگران کُرد و ترک بر این باور بودند که بستن DTP به بدتر شدن روابط کُرد-ترک و مجبور کردن کردها به حمایت از درگیری‌های نظامی قوی‌تر و PKK یا حتی پیگیری جدایی سرزمینی و جغرافیایی می-انجامد.

این اثر به هشت مطلب عمده می‌پردازد. یک، روابط کُرد-ترک قبل از انتخابات سراسری ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷؛ دو، سیاست‌های دولت AKP و TAF برای کنترل ناسیونالیسم کُردی از طریق پروژه‌های توسعه اقتصادی؛ سه، تلاش‌های دولت و TAF برای شکست دادن PKK در ترکیه و عراق؛ چهار، تلاش‌های دولت در حذف یا به حاشیه راندن حزب جامعه دموکراتیک (DTP)؛ پنج، انشعابات درونی در DTP در مورد زمان، چگونگی و انجام دادن یا ندادن مذاکره با دولت و؛ هشت، افزایش فعالیت سازمان‌های مذهبی مانند جنبش فتح الله گولن، حزب الله و دسته‌های اخوان‌المسلمینی همانند نقشبندی، به عنوان ابزارهایی برای کنترل ناسیونالیسم کُردی هم در ترکیه و هم در کردستان عراق. فصل آخر به پیشرفت‌هایی که مستقیماً بر انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹ اثر گذاشتند می‌پردازد.

روابط کُرد-ترک قبل از انتخابات ۲۲ ژوئیه

در ژانویه ۲۰۰۷ نخست وزیر رجب طیب اردوغان بیان داشت که "پروژه عراق" و نه "پروژه اتحادیه اروپا" اصلی‌ترین موضوع دولت وی در سال ۲۰۰۷ خواهد بود. اکثر تحلیلگران موافق بودند که "پروژه عراق" بنا به اثر مهمی که بر سیاست محدودسازی جنبش ناسیونالیستی کُردی در عراق، بویژه در حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و دو حزب اصلی‌اش، حزب دموکرات کردستان (KDP) و اتحادیه میهنی کردستان (PUK) دارد، پروژه مهم‌تری است. این بدان معناست که KRG بطور تنگاتنگ و مسلمی به مسئله

کُردی در ترکیه مرتبط است. بدون شک، نخست وزیر فکر می‌کرد، مهار قدرت فزاینده KRG و اطمینان از اینکه به همکاری با حکومت بغداد ادامه می‌دهد، دولتش را قادر می‌سازد که بهتر با جنبش ناسیونالیست‌های کُرد ترکیه تعامل کند و با این کار می‌توان امکانات ترکیه را افزایش داد تا به عنوان عضو کامل اتحادیه اروپا پذیرفته شود و در نتیجه آن، قدرت حزبش تداوم یافته و گسترش یابد.

اردوغان و AKP از نتایج انتخابات ژوئیه خشنود شدند چرا که انتخابات عامل دفع مقاومت سکولاریست‌های تندرو، ناسیونالیست‌ها و TAF گردید. اگر چه هنوز معلوم نشده یا حداقل تاکنون علنی نشده است، اما عملیات‌های ارگنکون و خصوصاً ترورهای جناح راستی‌ها و روزنامه‌های مرتبط به شَنر اورویگور و توطئه‌گران پیرو او همچون جامعه اندیشه آتاتورک، نقش عمده‌ای در سازماندهی مخالفت‌ها علیه AKP ایفا کردند.

AKP توانست ۴۶.۵ درصد آراء را در مقایسه با ۳۴.۴ درصد در انتخابات ۲۰۰۲ کسب کند. با این وجود این حزب ۲۲ کرسی پارلمان را به علت اینکه احزاب دیگر، حزب مردم جمهوری‌خواه (CHP) و حزب اقدام ملی (MHP)، هر دو حداقل لازم ۱۰ درصد برای حضور در پارلمان بدست آوردند، از دست داد. CHP برنده ۱۱۲ کرسی و MHP هم برنده ۷۱ کرسی پارلمان شدند. در انتخابات، AKP از مجموع ۵۵۰ کرسی پارلمان توانست ۳۴۱ کرسی را بدست آورد. MHP در انتخابات ۲۰۰۲ نتوانسته بود حداقل لازم را کسب کند و از اینرو نتوانسته بود در پارلمان حضور یابد. نمایندگان انتخاب شده از MHP، بین احزاب دیگر تقسیم شدند. AKP نیز ۵۰ نماینده را از مناطق عمدتاً کردنشین جنوب شرق بدست آورد در حالی که DTP که مجبور بود مستقل عمل کند نتوانست بیش از ۲۰ کرسی را کسب کند. به نظر می‌رسد رأی زیاد AKP در مناطق کردنشین به این دلیل بود که کردها فکر می‌کردند AKP بیش از DTP می‌تواند نیازهای اقتصادی، بهداشت، تحصیل و اشتغال را برآورده کند.[۱۲]

---

[۱۲] برای تحلیل انتخابات نگاه کنید به:
Robert Olson,"Turkish-Kurdish Relations: A Year of Significant Developments," *Insight-Turkey*, vol. 10, no 3, (2008), 25-8.

مقایسه انتخابات ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ در جنوب شرق[۱۳]

حزب جامعه دموکراتیک (DTP) در انتخابات ۲۰۰۷ آرای کافی را برای برگزیدن فقط چهار نفر نماینده برای پارلمان کسب کرد، در حالی که در انتخابات ۲۰۰۲، حزب قبلی-اش، حزب خلق دموکراتیک (DEHAP) توانست آرای کافی را برای برگزیدن هشت نفر نماینده از ۱۰ نماینده بدست آورد:حزب عدالت و توسعه (AKP) توانست شش نفر نماینده به پارلمان بفرستد- محمد محی اکر، احسان ارسلان، عبدالرحمن کورد، عثمان اصلان، علی احسان مردان اوغلو و قطب‌الدین آرزو- که همگی از تجار کُرد دیاربکر بودند. آرزو از طرف AKP برای بدست آوردن ریاست شهرداری دیاربکر، در انتخابات ۲۹ مارس ۲۰۰۹ در برابر عثمان بایدمیر کاندیدا شد.[۱۴] در نتیجه انتخابات ۲۰۰۷، AKP در هشت بخش (ilçe) از ۱۳ بخش استان دیاربکر- چرمیک، چنار، چونگوش، دیجله، ارگانی، اگیل، هانی و کولپ- حزب اول شد. حتی در شهرهایی که دارای شهردارهای عضو DTP بود، AKP نتایج زیر را بدست آورد:

شهر	سال ۲۰۰۲	سال ۲۰۰۷
بیسمیل	۴۷۴۹	۱۴۱۶۵
ارگانی	۶۵۹۸	۱۹۱۸۹
سیلوان	۲۰۷۳	۸۹۰۴
کوجاکوی	۵۸۳	۱۷۴۳
کاپینار	۱۰۱۲۴	۱۳۹۵۸[۱۵]

[۱۳] در برخی کتاب‌هایی که راجع به ترکیه نوشته می‌شود، برای اشاره به کردستان ترکیه از اصطلاح جنوب شرق استفاده می‌شود. ـم.

[۱۴] من در اواخر مارس و بعد از اتمام دست نوشته این کتاب بغیر از بخش نتیجه‌گیری، توانستم کتاب یاووز را بخوانم. از اعجاز عصر کامپیوتر متشکرم که مرا قادر ساخت بتوانم این اثر را بخوانم. کتاب یاووز عالی است و من قویاً خواندن آن را توصیه می‌کنم. من متأسفم که قبل از اتمام دست نوشته کتابم نتوانستم آنرا بخوانم.
M. Hakan Yavuz, *Secularism and Muslim Democracy in Turkey* (New York: Cambridge University Press, 2009), 186-7.

[۱۵] همان، ۱۸۶.

عثمان بایدمیر، شهردار دیاربکر، شهر کردنشین دو میلیونی جنوب شرق ترکیه، دستاوردهای بزرگ AKP را ناشی از برتری مادی می‌داند. حکمرانی AKP امکان جلب توده مردم و دستکاری آراء را برایش فراهم کرده بود.[۱۶] تحلیلگران دیگر، باخت‌های DTP را به گرایش‌های سکولاریستی و چپگرای حزب منتسب می‌کردند که مورد پسند ارزش‌های مذهبی و سنتی و محافظه‌کارانه بسیاری از کردها نیست. بقیه تحلیلگران اظهار داشتند که ۲۰ درصد کردها "دولتگرا" بودند یعنی چشم به کمک دولت دوخته بودند.[۱۷] به دنبال دستاوردهای انتخاباتی AKP، اردوغان بلافاصله DTP را تحت فشار گذاشت تا PKK را "سازمانی تروریستی" بنامند. بایدمیر و دیگر مقامات کُرد جواب دادند که اردوغان به دنبال "کناره‌گیری منفی" است یعنی سیاست‌هایی را دنبال می‌کند که کردها را مجبور می‌کند به دنبال تجزیه طلبی سرزمینی، یا حداقل خودمختاری سیاسی باشند. وی گفت: اگر آنها علیه دیاربکر اعلان جنگ می‌کنند، پس من می‌گویم، به نبردمان بیائید، ما اینجا هستیم. ما از هیچ جنگی فرار نمی‌کنیم. بگذارید نخست وزیر ببیند که محبوب‌ترین و مورد اعتمادترین کاندیدا شهردار است. دیاربکر سنگر و قلعه است. تا امروز، او [اردوغان] سعی نموده افراد زیادی را سرنگون کند. نخست وزیر محبوب و معتمد مردم اینجا نیست، بگذارید او کاندیدا شود. ما آب را گل آلود نمی‌کنیم: ما چنان صورتکی را پاره می‌کنیم.[۱۸]

---

[۱۶] این اطلاعات بر پایه مصاحبه‌ای است که من در اول اکتبر ۲۰۰۷ در دفتر بایدمیر با وی داشتم. وقتی از بایدمیر پرسیدم نظرش در مورد کردهای عراق و توسعه آنجا چیست، وی در پاسخ گفت:" پنج میلیون کُرد عراق درک خواهند کرد که حفاظت نهایی از آنها به ۲۰ میلیون کُرد ترکیه بستگی دارد." او اظهار داشت اگر میانه کردهای عراق با ایالات متحده یا اعراب بهم بخورد، بقای سیاسی و شاید فیزیکی آنها به عملکرد کردهای ترکیه بستگی خواهد داشت. وی خاطر نشان ساخت که رهبران کردهای عراق، مسعود بارزانی (KDP) و جلال طالبانی (PUK) به این مطلب پی برده‌اند. در سال ۲۰۰۷، جلال طالبانی که رئیس جمهور عراق هم بود، بایدمیر باز تاکید کرد که اگر ایالات متحده و حکومت نوری المالکی به باز پس گیری دستاوردهای کردها که در نتیجه اتحاد با ایالات متحده در حمله سال ۲۰۰۳ به عراق کسب نموده بودند اقدام نمایند، احتمال بروز درگیری مسلحانه بین حکومت بغداد و کردها وجود دارد. چنین احتمالاتی کردهای عراق و کردهای ترکیه را مجبور می‌کند که به همکاری بیشتر با هم روی آورند.

[۱۷] حرّیت، ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۷.

[۱۸] حرّیت، ۹ سپتامبر ۲۰۰۸.

توسعه اقتصادی در برابر حق زبان: "جنگ لفظی"

در خلال منازعه بایدمیر، احمد ترک، رهبر پارلمانی DTP و دیگر مقامات کُرد به دنبال انتخابات ۲۲ ژوئیه در بیانیه‌ای خطاب به AKP، TAF و استانداران شرق و جنوب شرق اعلام کردند که طرح‌های سرمایه‌داری اقتصادی و پروژه‌های اقتصادی، مطالبات کردها در مورد آموزش کُردی و استفاده از کُردی در ادارات عمومی را کمرنگ نخواهند داد.
در راستای روشن نمودن این موضوع، احمد ترک تأکید کرد توسعه اقتصادی جنوب شرقی برای کاهش ناسیونالیسم کُردی کافی نیست و حکومت باید اجازه بدهد زبان کُردی در مدارس تدریس شود. او تأکید کرد که بسیاری از زنان ترکی بلد نیستند و نمی‌توانند با معلمان یا مسئولان بهداشت که اکثراً زبانشان فقط ترکی است، ارتباط برقرار کنند. احمد ترک تأکید کرد که توسعه اقتصادی به تنهایی برای جبران ظلم‌های صورت گرفته در حق کردهای شرق و جنوب شرق کافی نیست: "وقتی که آزادی یا برابری وجود نداشته باشد، هیچ توسعه اقتصادی وجود نخواهد داشت."[۱۹]
اردوغان بلافاصله به خطابه‌های احمد ترک بدین گونه پاسخ داد: " مدیران منطقه‌ای [در درجه اول منظور ۵۶ شهردار کُرد شهرهای جنوب شرقی است] باید به جای سخنرانی، اشتغالزایی کنند. در جنوب شرق، ما [دولت AKP] پنج میلیارد لیره جدید ترک [معادل چهار میلیارد دلار] سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. جای تأسف است که آنها [شهرداران] این را نمی‌دانند. AKP هیچ تفاوتی بین شهرهایی که در کنترلش است و آنهایی که تحت کنترلش نیست، قائل نمی‌شود."[۲۰]
در اوایل سپتامبر، رئیس جمهور تازه منتخب، عبدالله گُل اولین سفر رسمی‌اش را به مناطق شرق و جنوب شرقی انجام داد. در طی توقف‌های متعددش، گُل در سخنرانی‌هایش بیان می‌کرد که اگر مردم جنوب شرق و شرق دست از حمایت PKK بردارند، دولت بودجه عمومی بیشتری را به مناطق جنوب شرق و شرق اختصاص خواهد داد: " دولت با تمام ظرفیتش در خدمت شماست، شما از این آگاهید. ما فقط باید همدیگر را دوست داشته

[۱۹] حرّیت، ۴ سپتامبر ۲۰۰۷.
[۲۰] حرّیت، ۶ سپتامبر ۲۰۰۷.

باشیم و دولت را حفظ کنیم سپس شما خواهید دید که اثرات سال‌ها نادیده گرفته شدن در مدت کوتاهی ناپدید خواهد شد.[21] "پیام گل واضح و روشن بود: کردها نه فقط با PKK بلکه باید با تمام مقامات و مسئولانی که بصورت آشکار یا پنهان احتمال همکاری‌شان با PKK وجود داشت و همچنین با DTP نیز باید روابطشان را قطع کنند.

توطئه ضد اوجالان و خلع سلاح، سبب شکست نشست سالانه اواسط سپتامبر DTP در آنکارا شد. در رأی‌گیری برای رهبر جدید، احمد ترک کهنه کار از نورالدین دمیرتاش ۳۵ ساله که طرفدار حفظ روابط با اوجالان و دنبال کردن درگیری‌های مسلحانه بود، شکست خورد. سلما ایرماک، از اعضای اصلی DTP هم طرفدار عدم قطع روابط با PKK بود و تأکید کرد، "ایده یک پرچم، یک کشور و یک زبان ما را به جان یکدیگر انداخته است."[22] ایرماک تأکید کرد این حق کُرد است که به زبان کُردی آموزش ببیند یا، حداقل اختیار این را داشته باشد که کُردی را به عنوان زبان راهنما انتخاب نماید.

ایرماک پافشاری کرد که کردها باید حق آموزش به زبان کردی یا حداقل انتخاب آن به عنوان یک گزینه را داشته باشند و بیان داشت برای انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹، قضیه زبان باید در مرکز خواسته‌های DTP باشد. سرکوب استفاده از زبان کردی در کانون سیاست خشن ترکیه برای آسیمیلاسیون کردها بوده و تا ۱۹۹۱ هم ادامه یافته است. رئیس جمهور تورگوت اوزال (۱۹۸۹-۱۹۹۳) پس از حمله سال ۱۹۹۱ به عراق تحت رهبری ایالات متحده سیاست‌های متفاوتی را اتخاذ نمود، وی توصیه کرد که ممنوعیت استفاده از زبان کردی در رسانه‌ها برداشته شود. اما برای اجرای توصیه او اقدامات کمی انجام شد. با این حال، پس از شورای اروپا در هلسینکی که در دسامبر ۱۹۹۹ برگزار شد، ترکیه هم در فرایند گسترش اتحادیه اروپا پذیرفته و از ترکیه درخواست شد برای پذیرش تقاضای الحاق به معیارهای کپنهاگ (۱۹۹۳) که شامل تصریح حق زبان برای اقلیت‌ها هم می‌شد، پایبند باشد و همین امر از تندی موضع ترکیه در قبال ممنوعیت زبان کردی کاست. در ۳ اکتبر پارلمان ترکیه برای حصول ضوابط سیاسی کپنهاگ که خواستار استفاده بیشتر از زبان‌های غیرترکی در زندگی عمومی ترکیه بود، اصلاح ماده ۳۴ قانون اساسی ترکیه را

---

[21] تورکیش دیلی نیوز (از این پس علامت اختصاری TDN را برای آن بکار می بریم.)، ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۷.

[22] TDN، ۱۴ نوامبر ۲۰۰۷.

پذیرفت. اصلاح ماده ۲۶ و ۲۸، ممنوعیت استفاده از زبان‌های محلی را برداشت و اجازه استفاده از آنها را در پخش اخبار صادر کرد. در ۳ آگوست ۲۰۰۲، پارلمان ترکیه، قانون انطباق اتحادیه اروپا[۲۳] که متشکل از ۱۵ ماده بود را پذیرفت. این اصلاحات شامل اجازه استفاده از زبان‌ها و لهجه‌های مختلفی بود که بطور سنتی مورد استفاده شهروندان ترکیه در زندگی روزانه بودند، و بهبود امکانات آموزش زبان‌های اقلیت را نیز در بر می‌گرفت. در ژوئیه ۲۰۰۳ ترکیه اصلاح موانع قانونی برای پخش اخبار به زبان کردی و حق تحصیل و یادگیری کُردی را اجرا کرد. در مارس ۲۰۰۴، دوره‌های زبان کردی در وان، باتمان و شانلی اورفا گشایش یافت.[۲۴] در ژوئن ۲۰۰۴ تلویزیون ترکیه به زبان‌های کُردی، بوسیان، عربی و چرکسی اخبار پخش کرد. ترکیه قانون ثبت مدنی را هم در سال ۲۰۰۲، اصلاح کرد تا والدین بتوانند برای فرزندانشان نام‌های کُردی انتخاب کنند. پس از به قدرت رسیدن AKP در نوامبر ۲۰۰۲، این حزب "پروژه بازگشت به روستا و تجدید اسکان" را مطرح کرد تا کردهای ترکیه را که در اثر جنگ بین PKK و دولت مجبور به فرار و تخلیه روستاهایشان شده، تشویق کند که به روستاهایشان بازگردند.[۲۵] درخواست‌های ایرماک در مورد زبان شامل پذیرش کردی به عنوان زبان رسمی ترکیه آنگونه که در عراق در کنار زبان عربی وجود دارد، نمی‌شد. درخواست DTP نه "آموزش به زبان مادری" بلکه "آموزش زبان مادری" — حق استفاده از کردی به عنوان زبان مقدم را تقاضا می‌نمود. این‌ها مستلزم تغییر یا اصلاح ماده ۴۲ قانون اساسی بود که آموزش زبان‌های مادری را به زبان ترکی محدود می‌کرد.[۲۶]

نشست سالانه DTP، اختلاف بین DTP و شهرداران کُرد شهرهای جنوب شرق و شرق را تأیید کرد. اختلافات از آنجا نشأت می‌گرفت که رهبران DTP، اعضای گروه پارلمانی

---

[23] EU Adaptation law

[24] M. Hakan Yavuz, *Secularism and Muslim Democracy in Turkey* (New York: Cambridge University Press, 2009), 211.

[۲۵] همان.

[۲۶] در ۱۶ مارس ۲۰۰۹، فقط دو هفته قبل از انتخابات ۲۹ مارس ۲۰۰۹، صلاح‌الدین دمیرباش رئیس گروه پارلمانی DTP گفت درخواست پذیرش زبان کُردی به عنوان دومین زبان اداری، خواسته‌ای "غیرواقع‌بینانه" است. *بیانِت*، مارس ۲۰۰۹.

DTP و برخی شهرداران شامل بایدمیر، به امید اینکه مذاکرات با دولت و TAF برای جبران ظلم‌های صورت گرفته علیه کردها، بویژه مسائل اقتصادی و استفاده از زبان کردی در نهادهای آموزشی و مباحث ادارات عمومی تسهیل شود از توقف جنگ PKK در شمال عراق و درون ترکیه طرفداری می‌کردند. پاسخ نارسای آنکارا به درخواست‌های در مورد استفاده مقدم از زبان کردی یا تحصیل " به زبان مادری"، ضداوجالان‌هایی چون احمد ترک و عثمان بایدمیر و سزگین تانریکولو، رئیس کانون وکلای دیاربکر و کمیسیون حقوق بشر، که طرفدار سرسخت تحصیل به زبان مادری بودند را تضعیف کرد.
مسائل اقتصادی و قضیه زبان از موارد عمده‌ای بودند که سبب اختلاف بین اعضای DTP شدند. در ژوئیه ۲۰۰۸، احمد ترک دوباره اختلافات عثمان بایدمیر با دیگر اعضای پارلمانی DTP را بیان کرد، بایدمیر و دیگران طرفدار به زمین گذاشتن سلاح بودند، اما نمی‌خواستند نزد اوجالان بروند و کشمکش قدرت در جنبش ناسیونالیسم کردی را بدتر کنند. احمد ترک با سیاست خلع سلاح موافقت کرد و در نتیجه، در ماه می ۲۰۰۸ مجبور شد از ریاست DTP کناره گیری کرده و جایش را به آمنه آینا، یکی از نمایندگان پارلمانی DTP که طرفدار جنگجویی PKK بود، بدهد.[۲۷]

جنگ لفظی اردوغان و سزگین تانریکولو

پس از وقوع انفجار مخرب ماشینی بمب‌گذاری شده در دیاربکر در ژانویه ۲۰۰۸، اردوغان از این شهر بازدید کرد و با قربانیان حادثه و مردم شهر همدردی نمود. در سخنرانی او در برابر ۱۵ سازمان جامعه مدنی که غیبت عثمان بایدمیر قابل ملاحظه بود، نخست وزیر از سزگین تانریکولو پرسید، "اگر شما جای من بودید [در برابر مسئله کُردی] چکار می‌کردید؟"[۲۸] تانریکولو پاسخ داد، "بگذارید تحصیل به زبان مادری انجام شود و گروه‌های

---

[۲۷] حرّیت، ۱۴ ژانویه ۲۰۰۸.

[۲۸] حرّیت، ۶ ژوئیه ۲۰۰۸. نقل قول‌های زیر از این مصاحبه آمده‌اند. برخی اوقات تانریکولو تمایلش را بـدون تفکیـک قائل شدن بین "آموزش به زبان مادری " و "آموزش زبان مادری" ایراد می‌کرد. مورد اخیر به معنای اجازه استفاده از کُردی به عنوان زبان مقدم است نه لزوماً تعهد به اینکه تحصیل در ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان به زبان مادری صورت بگیرد. بعداً به این موضوع بیشتر خواهیم پرداخت.

مطالعات کُردشناسی در دانشگاه‌ها گشایش یابد." اردوغان در جواب گفت " فقط کردها در ترکیه نیستند. فردا چرکس‌ها و لازها [مردم اصالتاً گرجی که عمدتاً در سواحل دریای سیاه زندگی می کنند] حقوق مشابهی را مطالبه می‌کنند. چون شما در موقعیت پاسخگو و مسئول نیستید، برایتان حرف زدن آسان است. برای مرد مجرد طلاق دادن زنش آسان است." اما تانریکولو سماجت کرد و گفت" این حمله[منظور انفجار بمب در ۴ ژوئیه] نشان داد که با توقیف دموکراسی نمی‌توان مسئله کردی را حل کرد."[۲۹]

اردوغان اعضای جوامع مدنی را ملامت کرد که کلمه "خشونت"[۳۰] را به جای کلمه "ترور" که او ترجیح می‌داد برای توصیف اعمال PKK استفاده کند، بکار می برند: " این ارتکاب به خشونت نیست، این ترور است. خشونت چیز ساده‌ای است. PKK که ادعا می‌کند به نام کردها مبارزاتش را آغاز کرده، دارد کردها را می‌کشد. اولین پاسخ به این‌ها باید توسط کسانی که خودشان را کُرد می‌دانند داده شود."[۳۱] از نشست ۶ ژوئیه ۲۰۰۸ دیاربکر معلوم شد که اردوغان از به رسمیت شناختن مسئله زبان به هر شکلی ابا دارد.

مرکزیت موضوع زبان در مباحث میان AKP و رهبران ناسیونالیست کُرد در ۸ ژوئیه، فقط دو روز پس از بحث میان اردوغان و تانریکولو در دیاربکر، دوباره آشکار شد. کوکسال توپتان سخنگوی پارلمان شدیداً خواسته‌های سزگین تانریکولو در مورد اینکه حکومت باید اجازه آموزش کردی را در مدارس بدهد، مورد سوال قرار داد. توپتان گفت اگر آموزش به زبان مادری به غیر از زبان ترکی انجام شود، نوشتن و تکلم به ترکی از بین خواهد رفت. او گفت "ترکی به تکه‌های ریزی خُرد می‌شود."[۳۲]

در ۸ آوریل هم که تانریکولو هیأت نمایندگان سازمان‌های غیردولتی (NGO)، گروه‌های حقوق بشر و اتحادیه کارگران مردم را از دیاربکر به آنکارا همراهی می‌کرد، اردوغان و

---

[۲۹] شایان ذکر است که آن موقع اکثر مردم فکر می‌کردند منظور تانریکولو، PKK است اما در سایه فاش شدن جنایات ارگنکون، ممکن است منظور تانریکولو اعمال جنایتکارانه اعضای ارگنکون در جنوب شرق بوده باشد. ممکن است تانریکولو هم مانند رؤسای کانون وکلا و کمیسیون حقوق بشر دیاربکر از چنان عملیات‌هایی مطلع بوده باشد.

[30] Şiddet

[۳۱] همان.

[۳۲] حریّت، ۸ ژانویه ۲۰۰۸.

تانریکولو مجادله دیگری با هم پیدا کردند. تانریکولو دوباره علاوه بر پروژه‌های توسعه اقتصادی، از توجه به قضایای سیاسی مثل حق تحصیل به زبان و حق استفاده از زبان کردی در ادارات دولتی، دفاع کرد. اردوغان دوباره سرسختی کرد. او جواب داد که آموزش به زبان مادری فقط برای اقلیت‌هاست، او منظورش این بود که کردها را اقلیت نمی‌داند. این موضع حکومت ترکیه از ۱۹۲۳ بوده است، چون کردها مسلمان هستند، آنها را اقلیت محسوب نکرده‌اند و فقط غیر مسلمانان را اقلیت دانسته‌اند. تانریکولو پرسید و به این نکته اشاره کرد که "دولت AKP تکلم و آموزش به زبان ترکی را برای ترکهای آلمان مطالبه کرده است، چرا AKP از حق مشابه برای کردها حمایت نمی‌کند؟"[۳۳] اردوغان به تندی و با عصبانیت پاسخ داد و گفت " تو دروغ می‌گویی، تو صادق نیستی."[۳۴] او دوباره تانریکولو و DTP را برای امتناع از سازمان تروریستی خواندن PKK مورد سرزنش قرار داد. در اینجا، تانریکولو جواب داد که او "مجبور نیست صداقتش را به هیچ کس اثبات کند و گفت تو [اردوغان] نمی‌توانی به من توهین کنی."[۳۵] او سپس فوراً سالن را ترک کرد.[۳۶] باید خاطر نشان نمود که تانریکولو، مانند دیگر ناسیونالیست‌های کُرد اعضای DTP بر این باور است که راه شروع به رسمیت شناخته شدن مسئله کُردی، پذیرش تفاوت‌های زبانی و فرهنگی بین کردها و ترکهاست. اما حتی اگر دولت AKP با چنین مسائلی باز برخورد می‌کرد، بعید به نظر می‌رسید بتوانند ناسیونالیست‌های راست‌گرا، ملی گراهای تندرو، کمالیست‌ها و محافظه‌کاران را ترغیب کنند زیرا این‌ها مخالفت عمیقی با هر گونه ناسیونالیسم کردی اتخاذ می‌کنند.

وقتی محمد کایا، رئیس اتاق تجارت و صنعت دیاربکر به درخواست اردوغان گزارشی از امتیازات پروژه‌های توسعه اقتصادی جنوب شرق تهیه کرد، در گزارشات درخواستی اردوغان خاطر نشان کرد که در تمام مدارس، برنامه‌های آموزشی و نهادهای عمومی،

---

[۳۳] حرّیت، ۹ آوریل ۲۰۰۸.

[۳۴] همان.

[۳۵] همان.

[۳۶] تانریکولو ظاهراً خیلی از پرخاش‌های اردوغان عصبانی شد و عبدالله کُرد، از کردهای نماینده دیاربکر عضو AKP در پارلمان سعی کرد او را آرام کند.

امکان استفاده از زبان کردی به عنوان زبان مقدم باید فراهم باشد.[۳۷] گزارش همچنین خواستار تأسیس مجموعه مطالعات تاریخ و ادبیات کُردی در دانشگاه های ترکیه شد.

تانریکولو بین جدل‌هایش با اردوغان در ژوئیه و آوریل، با اعضای کمیته حقیقت یاب پروژه حقوق بشر کُردی (KHRP)[۳۸] انگلستان و ویلز دیدار و مذاکرات متعددی داشت.[۳۹]

در یکی از مصاحبه‌هایی که توسط اعضای KHRP در ۱۲ مارس ۲۰۰۸، دو ماه پس از مجادله تندش با اردوغان در دیاربکر و یک ماه قبل از مجادله بدخلق آنکارا صورت گرفت اولین کلمات تانریکولو این بود "آنچه باید اتفاق بیافتد، می‌افتد." منظور ضمنی وی این بود که وضعیت روابط بین کردها و ترکها به گونه‌ای است که به نظر نمی‌رسد هیچ راه حلی از طریق مذاکره اتخاذ شود.

رئیس کانون وکلای دیاربکر گفت که از اصطلاح "وضعیت بحرانی" که مرتباً برای توصیف مسئله کردی و خصومت بین دولت و کردها بکار می‌رود بیزار است اما وضعیت جنوب شرق ترکیه در طول بیشتر سال‌های ۳۰ سال گذشته این گونه بوده است. او بر این باور است که وضعیت چنان است که هیچ فضایی برای حرکت جنگی وجود ندارد و فضا فقط برای احزابی که می‌خواهند قدمی بسوی سازش و مصالحه بردارند مساعد است. او گفت اگر این سازش در آینده نزدیک اتفاق نیافتد، "مسئله تجزیه‌طلبی سرزمینی بطور اجتناب ناپذیر مطرح می‌شود." او به هیئت اعزامی گفت "نیاز یک کشور به دلیران برای کسب آزادی شرط لازم است اما به صرف آگاهی افراد یک کشور دموکراتیک نمی-شود." همچنین او به هیأت KHRP گفت "دلیری مفهوم کهنه شده‌ای است و کاستی‌های بنیادینی دارد زیرا در جوهر دموکراسی این ایده وجود دارد که دموکراسی برای همه است در مخلص کلام این مشکل کُرد است. متأسفانه فقط مردمان شجاع می‌توانند برای حقوق انسانی بپاخیزند و بپذیرند که باید تبعات این کارشان را بپردازند."[۴۰]

---

[۳۷] ۹ آوریل ۲۰۰۸، *www.kurdmedia.com*، ۱۱ آوریل ۲۰۰۸.

[38] Kurdish Human Rights Project

[39] "*Return to a State of Emergency?*" Fact-Finding Mission Report: Protecting Human Rights in South-East Turkey (London: KHRP, June 2008).

[۴۰] تمام نقل قول‌های فوق از گزارش KHRP استخراج شده‌اند.

اردوغان پس از بازگشت از دیاربکر حمله به DTP را ادامه داد و بصورت مشابه این حملات را علیه رؤسای انجمن‌های مدنی و NGOهای دیاربکر انجام داد. او از اعضای پارلمانی DTP پرسید: "چرا DTP را حزب یا سازمانی سیاسی می‌پندارید؟" سازمانی که ویژگی‌های سازمانی تروریستی را دارد، در قالب سازمانی سیاسی زیر این سقف چکار می‌کند؟ علاوه بر این، چرا سازمانی سیاسی برای شما لازم است؟ هدف واحدی در پس توان شما در بوحشت انداختن وجود ندارد. روزی فرا می‌رسد که شما دستگیر می-شوید."[۴۱] او در ادامه گفت، "مردم دیاربکر از ترور خسته شده‌اند و این ترورها سیر دموکراسی و پیشرفت و توسعه حتی دولتی قوی‌تر را متوقف نخواهد کرد. ترور هرگز به هیچ مسئله اجتماعی مشروعیت نمی‌بخشد."[۴۲]

بویوکانیت در دیاربکر: ورزش به مثابه دارویی برای همه دردها

همزمان با حضور اردوغان در ۶ ژوئیه در دیاربکر رئیس امور عمومی هم در آنجا بود و هر دو متوجه شدند که نباید در انظار عمومی ظاهر شوند. در حالی که نخست وزیر به شدت از رؤسای انجمن‌های مدنی و NGOها انتقاد کرد، بویوکانیت ایده‌هایش را برای آرام کردن کردها و چگونگی کنترل بهتر ناسیونالیسم کُردی بکار گرفت. طرح پیشنهادی فرو نشاندن تنش، اعلام این مطلب بود که او و یکی از فرماندهان TAF، به این فکر می‌کنند که دیاربکرسپور[۴۳]، تیم برتر فوتبال جنوب شرقی، باید اجازه یافته و تشویق شود تا به لیگ برتر ترکیه بپیوندد که در آن تیم‌های افسانه‌ای گالاتاسرای و فنرباغچه حضور دارند. وی این کار را به دو نفر محول کرد، وزیر کشاورزی و روستاها، مهدی اکَر، که خودش از کردهای اهل دیاربکر است و قبلاً اعلام داشته بود شهرداران جنوب شرق هیچ کاری در طول چهار، پنج سال گذشته برای کمک به توسعه اقتصادی منطقه انجام نداده‌اند و برای

[۴۱] حرّیت، ۹ ژانویه ۲۰۰۸.

[۴۲] همان.

[43] Diyarbakirspor

جذب بودجه لازم جهت کسب جریان درآمد دائمی که دیاربکر را قادر سازد به لیگ برتر بپیوندد، طرحی پیشنهادی به نخست وزیر ارائه نکرده‌اند.[۴۴]

رئیس باشگاه دیاربکرسپور، عدنان اوکتورن اعلام کرد، تضمین بودجه دائمی، پیشرفت بزرگی نه فقط برای فوتبال بلکه برای همه اقتصاد و زندگی اجتماعی دیاربکر به همراه خواهد داشت. اوکتورن اعلان داشت که طرحی پیشنهادی برای احداث مرکز خرید و تفریح، مجموعه ورزشی و ایستگاه گاز برای اردوغان می‌فرستد. با این وجود، او بیان داشت که مجموعه ورزشی را ترجیح می‌دهد چرا که جوانان تمام منطقه جنوب شرق از آن منتفع می‌شوند. او خاطر نشان ساخت که ۴۲ درصد جمعیت دیاربکر بین صفر تا ۱۸ سال هستند. اوکتورن گفت اگر دیاربکر به لیگ برتر بپیوندد، مسابقات تمام مردم منطقه اطراف و دورتر را به خود جذب می‌کند که به پر شدن هتل‌ها و رستوران‌ها منجر شده و رونق تجاری را به دنبال خواهد داشت که به اقتصاد –منطقه– جانی دوباره خواهد بخشید. او اضافه کرد که از هم اکنون مدیران باشگاه برای خانواده‌های فقیر، غذا و لباس تهیه می-کنند و به بچه ها لباس یکدست باشگاه داده خواهد شد. در اقدام تشویقی دیگری برای جلب حمایت از تیم فوتبال، هر هفته یک مدیر باشگاه و یک فوتبالیست از کافه‌ها و چایخانه‌های منطقه دیدن خواهند کرد و روابط گرمی با مردم برقرار خواهند ساخت.[۴۵]

بویوکانیت رئیس امور عمومی و عدنان اوکتورن حتماً فکر می‌کردند به ایده بزرگی برای حل مسئله کُردی نائل شده‌اند: اما این موفقیت در صورتی بود که آنها می‌توانستند تماشاچی‌ها را ترغیب کنند فریادها و هوراهایشان را به زبان ترکی ادا کنند!

محمد کایا، رئیس اتاق تجارت و بازرگانی دیاربکر از حضور بویوکانیت در شهر برای دور نگه‌داشتن سازمانش از عملیات‌های TAF در عراق معذب بود. او اظهار داشت برخی رسانه‌های منطقه، حملات TAF به PKK در شمال عراق را به تصویر می‌کشند، و به گفته او این در حالی است که این حملات در دیاربکر هم وجود دارند. او اظهار داشت که رسانه ها تلاش می‌کنند این گونه القا کنند وقایعی که در ۱۰۰ تا ۱۵۰ کیلومتری دیاربکر اتفاق می‌افتد، بخشی محوری از زندگی روزانه مردم منطقه است. کایا مشتاق بود که

---

[۴۴] حرّیت، ۹ آوریل ۲۰۰۸.

[۴۵] حرّیت، ۱۳ ژانویه ۲۰۰۸.

حمایت اعضای سازمانش از PKK را کم نشان دهد. با این حال، علی رغم اظهارات مناسب وی برای ملاقات‌کنندگان آمده از استانبول، وی هنوز تأکید می‌کرد که "تصور اینکه کردها از مطالبه توسعه فرهنگ و زبانشان دست بردارند، حماقت است."[۴۶]

مؤسسه تجار و صنعتگران ترکیه[۴۷] در دیاربکر

به نظر می‌رسد بویوکانیت تنها کسی نبود که معتقد بود با برگزاری مسابقات بزرگ ورزشی و جشنواره‌های قهرمانی می‌توان از شدت ناسیونالیسم کُردی کاست. حدود یک هفته پس از دیدار اردوغان و بویوکانیت از دیاربکر، مؤسسه تجار و صنعتگران ترکیه به ریاست خانم آرزوهان دوغان یالچین داغ نیز برای ابراز همدردی با قربانیان انفجار ۴ ژوئیه به دیاربکر رفت. پس از ادای احترام به قربانیان حادثه در محل وقوع انفجار، هیئت به وقت‌گذرانی با فرمانده لشگر هفتم ارتش ژنرال باقر کالیونجو پرداخت. فقط پس از دیدار با عالی رتبه‌ترین فرماندهان منطقه بود که یالچین داغ و همراهان وی به دیدار اعضای مؤسسه تجار و صنعتگران جنوب شرق و شرق (DOGÜNSFED) رفتند، که در آن ملاقات او به حضار گفت که سازمانش هرگز مردم دیاربکر و حملات تأثرآوری را که علیه شان صورت می‌گیرد، فراموش نخواهد کرد. او در اضهاراتش به روشنی بیان داشت با این حال، TÜSIAD و اعضایش تا زمانی که PKK در منطقه شکست نخورد، در آنجا سرمایه‌گذاری نخواهند کرد.[۴۸]

سیموس آکباش، رئیس DOGÜNSFED ازحسن نیت اعضای TÜSIAD نسبت به سازمانش کمال تشکر و قدردانی را بجا آورد. یالچین داغ از آکباش درخواست نمود طرحی پیشنهادی برای هر پروژه‌ای که مناسب رشد و ترقی (منطقه است) تهیه کند تا

---

[۴۶] همان.

[47] Turkey's Industrial and Businessmen's Association (TÜSIAD)

[۴۸] حرّیت، ۱۹ ژانویه ۲۰۰۸.

قسمت برنامه‌ریزی مؤسسه‌اش در صورت امکان عملی شدن هر یک از طرح‌ها، تجار جنوب شرق را مطلع کند.[۴۹]

بنابراین، یالچین داغ و مؤسسه‌اش نیز همچون اردوغان و بویوکانت، به روشنی اعلان داشتند که تجار و صنعتگران عضو TÜSIAD تا زمانی که PKK از بین نرود، DTP به حاشیه رانده نشود و مردم منطقه با PKK روابط تنگاتنگی داشته باشند، در منطقه سرمایه-گذاری نخواهند کرد.

احمد نقاش، رئیس اتحادیه صنایع لباس ترکیه (TGSD) با ناراحتی و گلایه گفت که او و دیگر تولیدکنندگان نمی توانند تلاش‌های زیاد دولت AKP را برای تشویق سرمایه-گذاری در مصر درک کنند در حالی که هیچ توجهی به سرمایه‌گذاری در جنوب شرق ترکیه نمی‌شود. امید اوران، رئیس اتاق بازرگانی و بازارهای ترکیه (TOBB) دایره لباس-های آماده از اظهارات نقاش حمایت و اضافه کرد که بنا به آخرین آمارها، ۱۴ استان در شرق و جنوب شرق ترکیه درآمد سرانه‌ای معادل ۱۰۷۳ دلار دارند در حالی که درآمد سرانه ترکیه در سال ۲۰۰۱، ۲۱۴۶ دلار بوده است. در سال ۲۰۰۷ درآمد سرانه مصری‌ها ۱۸۷۰ دلار بوده است، اوران گفت که او متعجب است که "بجای سرمایه‌گذاری در مصر، چرا دولت سرمایه‌گذاری در جنوب شرق را تشویق نمی‌کند."[۵۰] به نظر می‌رسد جواب این باشد که در مصر PKK یا DTP وجود ندارد که AKP، TAF و TÜSIAD انتظار داشته باشند DTP و کردها، PKK را سازمانی تروریستی قلمداد کنند.

به نظر می‌رسد AKP و TAF گلایه‌های نقاش و اوران را شنیده باشند. هشت ماه بعد در راستای ایجاد تحول سیاسی برای مدیریت ناسیونالیسم کُردی در جنوب شرق و شرق، AKP اعلان داشت که از طرح اقدام برای صنایع نساجی حمایت می کند. قسمت‌هایی از ۲۸ امتیاز طرح اقدام، شرکت‌های صنایع نساجی دارای کمتر از ۳۰ کارگر را تشویق می-کرد که از مناطق توسعه یافته به شرق و جنوب شرق منتقل شوند.

اگر آنها بین سالهای ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ به این کار مبادرت نمایند، از معافیت‌های مالیاتی همانند مالیات بر ارزش افزوده، بخشودگی مالیاتی، تضمین سود، بخشودگی بیمه تأمین

---

[۴۹] همان.

[۵۰] حرّیت، ۱۴ ژانویه ۲۰۰۸.

اجتماعی، تخفیف سود قرضه کارفرما، تخفیف مالیات شرکت و کمک هزینه و پاداش سرمایه‌گذاری بهره‌مند خواهند شد.[۵۱]

حسین آونی موتلو و مدیریت ناسیونالیسم کُردی

TAF بخاطر حملات هوایی موفقیت آمیزش به پایگاه‌های PKK در شمال عراق که از دسامبر ۲۰۰۸ شروع و بطور نامنظم تا پایان همین سال ادامه یافته بود و شامل حمله زمینی قوی ۱۰۰۰۰ نفری در فوریه ۲۰۰۹ بود، به خود می‌بالید، در همین اثنا، مقامات دولتی و TAF، سیاست‌هایشان را در جهت استفاده از توسعه اقتصادی به عنوان ابزاری برای مدیریت ناسیونالیسم کُردی بکار گرفتند. در اواخر ژانویه، حسین آونی موتلو استاندار ۳۷ ساله استان دیاربکر که به مدت شش سال استاندار بود و رابطه نزدیکی با ریاست AKP داشت، مصاحبه‌ای طولانی انجام داد و در آن به تشریح جزئیات سیاست‌هایش برای توسعه اقتصادی منطقه و مدیریت ناسیونالیسم کُردی پرداخت.[۵۲]

موتلو اظهار داشت که با سیاست‌های عثمان بایدمیر به نام "جدایی طلبی مثبت"[۵۳] مخالف بوده است. در واقع وی درصدد آن بود که با سیاست "یکپارچگی منسجم"[۵۴] به ضدیت با سیاست بایدمیر بپردازد. استاندار تأکید کرد که او می داند توسعه اقتصادی به اندازه‌ای نیست که بتواند مسئله کُردی را حل کند و تغییرات اجتماعی، سیاسی و قانونی باید صورت بگیرند. وی خاطر نشان ساخت که در چهار سال اخیر تغییرات زیادی روی داده‌اند. شرکت‌هایی چون کویدس[۵۵] و بلدس[۵۶] در جنوب شرق سرمایه‌گذاری نموده‌اند و اغلب مردم منطقه از کارت سبز بهره‌مند شده‌اند که با آن می‌توانند از برخی کمک‌ها در خدمات

---

[۵۱] TDN، ۱۲ آوریل ۲۰۰۸.

[۵۲] این نقل قول از دیدگاه موتلو بر پایه مصاحبه ۲۸ ژانویه ۲۰۰۸ وی با اوزن تورک در روزنامه حرّیت است.

[53] Positive Seperetion

[۵۴] ترجمه کلمه "bütünlülük" به انگلیسی بسیار دشوار است و من اصطلاح "Comrehensive Integration" را برای آن برگزیدم.

[55] Köydes

[56] Beldes

پزشکی، غذا و سوخت (ذغال سنگ) استفاده کنند که این کارت‌ها در دسترس فقرا هم هست.

استاندار کارهای صورت گرفته که منجر به توسعه روستاهای منطقه شده‌اند را مورد بررسی قرار داد. پروژه جنوب آناتولی (GAP) برجسته‌ترین پروژه‌ای بوده که درصدد بنای چندین سد و پروژه آبیاری است. این پروژه‌ها هم اکنون به علت کاهش ترورهای PKK قابل اجرا هستند. موتلو، که در دهه ۱۹۹۰ در شیرناخ هم به مدت پنج سال کار کرده بود، به اوزن تورک[57] گفت که تجربه طولانی او در منطقه، نشان می‌دهد که بزرگترین نیاز در منطقه، اشتغال‌زایی است؛ مردم منطقه کار می‌خواهند.

وقتی که اوزن تورک پرسید آیا مسئله اصلی منطقه "مسئله کُردی" است یا "مسئله منطقه-ای"، موتلو در جواب بطور ضمنی گفت "چرا باید در آنجا مسئله‌ای هویتی مطرح باشد؟" او تأکید کرد که مسئله اصلی "منطقه‌ای" و "انسانی" است و باید بصورت جدی به این مسائل پرداخته شود. علاوه بر این، او اصرار داشت "برخی سیاستمداران کُرد از مردم منطقه برای مطامع سیاسی خود بهره‌برداری می‌کنند. چنانکه مشکلی هویتی وجود داشته باشد، باید ظاهر و پدیدار شود. اگر مشکلی توسط برخی شهروندانمان که کُرد هستند بوجود می‌آید، در این صورت می‌توان آن را "مسئله کُردی" نامید. اما چنین چیزی وجود ندارد. استاندار خاطر نشان کرد با داشتن کارت شناسایی شهروندی، هر شهروندی می‌تواند از هر نقطه کشور به نقطه دیگر مسافرت کرده و به کار مشغول شود و فرزندانش می‌توانند در هر جای ترکیه به تحصیل بپردازند. اینجا "مسئله‌ای" وجود دارد اما آن مسئله، "مسئله‌ای منطقه‌ای" و "مسئله‌ای انسانی" است و البته که این مسائل باید بطور جدی مورد توجه قرار گیرند. از دید موتلو، مشکل اصلی منطقه، نابرابری مناطق غربی و جنوبی در برابر مناطق جنوب شرقی و شرقی بود. او اظهار داشت که این نابرابری‌ها مورد هدف قرار گرفته شده-اند. از زمانی که AKP حکومت را بدست گرفته، ۵۰۰۰ کیلومتر جاده ساخته شده، روستاها آبرسانی شده و بسیاری خانه‌های روستایی صاحب ماشین لباسشویی شده‌اند. وقتی از او پرسیده شد آیا "مسئله هویت" قابل حل است، موتلو در پاسخ اظهار داشت معتقد است در فرایند مذاکرات پذیرش ترکیه به عنوان عضو کامل اتحادیه اروپا، این مسئله هم

---

[57] Özentürk

قابل رفع است. اما تکرار کرد که به نظر او، موضوعات هویتی و فرهنگی در رابطه با مسئله کُردی، مهمترین ملاحظات نیستند.

موتلو تقصیر اصلی عدم توسعه در جنوب شرق و بخصوص دیاربکر را متوجه شهرداران و رؤسای شهرداری‌ها و عدم توانایی‌شان در جذب سرمایه‌گذاری نمود. او ابراز داشت قبل از به حکومت رسیدن AKP، دولت اشتیاقی به توسعه منطقه نشان نمی‌داد. برای مثال، دیاربکر به علت درصدی که از جمعیت کشور داشت، بودجه عمومی دریافت نمی‌کرد. او خاطر نشان ساخت تفاوت‌های اقتصادی بین استان‌های جنوب شرقی و شرقی در مقایسه با دیگر استان‌ها به حدی است که ریختن هر اندازه رأی به صندوق هر حزبی قادر به رفع آن نیست؛ برای رفع این تفاوت‌ها نیازمند تلاش همگانی و متحد هستیم.

در پاسخ به تمایل نخست وزیر اردوغان مبنی بر تلاش AKP برای پیروزی در شهرداری-های منطقه، بویژه دیاربکر، استاندار گفت: هر کسی که می‌تواند بانی توسعه منطقه شود، باید این کار را بکند و هر کسی چنین نکند، خائن به ترکیه است. اما وی اضافه کرد که AKP بطور جدی درصدد رفع مسائل ضروری و حیاتی منطقه است. در پایان مصاحبه نیز اظهار داشت دفترش طرح‌های توسعه اقتصادی برای ۱۵ سال آینده تهیه کرده است که در صورت اجرا، دیاربکر را به یکی از مدرن‌ترین شهرهای ترکیه تبدیل می‌کند.

با این حال، اوزن تورک مصرانه از موتلو پرسید "آیا توسعه اقتصادی برای حل مسئله هویتی کافی است". موتلو باز هم مصرانه پاسخ داد که مسائل فقط مسئله هویت یا اقتصاد نیستند. به نظر او، بزرگترین نقض حقوق بشر، فقر است چرا که فقر، اصل عزت را از بین می‌برد. او در ادامه اضافه نمود خوانین و آقاهای (زمینداران) منطقه‌اش هم اکنون در مرکز شهر سیگار فروشی می‌کنند. چه چیزی آنها را به این وضع کشانده است؟ بدون شک مطالبه هویت باعث چنین چیزی شده است.

به نظر می‌رسد AKP برای مدیریت ناسیونالیسم کُردی تلاش نمود تا این پدیده را درک کند. در ۲۷ مه ۲۰۰۸، اردوغان اظهار داشت دولت وی متعهد شده در طی پنج سال آتی، ۱۴.۵ میلیارد لیره ترک [۱۲.۵ میلیارد دلار] برای توسعه اقتصادی منطقه جنوب شرق هزینه نماید که بیشتر این مبلغ در تکمیل پروژه‌های مرتبط به پروژه گاپ هزینه خواهد شد. جالب است که AKP و TAF همچون دیگر احزاب سیاسی بر پیگیری پروژه‌های

اقتصادی، درکنار سیاست‌های پلیسی و نظامی، همانند آنچه که در افشای ارگنکون به روشنی دیده شد، تأکید دارند و به این نتیجه رسیده‌اند تلاش برای مهار و مدیریت ناسیونالیسم کُردی توسط ایده قابل توجه رفاه اقتصادی کافی نبوده و صرف تحقق آن جوابگوی نیازها و/یا آرزوهای هویت قومی نیست.[۵۸]

[۵۸] برای آگاهی بیشتر از این مسائل نگاه کنید به:

Taha Özhan, "New Action Plan for Southeastern Turkey," *Today's Zaman*, 31 August 2008; Zeki Sarigul, "Taming the Kurdish Ethonationalism in Turkey: Pro-Islamic vs. Social-Economic Approach," (forthcoming in *Ethnic and Radical Studies*).

فصل دوم:
اقامه دعوی برای بستن AKP و DTP؛ ارگنکون و زبان مادری

تصمیم دادگاه قانون اساسی مبنی بر بستن حزب عدالت و توسعه (AKP) و افشای توطئه ارگنکون در مارس ۲۰۰۸ در رسانه‌های عمومی اعلام شد. در پی آن، سه تن از توطئه‌گران اصلی، به همراه حدود ۷۰ نفر از متهمان دیگر بازداشت و حبس شدند. اعلام جرم علیه ارگنکون چند مسئله را روشن کرد: یک، دولت و نیروهای مسلح ترکیه (TAF) سیاست-های اقتصادی مشابهی را برای مدیریت ناسیونالیسم کُردی در جنوب شرق و شرق دنبال می‌کردند؛ دوم، هر دو بر این باور بودند که احداث برنامه‌های توسعه اقتصادی، بویژه پروژه‌های گاپ، ناسیونالیسم کُردی را کاهش می‌دهد؛ سه، معتقد بودند که توسعه اقتصادی و پروژه‌های کارهای عمومی جدید، کردهای بیشتری را به AKP جذب، و از جاذبه حزب کارگران کردستان (PKK) و حزب جامعه دموکراتیک (DTP) خواهد کاست؛ چهار، AKP و TAF امیدوار بودند بتوانند از نفوذ کانون وکلای دیاربکر و کانون پزشکان دیاربکر تا حد زیادی بکاهند. به دلیل مطالبات کانون وکلای دیاربکر باید از نفوذ آن کاسته می‌شد چرا که این کانون به صورت ماهرانه و تفصیلی این مطالبات را توسط رئیسش، سزگین تانریکولو، اعلام داشته بود که عبارت بود از "آموزش به زبان مادری" و اینکه اجازه داده شود کُردی در مکالمات روزمره اداری مورد استفاده قرار گیرد. کانون وکلا در صورت عدم موفقیت در کسب امتیازهایی از دولت در مورد مسئله زبان، احتمالاً تا حد زیادی نفوذش را در میان کردها از دست می‌داد که منجر به آرای کُردی بیشتری برای AKP در انتخابات محلی مارس ۲۰۰۹ می‌شد. ندادن هر گونه امتیازی به آنها، منجر به کاهش نفوذ کانون وکلا و اعضایش و همچنین، کاهش نفوذ آن دسته از اعضای DTP خواهد شد که از حامیان عبدالله اوجالان بودند.

اقامه دعوی برای بستن AKP و DTP

اگر دادگاه قانون اساسی AKP را بسته بود، که به علت رأی ۶ به ۵ در ۳۰ ژوئیه این کار را نکرد، اکثر تحلیلگران فکر می‌کردند که حمایت کردها از DTP افزایش می‌یافت چرا

که هیچ حزب جایگزین قابل قبول دیگری برای آنها وجود نداشت. با بسته شدن پرونده بدون شک نهادهای بسیاری چون TAF آسوده خاطر شدند. حتی افشای ارگنکون نشان داد که همکاری و همدستی گسترده‌ای بین ارگنکون و TAF، تا اوایل ژوئیه ۲۰۰۸ وجود داشته است و در AKP و TAF، همان گونه که به بحث آن خواهم پرداخت، سیاست-های مشابهی را نسبت به جنبش‌های ملی کُردی ترکیه اتخاذ می کنند.
دادگاه قانون اساسی همان گونه که برای بستن AKP پرونده‌ای تشکیل داد ، این کار را در مورد DTP نیز به انجام رساند. مشاجرات لفظی برای بستن DTP در ۱۶ سپتامبر صورت گرفت. ریاست TAF به درستی فکر می کرد که AKP تبرئه اما تصفیه شده و بسته شدن DTP، بهترین راه حل برای کسب اجازه برای ایفای نقش مهم‌تر (ارتش) در مدیریت ناسیونالیسم کُردی هم در ترکیه و هم در شمال عراق است.

افشای ارگنکون و اثرات آن بر مسئله کُردی

کنار گذاشتن موضوع بستن AKP در دادگاه قانون اساسی منجر به تقویت برخی سیاست-های AKP و TAF در مورد کردها شد. اما نمی‌توان گفت چنین چیزی در مورد افشاگری علیه ارگنکون نیز بوقوع پیوست. احمد ترک که یکبار دیگر هم به ریاست DTP رسید، اظهار داشت "تحریکات ارگنکون تست تورنسل[1] برای سیاستمداران DTP بود.[2] اگر تحریکات ارگنکون به شرق رود فرات (که اکثراً کردنشین است) سرایت نکند، مسئله کُردی حل نخواهد شد. ۱۷۰ نفر از دوستان من قربانی جنایت‌های نامکشوف شده‌اند. ما [DTP] احساس می کنیم قضیه ارگنکون برای آینده ترکیه و تحول سیاست‌هایش بسیار مهم است.من معتقدم اگر همه ابعاد قضیه ارگنکون روشن شود، مردم کُرد و ترک

---

[1] ماده آبی رنگی که در اثر اسید زیاد به رنگ قرمز تبدیل می‌شود و هر گاه قلیا به آن بزنند به رنگ آبی در می‌آید. منظور این است که سبب شفاف‌سازی موضع و جبهه سیاستمداران DTP شد.-م.

[2] پس از اینکه نورالدین دمیرتاش به دلیل ارائه گواهی عدم سلامت غلط به مقامات نظامی مجبور به استعفا شد، احمد ترک دوباره به ریاست DTP برگزیده شد.

یکدیگر را بهتر درک خواهند کرد. روشن نمودن اثرات ارگنکون برای واداشتن مردم کُرد و ترک به مآل اندیشی مفید خواهد بود."[۳]

رئیس DTP قویاً تاکید کرد که "منشاء توطئه ارگنکون، مسئله کُردی بود. ریشه، تقویت و رشد سازمان ارگنکون در مناطق کُردی بود. عملیات زشتی که آنها در مناطق کردنشین مرتکب می‌شدند، قدرتشان را منسجم و سازمانشان را قوی‌تر می‌کرد. آنها در مناطق مرفه منطقه مرتکب این اعمال می‌شدند و در نهایت می‌خواستند قدرت را در دست خود بگیرند. ارگنکون را نباید به دلیل جنایاتی که در مناطق کردنشین مرتکب شد به سادگی مورد عفو قرار داد. همه ابعاد ارگنکون باید افشا شود. ما خواستار روشن شدن قتل محمد سنجار، موسی آنتر و تاجران کُرد هستیم.[۴] در دهه ۱۹۹۰ پنج نفر بازداشت شدند. استاندار و فرمانده نظامی مسئولیت آنها را بر عهده گرفتند. همان شب آن پنج نفر را از زندان بیرون آورده و در کنار رود مراد[۵] اعدام کردند. اگر این جنایات روشن نشوند، قضیه ارگنکون حل نخواهد شد.[۶] آکین بیردال، از اعضای پارلمانی DTP نیز، قربانی تروری شد که در ۱۲ مه ۱۹۹۸، وقتی که ریاست انجمن حقوق بشر ترکیه را عهده دار بود، روی داد. قاتل او سمیح توفان گولالتای بود، اما مورد بیردال تا سال ۲۰۰۸ مورد تحقیق کامل قرار نگرفت. حاسیپ کاپلان یکی دیگر از اعضای پارلمانی دائم DTP نیز خواستار بررسی قتل بیردال در رابطه با افشاگری علیه ارگنکون شد.[۷]

آمنه آینا، طرفدار اوجالان معاون احمد ترک، رئیس DTP، اظهار داشت، "مهم نیست که AKP چقدر تلاش نمود نشان دهد اعمال و توطئه‌های ارگنکون علیه آن بوده است،

---

[۳] حرّیت، ۲۵ آگوست ۲۰۰۸.

[۴] موسی آنتر از روشنفکران، فعّالان و نویسندگان کُرد بود. او در سپتامبر ۱۹۹۲ احتمالاً بدست عوامل ارگنکون به قتل رسید. محمد سنجار از اعضای حزب دموکراسی (DEP) در ۴ سپتامبر ۱۹۹۳ به هنگام حضور در تجمعی سیاسی در شهر باتمان در جنوب شرق به قتل رسید. برای اطلاعات بیشتر از این دو فرد به منبع زیر مراجعه کنید:
Michael Gunter, *Historical Dictionary of the Kurds* (Lanham, Maryland: Scarecrow Press, 2004), 9 and 189.

[5] Murat

[۶] حرّیت، ۲۵ آگوست ۲۰۰۸.

[۷] گولالتای از بنیانگذاران بریگاد انتقام ترک (*Türk Intikam Tugayı*-TIT) بود که در سازماندهی و انجام بسیاری جنایات دیگر غیر از ترور بیردال نقش داشت.

حقیقت مطلب این است که عملیات‌ها با آگاهی، اجازه و تایید فرمانده کل انجام گرفته‌اند. عملیات‌های ارگنکون چیزی جز "پاکسازی منطقه‌ای" توسط قدرت‌های سیاسی نبودند. موضع ما روشن است. هر چقدر جوانب قضیه ارگنکون بیشتر فاش شود، آگاهان و سیاستمداران کُرد بیشتر درک خواهند کرد که قضایا آن گونه نیست که آنها نشان می‌دهند، در حقیقت، آگاهان و سیاستمداران کُرد به قضیه ارگنکون پی برده و وارد عمل خواهند شد."[8]

آینا رسماً و آشکارا بیان داشت که سیاستمداران کُرد، حتی آنهایی که در حزب عدالت و توسعه (AKP)، حزب مردم جمهوری‌خواه (CHP)، حزب حرکت ملی (MHP) و دیگر احزاب سیاسی هستند، باید بپذیرند که سرکوب ناسیونالیسم کُردی هدف اصلی ارگنکون بوده و عملیات‌های آنها با حمایت و اطلاع نیروهای مسلح ترکیه (TAF) و مطمئناً AKP پس از به قدرت رسیدن در ۲۰۰۲ صورت گرفته است. آینا به حمایت ایالات متحده و اروپا از عملیات‌های ارگنکون نیز اشاره کرد که به منظور تقویت موقعیت ترکیه در برابر ایران و در خاورمیانه صورت گرفت.

این گفته بویژه در صورتی که امریکا و/یا اسرائیل بطور گسترده‌ای در طول سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ و همچنین ۲۰۰۹ به حمله به ایران می‌اندیشیدند درست بود. آینا گفت: "نتیجتاً روشن می‌شود که مذاکرات و معاملات جدیدی بر سر کردها در جریان است و سیاست‌ها و توافقات جدیدی مورد بررسی قرار گرفته‌اند."[9] آینا خاطر نشان ساخت که ۱۱ تن از ۵۸ فرد بازداشت شده در ۹ ژوئیه، از نظامیان بازنشسته بوده‌اند.

آینا همچنین با عملیات‌های دولت بر ضد ارگنکون مخالفت کرد چرا که تحریکات و بازداشت‌ها با اجازه و اطلاع ستاد کل TAF در کنار اجازه AKP صورت گرفته بود. او مؤکداً اظهار داشت که "AKP هیچ وقت بدون اجازه ستاد کل ارتش به تحقیق در مورد ارگنکون نپرداخته است. مشکوک‌ترین نمونه در مورد شمدینلی بوقوع پیوست. از این رو آنچه قدرت سیاسی در حال انجامش است پاکسازی سرزمینی با استفاده از نیروی نظامی است. با توقیف اعضای ارگنکون از شاخه خاصی که نظامی بودند، آنها تلاش دارند ظاهر

[8] همان.

[9] همان.

نامرتب و نگرش‌های بدون مرز را در دولت منعکس کنند؛ تا بتوانند ادعا کنند دولت مورد سازماندهی مجدد واقع شده است."[۱۰] این سازماندهی مجدد ممکن است به همکاری نزدیک‌تر AKP و TAF و همکاری نزدیک‌تر بین AKP، TAF و حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) بیانجامد.

عبدالله اوجالان با آمنه آینا موافق بود که عملیات‌های ارگنکون از طرف کشورهای اروپایی و همچنین روسیه، چین و هند مورد حمایت بود.[۱۱] در اثبات این اظهارات اوجالان گفت که قبل از ۲۰۰۲، نمایندگان هورشیت تولون و شنر اورویگور، دو تن از بلند مرتبه‌ترین توطئه‌گران، او را در زندان جزیره ایمرالی ملاقات کرده‌اند. یکی از نمایندگان لِونت ارسوز[۱۲] رئیس یگان اطلاعات و ضدترور ژاندارمری (JITEM) بود که در موردش توضیح داده شد. اوجالان گفت توطئه ارگنکون او را به یاد کار مادان اوغلو انداخت.[۱۳] اسناد پیوست کیفرخواست بیان می‌داشت که اوجالان می‌توانسته در اواخر ۱۹۷۹، قبل از کودتای نظامی ۱۹۸۰، از طریق اطلاعاتی که توسط ارگنکون به او رسیده از ترکیه بگریزد. اوجالان این را نیز گفت که عوامل ارگنکون با او در مورد ترور تانسو چیللر که طی دوره ۱۹۹۶-۱۹۹۷ نخست وزیر ترکیه بود، صحبت کرده بودند. او همچنین خاطر نشان ساخت که اطلاعات مهمی در مورد ولی کوچوک، یکی از توطئه‌گران، بدست آورده و می‌تواند اطلاعاتی در مورد ادعاهایی که می‌گوید PKK در خفا توسط عناصر پشت پرده دولت ترکیه حمایت شده، ارائه دهد.[۱۴]

ادعا می‌شد ارتباط‌هایی بین ارگنکون و اعضای PKK غیر از اوجالان وجود داشته است. در آگوست ۲۰۰۸، شمدین ساکیک از فرماندهان سابق PKK، که با اوجالان مشاجره‌ای

---

[۱۰] *تودیز زمان*، ۹ ژوئیه ۲۰۰۸.

[۱۱] حرّیت، ۲۵ آگوست ۲۰۰۸.

[12] Levent Ersöz

[۱۳] ماداناوغلو (Madanoĝlu) از شرکت‌کنندگان مهم در کودتای ۲۷ مارس ۱۹۶۰ بود. او از افسران نظامی چپ‌گرا بود که کمیته اتحاد ملی (*Milli Birlik Komitisi*-MBK) را به منظور انجام کودتایی نظامی تأسیس کرد که با شکست مواجه شد و افسران جناح راستی به قدرت برگشتند. در ۱۲ مارس ۱۹۷۱ آنها نخست وزیر سلیمان دمیرل را مجبور به استعفا کردند. از حسن اوزتورک که این اطلاعات را در اختیارم گذاشت متشکرم.

[۱۴] حرّیت، ۲۵ آگوست ۲۰۰۸.

داشت و در نتیجه آن تسلیم نیروهای نظامی ترکیه شد و هم اکنون در زندان دیاربکر است، گواهی داد روابطی بین او و ارگنکون وجود داشت. ساکیک تصدیق کرد که محمود یلدرم که به خاطر چندین قتل و دیگر جنایات تحت تعقیب است و برای سازمان اطلاعات ملی ترکیه (MIT) کار می‌کرده، او را از عراق به ترکیه آورده است. ساکیک تأکید نمود که توطئه‌گران ارگنکون که در این نمونه توسط دوغو پرینچیک رهبر حزب کارگران (IP) رهبری می‌شدند، با همکاری جمیل بایک، یکی از رهبران عالی PKK، طرح و دستورالعملی برای دستیابی به قدرت طراحی کردند، و پس از آنکه AKP قدرت را در نوامبر ۲۰۰۲ بدست گرفت، درصدد سرنگون کردنش بودند.[۱۵]

سزگین تانریکولوی با هوش و با نفوذ از این طرفداری کرد که علی رغم اکراه اوجالان برای فاش کردن موضوعات مورد بحث قرار گرفته، ادعای اوجالان مبنی بر ملاقات عوامل ارگنکون با او در زندان، باید توسط زرکیا اوز، مأمور ارشد دولت برای پیگیری قضیه ارگنکون، مورد تحقیق قرار گیرد. تانریکولو گفت: "برای درک و آشکارسازی اینکه چه گروه‌هایی مخالف راه‌حلی هستند که مسئله را پایان می‌دهد دانستن این مباحث حیاتی است. به منظور شفاف نمودن گذشته اخیر، لازم است گشایش‌های دموکراتیکی برای توضیح دوره‌ای از درگیری داشته باشیم."[۱۶] تانریکولو نیز بر این باور بود که حتماً لازم است اگر اوجالان بتواند آزادانه صحبت کند او را از زندانش ایمرالی به زندان دیگری منتقل کنند. در مورد ادعاهایی مبنی بر مذاکره ژنرال‌های طراح کودتای نافرجام در ۲۰۰۴ با اوجالان و درخواست اعلام آتش بس توسط PKK مطابق میل رئیس جمهور، تانریکولو گفت که در درستی چنین اطلاعاتی تردید دارد.[۱۷]

در نتیجه ادامه تحقیقات در مورد ارگنکون در طول تابستان و پاییز ۲۰۰۸، مدارک و اسناد بیشتری در خانه ولی کوچوک پیدا شدند که ارتباط ارگنکون با PKK را فاش می‌کرد.[۱۸] ۲۵۰۰ صفحه اظهارنامه زرکیا اوز، مأمور ارشد دولتی نیز نشان داد بین PKK و جبهه

---

[۱۵] همان.

[۱۶] *ریزاگار*، ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۸.

[۱۷] احمد نجدت سزر که در آن زمان رئیس جمهور بود با مذاکره با PKK، حداقل بطور علنی و آشکار مخالف بود.

[۱۸] پیدا کردن مدارک و اسناد در یک خانه، شش ماه به طول انجامیده است!-م.

آزادی‌بخش خلق انقلابی (DHKP/C) و حزب ا... ترکیه ارتباط وجود دارد. حزب ا... ترکیه گروهی کُرد شبه‌نظامی اسلامگرای مورد حمایت ارگنکون و مخالف PKK بودند و آن را مورد حمله قرار می دادند. اینها کارهایی بود که نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، سازمان اطلاعات ملی (MIT) و ارگنکون از آنها برای کاستن از ناسیونالیسم کُردی استفاده کردند.

ایلکر باشبوغ، رئیس جدید ستاد ارتش و مسئله کُردی

در ۵ سپتامبر، دقیقاً ۹ ماه پس از دیدار یاشار بویوکانیت از دیاربکر و حمایت از ورزش به عنوان اکسیری برای حل مسئله کُردی، رئیس جدید ستاد ارتش ایلکر باشبوغ نیز که در آگوست پا جای پای بویوکانیت گذاشت و روش او را ادامه داد. باشبوغ تازه منصوب، مانند عبدالله گل رئیس جمهور، اولین دیدار رسمی خود را از شرق و جنوب شرق انجام داد. او در دیاربکر در مورد مسئله کُردی سخنرانی سیاسی ایراد کرد.
باشبوغ با دست پُر به دیاربکر آمد. او در جلسه ۲۵ فوریه شورای امنیت ملی (MGK) تهیه کننده اصلی گزارشی بود که تحت عنوان "طرح اقدام برای شرق و جنوب شرق" ارائه شد و پس از تأیید نخست وزیر بولنت اجویت در ۹ مه ۲۰۰۰ به عنوان سیاست رسمی TAF شناخته شد.[۱۹] باشبوغ با جومهور آسپاروک دبیر کل شورای امنیت ملی (MGK) که طرح اقدام ۱۰۷ ماده‌ای را به روزنامه‌ها داد، صحبت کرد. ۴۷ ماده از ۱۰۷ ماده مذکور به توسعه اقتصادی، ۳۰ ماده به نیاز به اصلاح مدیریتی، ۱۷ ماده به مسائل آموزش و تحصیل و ۱۳ ماده نیز به مسائل بهداشتی و درمانی مربوط بودند. باشبوغ در سخنرانی‌اش از سیاست‌هایی که در طرح اقدام MGK در سال ۲۰۰۰ پیشنهاد داده بود عدول کرد. تفاوت اصلی در دیدگاه باشبوغ از آنجا ناشی شده بود که حملات هوایی گسترده ترکیه علیه پایگاه های PKK در شمال عراق در دسامبر ۲۰۰۷ که تا زمان سخنرانی او نیز ادامه داشتند، و حمله قوی ۱۰ هزار نفری در فوریه ۲۰۰۸، بطور جدی PKK را هم در شمال عراق و هم در

---

[۱۹] تحلیل زیر از گزارش، بر اساس مقاله مراد یتکین است که در ۶ سپتامبر در مجله *رادیکال* و در ۷ سپتامبر در روزنامه حرّیت نیز چاپ شد.

درون ترکیه تضعیف نمودند. به نظر می‌رسد بخشی از اطمینان باشبوغ ناشی از همکاری مشترک TAF با نیروهای اشغالگر ایالات متحده در عراق باشد. باشبوغ فقط چند روز قبل از رسیدن به دیاربکر آشکارا اعلان داشت که روابط ترکیه با ایالات متحده عالی و تمام عیار است.

باشبوغ با ۱۹ گروه جامعه مدنی از شرق و جنوب شرق صحبت کرد. باز هم نمایندگان کانون وکلای دیاربکر، کانون پزشکان دیاربکر، انجمن حقوق بشر و سازمانی خیریه به نام مظلوم-دَر[۲۰]، دعوت نشده بودند. به نظر می‌رسد علت دعوت نکردن این مؤسسات، باور باشبوغ به وجود روابط نزدیک و تنگاتنگ آنها با PKK و DTP بود. باشبوغ در سخنرانی‌اش سه نکته اصلی را ایراد کرد. یک، اظهار داشت که ۶۴ درصد جمعیت دیاربکر زیر ۲۴ سال هستند اما بنا به شواهدی که او دارد به نظرش این پتانسیل بزرگی برای منطقه است. اگر دولت، سازمان‌های خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی معیارهای لازم را بدست آورند و این گروه سنی را با دوره‌های آموزشی و حرفه‌ای مجهز نمایند، "سازمان ترور در موقعیت غیرمؤثرتری از موقعیت کنونی قرار خواهد گرفت." ژنرال گفت ما [دولت] قدرت انجام این کار را داریم. دو، باشبوغ از وضعیت زنان و دختران جنوب شرق اظهار تأسف کرد. او خاطر نشان ساخت که وضعیت زنان و دختران در همه جای ترکیه خوب نیست، اما در منطقه جنوب شرق بدتر از دیگر مناطق است.[۲۱] سه، ژنرال گفت بودجه بودجه بیشتری برای پروژه گاپ بویژه برای رفع نیازهای اقتصادی مردم جنوب شرق اختصاص داده شده است. با ورود مناسب سازمان‌های مدنی، پتانسیل‌های مذکور آینده روشنی خواهند داشت. او بیان داشت که یک روز قبل، او و تیم همراهش با سازمان‌های جامعه مدنی صحبت کرده بودند و آنها طرح‌های پیشنهادی برای چگونه تغییر دادن شرایط را به وی ارائه کردند. او به حضار گفت TAF خودش مسئول اجرای همه ایده‌های جوامع مدنی نیست اما، او اطمینان می‌دهد که این ایده‌ها را به وزارتخانه‌های مربوطه دولتی انتقال

---

[20] Mazlum-Der

[۲۱] مطالعه جامعی راجع به وضعیت زنان و دختران جنوب شرق ترکیه در TESEV (مؤسسه مطالعات اقتصادی و اجتماعی ترکیه) در دسامبر ۲۰۰۸ به چاپ رسیده است. نگاه کنید به : *www.tesev.org.tr*

خواهد داد. باشبوغ با گفتن اینکه "مشکلات دیاربکر، مشکلات ماست"[۲۲] سخنان خود را به پایان برد. ظاهراً منظور او اشاره به این واقعیت بود که مشکلات و مسائل دیاربکر، مشکلات TAF، AKP، MIT و در حقیقت همه ترکها و کردها نیز هست.

روشن چاکر خبرنگار روزنامه وطن و مفسر روشنگر مسائل کُردی، تحلیل خوبی از دیدار باشبوغ از دیاربکر ارائه کرد. چاکر به طرز حیرت انگیزی با احمد ترک و آمنه آینا موافق است که اولین دیدار رسمی باشبوغ از دیاربکر نشان می‌داد که اساسی‌ترین و حادترین مسئله به چالش کشنده ترکیه، مسئله کُردی است. دو، دیدار رئیس ستاد ارتش از جنوب شرق روشن ساخت که همه سازمان‌های امنیتی دولت، بدون همکاری مردم منطقه نمی‌توانند مسئله کُردی را حل کنند. سه، علی‌رغم خصومت عمیق مردم منطقه با دولت، آنها نمی‌خواهند همه روابط را با حکومت قطع کنند یعنی نمی‌خواهند خودمختاری سیاسی پیشنهادی بایدمیر تحت عنوان "جدایی منفی" یا "جدایی جغرافیایی" مربوط به اندیشه تانریکولو را پیگیری کنند.

چاکر همچنین فکر می کرد ایده "گشایش جنوب شرق" باشبوغ فرصت‌هایی را فراهم می‌کند. یک، باشبوغ به منطقه خیلی آشنا بود. در واقع، او مدت زیادی در منطقه خدمت کرده بود و پیشنهادش در پذیرش او به عنوان "شهروند افتخاری" دیاربکر که به سازمان‌های جامعه مدنی داد از روی شوخی نبود؛ جدای از این، مطمئناً عثمان بایدمیر هیچ علاقه‌ای نداشت چنین افتخاری را به باشبوغ ارزانی کند. شاید ژنرال به دنبال این بود که قبل از انتخابات ۲۹ مارس ۲۰۰۹ نه عثمان بایدمیر و نه هیچ عضو دیگری از DTP دیگر شهردار دیاربکر نباشد. دو، باشبوغ می‌دانست که در دیگر کشورها نیز مسائل قومی وجود دارند که با راه‌های گوناگون و چندین خط‌مشی پیگیری می‌شوند. سه، به عنوان یک "واقع گرا" باشبوغ می‌دانست مسئله کُردی جنوب شرق را نمی‌توان از طریق ابزارهای اجبار و نظامی حل کرد. چهار، در کنار توسعه اقتصادی و اجتماعی، پروژه‌های فرهنگی را نیز باید شروع کرد. بطور برجسته، رئیس ستاد ارتش هیچ چیزی در مورد قضیه زبان که مطرح‌ترین خواسته فرهنگی کردهاست، بیان نکرد.

---

[۲۲] همان.

چاکر همچنین فکر می‌کرد خطراتی متوجه سیاست‌های باشبوغ بود. یک، مسئله کُردی به علت جنبش ناسیونالیستی کردهای عراق، ایران و سوریه، اشغال نظامی عراق توسط ایالات متحده، ابعاد بین‌المللی که حتی رویکردی "واقع‌گرا" قادر به حل آنها نیست، به سطح خاورمیانه رسیده است. دو، اگر چه ۱۹ سازمان جامعه مدنی صحبت‌های باشبوغ را مدنظر قرار دادند اما همان گونه که ذکر شد سازمان‌های مهم دعوت نشده بودند. سه، باشبوغ از سازمان‌های جامعه مدنی درخواست کرد TAF را در به حاشیه راندن PKK و DTP یاری کنند. اما چاکر هم مانند دیگر تحلیلگران متقاعد نشده بود که رابطه بین PKK و مردم جنوب شرق و شرق به اندازه‌ای قوی است که دولت و TAF فکر می‌کردند. او متذکر شد که بسیاری از سازمان‌های جامعه مدنی که باشبوغ با آنها صحبت کرد ممکن است به "کشمکشی تمام عیار علیه PKK" به رهبری TAF اشتیاق نشان دهند. چهار، اگر چه باشبوغ مکرراً اظهار داشت بنا به شواهدی که در اختیار دارد PKK در "نقطه شکست" است، برای چاکر و دیگر تحلیلگران درستی این مطلب روشن نبود. در نهایت، چاکر متعجب بود که توصیه‌های باشبوغ چگونه توسط احزاب سیاسی غیر از AKP و CHP پذیرفته خواهد شد زیرا به گفته او بقیه ارتباط کمی با مسئله کُردی داشتند.[۲۳] به نظر دولتی‌ها،یک نشانه امیدوارکننده برای حل مسئله کُردی این بود که TAF، AKP، MIT، اردوغان و باشبوغ همگی تا زمانی که مسئله کُردی نگران کننده بود "روی فرکانس مشابهی" بودند. به این فرکانس مشابه باید حسین آونی موتلو را هم اضافه کرد چون او در دیدار رئیس ستاد ارتش از دیاربکر در ۵ سپتامبر دائماً طرف او را می‌گرفت.[۲۴]

گزارش کُردی دوغو اِرگیل

در اوایل سپتامبر ۲۰۰۸ "گزارش کُردی" دیگری بر پایه نظرسنجی‌های گسترده، بطور مستقیم توسط پروفسور دوغو ارگیل از دانشگاهیان برجسته ترکیه، در مسئله کُردی منتشر

---

[۲۳] *وطن*، ۸ سپتامبر ۲۰۰۸.

[۲۴] مراد یتکین، *رادیکال*، ۷ سپتامبر ۲۰۰۸.

شد.[۲۵] نظرسنجی یک ماه قبل از دیدار باشبوغ از دیاربکر انجام شده بود. نظرسنجی سئوال-هایی را از کردهای سه منطقه پرسیده بود: یک، در مناطق ۱۶ تا ۲۲ جنوب شرق که DTP در آنجا قوی بود؛ دو، در منطقه ۱۵ در غرب که DTP آنجا قوی نبود؛ و منطقه سومی که مابین دو منطقه قبلی بود. در منطقه یک، ۱۴۲۴۳ نفر به سؤالات پاسخ دادند. در پاسخ به این سؤال که آیا در ترکیه مسئله کُردی وجود دارد یا خیر، در منطقه یک (جنوب شرق) ۷۸.۳ درصد پاسخ دهندگان گفتند که در واقع چنین مسئله‌ای وجود دارد اما در شهرهایی از جنوب شرق که از DTP حمایت نمی‌شد ۳۶.۱ درصد جواب "خیر" دادند. در پاسخ به این سؤال که آیا کردها و ترکها دو ملت جدا از هم هستند، در منطقه یک (جنوب شرق) ۶۹.۱ درصد نظرشان مثبت بود و ۱۶.۶ درصد جواب منفی دادند. در منطقه دو، ۴۴ درصد اظهار داشتند که کردها و ترکها مردمان متفاوتی هستند، و ۳۷ درصد گفتند که آنها متفاوت نیستند. قابل توجه است که در شهرهای بزرگ غربی، ۶۴.۸ درصد جوابشان مثبت بود و فقط ۷.۷ درصد مخالفت نمودند. واقعیت این است که جواب پاسخ‌دهندگان شهرهای بزرگ غربی که به نظرشان کردها و ترکها دو ملت متفاوت از هم هستند نشان از مصالحه و توافق فرهنگی خوبی بین این دو گروه نیست.

سؤال دومی که در نظرسنجی مطرح شد این بود که آیا کُردی زبانی جدا از زبان ترکی است یا خیر. در منطقه یک، ۶۹.۱ درصد پاسخ‌دهندگان جواب مثبت به این سؤال دادند. این درصد در شهرهای طرفدار DTP در جنوب شرق تا ۷۵ درصد نیز افزایش یافت. در منطقه دو (غرب) ۶۲ درصد گفتند فکر نمی‌کنند کُردی زبان جداگانه‌ای باشد. شایان ذکر است در حالی که ۶۹.۱ درصد پاسخ‌دهندگان منطقه دو (غرب) اظهار داشته بودند که کردها و ترکها دو ملت متفاوت نیستند از طرف دیگر، ۶۲ درصد بر این باور بودند که کُردی زبانی جداگانه نیست. همین امر این سؤال را پیش می‌کشد که پاسخ‌دهندگان منطقه دو (غرب) تفاوت‌های ملی را بر چه پایه و اساسی می‌دانند. سؤال دیگر این بود که آیا به نظرشان DTP حزبی جدایی‌طلب است یا نه. در منطقه یک، ۶۰ درصد افراد شهرهای طرفدار DTP پاسخ دادند که به نظرشان DTP حزبی جدایی‌طلب نیست. در منطقه دو

---

[۲۵] خلاصه گزارش در *تودیز زمان*، در ۷ سپتامبر ۲۰۰۸؛ و در ۴ سپتامبر در روزنامه *صاباح* منتشر شد. من از هر دو خلاصه استفاده کردم.

(شهرهای غرب)، ۶۳.۳ درصد بر این باور بودند که DTP مشغول فعالیت‌های جدایی-طلبانه است. وقتی سؤال شد که آیا به نظرشان DTP از فعالیت‌های تروریستی PKK حمایت می کند، ۶۴.۴ درصد پاسخ‌دهندگان در منطقه یک گفتند، "خیر". اما ۶۴ درصد پاسخ‌دهندگان منطقه دو بر این باور بودند که DTP از تروریسم حمایت می کند. در پاسخ به سؤالی که آیا کردها در شهرهای غربی مورد برخی تبعیض‌ها قرار گرفته‌اند، ۵۱.۳ درصد پاسخ‌دهندگان در شهرهای طرفدار DTP در جنوب شرق اظهار داشتند که از تبعیض رنج می‌برند و ۴۷.۴ درصد پاسخ منفی دادند. در شهرهای غربی، ۷۸.۸ درصد بر این باور بودند که کردها مورد تبعیض واقع نشده‌اند.

برجسته‌ترین نتایج نظرسنجی نشان از تفاوت قابل ملاحظه بین پاسخ‌دهندگان شهرهای عمدتاً کردنشین در جنوب شرق و شهرهای بزرگ غرب (ترکیه) بود که ۶۴.۴ درصدشان بر این باور بودند کردها و ترکها دو ملت متفاوت هستند اما در همان حال ۶۲ درصد فکر می کردند کُردی و ترکی زبان‌های جداگانه‌ای نیستند و ۶۳.۳ درصد پاسخ‌دهندگان شهرهای غربی بر این باور بودند که DTP مشغول فعالیت‌های جدایی‌طلبی است. پروفسور ارگیل نتایج نظرسنجی را اینگونه تشریح کرد که کردهای غرب با کردهای جنوب شرق سه تفاوت عمده دارند: "یک، کردهای ساکن در غرب به خوبی از مسئله کُردی آگاه نیستند؛ دو، آنها تحت نفوذ ایدئولوژی رسمی دولتی هستند که اصرار دارد هیچ مسئله کُردی وجود ندارد؛ سه، آنها از فشار هم محله‌ای‌هایشان، می ترسند بگویند مسئله کُردی وجود دارد."[26] اما ارگیل در ادامه گفت نظرسنجی نشان می‌دهد مشکل کُردی را می توان از طریق اطمینان‌بخشی در مورد یکپارچگی فرهنگی کُردی و ترکی در متن تکثرگرایی دموکراتیک حل نمود. از این نظر، دیدگاه‌های ارگیل شبیه دیدگاه‌های نخست وزیر اردوغان، رئیس جمهور گل، رئیس ستاد ارتش ایلکر باشبوغ و استاندار دیاربکر، حسین آونی موتلو بود.

---

[26] همان.

تفرقه در درون DTP: چگونگی مذاکره بر سر مسئله کُردی

مسئله غامض مذاکره بر سر مسئله کُردی از طریق به زمین گذاشتن سلاح یا ادامه درگیری مسلحانه و حمایت از PKK در حین مذاکره با دولت و TAF تا آنجا ادامه پیدا کرد که DTP را به ستوه آورد. این قضیه اهمیت فوق العاده‌ای داشت چرا که سیاست TAF و AKP از بین بردن و/یا به حاشیه راندن DTP بود زیرا این حزب دیگر بازیگر سیاسی مؤثری نبود. مسئله اصلی DTP در جلسه فوق‌العاده ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۸ آنکارا انتخاب بین ادامه درگیری مسلحانه یا متوقف نمودن آن بود. پس از وقفه‌ای هشت ماهه، احمد ترک دوباره به ریاست رسید و آمنه آینا در سمت معاون رئیس باقی ماند. در جلسه، توافقات حاصله در جلسه هفته گذشته دیاربکر مبنی بر ترغیب اوجالان به مذاکره، دوباره مورد تأکید قرار گرفت.

احمد ترک در بیانیه‌ای که آماده کرده بود، پذیرفت که DTP مرتکب اشتباهاتی شده و آنگونه که باید وظیفه‌اش را به خوبی انجام نداده است. حزب هنوز سازوکارهای مناسب دموکراتیک را به وجه شایسته‌ای توسعه نداده است. او تأکید کرد که لازم است از اسلحه به عنوان ابزاری برای نیل به عدالت استفاده نشود. اما تأکید کرد که DTP خواستار استفاده از زبان مادری در نهادهای آموزشی و مکالمات روزمره اداری است. او گفت اگر دولت حقوق تفاوت هویتی و تفاوت فرهنگی را تأمین کند، اوجالان در عرض یک ماه درخواست به زمین گذاشتن سلاح را مطرح خواهد کرد. برای دولت تحریک آمیز بود که در برابر دستی که برای صلح دراز شده کناره گیری کند. احمد ترک گفت که DTP نیازمند حزبی جدید با آگاهی کردها، علوی‌ها و کارگران است. چنان حزبی قادر خواهد بود ترکیه را به سمت توسعه سیاسی بهنجار سوق دهد. شعار چنان حزبی باید این باشد: زندگی با هم، حل مشکلات با هم.[۲۷]

یک ماه بعد در مصاحبه‌ای با روژ تی‌وی[۲۸] ریاست DTP تأکید کرد DTP برای رقابت با چالش AKP در انتخابات محلی قریب به وقوع ۲۹ مارس ۲۰۰۹ باید به جایگاه خود دست

---

[۲۷] حرّیت، ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۸.

[28] Roj TV

یابد.[۲۹] او می‌دانست DTP که حزبی نماینده نیازها و خواسته‌های کردهای ترکیه است، نمی‌تواند با AKP که در انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ آرای بیشتری از DTP کسب نموده بود، مشاجره کند. "این ما را با مسئله مهم‌تری مواجه می کند که قادر به پاسخ به آن نیستیم. اگر شما قوی نباشید، چیزهایی که می گویید ارزش کمتری دارند."[۳۰] یک روز پس از آنکه احمد ترک در مورد چالش انتخاباتی DTP صحبت کرد، رسانه‌های ترکیه اعلام کردند AKP درصدد برنامه‌ریزی برای مبارزه با بدتر شدن وضعیت اقتصادی در جنوب شرق و بویژه در استان دیاربکر است. در این مورد، AKP سعی کرد شهرداران و مقامات منتخب منطقه را متهم کند. AKP در این فکر بود که برای انتخاب شدن نیهات هاتپ اوغلو که مجری تلویزیونی برنامه مذهبی پرطرفداری است، و/یا مصطفی دمیر که شهردار مرکز مذهبی محافظه‌کارانه فاتح[۳۱] در استانبول است، برنامه‌ریزی کند. برخی از مهم‌ترین نهادهای مذهبی مانند اسکندر پاشا، مسجد و مدارس اسماعیل اوغلو و طریقت نقشبندی در منطقه فاتح واقع شده‌اند. منطقه فاتح نیز دربردارنده بسیاری از طرفداران فتح‌الله گولن است. علاوه بر این، بسیاری از کردها در منطقه فاتح و مناطق مجاور آن زندگی می کنند. اگر هاتپ اوغلو یا دمیر توسط AKP انتخاب می‌شدند، ثابت می‌شد که AKP و TAF برای مبارزه با جنبش ناسیونالیستی کُردی از گسترش جنبش فتح ا... گولن و طریقت نقشبندی در جنوب شرق و شرق حمایت می کنند.[۳۲] به محض شنیدن این اخبار، احمد ترک اعلام کرد که جنگ خوبی را به راه خواهد انداخت: "برخی شاید خیال پیروزی در دیاربکر را در سر می‌پرورانند. ما کوچک‌ترین نگرانی در مورد این شهر نداریم. ما قوی‌تر از زمان انتخابات ۲۲ ژوئیه هستیم."[۳۳] وی اضافه کرد که DTP رقابتش را فقط به جنوب شرق محدود نخواهد کرد: "رأی‌های کُردی زیادی در ازمیر وجود دارند که ممکن است سرنوشت آن شهر را تغییر دهند. این ممکن است اثراتی بر شهرداری بگذارد. ما با قاعده

---

[۲۹] TDN، ۱۹ آگوست ۲۰۰۸.

[۳۰] همان.

[31] Fatih

[۳۲] TDN، ۲۶ آگوست ۲۰۰۸. متعاقباً هیچ کدام از این دو نفر انتخاب نشدند.

[۳۳] همان.

پیش می‌آییم."[۳۴] اظهارات احمد ترک در مورد ازمیر از آن جهت مهم است که بطور ضمنی نشان می دهد DTP نه فقط با AKP بلکه با CHP نیز رقابت خواهد کرد چرا که ازمیر یکی از محل‌های مهم رأی‌آوری CHP است. اتخاذ چنین راهبردی توسط DTP خطراتی به همراه داشت چرا که ممکن بود AKP و CHP را وادار کند برای مهار مسئله کُردی با هم همکاری قوی‌تری نسبت به گذشته داشته باشند.

همزمان با اینکه احمد ترک راهبرد انتخاباتی DTP را اعلام کرد، از PKK نیز درخواست کرد سلاحش را بر زمین بگذارد. اما خاطرنشان ساخت که به زمین گذاشتن سلاح باید مشروط به رسمیت یافتن هویت کُردی از سوی دولت باشد: "این واقعیتی اجتماعی است. کردها تحت تأثیر سیاست‌هایی که بر پایه انکار هویتشان است واقع نمی‌شود. تا زمانی که دولت این سیاست را تغییر ندهد، نمی‌تواند از اثر و نفوذ PKK بر مردم بکاهد. شما نمی‌توانید PKK را به این باور برسانید که استفاده از سلاح غیرضروری است."[۳۵] او تکرار کرد که "گفتگو راه‌حل مشکلات در مرزهای ترکیه است. ما باید چنان عمل کنیم که حتی PKK نیز جمهوری ترکیه را کشور خودش بداند. بدون این منطق، جلو رفتن از طریق گفتگویی مشترک و ترسیم نقشه راه غیرممکن است."[۳۶]

رئیس DTP باور چندانی به این نداشت که توسعه اقتصادی بیشتر، مانند سرمایه‌گذاری حداقل ۱۴.۵ میلیارد لیره جدید ترکیه که توسط AKP برای گسترش پروژه‌های اقتصادی و تکمیل زیربناهای پروژه گاپ اختصاص داده شد، سبب بهتر شدن وضعیت جنوب شرق می‌شود. احمد ترک استدلال کرد "سیاست‌هایی که در قبال قضیه کُردی اتخاذ می‌شوند ماهیت 'قیمومیتی' را فرض گرفته‌اند و فضای کمی برای دیدگاه‌های خود کردها باقی

---

[۳۴] همان.

[۳۵] همان.

[۳۶] همان. خلاء نقشه راه وقتی روشن‌تر شد که خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیهان در ۵ آگوست، فقط دو روز بعد از حمله روسیه به گرجستان، منفجر گردید. نزدیک بودن دو واقعه شاید نشان‌دهنده برخی ارتباط‌ها بین PKK و مسکو باشد.

می گذارند. نگرش سیاست قیمومیتی که می گوید 'ما بهترین را می‌دانیم' اعتبار خود را از دست داده است.[۳۷]

در خصوص مورد ارگنکون احمد ترک گفت چیزهای زیادی مانده تا یاد بگیریم: "ما باید زیر کوه را ببینیم تا توطئه‌گران ارگنکون را در حد گسترده‌اش فاش کنیم. او تذکرات دوستانه خود را مجدداً تکرار کرد و گفت "مسئله کُردی، جنوب شرق و شرق رود فرات بودند که سبب تقویت و گسترش ارگنکون شدند."[۳۸]

اقامه دعوی برای بستن DTP

در حالی که DTP نتوانست بطور کامل در منازعات داخلی دخالت کند و با چالش آماده-سازی AKP برای انتخابات ۲۹ مارس مواجه شد، احتمالاً باید با اقامه دعوی برای بسته شدن حزب که توسط دادگاه قانون اساسی مطرح شده بود نیز روبرو می‌شد. احمد ترک و بنگی یلدیز نماینده باتمان عضو DTP در ۱۶ سپتامبر به دفاع شفاهی پرداختند. اقامه دعوی برای بسته شدن DTP در ۱۱ مارس ۲۰۰۸ به دادگاه عالی استیناف ارجاع داده شد. دادخواست از دادگاه قانون اساسی خواستار منع فعالیت سیاسی به مدت پنج سال برای هشت نفر از اعضای پارلمانی DTP و ۲۲۱ عضو دیگر شد.[۳۹] عبدالرحمن یالچین کایا رئیس وقت دادگاه عالی استیناف ابراز داشت که DTP دیگر به مرکزی برای فعالیت‌هایی مبدل شده که هدفشان لطمه به استقلال کشور و یکپارچگی غیرقابل‌تقسیم سرزمین و ملت است. DTP ششمین حزب کُردگرایی است که از سال ۱۹۹۲ تأسیس شده است. همزمان با اقامه دعوی در دادگاه قانون اساسی برای بستن DTP و AKP، اقدامات برای بسته شدن

---

[۳۷] TDN، ۲۵ آگوست ۲۰۰۸.

[۳۸] همان.

[۳۹] برای دستیابی به تحقیقی خوب در مورد مسائل منجر به دادخواست بسته شدن DTP مراجعه کنید به:
Gareth Jenkins, "DTP Presents Final Defence in Closure Case," *Eurasia Daily Monitor*, vol. 15, no. 7, 17 September 2008.
تحقیق جنکینز را می‌توانید از سایت مؤسسه جیمز تاون (www.jamestown.org) هم دریافت کنید. من در اینجا از گزارش جنکینز نقل قول و استفاده کرده‌ام.

حزب کُردگرای دیگر یعنی حزب دموکراسی مردم (HADEP) نیز فزونی یافت. اگر DTP بسته می‌شد، احتمال بسته شدن HADEP نیز دور از انتظار نبود. با این حال، دادگاه قانون اساسی در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۸ برای بسته شدن حزب کُردگرای دیگری به نام حزب عدالت و آزادی (HAK-PAR) اقامه دعوی کرد. شایان ذکر است که HAK-PAR طرفدار حل مسالمت‌آمیز مسئله کُردی بود.[۴۰]

اقامه دعوی برای بستن DTP پنج ماه قبل از اقامه دعوی برای بستن AKP به دادگاه قانون اساسی ارجاع داده شد. البته، رسیدگی به پرونده AKP اولویت و ضرورت بیشتری داشت چرا که بر ثبات سیاسی ترکیه اثرگذار بود. حتی قبل از رأی برائت دادگاه قانون اساسی به AKP در ۳۰ ژوئیه، کردها شک داشتند که DTP بسته شود. برخی کردها محض احتیاط مشغول سازماندهی حزب کُردی جدیدی به نام حزب صلح و دموکراسی (BDP) شوند.[۴۱] در ۱۵ سپتامبر، یک روز قبل از اینکه احمد ترک و بنگی یلدیز دفاع‌های شفاهی خود را در برابر دادگاه قانون اساسی ایراد کنند، مقامات DTP در دیاربکر "دادگاهی مردمی" را در میدان داغکاپی برگزار کردند. این میدان یکی از میادین اصلی شهر قدیمی محصور در دیوارها و محل اعدام شیخ سعید و ۴۶ نفر از انقلابیون پیرو او در ۲۹ ژوئن ۱۹۲۵ بود. در سال ۲۰۰۸ میدان داغکاپی که محل اعدام شیخ سعید و پیروانش بود به بنای یادبود ملی

---

[۴۰] دلایل دادگاه قانون اساسی برای نبستن HAK-PAR (HAK Ve Özgürlük Partisi) روشن نیست. اما HAK-PAR از راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای حل مسئله کُردی دفاع می‌کند و بیش از DTP با دولت، و کمتر با ملی-گراهای جنگ طلب کُرد همراهی کرده است. در واقع حزب توسط عبدالملک فرات، از نوه‌های شیخ سعید که رهبر شورش ۱۹۲۵ علیه جمهوری جدید ترکیه بود، راه‌اندازی شد. هم اکنون ریاست حزب را سرتاج بوجاک، از اعضای قبیله بزرگ بوجاک که سیاست‌های متفاوتی در پیش گرفته، به عهده دارد. یکی از سرکردگان قبیله‌ای بوجاک، سدات بوجاک، درگیر رسوایی مشهور ۱۹۹۶ سوسورلوک بود که در آن روابط عالی بین عوامل اطلاعاتی ترکیه و جنایت‌های سازمان یافته فاش شدند. سدات بوجاک رئیس نیرویی ۲۰۰۰ نفری از شبه نظامیان مشهور به نگهبانان روستا هم بود که به همراه TAF علیه PKK می‌جنگیدند. سرتاج بوجاک نماینده راستی‌های طبقه متوسط بوجاک‌ها و اعضای HAK-PAR است. به نظر می‌رسد عناصر HAK-PAR با جنبش‌های اسلامگرای کُردی نیز ارتباطاتی دارند. این حزب را به زبان کُردی پارتیا ماف و ئازادیان می‌خوانند.

[۴۱] BDP (Bariş Ve Demokrat Partisi)، اولین جلسه خود را در ۷ سپتامبر برگزار و دمیر چلیک را به عنوان رئیس انتخاب کرد.

کُردی تبدیل شد.[۴۲] برای یادبود اعدام ۲۹ ژوئن، کمیته یادبود دیاربکر از استاندار حسین آونی موتلو اجازه نمایش یادبودی را در محل درخواست کرد، اما وی این درخواست را رد نمود. کمیته و حدود ۱۰۰ نفر دیگر با پلاکاردهایی که نوشته‌هایی کُردی و ترکی داشت، مجبور شدند نمایش را به مقابل شهرداری دیاربکر، جایی که دفتر عثمان بایدمیر در آن قرار دارد، منتقل کنند. ۳۰ نفر دیگر که ادعا می کردند از بستگان شیخ بودند، در برابر میدان مسجد جامع تظاهرات کردند.[۴۳] احمد ترک با DTPای متفرق که دسته‌ای طرفدار به زمین گذاشتن سلاح و دسته‌ای مخالف این امر بودند، در برابر دادگاه قانون اساسی حاضر شد. رسانه‌های ترکیه این دو دسته را "بازها" و "کبوترها" نامیدند. کبوترها به نمایندگی احمد ترک به همراه سیری ساکیک، آیسل توگلوک، نوری یالمان، آکین بیردال و تعدادی دیگر بودند. بازها عبارت بودند از آمنه آینا، صلاح الدین دمیرتاش برادر نورالدین دمیرتاش، صباحات تونجل و بنگی یلدیز. بسیاری از بازها جوان بودند و در انجمن‌های حزبی زنان DTP خدمت کرده و مدتی را در زندان سپری کرده بودند.[۴۴] بازها نگران این بودند که اگر DTP بیش از این خودش را از PKK و اوجالان دور کند، روابطش را با شالوده خود از دست بدهد. جریان فکری سومی هم در DTP بود که آکین بیردال و حاسیپ کاپلان آن را نمایندگی می کردند؛ این گروه سوم موضعی بین دو گروه بازها و کبوترها اتخاذ کرده بود. قابل توجه است که کاپلان، احمد ترک را به هنگام دفاع شفاهی‌اش در برابر دادگاه قانون اساسی همراهی نکرد. در عوض، احمد ترک را یکی از بازها، بنگی یلدیز همراهی کرد. گزارش شد که آمنه آینا، کاموران یوکسک و مصطفی ساریکایا با پیوستن کاپلان به تیم دفاع از DTP مخالف بودند.[۴۵]

---

[۴۲] برای اطلاعات دقیق در مورد اهمیت شیخ سعید نگاه کنید به:
Robert Olson, *The Emergence of Kurdish Nationalism and the Sheikh Said Rebellion: 1880-1925* (Austin: University of Texas Press, 1989).

[۴۳] *حرّیت*، ۳۰ ژوئن ۲۰۰۸.

[۴۴] *آکسیون*، ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۸. نورالدین دمیرتاش قبل از برگزیده شدن به عنوان رئیس DTP در سال ۲۰۰۷، ۹ سال زندانی بود.

[۴۵] *ملّیت*، ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۸. کاپلان از اعمال غیرمحترمانه آنها انتقاد کرده و آنها را نامحترم خواند. او خاطر نشان کرد در ترکیه و اروپا ریاست تیم دفاع قانونی از HEP و DEP را در موارد مشابه اقامه دعوی برای بسته شدن، بر عهده داشته است.

احمد ترک در دفاع شفاهی‌اش گفت، "کردها می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند و قادرند مأموریت مهمی نه فقط در حل مسئله کُردی بلکه در حل دیگر چالش‌های بنیادینی که ترکیه با آنها مواجه است داشته باشند. مایه تأسف خواهد بود که با بستن و ممنوع کردن DTP شانس ایفای چنین نقشی از ما گرفته شود."[۴۶] او در ادامه گفت که پارلمان فرصتی دیگر برای گفتگویی که از انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ با ورود DTP به پارلمان شروع شده دارد اما، "پارلمان در موقعیتی نیست که بتواند جلوی جریان خون را بگیرد."[۴۷] رئیس DTP گفته‌هایش را این گونه به پایان برد: "فرصت‌های داده شده توسط DTP به ترکیه، به مردمانش اجازه می دهد که در کنار زندگی و تفکر متفاوت، در نظامی دموکراتیک با هم شریک باشند و این فرصت را نباید از دست داد."[۴۸]

در این مورد، بقیه به اندازه احمد ترک مطمئن نبودند. عمر سردار کاپلان از حقوقدانان کُرد دیاربکر فکر می‌کرد ممکن است زمان حل مسالمت‌آمیز مسئله کُرد در ترکیه گذشته باشد. وی خاطر نشان ساخت که DTP و حتی رأی‌دهندگان جنوب شرق از بسته نشدن AKP خوشحال شدند. آنها فکر می‌کردند که بسته نشدن AKP ممکن است نشان از بسته نشدن DTP هم باشد. کاپلان فکر می‌کرد اگر DTP بسته شود، بزرگ‌ترین بازنده جریان، AKP خواهد بود زیرا ممنوع کردن DTP، قابلیت آنها را در گسترش قدرتشان در جنوب شرق سخت خواهد کرد. AKP در توضیح اینکه چرا DTP بسته شد و AKP بسته نشد دوران سختی را در برابر رأی‌دهندگان جنوب شرق طی خواهد کرد. تحت چنین شرایطی، سیاست‌های منطقه‌ای به نفع DTP خواهد بود. کاپلان پرسید: "AKP چگونه بسته شدن DTP را به مردم منطقه حامی آنها توضیح می‌دهد؟"[۴۹] چنان موقعیتی به DTP اجازه می‌دهد گفتگوها را به نفع خود پیش ببرد و آنها نیز از این فرصت علیه AKP استفاده خواهند کرد.

---

[۴۶] همان.

[۴۷] همان.

[۴۸] همان.

[۴۹] *آکسیون*، ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۸.

کاپلان باز هم این بحث را پیش کشید که زمان مفید برای مذاکره از دست رفته است. او اظهار داشت که به نظرش در دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۲ که AKP در مسند قدرت بوده، دستورالعمل سیاسی درباره کردها تغییری نکرده بود. این دلالت بر آن داشت که AKP و TAF و احتمالاً دستگاه قضایی براستی در این مورد "روی فرکانسی مشابه" بودند. AKP ظاهراً فقط شکل جدیدی داشت. هراس از بسته شدن هر دو حزب باید AKP و DTP را به بحث بر سر منافع متقابل می‌رساند. DTP چه بسته می‌شد و نمی‌شد برای AKP منبع نگرانی عمده‌ای نبود بلکه "نگرانی اساسی آنها از کنار گذاشتن شمشیر نگهبانان [نظامیان] دموکراسی از روی سرشان بود. AKP فقط به دنبال تغییرات جزئی در قانون اساسی ۱۹۸۲ بود. هم اکنون، در نتیجه بسته نشدن AKP، دادگاه قانون اساسی اگر تغییراتی در قانون اساسی را بپذیرد در حد تغییرات جزیی و ناچیز خواهد بود. دادگاه قانون اساسی به سهولت هرگونه پیشنهاد ارائه شده به آنها را در صورتی که مخالف دیدگاه‌هایشان در مورد سکولاریسم، حاکمیت قانون یا وضعیت اجتماعی باشد، رد خواهد کرد. دادگاه قانون اساسی در موقعیتی است که می‌تواند این کار را بکند؛ در واقع امکان انجام چنین کاری برایش مهیاست."[۵۰] کاپلان فکر می‌کرد که تنها راه خروج از این تنگنا، تهیه قانون اساسی جدیدی است که در صورت عدم توانایی پارلمان، با انتخابات جدیدی آن را مصوب نمود. مفسر دیگر، محمد سونمز، عضو سابق حزب رفاه و نماینده حزب در پارلمان از شهر بینگول، امیدوار بود که DTP بسته نشود. او گفت با توجه به این حقیقت که حزب کُردگرای HAK-PAR بسته نشده، امید است DTP هم بسته نشود. سونمز بر این باور بود که بسته نشدن حزب آن را تضعیف خواهد کرد. جنگ‌طلبان DTP می‌گفتند که "کردها به کوه‌ها رفته‌اند" زیرا فرصت‌هایی برای مشارکت در کشمکشی دموکراتیک برایشان فراهم نبوده است، بسته نشدن DTP مسلماً به افزایش فشار به آنها برای ترک مخاصمه مسلحانه خواهد انجامید و به تضعیف این بخش از حزب و خود حزب منجر خواهد شد.[۵۱]

---

[۵۰] همان.

[۵۱] همان.

تحلیلگر دیگر، محمد آکار، از اعضای خانواده شیخ سعید، استدلال می‌کرد فقط قانونی اساسی که از حقوق سیاسی و فرهنگی کردها حمایت کند، قادر به حل مسأله (کُردی) خواهد بود. هر گونه رجوع به قانون اساسی مصوب ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۲ مانع از حل مسأله خواهد شد. AKP باید از وجود دموکراسی نه فقط برای خودش بلکه برای همه اقشار جامعه اطمینان حاصل کند. آکار نیز چون کاپلان بر این باور بود که اگر DTP بسته شود کردها AKP را مسئول آن خواهند دانست: "این بدان خاطر است که از سال ۲۰۰۲ مردم جنوب شرق به این باور رسیده‌اند که راه‌حل مسأله کُردی در پارلمان واقع شده و این پیشرفت جدید مهمی است. بستن مداوم احزاب کُردی موجب ناامیدی مردم جنوب شرق و بی‌اعتمادی‌شان به دولت شده است. اما هم اکنون بسته نشدن AKP و HAK-PAR سبب تجدید اعتمادسازی مردم شده است. اگر DTP بسته نشود، این اعتماد رشد خواهد کرد."[۵۲] مظهر زومرود معاون رئیس HAK-PAR اظهار داشت که هم اکنون لحظه‌ای عالی برای پایان دادن به عمل مذموم بستن احزاب سیاسی است. او عقیده داشت که این کار را می‌توان با قانون اساسی جدیدی به انجام رساند. وی افزود، "مردم جنوب شرق تشنه دموکراسی هستند."[۵۳] بسته نشدن AKP و HAK-PAR مردم جنوب شرق را خشنود ساخت. زومرود گفت ترکیه دو گزینه در پیش رو دارد: "یا همانند مردم جهان با همدیگر متحد شده و تحت قوانینی متمدنانه زندگی خواهیم کرد یا در شرایط فعلی‌مان مثل عراق، سوریه و افغانستان خواهیم ماند؛ AKP این را می‌داند. اما تا زمانی که در مورد بسته شدن DTP تصمیمی اتخاذ نشود، احتمالات کمی برای تغییر وجود دارد. در حقیقت، بستن DTP اصطکاک و مبارزات سیاسی داخلی را تقویت خواهد کرد."[۵۴]

---

[۵۲] همان. نمی‌دانم آکار به کدام حزب سیاسی متعلق است.

[۵۳] همان.

[۵۴] همان.

"آموزش زبان مادری" و/یا "آموزش به زبان مادری": گسترش مسئله کُردی

علاوه بر مدیریت ناسیونالیسم کُردی از طریق توسعه اقتصادی و تدابیر سرمایه‌داری، انهدام و بستن یا به حاشیه‌رانی PKK ،DTP، در بین دیگر راه‌حل‌های ذکر شده در بالا، مدیریت قضیه زبان، بویژه خواسته کردها در مورد "آموزش به زبان مادری" بطور قابل ملاحظه‌ای در سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ افزایش یافت. این مسئله، قضیه تعیین کننده معاملات قوی بین اردوغان و سزگین تانریکولو در هر دو ماه ژانویه و آوریل بود. قضیه استفاده از زبان کُردی در گفتگوهای اداری روزمره برخی اوقات به مسئله‌ای حاد مبدل می‌شد. قضیه وقتی تشدید شد که عالی‌ترین دادگاه اجرایی حکم به دلیل اینکه دفتر عبدالله دمیرباش، شهردار منطقه سور شهر دیاربکر، بروشورهای شهرداری را به زبان‌هایی –کُردی، انگلیسی و سریانی- غیر از زبان ترکی منتشر نموده بود، حکم به انفصال وی داد.[۵۵]

---

[۵۵] دادگاه حکم کرد که شهرداری و دمیرباش که به عنوان شهردار اجازه چاپ را داده بود، مواد ۳ و ۴۲ قانون اساسی ترکیه و قانون ترکیه را نقض کرده‌اند. مواد ۳ و ۴۲ در مورد اتحاد کشور، زبان رسمی‌اش، پرچم و سرود ملی، شهر پایتخت، وظایف و حقوق در آموزش است. موارد نقض قانون توسط شهرداری عبارت بود از نقض بخش "وظایف آموزش" و همچنین نقض ماده ۳۰۱ قانون جزا که حمله به دولت را ممنوع ساخته بود. دادگاه باتفاق آراء رأی به نفع وزارت امور داخلی داد که دعوی را مطرح کرده بود. دادگاه حکم کرد اعمال دمیرباش و شهرداری را "نمی‌توان به عنوان یکی از موارد مذکور در حقوق خودمختاری حکومت‌های محلی اروپا که در ماده ۸ آمده یا امتیاز اروپایی خودگردانی محلی،" همان‌گونه که وکلای شهرداری برشمرده‌اند، قلمداد کرد. بنا به حکم، دمیرباش و دیگر شهرداران، به اضافه ۲۱ نفر دیگر که در دعوی ذکر شده بودند باید مورد مجازات‌های جزائی قرار گیرند. برای پی بردن به زمینه سیاسی که اقامه دعوی دمیرباش با آن مواجه بود نگاه کنید به:
Robert Olson, "From the EU Project to the Iraq Project and Back again? Kurds and Turks after the 22 July 2007 Elections,"*Mediteranian Quarterly*, vol.10, no.4 (Fall 2007), 31-2.
برای اطلاعات بیشتر در مورد دمیرباش و مسائل زبان و دیگر سوالات مربوطه نگاه کنید به:
"Return to a State of Emergency? Fact-Finding Mission Report: Protecting Human Rights in South-East Turkey," KHRP (London: KHRP), June 2008, 37-8.
کیفر خواست مشابهی نیز علیه عثمان بایدمیر به دلیل استفاده او از حرف "w" کُردی که در ترکی وجود ندارد، مطرح شد. وقتی که من در ۱ اکتبر ۲۰۰۷ با بایدمیر مصاحبه کردم، او به من گفت: وقتی بازپرس ارشد دیاربکر این را به من گفت به او جواب دادم "اما شما همیشه حرف "w" را به هنگام استفاده از "www.com" بکار می برید. آیین

تانریکولو دو هفته پس از برخورد با اردوغان در ۸ آوریل، دیدگاهش را در مورد راه‌حلها و اهمیت "آموزش به زبان مادری "گسترش داد.[۵۶] وقتی از او پرسیده شد که منظورش از "تکلم به زبان مادری" چیست، تانریکولو در پاسخ جواب داد که "آموزش به زبان مادری یعنی استفاده از زبان در تمام سطوح آموزش". "اما آموزش زبان مادری بطور ساده به معنای یاد دادن زبان است. با این وجود من از آموزش به زبان مادری تحت شرایط معینی دفاع می‌کنم، ترکیه فقط می‌تواند به آمارهایی در مورد آموزش زبان مادری دست یابد. اما هم اکنون مسئله‌ای که در داخل ترکیه وجود دارد، مخالفت قاطع با همه زبان‌های مادری بغیر از زبان ترکی است. نخست وزیر می‌گوید فقط اقلیت‌ها از حق آموزش به زبان مادری برخوردارند. ترکیه راهی برای آموزش زبان مادری باز کرده اما فقط در دوره‌های خصوصی. اغلب این دوره‌ها هم به علت مقررات و محدودیت‌ها بسته شده‌اند. آنها فقط برای افراد بالای ۱۵ سال باز بودند، و یافتن معلمان برای تدریس بسیار دشوار بود. آموزش زبان مادری باید در همه مدارس عمومی انجام شود. باید در مدارس عمومی دوره‌هایی اختیاری وجود داشته باشند. ما همچنین خواستار تأسیس و اجرای برنامه‌های مطالعات کُردی در دانشگاه‌ها و الغای همه محدودیت‌ها و برداشتن موانع بر سر راه پخش برنامه به زبان‌های غیر از ترکی هستیم."[۵۷]

تانریکولو سپس به مسئله پخش برنامه اشاره کرد و گفت: "در مورد پخش برنامه، قانوناً هیچ مانعی وجود ندارد. قانون تصریح کرده که پخش این برنامه‌ها مجاز است. اما مقررات شورای عالی رادیو و تلویزیون (RTÜK) پخش برنامه‌ها را فقط به رادیو و تلویزیون ترکیه (TRT) محدود کرده است. ما دادخواست شکایتی علیه این مقررات مطرح کردیم اما درخواست ما به دلیل اینکه ما حق اقامه چنین دعوی را نداریم، رد شد."[۵۸] او در ادامه خاطر نشان کرد که اردوغان گفته، "[مسئله زبان] فقط بعدی اقتصادی دارد. او به ما گفته

بوداک شهردار جزره نیز به دلیل ایراد سخنرانی به زبان کُردی در مراسم نوروز در ۲۱ مارس ۲۰۰۷ تحت پیگرد قانون ضدترور قرار گرفت.

[۵۶] اظهارات زیر از مصاحبه تانریکولو با *تودیز زمان* در ۲۰ آوریل ۲۰۰۸ گرفته شده‌اند.

[۵۷] همان.

[۵۸] همان.

که کردها می‌توانند رئیس جمهور، نخست وزیر و نماینده پارلمان باشند. من به او گفتم مسئله دارای بعدی فرهنگی است و این نه فقط برای کردها بلکه برای همه کسانی است که در ترکیه احساس تفاوت می‌کنند. آنها باید از حق آموزش، پخش برنامه و دریافت خدمات به زبان مادری خودشان برخوردار باشند. سپس نخست وزیر به من گفت اشتباه می‌کنم و هیچ جایی در جهان نیست که چنین چیزی امکان پذیر باشد و مثال آلمان را آورد. اما من به او گفتم در آلمان امکان آموزش ترکی در دوره‌های خصوصی وجود دارد. من به او گفتم در سوئد امکان یادگیری حتی زبان لاز هم وجود دارد. در ادامه او گفت که من دروغ می‌گویم؛ در نتیجه من جلسه را ترک کردم."[۵۹]

وقتی تانریکولو خواستار ارائه خدمات عمومی به زبان مادری شد و در هر صورت پیشنهاد زبان اداری غیر از ترکی را مطرح کرد، او جواب داد، "هیچ بحثی در این مورد نداریم و هیچ دلیلی برای این کار وجود ندارد. فقط یک زبان اداری در جمهوری ترکیه وجود دارد و آن هم زبان ترکی است. مورد شهرداری منطقه سور دیاربکر بسیار نمایشی است. شورای آنها تصمیم به ارائه برخی خدمات به زبان کُردی گرفته است. علیه شهردار آنجا به دلیل اینکه بروشورهایی به زبان کُردی منتشر کرده اقامه دعوی شده است. این بی‌معنی است. اگر این جنایت است، پس مطالبی هم که وزارت فرهنگ به زبان انگلیسی منتشر می‌کند، جنایت است. ترکیه دیگر نباید با این نوع مسائل سروکار داشته باشد.[۶۰]

پخش برنامه به زبان مادری: پاسخ دولت

استفاده از کُردی در مکالمات روزمره ذهن دولت را نیز مشغول کرده بود. در ۴ ژوئن ۲۰۰۸ وزیر کشور AKP، محمد آیدین اعلام کرد دولت درصدد اجرای سیاست‌هایی است که به رادیو و تلویزیون اجازه پخش اخبار به زبان‌هایی غیر از ترکی را می‌دهد اما چنین پیشرفتی "آنقدر که به نظر می‌رسید آسان نبود."[۶۱] آیدین گفت "گذشته از همه این-

---

[۵۹] همان.

[۶۰] همان.

[۶۱] حرّیت، ۵ ژوئن ۲۰۰۸.

ها، نه فقط کُردی بلکه زبان‌های دیگری هم هستند که در ترکیه بدان تکلم می‌شود که با آنها نیز پخش برنامه صورت خواهد گرفت. زمان زیادی طول می کشد که شالوده چنین کاری پی‌ریزی شده و کارشناسان لازم و ... یافته و آموزش بیابند.[۶۲] در واقع، فقط یک روز پس از اعلان خبر توسط آیدین، دنیز بایکال رئیس حزب مردم جمهوری خواه (CHP)، حزب اصلی اپوزسیون در پارلمان، طی دیداری از جنوب شرق که خودش آنرا "گشایش کُردی" نامید، ابراز کرد که قضیه زبان در مرکز توجه وی است. او همانند آیدین گفت که علاقه‌مند است همه گروه‌های ترکیه حق استفاده، یادگیری و نشر به زبان مادری‌شان را داشته باشند. شایان ذکر است که (زبان‌های) لازی، یونانی یا حتی ارمنی هم توسط مردمان کمتری از کردها تکلم می‌شود. اما همه چنان زبان‌هایی نیز آنگونه که RTÜK اعلام کرده، واجد شرایط پخش برنامه به همان میزانی هستند که به زبان کُردی برنامه پخش شود. در واقع برنامه کُردی نیز به لهجه‌های کُرمانجی، زازا/دمیلی و احتمالاً سورانی پخش می‌شود تا به گسترش قریب‌الوقوع لهجه کُردی قابل فهم رایج کمک نماید. رویکرد جدید پخش برنامه از طریق سیاست تکثرگرایی زبانی، به روشنی و مستقیماً درصدد رفع مسئله زبان کُردی است.

یک هفته پس از اعلام خبر توسط آیدین، در ۱۱ ژوئن، پارلمان ترکیه قانونی را به تصویب رساند که در آن به شبکه TRT اجازه می‌داد برنامه‌ها را به زبان‌هایی غیر از زبان ترکی پخش کند. یکی از کانال‌های TRT به پخش برنامه به زبان کُردی اختصاص یافت. سزگین تانریکولو به قانون پخش جدید خوش بین نبود. او قویاً بر این دیدگاه بود که "بدون اجازه به صاحبان تلویزیون خصوصی برای پخش برنامه به زبان کُردی، این خواسته-ها برآورده نخواهند شد."[۶۳] او شک داشت که این اولین گام را بتوان به عنوان "اولین حرکت در اجازه به شبکه‌های خصوصی برای پخش برنامه به زبان کُردی در آینده نزدیک" تفسیر کرد.[۶۴] وی در ادامه خاطر نشان کرد، "من درک نمی‌کنم چرا آنها باید قانون را تغییر بدهند. محدودیت‌های ساعتی در پخش کُردی در TRT را قانون ایجاد

---

[۶۲] همان.

[۶۳] حرّیت، ۲۹ ژوئن ۲۰۰۸.

[۶۴] همان.

نکرده بود بلکه ناشی از آیین‌نامه و مقررات داخلی خود TRT بود. من فکر می‌کنم آنها [دولت] نمی‌توانند TRT را مجبور به پخش تمام وقت کنند، و بنابراین دولت این قانون را تصویب کرد تا مقاومت TRT را بشکنند.[۶۵]

دیگر مقامات کُرد خوشبین‌تر از تانریکولو بودند و بر این باور بودند که پخش‌های TRT به نحوی خواسته‌های کردها را مبنی بر برنامه‌های کُردی بیشتر، به هر لهجه‌ای، در رادیو و تلویزیون برآورده خواهد کرد. TRT اجازه یافت موافقت‌نامه‌هایی را با رادیو و ایستگاه-های تلویزیونی محلی درون مرزهای ترکیه منعقد کند. اما TRT همه پخش‌ها را کنترل خواهد کرد و اخبار و تصاویر را به ایستگاه‌های محلی و/یا منطقه‌ای درخواست کننده، می‌فروشد. در ۲۰ ژوئن گزارش شد که سنان ایلهان، مقامی در وزارت خارجه که اصالتاً کُرد بود، احتمالاً مدیریت کانال را بر عهده خواهد گرفت. او بطور مشهود، دوره‌های طولانی جهت کسب قابلیت‌های اطلاعاتی متعددی گذرانده، و زبان‌شناسی متخصص بود که علاوه بر همه لهجه‌های کُردی، به زبان‌های عربی و عبری نیز مسلط بود.[۶۶] همه این‌ها نشان از کنترل شدید بر مضامینی بود که احتمالاً پخش می‌شدند.

در ۱۹ سپتامبر، ابراهیم شاهین، مدیر TRT به خبرنگاران اعلام کرد کانال کُردی TRT احتمالاً در مارس ۲۰۰۹ شروع بکار خواهد کرد و پخش آن، در کمال شگفتی، همانند شبکه Roj خواهد بود و در هر جایی که این شبکه در دسترس بوده، قابل دسترسی است. این خبر مصادف شد با دیدار ۵۶ شهردار کُرد با فوگر راسموسن نخست وزیر دانمارک و درخواست از او برای بسته نشدن شبکه Roj که از کشورش پخش می‌شد. شاهین اعلام کرد کانال جدید به لهجه‌های کُرمانجی، زازا، سورانی و گورانی برنامه پخش خواهد کرد. و گفت: "ما حتی درخواست‌هایی [ظاهراً از سوی کردها] برای شروع برنامه‌ها با سرود ملی ترکیه داشته‌ایم. حتی کردهای عراق، شمال عراق و سوئد نیز خواهند توانست برنامه‌های کانال جدید ما را ببینند.[۶۷] شاهین این مطلب را تکذیب کرد که هماهنگ‌کننده کانال کُردی جدید، سنان ایلهان، از عوامل MIT است. مدیر TRT در کمال تعجب گفته بود

---

[۶۵] *تودیز زمان*، ۱۳ ژوئن ۲۰۰۸.

[۶۶] همان.

[۶۷] TDN، ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۸.

که TRT برای لهجه‌های مختلف کُردی نیازمند گزارشگر است و روانی و سلاست کلام آنها مهم نیست. او گفته بود: "ما نیازمند افرادی هستیم که به یکپارچگی ملی این کشور حساس باشند. ما نه فقط در شروع بلکه در پایان همه برنامه‌ها هم سرود ملی ترکیه را پخش خواهیم کرد."[۶۸] او همچنین اظهار داشت که پخش برنامه برای بچه‌ها هم از اکتبر ۲۰۰۸ آغاز خواهد شد. مدیر گفت:"اما نگران نباشید ما برنامه‌هایی را پخش نمی‌کنیم که به بچه ها یاد می‌دهند چگونه نماز شب بخوانند. برنامه‌ها به بچه‌ها کمک می کنند به هویتی ملی دست بیابند."[۶۹] اما او نگفت که منظورش کدام هویت ملی است.[۷۰]

جنگ لفظی: استفاده از زبان مادری در جنوب شرق

در اوایل تابستان ۲۰۰۸، رقابتی بالقوه بین گروه‌های ملی‌گرای کُرد جنوب شرق و دولت، بر سر اینکه چه وقت، کجا و چگونه از زبان کُردی استفاده و متون با آن منتشر شوند، درگرفت. همزمان با اینکه دولت کانال کُردی رسمی‌اش را راه‌اندازی کرد، "تا به هر بچه-ای بر دستیابی به هویت ملی [ترکی] کمک کند،" گروه‌ها و سازمان‌های کُردی نیز اقدامات خود را در تشویق هر بزرگسال و بچه‌ای برای تقویت هویت کُردی، افزایش و سرعت دادند. "جنگ لفظی" به عرصه منازعه و کشمکش بین ناسیونالیسم کُردی و ترکی مبدل شد.

یک هفته قبل از صحبت‌های شاهین، مدیر TRT، که گفته بود کانال کُردی دولت روی شبکه ماهواره ای Roj پخش می‌شود، معاون رئیس گروه پارلمانی DTP، کاموران یوکسک اعلام کرد DTP فشار خواهد آورد در قانون جدید آموزش به زبان مادری گنجانده شود. قابل توجه است که یوکسک بر "آموزش به زبان مادری" و نه "آموزش زبان مادری" تأکید داشت. این هر دو اصطلاح توسط تانریکولو تعریف شدند و یکی از

---

[۶۸] TDN، ۵ آگوست ۲۰۰۸.

[۶۹] همان.

[۷۰] شاهین به مدت ۱۴ سال مدیر دولتی منطقه‌ای بود. او در سال ۲۰۰۱ وارد وزارت امور داخلی شد. در سال ۲۰۰۲، بعد از به قدرت رسیدن AKP، او به سمت مشاور وزیر ترابری، بینالی یلدرم منصوب شد.

دیگر از اختلافات بین ملی‌گرایان کُرد یعنی بازها و کبوترها ناشی از همین بود: ما درس-های کُردی نمادینی را در خیابان به معرض نمایش در می‌آوریم. وقتی پارلمان دوباره دست بکار شد، ما در جلسات پارلمان‌مان میزبان دانش‌آموزانی خواهیم بود که آرزو دارند با زبان کُردی آموزش ببینند.

یوکسک علناً اظهار داشت ما در مورد اینکه آیا نماینده‌گان می‌توانند در پارلمان به کُردی صحبت کنند یا نه بحث خواهیم کرد."[۷۱] صلاح الدین دمیرتاش، رئیس گروه پارلمانی DTP اضافه کرد، "راهپیمایی‌هایی برای دستیابی به حق آموزش زبان مادری صورت خواهند گرفت. ما در چارچوب طرحی دموکراتیک از این مبارزه حمایت خواهیم کرد."[۷۲]

یک سازمان جدید کُردی به نام تافگه‌ر و پَروَردَیا کوردی (TZP Kürdi) خود را وقف پیشرفت کُردی کرده و دیگران را به تحریم نظام آموزشی دعوت کرد.[۷۳] یوکسک اظهار داشت DTP خواستار حمایت از تحریم اعلامی سازمان TZP Kürdi شده است. او گفت برخی والدین کُرد جهت اعتراض به نبود زبان کُردی در مدارس، از فرستادن فرزندانشان به مدرسه خودداری کرده‌اند. یوکسک گفت: "من نمی‌توانم بگویم دقیقاً در کجا، اما در دیاربکر، کوردالان و نوسیبین، آموزش نمادین کُردی در وسط خیابان‌ها به عنوان بخشی از راهپیمایی‌مان انجام خواهد شد." "مهدی اِکِر، نماینده دیاربکر در پارلمان و وزیر کشاورزی و روستاها، در رقابت‌های انتخاباتی، مجالس و راهپیمایی‌ها از کُردی استفاده کرد. اگر او استفاده از کُردی را درست می‌داند باید آنرا وارد قانون هم بکند."[۷۴] صلاح الدین دمیرتاش قول داد که آموزش به کُردی را در حزب به بحث خواهد گذاشت.

در ۲۱-۲۲ سپتامبر، DTP کنگره سالانه خود را با حضور ۶۰۰ نفر برگزار کرد. دستور کار اصلی کنگره، انتخاب نماینده‌گانی برای اداره انتخابات محلی ۲۹ مارس بود. اما دومین بخش دستور کار به "طرح آموزش به زبان مادری" می‌پرداخت. برخی از حضار

---

[۷۱] TDN، ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۸.

[۷۲] همان.

[۷۳] از بابت این اطلاعات خود را به آقای سلیمان الکین مدیون می‌دانم.

[۷۴] TDN، ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۸.

سرودهایی را به ترکی و کُردی در ستایش از عبدالله اوجالان خواندند. دیگران هم سرود پیروزی را خواندند و پلاکاردهایی را در دست گرفتند که روی آنها نوشته شده بود "من می‌خواهم به زبان مادری‌ام تحصیل کنم."[۷۵] لیلا زانا سخنرانی‌اش را کاملاً به زبان کُردی ادا کرد و گفت: "هر کسی زبان خودش را دارد. در این روزهای تیره همه شما باید با ما وارد نبرد شوید."[۷۶] وقتی بازپرس دیاربکر تحقیقاتی را برای مورد اعتراض قرار دادن کنگره آغاز کرد، بنگی یلدیز، عضو DTP نماینده باتمان در پارلمان اظهار داشت "در پارلمان، استفاده از کُردی مسئله حساسی است. اما، البته، طبیعی است که امضاها به کُردی نوشته می‌شوند. این مفهومی طبیعی برای منطقه است و از زمان عثمانی‌ها و توسط کسانی هم که جمهوری را پایه‌گذاری کرده‌اند، مورد استفاده قرار گرفته است.[۷۷]

در روزهای آخر سپتامبر، "جنگ لفظی" شدیدتر شد. در ۲۶ سپتامبر اعلام شد برخی شهرها و شهرداری‌ها آگهی‌های امورات عمومی را به زبان کُردی منتشر کرده‌اند. در ۲۶ سپتامبر، مقامات پلاتفرم آموزش زبان کُردی[۷۸] اعلام کردند از این پس مکالمات اداری و آگهی‌های عمومی در استان آگری و دوغوبایزید به زبان کُردی انجام خواهد شد. همچنین مقامات بیان داشتند انتشارات در استان‌های حکّاری و یوکسکوا به پیروی از کاری که عبدالله دمیرباش در سال ۲۰۰۶ به عنوان شهردار منطقه سور دیاربکر انجام داد، به چند زبان خواهد بود. خانم گلجهان شمسک، شهردار منطقه بستان‌ایچی شهر وان گفت او همیشه در بین مردم به کُردی تکلم می‌کند، و هر زمان فرصتی دست بدهد، مکالمات و امور اداری نیز به کُردی انجام خواهند شد. وی تأکید کرد که حتی اگر دولت اجازه ندهد، کارهای شهرداری به کُردی انجام می‌شوند. ناصر آراس شهردار منطقه بولانیک شهر موش اعلام کرد که آگهی‌ها به زبانی که در منطقه تفوق دارد، یعنی کُردی، انجام خواهد شد.[۷۹] شهردار دوغوبایزید، مقدس کوبیلای خاطر نشان کرد که او هم با مردمی که به دفترش

---

[۷۵] TDN، ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۸.

[۷۶] همان.

[۷۷] *صاباح*، ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۸.

[78] Kürt Dili Eğitim Platformu

[۷۹] *Milliyet.com.tr*، ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۸.

مراجعه می کنند، کُردی حرف می زند. او گفت مقامات دوغوبایزید مایلند کاری را بکننـد که عبدالله دمیرباش در سور انجام داد اما به دلیل مخالفت دولت نمی‌توانند. مردم می گویند 'آگهی‌ها اعلام می‌شوند اما به دلیل اینکه به ترکی هستند، ما آنها را نمی‌فهمیم.' در نتیجـه، ما مجبور شدیم کارهای اداری‌مان را به کُردی انجام دهیم.[۸۰]

---

[۸۰] همان.

فصل سوم:
اسلامگرایان در مقابل ناسیونالیسم کُردی

در حالی‌که حزب عدالت و توسعه (AKP)، نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، سازمان اطلاعات ملی (MIT) و فرمانداران محلی بر پروژه‌های توسعه اقتصادی بویژه پروژه‌های مرتبط با گاپ برای مدیریت ناسیونالیسم کُردی شامل مسائل هویتی، نابرابری‌های منطقه‌ای و ... در شرق و جنوب شرق تأکید می‌کردند، روشن چاکر از روزنامه‌نگاران آگاه ترکیه که مسائل جنبش‌های اسلامگرای ترکیه و جنوب شرق را پیگیری می‌کند، بر این باور بود که جنبش‌های مذهبی چون حزب الله، جنبشی افراطی به رهبری کردها، که به باور برخی، در دهه ۱۹۹۰ توسط حکومت ترکیه، TAF و MIT برای مبارزه با حزب کارگران کردستان (PKK) تأسیس شده بود، و جنبش فتح‌الله گولن، که جنبش اسلامگرای دولتی محافظه‌کار میانه‌روی بود، در حالی که برای چندین سال نمود کمی داشتند، بار دیگر در جنوب شرق فعال‌تر و قوی‌تر شده‌اند.[1] با فاش شدن توطئه ارگنکون، به نظر می‌رسید وجود روابطی بین حزب ا... و ارگنکون منطقی باشد.

چاکر بر این باور بود که در انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹، در صورت کاهش حمایت از حزب جامعه دموکراتیک (DTP)، AKP از سازمان‌های حزب ا... حمایت کمتری خواهد کرد. او گزارش کرد که منابع به او گفته‌اند نتایج خوبی که AKP در انتخابات ۲۲ ژوئیه بدست آورد تا حدودی برآمده از حمایت‌های حزب ا... بوده است. حزب ا... همچنین بر این باور بود که سیاست‌های DTP برخلاف میل بیشتر مردم جنوب شرق، "سکولار و مترقیانه" بودند. رهبران حزب ا... فکر می‌کردند AKP با حمایت آنها پیروز انتخابات شهرداری‌های دیاربکر و باتمان خواهد بود. بدون شک AKP هم فکر می‌کرد بدون حمایت حزب ا... برنده دیاربکر و باتمان خواهد بود. چاکر گزارش کرد که برخلاف گزارشاتی که بیانگر برچیده شدن حزب ا... در دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰ توسط

---

[1] برای آگاهی از این فعال شدن مجدد نگاه کنید به:
Robert Olson, "A Year of Significant Developments," *Insight Turkey*. Vol. 10, no. 3 (2008), 40-41.

این پیام از ستون روشن چاکر در روزنامه *وطن*، ۱۸ فوریه ۲۰۰۸ برگرفته شد.

نیروهای پلیس بودند، حزب ا... هم اکنون بازخیز کرده است. او همچنین گزارش داد که حزب ا... در کشمکشی مسلحانه با PKK بوده و درصدد انجام فعالیت‌های قانونی یا حداقل نیمه قانونی برای دستیابی به اهدافش است. بخشی از این تغییر به دلیل قدرتی است که AKP در انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ در جنوب شرق از خود نشان داد.

چاکر در ادامه گزارش کرد که حزب ا... مدعی است بخشی از نتایج خوبی که AKP در انتخابات حاصل کرده، برآمده از این بوده که حزب ا... به کردها گفته بود که به AKP رأی بدهند. حزب ا... همچنین بر این واقعیت تأکید داشت که سیاست‌های DTP برخلاف میل بسیاری از مردم جنوب شرق، "سکولار و مترقیانه" بودند. در نتیجه، اگر AKP با حزب ا... همکاری می‌کرد، DTP متحمل زیان‌های بیشتری می‌شد.[۲]

علاوه بر جاذبه ایدئولوژی جهادی محافظه‌کارانه حزب ا...، حمایت بیشتری از جنبش فتح‌ا... گولن نیز وجود داشت.[۳] جماعت گولن تحت راهنمایی خود گولن که در ایالات متحده زندگی می‌کند بار دیگر در جنوب شرق خود را سازماندهی می‌کرد. جنبش گولن سال‌ها در جنوب شرق از نفوذ برخوردار بود، اما به دلیل رقابت و تهدیدات PKK و حزب ا...، فتح‌الله‌چی‌ها یا گولنچی‌ها (پیروان فتح‌ا... گولن) تصمیم گرفتند فعالیت کمی داشته باشند. قابل ذکر است که گولن و جماعتش اصرار دارند که چیزی بنام ناسیونالیسم کُردی وجود ندارد. آنها ایده متفاوت بودن "اسلام ترک" از "اسلام عرب" و همچنین خارج بودن شیعه دوازده امامی موجود در ایران و عراق از دایره اسلام ترویج می‌کنند.

چاکر گزارش داد طرفداران گولن اخیراً دیدگاه‌هایشان را تعدیل کرده‌اند. هم اکنون، جماعت گولن این واقعیت را پذیرفته که مسئله‌ای کُردی وجود دارد و بر این باور است که جماعت‌های دیگر همانند حزب ا... و PKK به دلیل استفاده از خشونت تضعیف شده‌اند. با این وجود، حزب ا... مدعی بود که روش‌های خشن و تهاجمی‌اش را کنار گذاشته است. همچنین، TAF از قبل هم دید خوبی به فعالیت‌های جماعت گولن چه در جنوب شرق و

---

[۲] همان.

[۳] برای دستیابی به اطلاعاتی کلی در مورد جنبش گولن نگاه کنید به:

M. Hakan Yavuz and John Esposito, eds., *Turkish Islam and the Secular State: The Gülen Movement* (Syracuse: Syracuse University Press, 2003).

شرق و چه در هر جای دیگر ترکیه نداشت. اما به دلیل اینکه AKP در برابر TAF قوی شد، سیاست‌های جماعت گولن بیشتر با سیاست‌های AKP هماهنگ شد، با این حال تفاوت‌هایی باقی ماندند و در حل آنها تردید وجود داشت.

بطور خلاصه، چاکر فکر می‌کند که گروه‌های رقیب زیادی- PKK، AKP، DTP، حزب الله و جماعت گولن- در جنوب شرق وجود دارند اما هیچ یک از آنها کاملاً به یکدیگر اطمینان ندارند. همچنین، چاکر به خوانندگانش خاطر نشان می‌کند که هیچ کدام نباید TAF را نادیده بگیرند.[۴] از زمان افشاگری‌هایی که پس از نگارش مقاله چاکر در مورد توطئه ارگنکون روی داد، باید فعالیت‌های ارگنکون و روابطش با گروه‌های متعدد و سازمان‌های مذکور را هم مد نظر قرار داد.

رقابت بین PKK و جنبش گولن در طول سال ۲۰۰۸ فزونی یافت. در ژوئیه بنیاد روزنامه‌نگاران و نویسندگان، مرتبط به پلاتفرم آبانت[5]، سازمان وکلایی که اعضایش بویژه فعالین جنوب شرق آن به داشتن روابط نزدیک با جنبش گولن مشهور بودند، به دلیل تهدیدات PKK اقدام به منحل نمودن کنفرانسی برنامه‌ریزی شده تحت عنوان "مسئله کُردی" برای ۵-۶ ژوئیه در دیاربکر نمود. کنفرانس پس از آن در آبانت برگزار شد.[۶] تهدید از طرف پیشگامان دموکراسی دیاربکر[۷] بود که به نظر می‌رسد روابطی قوی با PKK داشته باشد. ناصح گونکور که جریان را گزارش کرد، گفت در نتیجه افزایش تنش‌ها در جنوب شرق به دلیل نزدیک شدن انتخابات ۲۹ مارس ۲۰۰۹ بروز چنان اعمالی جای تعجب ندارد. گونکور فکر می‌کرد جنبش گولن فعالیت‌های خیریه، بویژه کمک‌های غذایی و مواد سوختی را به فقرا افزایش داده و با گشودن مدارس خود، PKK و DTP را خشمگین کرده است. همه این فعالیت‌ها دلالت بر این دارد که جنبش گولن توجه بیشتری به مسئله کُردی معطوف داشته و انتظار می‌رود تهدیدات علیه فعالیت‌های گولنچی‌ها افزایش یابد. گونکور فکر می‌کرد فعالیت‌های زیاد جنبش گولن بخوبی انجام می‌شدند و معرف بهترین

---

[۴] همان.

[5] Abant Platform

[6] Nasuhi Günkör, "The Gülen Cemmati, kürt Sorunu and "Tek Türkiye", 26 September 2008. *www.stargazete.tr.*

[7] Demokratik Halk İnissiyatif / Diyarbakir Democratic Initiative

راه برای حل مسئله کُردی بودند. او همچنین متذکر شد مباحث مربوط به چالش جنبش-های ملی‌گرای کُردی که توسط پلاتفرم آبانت در ژوئیه انجام شد، توسط بنیاد روزنامه-نگاران و نویسندگان که به جنبش گولن نزدیک بود، حمایت می‌شدند.

گونکور همچنین خاطر نشان کرد افرادی که در پلاتفرم آبانت حضور داشتند دید مثبتی به گسترش جنبش گولن در کردستان عراق، بویژه ساخت و مدیریت حدود ۱۴ مدرسه و یک دانشگاه در کردستان عراق داشتند. به عبارت دیگر، گونکور و شرکت‌کنندگان در پلاتفرم آبانت انتظار داشتند سازمان‌هایی مانند جنبش گولن که نهادی فرادولتی بودند از این مزیت برخوردار باشند که برخی چالش‌های ناسیونالیسم کُردی را بطور همزمان در ترکیه و عراق برطرف نمایند. گونکور همچنین اظهار داشت که ایستگاه تلویزیونی سامانیولو نیز که متعلق به جنبش گولن است، مجموعه برنامه‌هایی را جهت نشان دادن اشتراکات توده‌های مردم کُرد و ترک پخش کند. از این دست برنامه‌ها می توان به "یک ترکیه"، "دره گرگ‌ها" و "ترور پارس نارکو" اشاره کرد. یکی از تحلیلگران مسائل کُرد-ترک ویژگی‌های جنبش گولن را این گونه برمی‌شمرد، "ملی‌گرا در خارج و امت-گرا در داخل" یعنی طرفداری از اتحاد مسلمانان و برادری در ترکیه، به عبارتی نگاه به بیرون ترکیه به عنوان واحدی یکپارچه و همکاری با اخوانی‌های صوفی‌گرای دولت‌گرا، بویژه در کردستان عراق، آفریقا، آسیای مرکزی، اروپا و ایالات متحده.[۸]

یکی از سؤالات جالبی که در مورد افزایش فعالیت‌های جنبش گولن در جنوب شرق و شرق وجود دارد این است که آنها تا چه حدی نه فقط توسط AKP بلکه توسط TAF، MIT هم حمایت، و تا چه اندازه توسط ارگنکون نیز پشتیبانی می‌شدند. به نظر می‌رسید رقابتی نه فقط بین جنبش گولن و سازمان‌های همکار آن، بلکه بین جنبش گولن و حزب -ا... نیز در حال افزایش بود. به منظور مقابله با افزایش نفوذ جماعت گولن، حزب ا... نیز اقدام به تأسیس مدارسی به عنوان گزینه رقیب مدارس گولن نمود. یکی از تحلیلگران

---

[۸] برای این دیدگاه‌ها مدیون سلیمان الیک هستم. برای اطلاعات جدید و خوبی در مورد جنبش فتح‌ا... گولن نگاه کنید به:
Bill Park, "The Fethullah Gülen Movement," MERIA, vol. 12, no. 2 (September 2008).

منطقه می‌گوید که شاهد حمایت AKP و دولت از مدارس جنبش گولن بوده است، اما TAF و MIT برای جلوگیری از قدرت نامحدود جماعت گولن احتیاط‌هایی را به عمل آوردند.[۹] همچنین به نظر می‌رسید دولت و AKP از تقویت طریقت‌ها در جنوب شرق بویژه طریقت نقشبندی که بسیاری از اعضاء و سرکردگان AKP مانند خود نخست وزیر اردوغان و دیگر اعضای دولتش به آن تعلق خاطر داشتند، آسوده خاطر بودند. از آنجا که طریقت‌های صوفی‌گرا بویژه طریقت نقشبندی توسط TAF و MIT تحمل می‌شدند، به نظر می‌رسید که آنها دیگر، طریقت‌ها را بویژه به عنوان تهدیدی مستقیم برای نظام سکولار دیکته شده توسط خود نمی‌دیدند. همچنین ممکن است که دولت، AKP، TAF و MIT تلاش کنند شیوخی را که دیدگاهشان را درست می‌دانند به ریاست تکیه‌های طریقت‌های متفاوت صوفی‌گرا رسانده و به روش‌های مختلفی از آنها حمایت کنند.

حمایت گولن از کنفرانس "مسئله کُردی" در اربیل

موضع حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) برای گسترش روابط بهتر با ترکیه و جنبش گولن وقتی روشن‌تر شد که در اواخر ژانویه ۲۰۰۹ اعلام کرد پلاتفرم آبانت کنفرانس مسئله کُردی را در روزهای ۱۵-۱۶ فوریه در اربیل (هه‌ولیر) برگزار خواهد کرد. کنفرانس توسط نخست وزیر KRG نچیروان بارزانی افتتاح می‌شد. قرار بود بسیاری از اندیشمندان و روزنامه‌نگاران مشهور ترک همچون محمد آلتان، عسکر کاراکاش، هاشم هاشمی، محمد متینر و احسان ارسلان در آن شرکت کنند. شایان ذکر است قرار بود سیاستمداران کُردی چون عبدالرحمن کورد، نماینده دیاربکر در پارلمان و عضو AKP نیز در آن حضور بیابند.

بیانیه کنفرانس اظهار داشت که هدف از کنفرانس بهبود روابط KRG و ترکیه است. این بیانیه تصریح مجددی بر منافع متقابلی بود که در بالا به آنها اشاره کردم. منافع متقابلی که KRG با AKP و اهداف دولت ترکیه داشت، افزایش گروه‌ها و نیروهای اسلامگرای

[۹] این دیدگاه سلیمان الیک است که در پاسخ به پرسش من ایراد کرد.

میانه‌رو مانند جنبش گولن و طریقت‌های نقشبندی، به منظور دفع گروه‌های مذهبی و/یا گروه‌های سیاسی‌تر و سیاستگراتر بود. از آنجایی که جنبش گولن به AKP نزدیک بود، کنفرانس برنامه‌ریزی برای مسئله کُردی این گمان را مطرح کرد که علی رغم حمایت‌های مسعود بارزانی از DTP که در دیدارش با نمایندگان DTP گفته بود KDP و KRG در انتخابات آتی قویاً از این حزب حمایت می‌کنند، شاید KRG مایل باشد AKP در انتخابات قریب الوقوع ۲۹ مارس در برابر DTP قوی‌تر ظاهر شود. کنفرانس در ۱۵-۱۶ فوریه ، (یعنی) فقط شش هفته قبل از انتخابات ۲۹ مارس، در اربیل برگزار شد. سخت بتوان پذیرفت که مکان و زمان کنفرانس به گونه‌ای محاسبه نشده باشد که قابلیت‌های DTP برای انتخابات را از بین نبرد. اما باز هم، مکان کنفرانس به نارضایتی کاندیداهای DTP، PKK و طرفدارانش منجر شد.[۱۰]

حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و طریقت‌های نقشبندی

به نظر می‌رسید، حمایت یا حداقل سیاست‌های عدم سرکوب طریقت‌های نقشبندی و گرایشات صوفی گرای اتحادگرایی مسلمانان نیز سیاست KRG باشد. تحمل و حمایت از طریقت نقشبندی در خدمت بازداشتن گسترش احزاب قویاً اسلامگرای سیاسی بود که می-توانستند در آینده دیدگاه‌های مذهبی رقیبی در برابر دیدگاه مذهبی میانه‌روی رهبری کنونی KRG ارائه دهند. از این احزاب می‌توان به جنبش اسلامی کردستان، حزب اتحاد کردستان یا انصارالاسلام اشاره کرد که سعی خود را برای به چالش کشیدن رهبری حزب دموکرات کردستان (KDP) و اتحادیه میهنی کردستان (PUK) یا جمعیت قابل توجهی از مردم بکار گرفته اما ناموفق و ناتوان بودند.[۱۱] شایان ذکر است KRG سیاست‌های مداراگرایی را در برابر اجرای اسلام بکار می‌گرفت. در دسامبر ۲۰۰۸، وقتی واکنش‌های

---

10 *Transnational Middle-East Observer,* 28 January 2009. *http://vvanwilgenburg.blogspot.com.*

۱۱ برای اطلاع از جزئیات این جنبش‌ها نگاه کنید به:

Gareth R. V. Stansfield, *Iraqi Kurdistan: Political Developments and Emergent Democracy* (London: RoutledgeCurzon, 2003).

شدیدی در برابر حمایت KRG از قانون زندانی یا حتی اعدام افراد آماده "کشتار مقدس" روی داد، نخست وزیر KRG نچیروان بارزانی، با این تفسیر آشکار که شریعت چنین کشتاری را مجاز نکرده، سریعاً اعلام کرد که هیچ قانونی که شریعت را نقض کند، اجرا نخواهد شد. روحانیون و شیوخ نقشبندی مخالفت‌های شدیدی با این قانون اعلام کردند. البته، در کردستان عراق به شیوخ نقشبندی برای جبهه‌گیری علیه تفسیری کامل‌تر از ملی-گرایی کُردی فشاری وارد نبود چرا که برخلاف ترکیه، منطقه تقریباً به کلی کردنشین بود. در ترکیه نهادهای دولتی برخی شیوخ نقشبندی را برای عدم حمایت از PKK، DTP یا ملی‌گرایان کُرد جنگ طلب تحت تعقیب قرار می‌دادند.

ناسوحی گونکور و دیگر مفسران نیز بر این باور بودند که ایدئولوژی مذهبی مورد حمایت جنبش گولن و بویژه مدارس تحت کنترل آنها، بهترین راه حل مسئله کُردی نه فقط در ترکیه بلکه بین کردهای شمال عراق هم هست چرا که کردها و ترکها را با تأکید بر انسجام مسلمانان علیه ناسیونالیسم قومی متحد می‌کند. حسین گولرجه در روزنامه *زمان* اظهار داشت که در طول ۱۴ سال گذشته، با همکاری و هماهنگی KRG، جماعت گولن ۱۴ مدرسه را در منطقه کُردی تحت کنترلشان در شمال عراق راه‌اندازی کرده‌اند.[۱۲] سه مدرسه گولن در اربیل، سه مدرسه در سلیمانیه و یکی دیگر هم در کرکوک باز شدند. در سال ۲۰۰۸، مدارسی در دهوک و یکی دیگر هم در کرکوک گشوده شدند. ۲۲۰۰ دانش‌آموز در مدارس مختلف گولن مشغول به تحصیل بودند. مدارس به دلیل آموزش‌های تحصیلی قوی و معلمان الهام بخش و تربیت دانش‌آموزانی خوب آموزش دیده مشهور بودند. طالب بویوک، مدیر ارشد کل مدارس [گولن] در شمال عراق نیز پیشنهاد تأسیس دانشگاهی گولن-ترکی را در شهر اربیل به پارلمان کردستان ارائه کرد تا درهایش را در اکتبر ۲۰۰۸ به روی دانشجویان بگشاید.[۱۳] KRG از قبل ۲۵ آکر زمین[۱۴] را برای محوطه دانشگاه اختصاص داد. در حالی‌که تعیین همه دلایل موافقت پارلمان کردستان عراق برای موافقت با مدارسی که مخالف ناسیونالیسم کُردی بودند مشکل است، به نظر می‌رسد یکی از دلایل

---

[۱۲] *زمان*، ۱۵ نوامبر ۲۰۰۷؛ *ملیت*، ۴ نوامبر ۲۰۰۷.

[۱۳] *تودیز زمان*، ۲۲ اکتبر ۲۰۰۸.

[۱۴] حدود ۱۰ هکتار-م.

این باشد که ایدئولوژی مدارس –گولن- مخالف PKK و نفاق‌های DTP بود.[۱۵] جنبش گولن و مدارسش یکی از مطالبات جمعیت ترکمان ساکن KRG مبنی بر حقوق زبانی را برآورده کردند. به نظر می‌رسد اجازه KRG به جنبش گولن برای ساخت و اداره مدارس به سیاستی فراگیر در مورد همه ترکمانان مبدل شد. جنبش گولن نیز به عنوان جنبشی دولت‌گرا- ترک‌گرا شناخته شده بود که از شکل‌های اسلام که توسط اعراب سنی و شیعه‌گرایی ایران نشان داده می‌شد، ابراز انزجار می‌کرد. با این حال، جنبش گولن به ساختارهای مذهبی-فرهنگی امپراتوری عثمانی و سنت‌های صوفیانه آن نگرش مثبتی داشت. از این جهت، کردهای ترکیه، عراق و سوریه را می‌توان درون این سنت‌ها مورد توجه قرار داد. حتی کردهای سنی ایران را نیز می‌توان در بر گرفت اگر چه تماماً در بیشتر دوره از ۱۵۰۰ (میلادی) به بعد آنها بخشی از امپراتوری‌های صفوی (۱۷۲۴-۱۵۰۱) و قاجار (۱۹۲۵-۱۷۹۵) و بعد از آن، کشور ایران بوده‌اند.[۱۶] توجه کم به اسلام عرب سنی و شیعه-گرایی توسط فتح‌الله‌چی‌ها یا گولنچی‌ها نیز به رهبریت ملی‌گرای کُرد در کردستان عراق کمک می‌کرد تا هویت خود را در برابر 'دیگران' –عرب‌های عراق و شیعیان ایران- تقویت کند. چالش برآمده از جنبش گولن در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ قابل توجه بود. محمد کامیش اظهار داشت "برای عید قربان سال ۲۰۰۶، فتح‌الله گولن، اینترنتی از همه دوستانش خواست همه هدایا و صدقاتشان را به جنوب شرق بفرستند، و بدین گونه صدها هزار صدقه به دست نیازمندان جنوب شرق رسید."[۱۷] انیس بربراوغلو روزنامه‌نگار آگاه دیگر گزارش داد "در این برهه زمانی، جنبش گولن در جنوب شرق بسیار فعال بوده و این طرفداران گولن بودند که مدرسه، کلاس و سالن‌های مطالعه می‌ساختند و آموزگاران داوطلب را برای پیشگیری از پیوستن کردهای جوان دیاربکر، باتمان، حکّاری و وان به تروریست‌ها، به جنوب شرق اعزام می‌کردند. این داوطلبان گولن بودند که فعالانه در اولین

---

[۱۵] همان.

[۱۶] برای مطالعه تحولات، دیدگاه‌ها و خط مشی‌های جنبش گولن نگاه کنید به:

Hakan Yavuz and John Esposito, eds., *Turkish Islam and the Secular State: The Gülen Movement; Christopher Houston, Kurdistan: Crafting of National Selves* (New York: Berg, 2008).

[۱۷] حرّیت، ۱۱ نوامبر ۲۰۰۷.

روز عید مذهبی قربان اقدام به توزیع خانه به خانه گوشت قربانی می‌نمودند."[۱۸] اما بربراوغلو در ادامه گفت که جنبش گولن بیانگر جایگزینی اسلامی برای جنبش ملی‌گرای کُردی است و با دولت و AKP جبهه مشترکی را علیه PKK تروریست و حزب کُردگرای DTP تشکیل می‌دهد، اما از افزایش همکاری AKP با نظامیان که پس از حمله به آکتوتون (که بعداً آن را توضیح می‌دهیم) روی داد خوشنود نیست. بربراوغلو گفت "حتی می‌توان گفت جنبش گولن صلح در دیاربکر را تهدیدی برای موجودیت خویش قلمداد می‌کند."[۱۹] به نظر می‌رسد بربراوغلو استدلال می‌کرد که حل مناقشه دولت-کُرد منجر به از بین رفتن جاذبه جنبش گولن و تقویت مجدد ناسیونالیسم کُردی و نیاز کمتر به خدمات و کمک‌هایی خواهد شد که جنبش گولن در اختیار کردها می‌گذارد. اما بربراوغلو شواهد کمی ارائه کرد که تفاوت‌های AKP، TAF و رهبریت جنبش گولن آنقدر که او می گوید بزرگ است. در واقع، همان گونه که در بالا بحث کردیم، به نظر می‌رسد هر سه سازمان تا زمانی که چالش و مدیریت ناسیونالیسم کُردی هم در ترکیه و هم در کردستان عراق مورد دغدغه باشد، اشتراکات بیشتری دارند.

یکی دیگر از آگاهان ترک چون سونر یالچین نیز نوشت که کردها باید مراقب باشند بار دیگر تحت نفوذ "سیّدهای قلّابی" و شیوخ فئودال قرار نگیرند که با داشتن شجره‌نامه‌های دروغین، و رشوه دادن، در قرن نوزدهم بین کردها بانفوذ شدند. هم اکنون، بار دیگر برخی آگاهان کُرد که در پی رهایی از ترور PKK هستند، به دنبال پناهگاهی نزد سیدها و شیوخ و فئودال‌ها و رهبران قبایل همانند مسعود بارزانی هستند.[۲۰] یالچین روشن ساخت که کردهای ترکیه با دوری از همکاری با دولت، AKP و جنبش گولن در وضع بهتری خواهند بود.

---

[۱۸] حرّیت، ۱۱ نوامبر ۲۰۰۸.

[۱۹] همان.

[۲۰] سیّد چهره‌ای مذهبی است که مدعی است از نسل خانواده پیامبر محمد [ص] است. مقاله‌ای که من این مطالب را از آن درآوردم در روزنامه حرّیت، ۲۳ نوامبر ۲۰۰۸ چاپ شد.

دو تحلیلگر دیگر ترک، امرالله اوسلو و اوندر آیتاچ، تا آنجا پیش رفتند که پیش‌بینی می‌کردند جنبش‌های ملی‌گرای کُردی در ترکیه دستخوش فرایند حماسی‌سازی[۲۱] می‌شوند، نه فقط جنبش گولن بلکه حزب ا... نیز قوی‌تر خواهد شد و حتی ممکن است در سال‌های آتی نزدیک بر جنبش‌های ملی‌گرای کُردی ترکیه چیره شود."[۲۲]

اوسلو و آیتاچ بنای تحلیلشان را بر این گذاشته‌اند که PKK نمی‌تواند به حمایت از گونه‌های "تاکتیکی" ناسیونالیسم کُردی خود که به سه شکل است، ادامه دهد. یک، PKK بطور روز افزونی از جنوب شرق بیگانه می‌شود، و رهبریت DTP نمی‌تواند یک گفتمان ملی‌گرای کُردی را حمایت و تقویت کند. انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ صحت این مدعا را روشن نمود. دو، تروریسم بطور روز افزونی پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مرکز تجارت جهانی در نیویورک و به پنتاگون در واشنگتن،دی.سی غیر قابل قبول است. سه، PKK با "دو قطبی کردن قضیه کُردی بین خود و دولت، جایی برای دیگر سازمان‌های کُردی باقی نگذاشته است. شناسایی عملیات‌های آن توسط اتحادیه اروپا و سازمان‌های حقوق بشر به عنوان تروریسم، آن را به صورت نماینده غیرقانونی ملی‌گرایی کُردی در آورده است."[۲۳]

به دلیل تسلط PKK بر جنوب شرق، برای DTP فاصله گیری از PKK مشکل بوده و هست و برای دیگر گفتمان‌های ملی‌گرای کُردی نیز به چالش کشیدن گفتمان و تسلط سیاسی PKK مشکل بوده و هست. اوسلو و آیتاچ معتقدند، همین امر بطور روز افزونی گفتمان PKK را برای خارج از محدوده جنوب شرق غیر قابل دوام ساخته است. بنابراین، در حالی که PKK و دولت از ۱۹۸۴ به بعد به جنگ داخلی ادامه داده‌اند، گفتمان‌های رقیبی گشوده شده‌اند که امکان تقویت گفتمان‌های اسلامگرا را فراهم کرده است. دو

---

[21] Hamasization

[۲۲] در دو صفحه بعدی از مقاله زیر استفاده کرده‌ام. اوسلو در زمان نگارش این مقاله جزو تحلیلگران مؤسسه جیمزتاون در واشنگتن دی‌سی، و آیتاچ استاد بنیاد قازی اگیتیم در آنکارا بود. هر دو نفر بطور رسمی در استخدام پلیس ملی ترکیه بودند.

Emre Uslu and Önder Aytaç, "The PKK as a Risk for Kurdish Nationalism," *Today's Zaman,. 14 November 2008.*

[۲۳] همان.

تحلیلگر مذکور این پیشرفت را بطور روز افزونی "حماسی‌سازی" جامعه و گفتمان کُردی دانسته‌اند. با این حال، اوسلو و آیتاچ شک دارند که PKK برخلاف دیگر سازمان‌ها و گفتمان‌های ملی‌گرای کُردی چالشگر، علیه سازمان‌های اسلامگرایی چون حزب ا... و جنبش گولن دست به اسلحه ببرد، و یقیناً علیه مساجد و طریقت‌های نقشبندی نیز این کار را نخواهد کرد. PKK این کار را نخواهد کرد چرا که با این کار وارد نبردی خواهد شد که پیروزش نخواهد بود. به نظر دو تحلیلگر فوق، همین امر ناگزیر به اسلامی‌سازی جنبش‌های ملی‌گرای کُردی در ترکیه منجر می‌شود. در مباحث چنین استدلال شده که KRG از چنین برآیندی استقبال خواهد کرد چرا که رافع هر چالشی از طرف PKK و DTP علیه KRG و KDP خواهد بود. علاوه بر همه این‌ها، همان‌گونه که ذکر کردیم، خود KRG از سازمان‌های اسلامگرایی چون نقشبندی‌ها، جنبش گولن و حتی حضور گولن در اربیل پایتخت KRG حمایت کرده است.

در مورد میزان و درجه درستی سناریوی اسلو-آیتاچ می‌توان بحث کرد، اما این سناریو نشان می‌دهد که دولت ترکیه، TAF، MIT، پلیس، نهادهای امنیتی و همچنین رسانه‌ها فکر می‌کنند حمایت از چنان سازمان‌ها و گروه‌های مذهبی ابزارهایی مؤثر برای مدیریت ناسیونالیسم کُردی بویژه ناسیونالیسم کُردی جنگ طلبی که PKK و DTP آنرا نشان می‌دهند، بوده و هست. شایان ذکر است که در ترکیه چنان ابزارهای مذهبی توسط ترکها برای مدیریت ناسیونالیسم کردی مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما در حکومت منطقه‌ای کردستان چنان ابزارهایی توسط کردها برای مدیریت ناسیونالیسم کردی جنگ طلب، بویژه ناسیونالیسم کردی سکولارگرای جنگ طلب و/یا چالش‌های برآمده از جنبش‌های اسلامگرای سیاسی بکار می‌روند. در پایان، همان‌گونه که در جایی دیگر به بحث آن پرداخته ام، بورژوازی کُردی و/یا طبقات پولدار در ترکیه و براستی در خارج از ترکیه- همانند طبقات پولدار/بورژوازی در حال رشد در کردستان عراق، ممکن است گفتمان و تفسیر "اسلامگرا" از ناسیونالیسم کردی را با منافع خود سازگار بیابند.[۲۴] اوسلو و آیتاچ

[۲۴] می‌دانم که برخی دانشگاهیان این سؤال را مطرح خواهند کرد که مگر کردها در ترکیه یا کردستان عراق دارای طبقه‌ای بورژوازی هستند، باید گفت آنها دارای طبقاتی پولدار در هر دو قسمت مذکور و در اروپا هم هستند. برای آگاهی بیشتر از نقش بورژوازی نگاه کنید به:

نگاهی جالب به نقش حزب ا... و روابطش با ارگنکون داشته‌اند. آنها بر این باورند، "حزب ا... چه توسط ارگنکون ایجاد شده یا نشده باشد، مسلماً مرهون منطق ارگنکون است. این ذهنیت که هر چیزی مشروع است، حزب ا... را تقویت کرده، اما به هر حال حزب ا... اعتبار اجتماعی مشخصی دارد.[۲۵] از این پس حزب ا... قوی‌تر خواهد شد. در واقع ممکن است اگر حزب ا... باز هم مورد تهدید PKK قرار گیرد، دوباره دست به اسلحه ببرد."[۲۶] با بیان اینکه حزب ا... اعتبار اجتماعی مشخصی دارد، به نظر می‌رسد اوسلو به این حقیقت اشاره دارد که اغلب کردها متعلق به سازمان هستند و بیشتر جامعه و سیاست بدنه کُردی در جنوب شرق، مذهبی محافظه‌کار است که می‌تواند گفتمان اسلامگرای حزب ا... را در منطقه از گفتمان ملی‌گرای کُردی که بر گفتمان سکولاریسم و چپ‌گرایی تأکید دارد، مؤثرتر نماید.

حزب جامعه دموکراتیک (DTP): بازگشت به مذهب؟

به نظر می‌رسد چالش AKP، حزب ا... و جماعت گولن، آن دسته از اعضای DTP را که نفوذپذیری بیشتری در برابر نقش مذهب در حوزه‌های انتخابی‌شان در شرق و جنوب شرق داشتند، مجبور به تغییر تاکتیک کرد. در اکتبر ۲۰۰۸، گزارشات زیادی مبنی بر حضور بیشتر اعضای DTP در مساجد و دیدار با بزرگان مذهبی منتشر شدند. در مصاحبه‌ای، رئیس بنیاد مساجد دیاربکر، زاهد جتیران گفت "DTP باید درسی را فراگیرد، آنها اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اند که درک نکرده‌اند ۹۷ درصد کردها مسلمان هستند، و مسلمانان حساسیت‌های اسلامی دارند."[۲۷] جتیران از اینکه شهرداران و اعضای پارلمان عضو DTP

Robert Olson, "Theoretical Aspects of Kurdish Nationalism," in *The Kurds in the World* (London and Washington: Royal Institute of International Affairs (Chatham House) and the Brookings Institution, 2009), 1-16.

[۲۵] همان.

[۲۶] همان.

[27] Dorian Jones, "Turkey's Kurdish Party Looks to Religion to Boost Political Profile," Voice of America webcast, 6 October 2008.

هم اکنون به مساجد می‌روند و رؤسای مساجد را به مجالسشان دعوت می‌کنند، اظهار خوشنودی کرد.

دیگر آگاهان کُرد می‌ترسیدند از اینکه دستاوردهای مذهب سبب از دست رفتن سکولاریسمی شود که آنها دهه‌ها با دشواری تمام برایش مبارزه کرده بودند. نجدر آتالای رئیس DTP در دیاربکر فکر می‌کرد که حرکت به سوی مذهب "فقط نمونه‌ای دیگر از استفاده دولت ترکیه و AKP حاکم در استفاده از مذهب برای از بین بردن حمایت از DTP است."[۲۸] آلاتای متذکر شد که حامیان AKP به دلیل نپوشیدن روسری به زنان DTP حمله می‌کنند. وی همچنین سهم ۴۵ درصدی زنان در حزب را متذکر شد. سیلان اِسِر ، یکی از اعضای DTP و خواننده مشهور دیاربکر می‌گفت تأکید بیشتر DTP بر اسلام نشانه خوبی برای زنان نیست. او اظهار داشت که جنبش DTP برای زنان خیلی خوب بوده و زنان بیشتر فعالیت‌های حزب را انجام می‌دهند. اِسِر تأکید کرد این زنان به آرمان‌های اسلامی اجازه نمی‌دهند بیش از حد در حزب قدرتمند شوند. زنان برای حفظ دستاوردهایی که داشته‌اند خواهند جنگید. در ۲۰۰۸، در جنجال تحول ایدئولوژی ناسیونالیسم کُردی، "جنگ مذهبی" به اندازه "جنگ لفظی" اهمیت یافت. مفسران دیگر اظهار داشتند که تأکید بیشتر بر مذهب سبب از دست رفتن دستاوردهایی می‌شود که زنان کُرد در طول دهه‌های گذشته کسب کرده‌اند.

نیروهای مسلح ترکیه (TAF) و مذهب

مطالعه دانشگاهی دو دهه گذشته تاریخ و سیاست ترکیه نشان داده TAF آنقدر که تحقیقات نشان می‌دهند با مذهب مخالفت نکرده است. اخیراً در مطالعه‌ای سوانت کرنل و خلیل مگنوس کاراولی استدلال کرده‌اند که "در نتیجه تجارب رژیم نظامی دهه ۱۹۹۰، نیروهای مسلح درجه غلظت سکولارگرایی را که اغلب به آنها نسبت داده می‌شد، از خود نشان *ندادند*(تاکید از نویسنده). آنچه که ارتش در آن ثبات و استحکام نشان داده، تمامیت

---

[۲۸] همان.

ارضی و اتحاد ملی و نظم کشور بوده است که از نظر تاریخی به معنای مورد هدف قرار دادن کردهای چپ‌گرا و تجزیه‌طلب است.[۲۹] کودتای ۱۹۸۰ روابط TAF را با مذهب عمیق‌تر کرد چرا که "ژنرال‌ها چپ دموکراتیک را شکست داده و اسلام را به عنوان گزینه جایگزین از طریق تقویت پیوند اسلامی-ترکی تشویق کردند تا اسلام را با ناسیونالیسم جناح راست پیوند دهند."[۳۰] شاید برخی از فرماندهان TAF نوشته‌های حسن رضا سویاک، رئیس کابینه آتاتورک را خوانده باشند که در زندگی‌نامه‌اش واکنش آتاتورک به طرح رجب پکر برای ایجاد حزبی جدید را نوشته بود. رجب پکر از ناسیونالیست‌های افراطی و دو آتشه ترک بود که نتیجه مشاهداتش در طول سفری از ایتالیای فاشیست و آلمان نازی را به شکل طرحی تهیه کرده بود. آتاتورک بسیار عصبانی شده و گفته بود "این دیگر چه نوع تفکر آشفته‌ای است، ظاهراً حتی کسانی که نزدیک‌ترین افراد به ما هستند درک نکرده‌اند که ما در تلاش برای چه چیزی هستیم. ما درصدد نوعی رژیم هستیم که در آن حتی کسانی که می‌خواهند از نو به مقام اولیه خود برسند و سلطنت کنند نیز اجازه داشته باشند حزب سیاسی تشکیل دهند."[۳۱] چنین گفته‌ای می‌تواند درست باشد چرا که آتاتورک آتاتورک فکر می‌کرد که دولتی کاملاً مذهبی بهتر از دولتی فاشیست یا نازی است. نکته‌ای که کرنل و کاراولی به آن اشاره دارند این است که TAF "بر تمامیت ارضی و اتحاد ملی و نظم کشور پافشاری می‌کند،" و همچنین بر این تأکید دارد که گفتمان برآمده از چالش ناسیونالیست‌های کُرد یکی از چالش‌های امنیتی-سرزمینی است.

من این گونه استدلال می‌کنم که اگر کسی این فرض را می‌پذیرد که TAF از گذشته، کمونیسم، چپ و کردها را مورد هدف قرار داده است، پس پذیرفتن اینکه نیروهای مسلح و دستگاه‌های امنیتی دولت از ابزارهای مذهبی برای مدیریت بهتر چالش جنبش‌های ناسیونالیستی ضددولتی، استفاده کرده‌اند نیز برایش منطقی به نظر می‌رسد. این امر بویژه

---

[29] Savante E. Cornell and Halil Magnus Karaveli, "Prospects for a 'Torn' Turkey: A Secular and Unitary Future?" Silk Road paper of the Central Asia-Caucasus Institute and silk Road Studies Program (Washington: John Hopkins University-SAIS, 2008), 32.

[۳۰] همان.

[۳۱] همان، ۳۴.

پس از حمله ایالات متحده و اشغال عراق در مارس ۲۰۰۳ که توأم با تقویت ناسیونالیسم کُردی در کردستان عراق و بخصوص پیشرفت دولت‌سازی و شروع پایه‌گذاری زیربناهای مادی بود، صدق می‌کند.

انتخابات و عامل گولن

در اواخر ۲۰۰۸، به مرور رقابت برای پیروزی در انتخابات محلی حساس‌تر می‌شد. نورالدّین یلماز رئیس کنونی کمیته دیسیپلین DTP، سیاستمدار با سابقه کُرد و نماینده سابق پارلمان و نویسنده کتاب *من تاریخ معاصر را می‌دانم*[۳۲]، که فردی کاملاً آگاه به تاریخ و سیاست ترکیه و جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی است، دیدگاه‌هایش را اعلام کرد. در پاسخ به سؤال سیاست‌هایی که اخیراً توسط AKP در قبال مسئله کُردی در جنوب شرق اتخاذ شده چگونه بوده است اظهار داشت AKP در انتخابات ۲۹ مارس ۲۰۰۹ به خوبی انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ عمل نخواهد کرد. او در دفاع از نظرش چند دلیل را برشمرد: اول، شهرداران شهرهای جنوب شرق با AKP خیلی مخالف بودند؛ دو، هم اکنون (اواخر نوامبر/ اوایل دسامبر۲۰۰۸)، مردم AKP را به عنوان حزبی می‌بینند که با TAF و سیاست‌های سرکوبگرایانه‌اش علیه کردها هم در ترکیه و هم در شمال عراق همکاری می‌کند؛ و، سه، کردهای جنوب شرق از اینکه اردوغان هنوز ۲۱ نماینده کُرد عضو DTP را نپذیرفته، دلخور هستند و با او آشتی نخواهند کرد چرا که کردها یک اقلیت هستند. یلماز به عموم اعلام کرد که "هیچ کس نمی‌تواند از او خوشش بیاید چرا که احساسات ملی قوی است، ناسیونالیسم (در جنوب شرق) قوی است."[۳۳] مصاحبه‌کننده سپس از یلماز پرسید، "با توجه به این واقعیت که جنبش‌های کُردی مذهبی در جنوب شرق در حال قوی شدن هستند، فکر می‌کنید چه کسی از آنها حمایت می‌کند؟"[۳۴] وی در پاسخ گفت که همه آئین‌ها و مراسمات کردهای مذهبی در این امر دخیل هستند اما، او تأکید کرد، علاوه

---

[32] Yakın Tarihin Tanığıyım

[۳۳] *تاراف*، ۳۰ نوامبر ۲۰۰۸.

[۳۴] همان.

بر اعمال مذهبی معمول، جنبش فتح‌الله گولن در طول پنج یا شش سال اخیر مشغول فعالیت‌های زیادی بوده، بطور قابل ملاحظه‌ای رشد کرده و کردهای بیشتری از AKP حمایت کرده‌اند. علاوه بر گولنچی‌ها، حزب ا... هم در تهیه غذا و مواد سوختی برای فقرا فعال بوده است. او گفت که حزب ا... بویژه در دیاربکر و باتمان قوی بود. یلماز فکر می‌کرد که حزب ا... و حامیانش، حزب سعادت[۳۵] را که بطور قابل ملاحظه‌ای از AKP مذهبی‌تر است می‌پسندیدند.[۳۶]

پس از حمله ۲۱ اکتبر PKK به آکتوتون که باعث شد AKP و TAF روابط نزدیک‌تری را با KRG، بویژه KDP بارزانی برقرار کنند، بعداً راجع به آن بحث می‌کنیم که یلماز فکر نمی‌کرد این روابط موجب بروز اختلاف و تفرقه بین کردهای ترکیه و کردستان عراق شود زیرا "کردها جنوب شرق ترکیه و شمال عراق را به صورت محله‌هایی به هم پیوسته در نظر می‌گیرند. اگر ترکیه عمل ناروایی علیه شمال عراق صورت دهد، انگار علیه خودش چنین کاری کرده است. و این امر نه فقط در شیرناخ صدق می‌کند، بلکه کردهای کویه هم چنین احساسی دارند."[۳۷] او می‌دانست که در جنوب شرق همدلی و احساسات موافق زیادی در مورد بارزانی وجود داشت. یلماز گفت او خودش از دوستداران بارزانی بوده است. اما تأکید کرد که او هیچ مشکلی بین عضو DTP بودن و حامی بارزانی بودن ندیده است. وی متذکر شد، "امروز در ترکیه صدها تن از متصدیان DTP رابطه بسیار نزدیکی با بارزانی دارند. تناقضی در این مسئله نیست چرا که هر دوی آنها جنبش‌های کُردی هستند. در این کشور (ترکیه) DTP مدافع حقوق و آزادی کردها بوده و بهای

---

[35] Felicity Party / Saadet Partisi

[۳۶] همان. این مقاله توسط نشه دوسل (Neşe Düsel) نوشته شده است.

[۳۷] این واقعیت که کردهای ترکیه، جنوب شرق ترکیه و شمال عراق را به عنوان دو همسایه می‌بینند به هنگامی مشخص شده که در دسامبر پارلمان KRG قانونی را با ۳۹ در برابر ۳۵ رأی به تصویب رساند که به مردها اجازه می‌داد دو همسر اختیار کنند. وقتی دو زن عضو DTP، سواحی بایندیر و آیسل توغلوک در مورد این قانون به عدنان مفتی گلایه کردند، او جواب داد "قوانینی که ما تصویب کرده‌ایم به شما چه ارتباطی دارند؟" بایندیر جواب داد "برادران و خواهران ما در اینجا زندگی می‌کنند و مسائلی که زنان شمال عراق با آنها مواجه‌اند مسائل ما نیز هست." *رادیکال*، ۱۵ دسامبر ۲۰۰۸. این مناظره به نوعی نشان از دغدغه‌های شخصی سیاستمداران و رهبران کُرد KRG و ترکیه و کم بودن دغدغه در مورد میزان عمق پیوندهای بین کردهای ترکیه و عراق است.

گزافی برای آن پرداخته است؛ بسیاری از متصدیان DTP کشته شده‌اند. اگر بارزانی و طالبانی مرتکب اشتباهی نسبت به DTP شوند، ما آن را نخواهیم پذیرفت. بارزانی بسیار زیرک است. اما طالبانی زیرک‌تر است."[۳۸] یلماز در ادامه اظهار داشت که او مطمئن است که بارزانی و طالبانی در آینده از تشکیل فدراسیونی با کردهای ترکیه طرفداری می کنند و این دو مرد بطور مکرر و گسترده‌ای در مورد چنین فدراسیونی با تورگوت اوزال هنگامی که نخست وزیر ترکیه (۱۹۸۹-۱۹۸۳) و رئیس جمهور ترکیه (۱۹۹۳-۱۹۸۹) بود، صحبت کرده بودند.

قضیه فعالیت‌های جنبش گولن برای اینکه بتواند در سیاست انتخابات ایفای نقش کند تا اواخر ۲۰۰۸ ادامه یافت. در حالی که آمنه آینا، بنگی یلدیز، آیلا آکات آتا، عثمان اوزچلیک و آیسل توگلوک در کورتالان و سییرت رقابت می‌کردند، آینا به جمعیتی ۴۰۰۰ نفری می گفت "AKP با استفاده کردن از جنبش گولن با احساساتشان به نفع خود بازی می کند. مسلمانان راستین به دنبال راه حلی مسالمت‌آمیز می گردند؛ این‌ها (AKP و جنبش گولن) مسلمانان راستین نیستند. ما نباید از یاد ببریم، ما نباید از یاد برده شویم، کسانی گفتند، ' بگذارید کسانی که کشورشان را دوست ندارند برخاسته و آنرا ترک کنند.' (آینا اشاره دارد به گفته‌های اردوغان در دیدارش از جنوب شرق که گفته بود کسی که کشور را دوست ندارد، باید آن را ترک کند). ما باید بر خود و شهرهایمان حکمرانی کنیم. سییرت مستحق چنین دولتی (یعنی AKP) نیست."[۳۹] بسیاری در جمعیت شعارهایی در تجمید از اوجالان سر می‌دادند، آنها شعار می‌دادند "آزادی‌مان، شرافتمان است"؛ "هزار درود بر ایمرالی" (جزیره‌ای که اوجالان در آن زندانی شده)؛ "زندگی بدون رهبر نمی‌خواهم"؛ "رهبری مورد نیاز است برای جنگ و/یا برای صلح."[۴۰] عثمان اوزچلیک به تلاش‌های DTP برای ارسال دعوت و شعر برای اعضای پارلمان جهت حضور در مراسم گرامیداشت نویسنده اخیراً متوفی کُرد ، محمد اوزون اشاره کرد که همه رمان‌هایش را به کُردی نوشت؛ او گفت دعوت‌ها به بهانه اینکه "به زبانی ناشناس" نوشته شده، رد شدند. او

---

[۳۸] همان.

[۳۹] *رادیکال*، ۳ دسامبر ۲۰۰۸.

[۴۰] همان.

در ادامه اظهار داشت که وقتی در پارلمان به کُردی صحبت کرد، در چند دقیقه در پارلمان اوراقی چاپ کردند که او به زبانی صحبت می‌کند که قابل فهم نیست."[41] این‌ها ابله و سبک مغز هستند. چهل میلیون نفر به این زبان تکلم می‌کنند. در عراق سه دانشگاه به این زبان تدریس می‌کنند. در پاریس، لندن و روسیه دانشگاه‌هایی این زبان را تدریس می‌کنند. فقط در کشور ماست که این زبان ممنوع است. خدا جواب شایسته‌ای به آنها خواهد داد. AKP گرفتار وضع دشواری شده است. آنها نمی‌دانند دارند چه می‌گویند."[42] سپس اوزچلیک در ادامه گفت شهردار سییرت که عضو AKP است، در همه نوع فسادی دست دارد. هر چقدر پول از آنکارا بگیرد به دوستانش می‌دهد. با این حال، وقتی سه شهردار DTP درگیر فساد شدند، از حزب بیرون انداخته شدند. او تأکید کرد که مقامات DTP به دادگاه می‌روند تا از آزادی و دموکراسی دفاع کنند؛ آنها به دلیل فساد به دادگاه کشانده نشده‌اند: "وزیر کشور (عبدالقادر آکسو)، استانداران و مسئولان امنیتی AKP تحمل ما را ندارند."[43]

در طی سفر مبارزاتی مشابهی، این بار در کورتالان و در برابر جمعیتی ۵۰۰۰ نفری، عثمان اوزچلیک عضو DTP نماینده سییرت در پارلمان که به کُردی صحبت می‌کرد گفت "پرچم ترکیه پرچم همه است، اما اگر پرچم را همچون سلاحی بکار بگیرند، هیچ کس به آن احترام نخواهد گذاشت. خون ما در پرچم است، استفاده از پرچم بدین گونه از ارزش آن کم نمی‌کند. آنها می‌گویند 'برو بیرون' اما اینجا سرزمین آبا و اجدادی ماست. کسی که باید بیرون برود نخست وزیر اردوغان است. مردم کورتالان می‌دانند به چه کسی رأی بدهند."[44]

آمنه آینا همه تحریکات صورت گرفته در سفرهای آنها در منطقه که علیه مبارزات انتخاباتی DTP اتفاق افتاده بود را برشمرد. او تذکر داد که در ارداهان افراد مبدل به اتوبوس‌شان حمله کردند؛ در بتلیس آنها مورد حمله فرد دیوانه پرچم بدستی قرار گرفتند:

---

[41] همان.

[42] همان.

[43] همان.

[44] همان.

"در برابرمان دوره‌ای انتخاباتی قرار دارد، هم می‌توانید رأی‌تان را برای صلح و دموکراسی بدهید و هم می‌توانید به کسانی رأی بدهید که سیاست‌های نابودی کردها را پیگیری و اجرا می‌کنند."[۴۵] کمی قبل‌تر، در شهر موش، آینا به مردم هشدار داد که دنبال کاندیداهایی که ریشه قومی کُردی دارند و توسط AKP برای جلب آراء مورد استفاده قرار می‌گیرند و کسانی که ادعا می‌کنند کُرد هستند، راه نیافتند؛ آینا گفت:" آنها کُرد نیستند." او به مردم هشدار داد به حزبی که هویت کُردی را انکار می‌کند، حتی اگر کردها را به عنوان کاندیدا اعلام کند، رأی ندهند. او سخنرانی‌اش را با گفتن اینکه AKP به مدت شش سال قدرت را در دست داشت و تنها راه حلی که بکار گرفت راه حل نظامی بود، به پایان برد.[۴۶]

افزایش خصومت

در اواخر سال ۲۰۰۸ رقابت‌ها برای انتخابات مارس شدت بیشتری یافت و به رفتار خصمانه و ناسزاگویی و حمله هواداران طرفین به یکدیگر انجامید. در ۱۶ دسامبر، اردوغان تا آنجا پیش رفت که DTP را متهم کرد که می‌خواهد با ترساندن مردم آراء آنها را جلب کند و گفت که او با دیدگاه‌های حزب حرکت ملی (MHP) مبنی بر مخالفت با هر گونه به رسمیت شناختن قومی و نژادی کُردی موافق است. اردوغان با اظهار ناراحتی گفت "هنگامی که من در برخی مراسمات در جنوب شرق حضور می‌یافتم، دیدن برخی مردم جالب بود که نمی‌توانستند این را بپذیرند، آنها ماشین‌ها را به آتش کشیده و شیشه ساختمان‌های حزبم را می‌شکستند. این دموکراسی است؟ این آزادی است؟ این حقوق بشر است؟ شما نمی‌توانید از این راه به دموکراسی و آزادی نائل شوید، راه دموکراسی نظر خواهی و آراء است."[۴۷] در پاسخ، حاسپ کاپلان عضو DTP نماینده پارلمان متقابلاً جواب داد که اردوغان همانند "ژان ماری لی‌پن"، سیاستمدار جناح راستی فرانسوی عمل کرد: تو لی‌پن هستی. تو نازیسم را در این کشور رایج کردی. تو نمی‌توانی ما را اینطور

---

[۴۵] همان.

[۴۶] همان.

[۴۷] *حرّیت*، ۱۷ دسامبر ۲۰۰۸؛ *صاباح*، ۱۷ دسامبر ۲۰۰۸.

خطاب کنی. نازی‌ها حکومت را بدست گرفته‌اند. کسانی که مرتکب شکنجه و قتل‌عام می‌شوند نازی هستند. هم اکنون چه کسی قدرت را در دست دارد، و زبان، هویت و حقوق مساوی چه کسانی غضب شده است؟ از آنجایی که نه کردها و نه DTP، هیچکدام در مسند قدرت نیستند، نمی‌توان ما را از بابت نازیسم در کشور سرزنش کرد."[۴۸] همکار کاپلان، سِری ساکیک نیز مدعی شد که، قدرت‌های دولتی می‌خواهند کاندیداهای مشترکی را علیه ما نامزد کنند. قانون اساسی را تغییر دهید و در این صورت ما نیز با همدیگر در برابر خشونت می‌ایستیم. اما آنها [دولت] این کار را نمی‌کنند. اگر مردم در کنار مرگ زندگی کنند، دلیلی می‌شود برای آن [خشونت]. اگر بچه‌ها به کوه‌ها می‌روند، بخاطر سیاست‌های انکار و طرد شماست."[۴۹] ساکیک همچنین تحویل زغال سنگ توسط AKP و دولت به مردم را، به عنوان بخشی از مبارزات انتخابات محلی مورد انتقاد قرار داد. بعلاوه، ساکیک خط مشی رادیو و تلویزیون ترکیه (TRT) برای تلاش در نام نویسی برای کانال کُردی جدید ترکیه، از میان کردهایی که در هیچ عمل جنایتکارانه‌ای مقصر دانسته نشده باشند، مورد تحقیر قرار داد. ساکیک گفت کُردی که هیچ وقت متهم به هیچ کار جنایتکارانه‌ای نشده، هیچ تعلق خاطری به کوردایه‌تی (هویت کُردی) ندارد."[۵۰] احمد ترک به کردهای پارلمان گفت از "برادری ملت‌ها دفاع کنید." ما معتقدیم فقط با احترام به هویت‌ها و فرهنگ‌های شهروندان می‌توانیم از برادری ملت‌ها مطمئن شویم. او در اشاره به اردوغان گفت "کسی که نامحترم است و شوونیسم را رواج داده تویی".[۵۱]

پایان سال ۲۰۰۸

در اواخر سال ۲۰۰۸ پارامترها و چارچوب روابط ترکی-کُردی که تا پایان رقابت برای انتخابات برنامه‌ریزی شده برای ۲۹ مارس ایفای نقش می‌کردند، بخوبی تثبیت شدند. این

---

[۴۸] حرّیت، ۱۸ دسامبر ۲۰۰۸.

[۴۹] همان.

[۵۰] آکسام، ۱۸ دسامبر ۲۰۰۸.

[۵۱] حرّیت، ۱۷ دسامبر ۲۰۰۸.

پارامترها در نتیجه حمله ۳ اکتبر حزب کارگران کردستان (PKK) به آکتوتون بصورت واضح‌تری ثابت شدند. این حمله منجر به سیاست‌های زیر شد: روابط نزدیک‌تر بین نیروهای مسلح ترکیه (TAF) و حزب عدالت و توسعه (AKP)؛ تلاش‌های سخت‌تر برای حذف PKK به عنوان بازیگری سیاسی در ترکیه و کردستان عراق؛ تقلا برای به حاشیه-راندن حزب جامعه دموکراتیک (DTP) از طریق فاسد و فاقد صلاحیت به تصویر کشیدن مقامات آن؛ و استفاده از ابزارهای مذهب و گروه‌های مذهبی برای کاستن از جاذبه PKK، DTP و دیگر جنبش‌های ملی‌گرای کُردی. دولت و AKP از منابع دولتی، حزب و سازمان‌های مذهبی برای تأمین غذا، مواد سوختی و خدمات درمانی برای مردم فقیر جنوب شرق استفاده کردند. همچنین، دولت و AKP پس از ۳ اکتبر با ارائه گزینه‌های بیشتر به حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و بخصوص حزب دموکرات کردستان (KDP) که در میان کردهای ترکیه بیشتر مورد تحسین است، موافقت کردند. دولت و AKP امیدوار بودند که برخورد مهربانانه‌شان در قبال KRG سبب درو آرای بیشتری برای AKP در انتخابات ۲۹ مارس شود. علاوه بر همه این‌ها، رایزنی و مذاکره با KRG به معنای به رسمیت شناختن حقوق دولت بودن[52] برای آنها نبود. پس از چنان پیروزی (مهمی) در برابر PKK، DTP و دیگر جنبش‌ها و افراد ملی‌گرای کُرد، حکمی روشن از جانب AKP به TAF اجازه خواهد داد راه‌حلهای خشن‌تری اتخاذ کند. از این پس، AKP و دولت فشار و انگیزه‌های کمتری برای اعطای امتیازی به مطالبات ناسیونالیست های کُرد جهت آموزش به کردی و تمرکززدایی بیشتر دولت احساس می-کردند: و یک برنامه مدیریت شده زبان کُردی کفایت می کرد.

نظر دانشگاهیان

در میانه افزایش خصومت‌ها، سرزنش‌ها و خشونت‌ها، تعداد آگاهان ترکی نیز که از مقامات می‌خواستند هویت کُردی شامل زبان مادری را به رسمیت بشناسد، در حال افزایش بود. احسان داغی، فرد دانشگاهی و ویراستار روزنامه مشهور *اینسایت ترکیه*، از خط‌مشی دولت و AKP در استفاده از سازمان‌های مذهبی برای کاستن از جاذبه ناسیونالیسم کُردی

---

[52] Statehood

انتقاد کرد و اظهار شک کرد "نظریه برادری مسلمانان" ارائه شده توسط آنها موفق شود: "بکارگیری بدیع اسلام که آن را به عنوان ضدسکولار در قسمت غربی کشور به تصویر کشیده‌اند، برای مناطق کردنشین تا زمانی که هویت ملی کُردی را سرکوب کند، مسئله‌ای ایجاد نمی‌کند. اسلام را در غرب خطرناک و در شرق (به عنوان ابزاری) ضروری و حیاتی می‌نگرند."[۵۳] داغی بر این باور بود که AKP و TAF و دیگر بازیگران حکومتی، جدیداً به روابط نزدیک‌تر با KRG به عنوان وسیله‌ای برای حصول اطمینان از دستاوردهای بزرگ برای AKP در انتخابات مارس، نگرش مطلوبی پیدا کرده‌اند.

به نظر داغی، برخی اعضای AKP فکر می‌کردند مسئله کُردی از طریق مذهب، بویژه برای کردهایی که "نظریه ملت" را نمی‌پذیرفتند، حل می‌شود، اما او شک داشت که مسئله کُردی از راهی بغیر از به رسمیت شناختن قومیت کُرد توسط دولت، قابل حل باشد. داغی تأکید کرد که "موجودیت، تاریخ و زبان کُردی باید پذیرفته شود. مراکز فرهنگی کُردی باید دایر شوند؛ ایستگاه‌های خصوصی تلویزیونی باید اجازه پخش برنامه به زبان کُردی را داشته باشند. کسانی که می‌خواهند مسئله کُردی را بدون به رسمیت شناختن هویت کُردی حل کنند، آب در هاون می‌کوبند."[۵۴] داغی گفت "هیچ فرقی بین سنخیت خط‌مشی اسلامی و سنخیت ملی‌گرایی وجود ندارد چرا که هیچکدام هویت کُردی را به رسمیت نمی‌شناسند."[۵۵] او افغانستان را مثال زد که سعی کرده مسائل قومی بین پشتون، تاجیک، ازبک، بلوچ و هزاره‌ها را با ارائه مدل "یک ملت اسلامی" حل کند. گروهی که شدیدترین تلاش‌ها را برای پایه‌گذاری این خط‌مشی بکار گرفت طالبان بود. برآیند چنان خط‌مشی‌ای بوجود آمدن رژیمی تمامیت‌خواه بوده است.[۵۶] تحلیل داغی هشداری جدی به کسانی بود که به نظر می‌رسید مایلند در ترکیه از چنان راه‌حلی مذهبی برای مواجهه با ملی‌گرایی کُردی استفاده کنند. تحلیل داغی بطور ضمنی به این اشاره دارد که TAF هم ممکن است در صورتی که بین گزینه‌های دولت اسلامی متحد یا دولت سکولار متلاشی

---

[۵۳] *زمان* (آنلاین)، ۲ دسامبر ۲۰۰۸.

[۵۴] همان.

[۵۵] همان.

[۵۶] همان.

قرار گیرد، از دولت اسلامی حمایت کند. داغی فکر می‌کرد که ناسیونالیسم کُردی را نه بوسیله پروژه‌های توسعه اقتصادی و نه از طریق مساعدت‌های انتخاباتی نمی‌توان به اتخاذ راه‌حلی مشترک کشاند.

مراد سومر، دیگر دانشگاهی ترک، در پایان مقاله‌ای مفصل راجع به مسئله کُردی و چالش ناسیونالیسم کُردی نتیجه می‌گیرد "قوانینی خام برای تأمین حقوق زبانی-فرهنگی کُردی، یا ارتقاء و ترویج انسجام اسلامی بین اقوام ترک و کُرد، به گونه‌ای که برخلاف ناسیونالیسم دولت سکولار باشد، برای حل مسئله کُردی کفایت نمی‌کند."[۵۷] سومر ایران را مثال زد که که از نظر تاریخی بیش از ترکیه خط‌مشی‌ها و نگرش‌های مداراجویانه بیشتری نسبت به کردها و جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی، بویژه در مورد حقوق زبانی و استفاده از آن، نشان داده است اما هنوز نتوانسته جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی را مهار و مطیع سازد. اما سومر پایان مناقشه کُرد-ترک را خوش‌بینانه می‌دید چرا که "ترکیه از دموکراسی بالغ و کامل، اقتصاد نیمه توسعه یافته و حمایت خارجی قابل توجهی برخوردار است. بنابراین، حتی ظاهراً منازعات با حاصل جمع جبری صفر بر سر سرزمین و سکولاریسم، باید در قالب اصطلاحات اهداف با حاصل جمع جبری مثبت چون دموکراسی و حقوق بشر، توسعه اقتصادی مداوم و احتمالاً عضویت در اتحادیه اروپا بیان شوند. سومر برخلاف داغی نامی از به رسمیت شناختن قومیت یا تحصیل کردها به زبان مادری نبرد. نه داغی و نه سومر به احتمالات یا شرایط مطلوب تمرکززدایی یا سازمان‌های استانی متفاوت اشاره‌ای نمی‌کنند و بحث از نوعی دولت فدرال، مشابه آنچه که در قانون اساسی ۲۰۰۵ عراق آمده است را مسکوت می‌گذارند.

می‌توان پاکستان را هم مثال زد، که تا قبل از اینکه ایران در قانون اساسی‌اش الله را به عنوان قیم حق حاکمیتش اعلام کند، نمونه دولتی اسلامی بود که خدا را ضامن حق حاکمیت خود معرفی کرده بود. پاکستان هنوز هم نتوانسته ملی‌گرایی پشتون، سندی، بلوچ و پنجابی را خفه کند. مدل "یک ملت اسلامی" پاکستان ممکن است به حکومتی تمامیت‌خواه مشابه

---

[57] Murat Somer, "Toward a Non-Standard Story: The Kurdish Question and the Headscarf, Nationalism and Iraq," in *Symbiotic Antagonisms: Competing Nationalism in Turkey,* eds. Ayşe Kanadıoğlu and F. Ruat Keyman (forthcoming by University of Utah Press, 2009).

طالبان در افغانستان ختم شود. در مطالعه اخیر دیگری، زکی ساریگول نتیجه می‌گیرد که دینداری و تعصب مذهبی آنقدر که از توقعات برای استاندارد زندگی بهتر کاسته، جاذبه ناسیونالیسم را کم نکرده است.[۵۸] کاتولیک‌گرایی قوی کاتالونیایی‌ها و *لیگانورد* در ایتالیا، حس هویت و ناسیونالیسم را در آنها تضعیف نکرده یا از "سیاست‌های اختلاف" آنها با اکثریت هویت قومی اسپانیایی‌ها یا ایتالیایی‌ها نکاسته است. در دو نمونه مذکور، انسجام مسیحی/کاتولیک نیز همانند تعصب مذهبی اسلامی نتواست بر انسجام ملی غلبه کند. در ترکیه در اواخر ۲۰۰۸ رئیس جمهور گُل دوباره تأکید کرد که همه شهروندان ترک- قابل توجه است که او نگفت همه شهروندان ترکیه- حقوق زبانی دارند؛ بطور آشکار هم می‌توان به کُردی تکلم کرده و نوشت. اما گُل اشاره‌ای نکرد به اینکه چه محدودیت‌هایی در تکلم و نوشتن کُردی بوده و حکومت مایل است چگونه آن را مدیریت کند. دفتر امور مذهبی (دیانت) اعلام کرد پروژه‌ای برای ترجمه قرآن به کُردی، ظاهراً به عنوان عملی ناسیونالیستی از جانب دولت، در دست انجام است. در ۴ دسامبر، یاشار کمال، نویسنده نامدار کُرد که همه رمان‌هایش را به ترکی نوشته، از طرف رئیس جمهور جایزه هنر و فرهنگ را به واسطه خدماتی که به ملت ترکیه کرده بود، دریافت و مورد قدردانی قرار گرفت. با این حال، یاشار از سخنرانی اهدای جایزه استفاده کرد و در آن خطاب به دولت ابراز امیداوری کرد که همه مردم آناتولی بتوانند از زبان مادری‌شان استفاده کنند، کتاب بنویسند، موسیقی بسازند و پخش کنند، ترانه بسرایند، و به زبان مادری خودشان تحصیل کنند. با این حال، کمال از سخنرانی اهدای جایزه جهت درخواست از دولت برای به رسمیت شناختن قومیتِ کُرد استفاده نکرد. همان‌گونه که ذکرش رفت، مقاومت پارلمان در برابر استفاده از کُردی در اوایل نوامبر زمانی روشن شد و هنگامی بود که دعوت‌نامه‌هایی که به ترکی، کُردی و انگلیسی برای حضور در مراسم مستندی در مورد

---

[۵۸] تحلیل ساریگول (Sarigul) در اثر زیر نیز آمده است:
Robert Olson, "Turkish-Kurdish Relations: A Year of Significant Developments," *Insight-Turkey*, vol. 10, no.3 (2008), 44.

زندگی نویسنده مشهور کُرد محمد اوزون تهیه شده بودند، به بهانه اینکه "به زبانی که قابل فهم نیست نوشته شده‌اند" بین اعضای پارلمان توزیع نشدند.[۵۹]

در پایان ۲۰۰۸، شعار چهار بخشی ملی‌گرایی ترکیه، "یک پرچم"؛ "یک دولت"؛ "یک ملت"؛ "یک میهن"؛ هنوز کامل اما کمی خموده شده بود. در حالی‌که ملی‌گرایان کُرد شامل DTP می‌توانستند شعار "یک پرچم"؛ "یک دولت"؛ "یک میهن"؛ را بپذیرند اما مفهوم "یک ملت" قابل قبول نبود. کردها علاقه‌مند بودند واقعیت وجود دو ملت در ترکیه به همان صورتی که هست، به رسمیت شناخته شود. به نظر می‌رسید احتمالاً شعار چهار بخشی ملی‌گرایی به دو بخش کاهش یابد و فقط "یک پرچم" و "یک دولت" از آن باقی بماند. حتی ادعای "یک دولت" بواسطه طرح‌های سازماندهی مجدد استانی و منطقه‌ای پیشنهادی DTP مورد حمله قرار گرفته بود. چرا که بنا به طرح‌های آنها، پرچم‌های محلی و منطقه‌ای همانند پرچم ملی پذیرفته می‌شدند. روشن بود که آینده اثر مفهومی شعار ملی‌گرای ترکیه، بیش از هر چیز به انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹ بستگی داشت.

هنوز آگاهان ترک بانفوذی چون محمدعلی بیراند بودند که فکر می‌کردند می‌توان PKK را خنثی کرد. او شش راه را برای این منظور ارائه کرد. یک، کردها بغیر از نامه نگاری اداری، تحصیل و نامگذاری افراد و مکان‌ها اجازه داشته باشند به کُردی تکلم کنند. باید رادیو و تلویزیون خصوصی اجازه پخش برنامه به کُردی را داشته باشد. دو، کار و امکانات رفاهی باید برای جوانان کُرد فراهم شود اما نه از طریق خیریه، بلکه از طریق تحصیلات و آموزش. سه، باید راهی برای تقویت سیاستمداران غیرنظامی در مقابل سیاستمداران نظامی، و DTP در مقابل PKK یافته شود. چهار، دولت و TAF باید عفو عمومی اعلام کنند. (بیراند نگفت که عفو عمومی باید مشروط باشد یا غیرمشروط.) پنج، برای ترکیه دستیابی به توافقی با KRG، KDP و PUK و همچنین جلال طالبانی کاملاً ضروری است. از آنجا که طالبانی رئیس جمهور عراق بود، توصیه‌های خط‌مشی بیراند این مطلب را می‌رساند که برای ترکیه بسیار لازم است در پی روابطی خوب و بدون برخورد و کشمکش با هر دوی اربیل و بغداد باشد. اگر قانون اساسی و قوانین فعلی مبنا قرار گیرند،

---

[۵۹] *تاراف*، ۳ نوامبر ۲۰۰۸.

مذاکرات برای حل مناقشه راه به جایی نخواهد برد. همچنین، به نظر می‌رسید بیراند تمایلی در به رسمیت شناختن نژادی کُردها و پذیرش وجود دو ملت در ترکیه نداشت. توصیه بیراند و سومر برای حل مسئله کُردی این بود که حقوق زبانی مناسب و کافی به کردها داده شود. آنها امیدوار بودند با این کارها، برای دولت ترکیه امکان سازش بهتر با مطالبات چالش برانگیز کُردها برای خودمختاری یا (حکومت) غیرمتمرکز و حکومت استانی منطقه‌ای، که بر وجود دو ملت در ترکیه دلالت دارد، فراهم شود.

فصل چهار:
از سرگیری درگیری‌های شدید نظامی

همان‌گونه که در فصل سه بیان شد، روشن است که از زمان حمله ۳ اکتبر به پادگان آکتوتون در استان حکّاری که در آن ۱۷ سرباز ترک و ۹ (گریلای) PKK کشته شدند، تا زمان برگزاری جلسه ۲۷ اکتبر کابینه با حضور رئیس ستاد ارتش ایلکر باشبوغ، به یکی از خصمانه‌ترین و متشنج‌ترین فضاها بین تصمیم‌گیرندگان اصلی کشور یعنی حزب عدالت و توسعه (AKP)، نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، سازمان اطلاعات ملی (MIT) و بازیگران عمده مقابل آنها یعنی حزب کارگران کردستان (PKK)، حزب جامعه دموکراتیک (DTP) و جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی منجر شد. این دوره در فهم تحول بعدی سیاست ترکیه نسبت به مسئله کُردی بسیار حیاتی است، و برای درک برخی جریاناتی که در مورد آنها بحث کردم، لازم است. این جریانات در خلال نبرد بین برون-دادهای رسانه‌های متفاوت در زمینه محاکمات پیرامون توطئه ارگنکون روی داد.[۶۰]

افزایش تنش در کانون‌های متعددی بود. اول، تحقیقات، بویژه در روزنامه *تاراف* افشا کردند که TAF و MIT استراتژی‌ای برای حذف یا به حاشیه‌رانی نقش دیگر سازمان‌های امنیتی در مدیریت چالش‌های کُردی در جنوب شرق دارند. دو، اولین گزارشات در مورد حمله، به این اشاره داشتند که روابط نزدیک‌تری از آنچه در سابق وجود داشته، بین AKP و TAF در مبارزه علیه PKK، DTP و مقاومت کُردی بوجود آمده و هم اکنون همان‌گونه که مراد یتکین ذکر کرده بود، AKP و TAF روی "فرکانس مشابهی" بودند. سه، رویدادهای پس از حمله بطور قابل توجهی تفاوت استراتژی‌ها و تاکتیک‌های PKK و DTP را با دیگر سازمان‌ها و احزاب ملی‌گرای کُردی دیگر، برای دستیابی به مذاکراتی جدی و گرم با دولت ترکیه، نمایان کردند. چهار، رویدادهای پس از حمله نشان دادند که AKP، TAF و دیگر سازمان‌های دولتی نیز، هم اکنون برای مدیریت بهتر ناسیونالیسم کُردی در ترکیه با برقراری روابط نزدیک‌تر بین ترکیه و KRG موافق بودند. پنج، همه

---

[۶۰] اولین گزارشات از نبرد، شمار اجساد شبه‌نظامیان PKK را ۲۳ تن اعلام کردند، اما متعاقباً گزارش شد فقط ۹ جسد از افراد PKK پیدا شد. *CNNTurk* ، ۱۵ اکتبر ۲۰۰۸.

موارد مزبور به درک روشن‌تر استراتژی‌ها و تاکتیک‌هایی که AKP و TAF همانند PKK و DTP تا انتخابات برنامه‌ریزی شده برای ۲۹ مارس بکار می‌گرفتند، کمک می‌کرد.

گزارشات روزنامه *تاراف*

بسیاری جزئیات استراتژی TAF در مقابل PKK برای اولین بار در روزنامه *تاراف*، که روزنامه جدیدی بود که علاقه وافری به روزنامه‌نگاری تحقیقی داشت، منتشر شدند. یازده روز پس از حمله به آکتوتون، *تاراف* گزارش کرد علی‌رغم این واقعیت که در طول چهار سال گذشته، چهار حمله به آکتوتون یا نزدیک آن صورت گرفته، TAF کلاً برای حمله ناآماده بود.[۶۱]

بر اساس گزارش *تاراف*، امرالله اوسلو انتقادهای زیادی از استراتژی TAF در مقابل PKK مطرح کرد: یک، اطلاعات ماهواره‌ای داده شده توسط ایالات متحده نشان دهنده احتمال وقوع چنین حمله‌ای بود؛ دو، کوتاهی TAF در مطلع کردن عموم از آنچه که واقعاً در آکتوتون رخ داده؛ سه، برخلاف تصور مبنی بر اینکه TAF بودجه کافی برای ساختن "پاسگاه‌های مرزی" مانند آکتوتون در اختیار نداشته است، "ارتش در سال ۲۰۰۷ حتی از ۲۵۰ میلیارد لیره بودجه‌اش استفاده نکرده و آن را به وزارت خزانه‌داری برگردانده است."[۶۲] سفارت امریکا نیز فوراً "تلاش ناآگاهانه منابع ترکیه در مورد اینکه ایالات متحده دیگر اطلاعات 'قابل تعقیب عملی' همانگونه که قبلاً توافق شده بود، در اختیار آنکارا نمی‌گذارد، رد کرد."[۶۳] حتی ضربات بیشتری به TAF وارد شد، گزارش دیگری در *تاراف* منتشر شد که در آن آمده بود فرمانده نیروی هوایی، ژنرال آیدوغان بابااوغلو، که

---

[۶۱] *تاراف*، ۱۴ اکتبر ۲۰۰۸؛ *حرّیت*، ۱۶ اکتبر ۲۰۰۸. در واقع حرّیت گزارش کرد از ۳۱ آگوست تا حمله ۱۳اکتبر، ۲۰ سرباز دیگر هم در منطقه کشته شده بودند. برخی از شدیدترین انتقادات را امرالله اوسلو، از تحلیلگران امور ترکیه و جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در مؤسسه جیمز تاون در واشنگتن،دی.سی. بیان کرد. بنگرید به:
www.jamestown.org/news, 2 November 2008.

[۶۲] همان. همچنین بنگرید به، *آکسام*، ۱۹اکتبر ۲۰۰۸.

[63] Emrullah Uslu, *www.jamestown.org/news*, 2 November 2008.

فرمانده مسئول عملیات آکتوتون بود، به هنگام عملیات، مشغول بازی گلف در زمین گلف مجللی در آنتالیا بوده است.

پس از انتقادهای غیرمنتظره، رئیس ستاد ارتش ایلکر باشبوغ در کنفرانسی خبری در ۱۴ اکتبر گیر افتاد: "آنهایی که اعمال سازمان تروریست‌های تجزیه طلب را موفقیت‌آمیز معرفی می‌کنند مسئول ریخته شدن هر قطره خونی هستند که ریخته شده و ریخته خواهد شد. این حرف آخر من است."[۶۴] دفاع فوری نخست وزیر اردوغان از هشدارهای باشبوغ نشان می‌داد که چگونه مواضع همکاری‌جویانه AKP و TAF در حال شکل‌گیری است: "در این جنگ [در برابر ترور] هیچ جایی برای ضعف یا تردید نیست. هیچ کس نباید جرأت کند حکومت یا نیروهای امنیتی‌مان را ضعیف نشان بدند."[۶۵] وقتی دفاع اردوغان از باشبوغ مورد انتقاد رسانه‌ها قرار گرفت، او متقابلاً جواب داد، "برخی افراد در رسانه سعی دارند ما را تحریک کنند. ما حق داریم بپرسیم که این مسئله از کجا آب می‌خورد."[۶۶] دفاع این دو نفر از یکدیگر هنوز نشانه‌ای بود از اینکه AKP و TAF براستی روی فرکانس مشابهی بودند. و این امر بطور روزافزونی از زمان حکم رد دادگاه قانون اساسی به دادخواست بسته شدن AKP در ۳۰ ژوئیه، روشن‌تر می‌شد. یکی از روزنامه‌های انگلیسی تا آنجا پیش رفت که اظهار داشت اردوغان با TAF موافقت کرده که اجازه بدهد آنها سکان مبارزه علیه PKK را بدست بگیرند به شرطی که دیگر از دعوی بسته شدن AKP حمایت نکنند.[۶۷] نظر امرالله اوسلو بر این بود که "اعلامیه‌های رسمی AKP بر محورهای سکولار صادر می‌شوند تا این گونه القا کنند که حکومت و ارتش در مورد چگونگی رفتار با قضیه مسئله کُردی با هم توافق دارند."[۶۸]

---

[۶۴] *تاراف*، ۱۷ اکتبر ۲۰۰۸؛ *حرّیت*، ۱۶ اکتبر ۲۰۰۸.

[۶۵] TDN، ۱۷ اکتبر ۲۰۰۸.

[۶۶] TDN، ۱۸ اکتبر ۲۰۰۸.

[۶۷] *اکونومیست*، ۲۱ اکتبر ۲۰۰۸.

[68] Emrullah Uslu, "Can the Turkish Government's Plans for Solving the Kurdish Question Work?" Jamestown Foundation, *Eurasia Daily Monitor*, vol. 5, no. 208, 2 November 2008.

اتفاقات برآمده از آکتوتون منجر به تغییراتی در استراتژی TAF در مقابل PKK و DTP شد که در آن TAF نشان داد از این پس با متخصصان غیرنظامی ضدتروریست همفکری و رایزنی به عمل می‌آید. TAF به عنوان بخشی از استراتژی جدید، موافقت کرد ۷۰۰۰ نفر از واحدهای نیروی ویژه پلیس ملی به جنوب شرق فرستاده شوند. واحدهای پلیس ملی پس از بحران سیاسی ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ از جنوب شرق بیرون کشیده شده بودند. بحران مزبور به برکناری و بسته شدن حزب رفاه[۶۹] نجم‌الدین اربکان که متمایل به اسلامگرایی بود منجر شد. استراتژی جدید از ارتش درخواست می‌کرد کنترل امنیت داخلی را به نیروهای غیرنظامی وزارت دفاع و پلیس و واحدهای ژاندارمری واگذار کند. حکومت برنامه داشت که همه نهادهای دولتی را برای تمرکز توانایی‌هایشان در مبارزه ضدتروریسم هماهنگ کرده و به برخورد با ابعاد اقتصادی، اجتماعی و آموزشی تروریسم سوق دهد."[۷۰] طرح جدید TAF درباره PKK و DTP بطور قابل توجهی متفاوت از منشور خط مشی ۲۰۰۷ بود که از "فعالیت‌های اطلاعاتی" برای مبارزه با چالش ناسیونالیسم کُردی حمایت می‌کرد. منشور مزبور در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۸ توسط روزنامه *تاراف* منتشر شد.[۷۱] "طرح اقدام" TAF اهداف متعددی داشت. عمده‌ترین آنها "ترغیب افکار عمومی برای حمایت از خط‌مشی‌های TAF بود." رئیس ستاد فکر می‌کرد چنان طرحی برای مقابله با سیاست‌های AKP که زمینه را برای "فعالیت‌های ارتجاعی" فراهم می‌کرد، ضروری بود. دو، بسته جدید قانون اساسی مدنظر، مخالف "دولت ملی" بود. رئیس ستاد هرگونه تلاشی برای نفوذ در دادگاه‌های عالی، رسانه، دانشگاه‌ها و بازیگران و برای تقویت روابطشان با دیدگاه‌های ستاد کل انجام می‌داد. طرح مبتنی بود بر جلب حمایت "نامداران قابل اعتماد"، سازمان‌های بانفوذ جامعه مدنی، گروه‌های رسانه‌ای متناسب و کسانی که رویکردهای "متجانس فکری" مشترکی با TAF داشتند "شامل صنایع رادیو و تلویزیونی که وابسته به جنبش ناسیونالیستی کُردی بودند." "طرح اقدام" هر تلاشی می‌کرد تا DTP را به عنوان گروهی تروریست به تصویر بکشد. سه تاکتیک برای تکمیل "طرح اقدام"

---

[69] Refah Party

[۷۰] همان.

[۷۱] *تاراف*، ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۸.

مورد حمایت قرار گرفت. یک، به منظور قطع ارتباط جنوب شرق ترکیه با شمال عراق، افراد و سازمان‌هایی که خلاف رویکرد عمل کنند بسیار مورد آزار قرار می‌گیرند، و تا زمانی که ارتباطشان قطع نشود، سرکوبشان ادامه می یابد. دو، آنهایی که در جنوب شرق از "ترور" حمایت کرده‌اند با قرار گرفتن در معرض ارعاب، سرکوب و حملات مداوم بهایش را می‌دهند. سه، افرادی هم که در طرف مرز عراق قرار دارند با بمباران‌های مداوم توپخانه سنگین مواجه می‌شوند.

بعلاوه، DTP یکی از اهداف ویژه "طرح اقدام" بود. TAF از هر ابزاری برای نفوذ در رسانه‌ها برای به تصویر کشیدن DTP به عنوان سازمانی تروریستی استفاده می‌کرد. TAF دانشگاهیان را حمایت و توصیه می‌کرد تا سمینارها و سمپوزیوم‌هایی تشکیل دهند که شرکت‌کنندگان در آنها اعلام کنند DTP سازمانی تروریستی است که این بویژه برای حضار اتحادیه اروپا مفید است. یکی از جالب‌ترین استراتژی‌های "طرح اقدام" تصدیق لازم بودن نهاد مذهب و تلاش روزافزون برای جایگزینی آن با این تلقین بود که "اصول اسلامی زندگی باید بر جامعه حکمفرما شوند".[۷۲] "طرح اقدام" تا آنجا پیش رفت که اعلام کرد "TAF مخالف مذهب نیست".[۷۳] حتی آتاتورک گفته بود "مذهب نیروی لازم برای گروه‌های خاصی از مردم است و بویژه برای انگیزه دادن به سربازان در میدان نبرد مهم است."[۷۴]

علاوه بر AKP، در اواخر سال ۲۰۰۸، دیگر احزاب سیاسی ترکیه، شامل حزب مردم جمهوری‌خواه (MHP) که سابقاً بطور بی‌شائبه‌ای سکولارگرا بود، به نظر می‌رسید به استفاده از مذهب به عنوان نهادی لازم در جامعه متمایل بود. در دسامبر ۲۰۰۸، دنیز بایکال در مجموعه‌ای از اشارات و بیانات بطور ضمنی اظهار داشت MHP با پوشش روسری زنان مخالف نیست، هر چند او تا آنجا پیش نرفت که پوشیدن توربان که روی سر و اطراف گردن را می‌پوشاند، مجاز بداند. با توجه به "طرح اقدام" شاید کسی این‌گونه نتیجه بگیرد که اگر TAF این کار را از نظر نظامی و سیاسی لازم دیده، پس باید به گونه‌ای

---

[۷۲] همان.

[۷۳] همان.

[۷۴] همان.

ضمنی آشکارا اعلام می‌کرد دیگر با پوشیدن روسری مخالف نیست. در این صورت، یکی دیگر از مواضع خودنمایی سکولاریسم TAF نقض می‌شد. از آنجا که AKP، و سپس MHP، بدون شک آراء حوزه‌های ویژه حاضر و بالقوه ترکی خود را داشتند، واضح است که پذیرش قانونی بودن پوشیدن روسری نیز آنها و TAF را قادر می‌ساخت چالش ناسیونالیسم کُردی را بهتر مدیریت کنند. قضیه مذهب بار دیگر در جلسه ۲۷ اکتبر کابینه مطرح شد، این اولین جلسه کابینه بود که با حضور رئیس ستاد کل TAF برگزار می‌شد و هدف اصلی از آن راهنمایی و ترغیب وزرای غیرنظامی کابینه برای جنگ علیه ترور بود. ژنرال باشبوغ توصیه‌های زیادی را برای چگونگی پیوستن مقامات امنیتی غیرنظامی به ارتش در نبرد علیه تروریسم، ارائه کرد.[۷۵] در پایان توصیه‌هایش، باشبوغ همچنین پیشنهاد کرد "امام‌های (جماعت) جدیدی باید به جاهایی از جنوب شرق که امامی ندارد منصوب شوند."[۷۶] روزنامه *زمان* که تحت کنترل جنبش گولن است، باشبوغ را برای دعوت به انتصاب فوری امامان (پیش نمازها) برای پر کردن پست‌های خالی در جنوب شرق، مورد تمجید قرار داد.[۷۷]

مسئله‌ای که باقی می‌ماند این بود که چه نوع امامانی باید منصوب شوند. برخی بر این باور بودند که اغلب امامان باید حنفی مذهب باشند چرا که تفسیر حنفی از حقوق اسلامی بود که در مدارس امام-هاتپ که ظاهراً از دهه ۱۹۸۰ در حال افزایش بودند، آموزش داده می-شد. تحصیل‌کردگان مدارس امام-هاتپ به عنوان خدمه هزاران مسجدی که بعد از ۱۹۸۰ ساخته شدند و تعدادشان در دهه اول ۲۰۰۰ به ۸۳۰۰۰ (مسجد) می‌رسید، لازم بودند. بدون شک به این امید حکومت و TAF که از نفوذ تفسیر مکتب محافظه‌کارتر شافعی که اکثر کردها به آن تعلق داشتند بکاهند، بسیاری از مدارس امام-هاتپ نیز به شرق و جنوب شرق می‌رفتند. TAF و حکومت، و بویژه دفتر امور مذهبی، مسلماً فکر می‌کردند امامان جدید

---

[75] Emrullah Uslu, "Can the Turkish Government's Plans for Solving the Kurdish Question Work?" Jamestown Foundation, *Eurasia Daily Monitor*, vol. 5, no. 208, 2 November 2008.

[۷۶] جالب است که اظهارات باشبوغ در روزنامه *صاباح* چاپ شد که روزنامه‌ای نزدیک به AKP است و مدیر مسئول آن پسر اردوغان بود. *صاباح*، ۲۹ اکتبر ۲۰۰۸.

[۷۷] *زمان*، ۳۰ اکتبر ۲۰۰۸.

حنفی می‌توانند شیعیان دوازده امامی (اثنی عشری) را که در جنوب شرق ترکیه حدوداً ۲۰۰ هزار تا ۳۰۰ هزار نفر می‌شدند، قانع کنند که تفسیر حنفی از حقوق اسلامی (فقه) را بپذیرند.[۷۸] علاوه بر این، شایان ذکر است که معرفی اخلاق در کلاس‌های دبیرستان‌ها، پس از ۱۹۸۰ توسط تحصیل‌کردگان مدارس امام-هاتپ انجام می‌شد. چنان کلاس‌هایی تفسیری حنفی از اخلاق و معنویات را منعکس می‌کردند. پس از ۱۹۸۰، ایده‌های اخلاقی و قانونی و دستورالعمل‌های رفتاری که بنا به تفسیری کامل از مذهب حنفی از مقدسات ارائه شده بود، بر کردها تحمیل شد. همچنین ممکن است بسیاری از تحصیل‌کردگان مدارس امام-هاتپ که کُرد بودند نیز عضو طریقت‌های نقشبندی بوده یا شده باشند که منجر به نفوذ بیشتر آگاهان حنفی در طریقت‌ها شده باشد. اگر ناسیونالیسم کُردی برای شیوخ طریقت‌ها یا اعضای مساجدی که توسط امامان حنفی رهبری می‌شدند جاذبه ای داشته، دانستن میزان آن نکته جالب توجهی خواهد بود.

جلسه ۲۷ اکتبر کابینه نیز از آن جهت مهم بود که باشبوغ اظهار داشت تغییری در سیاست TAF در جنگ با PKK و ناسیونالیست های کُرد جنگجو بوجود آمده است. باشبوغ علناً اظهار داشت: "بهترین تروریست، تروریستی مرده نیست، بلکه تروریستی است که تسلیم می‌شود. تروریست مرده با برانگیخته کردن احساسات، سربازگیری را ترغیب می‌کند در حالی که تروریستی که تسلیم می‌شود به روحیه سازماندهی صدمه می‌زند."[۷۹] اظهارات رئیس ستاد ارتش بطور ضمنی نشان می‌داد که TAF عفو عمومی اعلام شده توسط حکومت در ۲۰۰۶ را مطلوب دانسته است، اما عفو اعلامی ۲۰۰۸ عمدتاً به این دلیل که اعضای تسلیم نشده PKK نمی‌دانستند پس از پذیرش عفو عمومی چه سرنوشتی در انتظارشان است، زیاد موفقیت آمیز نبوده است. اظهارات باشبوغ نشان می‌داد TAF از این

---

[۷۸] برای این موضوع بنگرید به:
Robert Olson, *Turkey's Relation with Iran, Syria, Israel, and Russia, 1991-2000: The Kurdish and Islamist Questions* (Costa Mesa, CA: Mazda Publishers, 2001) 81-83.
در سال ۱۹۹۸، عبدالقادر سزگین، بازرسی از دفتر امور مذهبی، برآورد کرد ۳۰۰ مسجد در منطقه ایغدیر ترکیه در حال خدمات دادن به حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار شیعه ۱۲امامی بودند. پی بردن به اینکه چند درصد جمعیت شیعیان دوازده امامی کُرد یا ترک بودند مشکل است، اما منطقه مزبور اکثراً کردنشین است.

[۷۹] *زمان*، ۳۰اکتبر ۲۰۰۸.

به بعد تفسیر ملایم و باگذشت‌تری از عفو عمومی خواهد داشت. مهم‌تر از این، در جلسه ۲۷ اکتبر، باشبوغ تاکید کرد که "برای متوقف نمودن خونریزی، حتی ملاقات با مسعود بارزانی، رئیس KRG هم قابل درک است."[۸۰]

اگر چه اعلام شد که تماس‌های بسیاری با مقامات KRG، KDP و PUK از زمان‌هایی قبل از اکتبر ۲۰۰۸ وجود داشته است، اما برای اولین بار بود که وجود چنین تماس‌هایی توسط یک رئیس ستاد ارتش ترکیه اعلام می‌شد. این نشان می‌داد که به دنبال واقعه آکتوتون، TAF به این نتیجه رسیده اگر برای مدیریت ناسیونالیسم کُردی در ترکیه تغییری در هیئت دولت داده نشود، مذاکرات و گفتگوهایی در سطح عالی با مقامات کردستان عراق مورد نیاز است. با این حال بیانیه او، مانع از درخواست باشبوغ از پارلمان برای تمدید اجازه پارلمان به TAF برای بمباران پایگاه‌های PKK در عراق برای شش ماه نمی‌شد. هم مسعود بارزانی و هم برادرزاده‌اش نیچیروان بارزانی، نخست‌وزیر حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG)، قویاً اظهار داشتند تا زمانی که هواپیماهای ترکیه قلمرو KRG را بمباران می‌کنند، هیچ مذاکره‌ای با ترکها نخواهند کرد. شکایت دیگر KRG این بود که به محض مشاهده پیشرفتی در مذاکرات TAF با کردها، TAF هم مثل حکومت و پارلمان، دوباره قضیه ایجاد کمربند امنیتی به عرض ۹ تا ۱۵ کیلومتر را از طرف مرز بین‌المللی عراق، پیش می‌کشد. علی‌رغم حمایت قوی از کمربند امنیتی، فرماندهان بلندمرتبه TAF همانند معاون رئیس ستاد کل ارتش، ژنرال حسن ایغسیر با این پدیده مخالف بود و می‌گفت پیاده‌سازی چنان کمربندی سخت خواهد بود: "گفتن آن آسان اما پیاده‌سازی‌اش مشکل است. شرط لازم برای بوجود آمدن چنان کمربندی، انضمام کامل آن مناطق به TAF است. بعلاوه، چه نوع تعهد و الزامی بوجود می آید؟ با بوجود آوردن کمربند حائل نمی‌توان جنگ را متوقف کرد؛ ما [TAF] باید به همه شرایط لازم دست یابیم. آیا TAF چنان امکانات وافری در اختیار دارد؟"[۸۱]

امرالله اوسلو یکی از جالب‌ترین جواب‌ها را به توصیه‌های اظهار شده باشبوغ و اردوغان در جلسه ۲۷ اکتبر کابینه داد. او فکر می‌کرد دولت AKP در معضلی گرفتار شده چرا که

---

[۸۰] همان.

[۸۱] حرّیت، ۱۹اکتبر ۲۰۰۸.

"انتخاب‌کنندگان آن و ارتش در مورد چگونگی مبارزه با تروریسم با هم توافق ندارند. از یک طرف، حامیان AKP، حداقل در منطقه کُردنشین، از AKP می‌خواهند روابط بهتری با گروه‌های کُرد عراقی برقرار کند تا راهی برای متقاعد کردن اعضای PKK به تسلیم و بوجود آمدن امید به راه‌حل بیابند، از طرف دیگر، TAF بیشتر مردد است."[۸۲] اما اظهارات اردوغان در حمایت از باشبوغ و پس از این در حمایت از تاکتیک‌های وحشیانه TAF، حامیان AKP در جنوب شرق را ناامید کرد. این حامیان از PKK خواسته بودند اسلحه را بر زمین بگذارد تا بدین ترتیب رهبریت/نفوذ عبدالله اوجالان بر جریانات جنوب شرق به حاشیه رانده شود. اوسلو استدلال می‌کرد و متذکر می‌شد که ۲۸ اکتبر، یک روز پس از جلسه تاریخی کابینه، رئیس جمهور عبدالله گُل اعلام کرد درصدد است در دسامبر یا ژانویه ۲۰۰۹ از عراق دیدار کند.[۸۳] اوسلو به دو دلیل تردید داشت که استراتژی AKP عملی شود. یکی از دلایل اوسلو این بود که AKP می‌خواهد مسئله PKK را از طریق مداخله بارزانی حل کند. در سایه رقابت شدید بین مسعود بارزانی و عبدالله اوجالان بر سر رهبریت جنبش ملی کُرد، تلاش AKP برای برقراری روابط بهتر با کردهای عراق ممکن بود به بدتر شدن مسئله PKK بیانجامد چرا که PKK نمی‌خواهد بارزانی در مسائلش دخالت کند. آنچه آنها می‌خواستند مذاکره دولت AKP با DTP یا اوجالان بود.[۸۴] احمد ترک قویاً اظهار داشت: "راه‌حل نه در دستان بارزانی است و نه امریکا. منشاء مسئله در درون ترکیه است و فقط در ترکیه قابل حل است."[۸۵] اما اوسلو هنوز اوجالان را به عنوان بازیگری در مسئله کُردی در نظر می‌گیرد، و به نظر می‌رسد طرح‌های حساب شده محتاطانه AKP برای برقراری روابط بهتر با کردهای عراق به منظور برداشتن عامل اوجالان در ملاحظات جدی، شکست خورده است. او معتقد بود اگر رویکرد AKP شکست بخورد، ممکن است مشکلی اساسی برایش بوجود بیاید. اگر چنین اتفاقی بیافتد، نه

---

[82] Jamestown Foundation, *Eurasia Daily Monitor*, vol. 5, no. 208, 2 November 2008.

[۸۳] سفرهای برنامه‌ریزی شده گل به عراق و اسرائیل در نتیجه ادامه مشکل عفونت گوش گل، یا حداقل، آنگونه که به عموم اعلام شد، لغو شدند.

[۸۴] همان.

[۸۵] همان.

تنها AKP احتمالاً با از دست رفتن انتخاب‌کنندگان ترک و کُرد مواجه می‌شود، بلکه روابط خوب جدیداً برقرار شده‌اش با TAF هم ممکن است از دست برود.[۸۶]
در مصاحبه‌ای دیگر که از اوسلو و اوندر آیتاچ پرسیده شد چه کسی یا کدام سازمان از تحریک کردها منتفع می‌شود، آیتاچ پاسخ داد، "کسانی هستند که ترور را مبارک می‌دانند و دولتی سرکوبگر می‌خواهند. اما زمان برای کسانی که به دنبال راه‌حلی بدون عبدالله اوجالان هستند گذشته است."[۸۷] اوسلو هم به نوبه خود ابراز کرد که تاکید بر اوجالان برای PKK و DTP و پایه‌هایشان مفید بوده است. آنها به دو دلیل بنیادی از این امر منتفع شده‌اند. یک، همزمان با نزدیک شدن ترکیه به بارزانی در تلاش برای مدیریت ناسیونالیسم کُردی، اوجالان فریاد برآورد که نقش رهبری‌اش دارد از بین می‌رود. او محکم بر این موضع خود استوار بود که کمالیست‌ها، شامل عوامل ارگنکون با او مذاکره کرده‌اند. کمالیست‌ها قویاً با برجسته‌تر شدن بارزانی به عنوان رهبر کُردها در ترکیه مخالف بودند چرا که فکر می‌کردند این افزایش برجستگی سبب از دست رفتن کنترل ترکیه بر جنبش کُردی خودش می‌شود. در واقع، اوسلو گفت "اگر حکومتی کمالیستی در مسند قدرت بود که به "دولت ژرف" نزدیک بود، احتمال این می‌رفت که اوجالان مورد عفو واقع شود. به همین دلیل است که سرمقاله‌نویسان برجسته و بانفوذ نزدیک به دولت این قضیه را پروراندند که "باید به دنبال راه‌حلی با حامیان اوجالان یا خود وی بود."[۸۸]
تحلیلگران دیگر با اوسلو و آیتاچ در این مورد موافق بودند که اوجالان یا استفاده از اوجالان توسط ناسیونالیست‌های کُرد مهم‌تر از هر جاذبه مسعود بارزانی در میان کردهای ترکیه بود. گونش تزجور خاطر نشان کرد دولت AKP از سال ۲۰۰۳ و بویژه از ۲۰۰۶ به بعد تماس‌های بیشماری با KDP، PUK و KRG داشته بود. او بر این باور بود که این امر دو دلیل داشت. یک، "از نظر داخلی، این کار ممکن بود گفتمان PKK مبنی بر اینکه AKP بطور روزافزونی با موضعی ضدکُردی پیوند می‌یابد را از بین ببرد، که این امر به آنها در انتخابات مارس ۲۰۰۹ کمک می‌کرد. دو، خط‌مشی AKP با اهداف ایالات

---

[۸۶] همان.

[۸۷] ینی شفک، ۳ نوامبر ۲۰۰۸.

[۸۸] همان.

متحده [دسامبر ۲۰۰۸] در کاهش تنش بین کردهای عراق و ترکیه بر سر موقعیت کرکوک، ناسازگار و متناقض است."[۸۹] تزجور نیز فکر می‌کرد در مذاکرات بر سر استان کرکوک، اتخاذ موضع راسخ ضدکُردی توسط AKP در مقابل KRG، حکومت بغداد و ایالات متحده، نفوذ ترکیه را جهت طولانی‌تر کردن مذاکرات، محدود می‌کرد. از طرف دیگر، او فایده بیشتری در مذاکره AKP با مسعود بارزانی برای TAF نمی‌دید. یک، "نه حکومت بارزانی و نه TAF نمی‌توانستند PKK را از پایگاه‌هایش در قندیل، زاپ، هاکورک و آواشین [تلفظ ترکی] بیرون کنند. دو، PKK، به عنوان نیروی جنگنده بالقوه تا زمانی که می‌توانست از بین کردهای ترکیه سربازگیری کند، باقی می‌ماند."[۹۰]

برخلاف اوسلو و آیتاچ، دیدگاه تزجور این بود که جاذبه مسعود بارزانی، و به نظر برخی‌ها شاید قبیله بارزانی، علی‌رغم همدردی عمومی کردهای ترکیه نسبت به ارتقای کردهای عراق پس از ۱۹۹۱ و بویژه از ۲۰۰۳، محدود است. او استدلال می‌کرد، "حمایت فعال از مسعود بارزانی بین کردهای ترکیه علاوه بر کلان شهر دیاربکر، عمدتاً به استان‌های مرزی حکّاری و شیرناک محدود شده است."[۹۱] او فکر می‌کرد هنوز اوجالان و پیروانش قدرت و توان این را دارند که هرگونه تلاش ترکیه برای تشکیل اتحادی آسوده با کردهای عراق، برای به حاشیه‌رانی و برون‌رانی نظامی PKK را کند کنند.[۹۲] تزجور، همچون اوسلو و آیتاچ موافق بود که با وجود هر اندازه علاقه KRG یا بارزانی به چنان نقشه‌ای، اوجالان و پیروانش هنوز در اواخر ۲۰۰۸ توان این را داشتند که جلو تلاش‌های ترکیه برای به حاشیه‌رانی PKK را بگیرند.

---

[۸۹] از پاسخ ایمیلی که در ۱۱ نوامبر ۲۰۰۸ به تزجور داده بودم.

[۹۰] همان.

[۹۱] همان.

[۹۲] همان.

هیأت نمایندگان حزب جامعه دموکراتیک (DTP) در اربیل

در اواسط دسامبر ۲۰۰۸ به نظر می‌رسید تلاش‌های آنکارا برای مداخله بارزانی در کمک به مدیریت مسئله کُردی در ترکیه راه به جایی نبرده بود. در ۱۴ دسامبر، بارزانی با هیأتی از نمایندگان پارلمانی DTP شامل احمد ترک، آمنه آینا، صباحات تونجل و عثمان اوزچلیک دیدار کرد. ترک و آینا، نمایندگان استان ماردین بودند که هم مرز با KRG است و اوزچلیک نماینده استان سییرت بود که از مرز دور است. نفر پنجم هیأت، عبدالله دمیرباش، شهردار سابق سور، منطقه‌ای در پایین شهر دیاربکر بود و همان گونه که ذکر شد، به دلیل انتشار آگهی‌های شهرداری به زبان کُردی بازداشت شده بود. بارزانی خطاب به هیأت نمایندگان تأکید کرد "مسئله کُردی در ترکیه باید از راه‌های دموکراتیک حل شود. شناساندن این مسئله به صورت مسئله ترور، راه‌حلی ارائه نمی‌کند. در این لحظه، مهم است گفتگویی بین کردها انجام شود. هیچ کس نباید انتظار بروز جنگی بین کردها را داشته باشد. دوران زمانی که کردها با هم می‌جنگیدند به سر آمده است. مهم‌ترین خط قرمز برای ما برادری کُردی است. هیچ کس نباید انتظار داشته باشد ما در پایگاه‌های PKK [در عراق] مداخله کنیم. مداخله با اسلحه در این پایگاه‌ها قضیه چندان ساده‌ای نیست. در مقابل، آنچه ما را آزار می‌دهد این است که ترکیه منطقه را به بهانه حمله به PKK بمباران می‌کند. ما از نزدیک روند انتخابات مارس را دنبال می‌کنیم. ما آرزومند موفقیت DTP هستیم و من می‌خواهم تأکید کنم که موفقیت شما، ما [کردهای عراق] را بسیار خوشحال خواهد کرد."[۹۳] اظهارات بارزانی، تحلیل اوسلو، آیتاچ و تزجور مبنی بر اینکه بارزانی مایل نیست نقشی در استراتژی AKP و TAF بازی کند را تأیید کرد. آنها در استراتژی‌شان سعی داشتند از بارزانی به عنوان وسیله‌ای استفاده کنند که آنها را در به حاشیه‌راندن DTP، و حمایت PKK از آنها، در انتخابات مارس کمک کند.

گونش تزجور نیز فکر می‌کرد هرگونه توجه به راه‌حل‌های ممکن برای مسئله کُردی در ترکیه باید در تحلیل مفهومی بزرگ‌تری قرار می‌گرفت. در پاسخ، پروفسور دوغو ارگیل و

---

[۹۳] حرّیت، ۱۵ دسامبر ۲۰۰۸.

پروفسور فرهاد کنتل، هر دو خاطرنشان ساختند دانشگاهیان ترکیه می‌گویند دموکراتیزه-سازی راه‌حل واقعی مسئله کُردی در ترکیه است و اگر ترکیه به شهروندان کُرد توجه کند، آنها را به رسمیت شناخته و با دقت متوجه خواسته‌هایشان شود، مسئله کُردی حل خواهد شد. پیشنهادات ارگیل و کنتل بسیار شبیه پیشنهادات احسان داغی و مراد سومر بود که در بالا در موردشان بحث کردیم. تزجور ثابت کرد انتظارات غیرواقع‌بینانه از دموکراتیزه‌سازی برای همگی ناامیدی به همراه خواهد آورد.[۹۴] او خاطرنشان ساخت که همه بسته‌های همگون‌سازی اتحادیه اروپا، برای دستیابی به دورنمای توافق، بسیار ناتوان بوده‌اند. آتش-بس‌های متعدد، که آخرین آنها در ۲۰۰۴ بود، به هیچ ختم شده‌اند. اوجالان در ۲۰۰۴ اعلام کرد AKPای قوی احتمال دستیابی به "راه‌حل دموکراتیزه‌سازی" را بیشتر کاهش می دهد. تزجور استدلال کرد قضیه مابین ترکیه و ناسیونالیست‌های کُردی چون PKK و DTP و دیگران، مسئله دموکراتیزه‌سازی نیست بلکه بیشتر مسئله قدرت و استیلا است. در این بستر است که PKK و DTP توصیه می‌کنند ترکیه باید توسط نظام منطقه‌ای غیرمتمرکز ۲۰ الی ۲۵ منطقه‌ای دارای پرچم خودشان، مشابه یا همسان KRG اداره شود. در چنان مناطقی، زبان محلی اگر از زبان اکثریت متفاوت باشد، در ادارات حکومتی مجاز خواهد بود.[۹۵] تزجور همچنین خاطرنشان ساخت که در پیش‌نویس‌های قانون اساسی جدید، کردها خواستار به رسمیت شناخته شدن به عنوان یکی از پایه‌گذاران ترکیه شده‌اند نه به عنوان یک اقلیت. او فکر می‌کرد ترکیه زمان دموکراتیزه‌کردنی که آرزوهای ناسیونالیست‌های کُرد برای مشارکت، شکل‌دهی و اجرای قدرت دولتی را به رسمیت

---

[۹۴] *تاراف*، ۱۱ نوامبر ۲۰۰۸، "Can Democratization Solve the Kurdish Question?" در اینجا تزجور به اظهارات ارگیل که در ۶ نوامبر ۲۰۰۸ در روزنامه *تاراف* تحت عنوان " We Must Finally Learn How to Solve the Kurdish Question" چاپ شده بود پاسخ داد.

[۹۵] در واقع، در کردستان عراق زبان محلی یعنی زبان کُردی زبان برتر است نه زبان عربی با این حال بنا به قانون اساسی کُردی ۲۰۰۵، زبان‌های کُردی و عربی برابر هستند. اما همه تحصیلات شامل تحصیل در دانشگاه‌ها بجز دانشگاه‌های انگلیسی زبان، به کُردی صورت می‌گیرد. در واقع، انگلیسی است که به سرعت به دومین زبان کردستان عراق مبدل شده نه عربی.

نمی‌شناسد، گذشته است. دموکراتیزه‌کردنی که چنین گزینه‌هایی را ارائه ندهد غیرقابل قبول خواهد بود.[۹۶]

[۹۶] همان.

فصل پنج:
اختلاف بین ناسیونالیست‌های کُرد و افزایش رقابت‌های انتخاباتی

افزایش تنش‌های قوی منتج از حمله آکتوتون بسیاری رهبران و گروه‌های ناسیونالیست کُرد را مجبور کرد از آزادی‌های بیشتر دموکراتیک طرفداری کنند تا از برخوردهای مخرب و تلخ در حال افزایش بین کردها و دولت و میان خود کردها را کاهش دهند. سزگین تانریکولو، رئیس سابق کانون وکلای دیاربکر (او چند ماه قبل از سمتش استعفاء داد) در موردش صحبت کردیم؛ طارق اکینجی، اندیشمند برجسته کُرد؛ شاه اسماعیل بدرخان اوغلو، رئیس کانون تجار جنوب شرق آناتولی (GÜNSIAD) و سخنگوی پلاتفرمی مدنی متشکل از سازمان‌های غیردولتی (NGO) دیاربکر؛ و آکین بیردال، نماینده پارلمانی عضو حزب جامعه دموکراتیک (DTP) همگی موافق بودند که ترکیه در شرف ورود به برهه ای خطرناک است که در آن حقوق اساسی انسانی مورد تهدید واقع می‌شود، نژادپرستی افزایش می‌یابد و احتمال بروز برخوردهای بین قومی رشد می‌کند. تانریکولو از طرفداران به زمین گذاشتن سلاح و تحصیل به زبان مادری و بیرون از دایره طرفداران اوجالان، تأکید کرد بخشی از جامعه کُردی از حمله حزب کارگران کردستان (PKK) به آکتوتون گذشت کرده‌اند، همین امر مزیتی روانشناختی به PKK در جنوب شرق می‌دهد: "هر روز که می‌گذرد ما به خطر برخوردهای بین قومی و احساس انسجام کمتر، نزدیکتر می‌شویم. PKK اعتنایی به مسدود شدن راه سیاست‌های دموکراتیک نمی‌کند. از خطر بسته شدن که DTP با آن مواجه است، پروایی ندارد. فکر می‌کند به بن‌بست رسیدن سیاست‌های دموکراتیک به نفع او تمام خواهد شد. اما حکومت و دولت هیچ نشانه یا امیدی نشان نمی‌دهند که تغییری مثبت در سیاستهایشان نسبت به کردها داده خواهد شد. عامه مردم دیگر باور نمی‌کنند مشکل را بتوان از طرق مسالمت آمیز حل کرد."[1]

شاه بدرخان اوغلو افزایش اخیر برخوردها و خشونت‌ها بین ترکها و کردها حتی در شهرهای بزرگ غربی مانند ازمیر را یادآور شد. او بر اهمیت زمانی بروز این برخوردها

---

[1] *تودیز زمان*، ۱۶ اکتبر ۲۰۰۸.

تأکید کرد: "هر وقت ما در مورد نظامی دموکراتیک، برداشتن گامی در روند دموکراتیزه-سازی یا جنگ علیه تبهکاران [ارگنکون] صحبت می کنیم، خشونت افزایش می‌یابد."[٢] او اضافه کرد که به نظر می‌رسد برخی "بازیگران" سعی می‌کنند به مردم بقولانند که سازمانهایی به شکل ارگنکون لازم هستند: "اگر چنین دیدگاهی ادامه پیدا کند، تحقیقاتی درست در مورد ارگنکون صدمه خواهد دید. برخی افراد و سازمانها خواهند گفت ارگنکون تحت چنان شرایطی، ساختاری مشروع و درست است."[٣]

آکین بیردال تأکید کرد نه تنها باید تحقیقات جنایی در مورد ارگنکون انجام شود، بلکه کمیسیونی پارلمانی نیز برای تحقیق در مورد کل قضیه تشکیل گردد. در مصاحبه ای با شبکه *روژ تی‌وی*، خانم آیسل توغلوک معاون سابق ریاست DTP، گفت معتقد است دولت و نیروهای مسلح ترکیه (TAF) هنوز فکر می کنند رویکرد نظامی تنها راه‌حل است: "در ترکیه هنوز فکر می‌کنند این مسئله، مسئله‌ای عملیاتی است. مسئولیت وقایع متوجه کسانی است که این ذهنیت را ادامه می‌دهند. سیاستمداران باید از مسئولیت‌هایشان آگاه باشند و، به جای اینکه مثل فرماندهان نظامی صحبت کنند، باید راه حلهایی ارائه دهند."[٤]

تانریکولو، بدرخان اوغلو، اکینجی و بیردال فکر می کردند اگر حکومت گام‌هایی برای به رسمیت شناختن حقوق فرهنگی کردها بردارد، مسئله حل خواهد شد. این یکی از نشانه-های اختلافات اصلی و قابل توجه آنها (افراد مذکور) با نظرات PKK و DTP است که می گویند حقوق فرهنگی-زبانی دیگر قادر به کنترل ناسیونالیسم کُردی نیست مگر اینکه برخی خواسته‌های سیاسی مانند تمرکززدایی منطقه‌ای به رسمیت شناخته شوند. اما هیچ کدام از چهار نفر فوق پیشرفت زیادی در زمینه حقوق فرهنگی ندیده‌اند. اکینجی اظهار داشت، "نه حکومت و نه ارتش قصد انجام هیچ گونه تغییری ندارند. آنها بدون توجه به هزینه های جانی و مالی، قمار جنگ مداوم را برگزیده‌اند. به نظر می‌رسد PKK نیز با این جنگ مداوم موافق باشد."[٥] بدرخان اوغلو نیز چون تانریکولو تأکید کرد، "با وجود اینکه

---

[٢] همان.

[٣] همان.

[٤] همان.

[٥] همان.

قدم‌های بیشتری برای حقوق فرهنگی جمعیت کُرد برداشته شده، این جنگ ادامه خواهد یافت."[۶] تانریکولو اضافه کرد که فکر می‌کند به رسمیت شناختن حقوق فرهنگی، به همفکری منطقه با PKK خاتمه داده و راه را برای راه حلهای غیر خشونت آمیز هموار خواهد ساخت: "بسیاری هستند که سیاستهای دموکراتیک و روشهای غیرخشونت آمیز را می‌پسندند اما فضای رادیکال اجازه نمی‌دهد چنین رویکردهایی خود را نشان دهند."[۷]
آکین بیردال بنا به تجربه طولانی‌اش، ادعا کرد بسیاری از فرصت‌ها از دست رفته‌اند: "وجود DTP در پارلمان راهی برای بحث در مورد مسئله بود، اما ما [DTP] از این فرصت‌ها محروم شدیم."[۸] او متذکر شد دعوت‌های متعددی برای برقراری آتش بس در گذشته به عمل آمدند، اما هیچ یک به نتیجه ای منتج نشدند: اگر حکومت هیچ گامی برای ایجاد راه حلهای دموکراتیک برندارد، دعوت برای به زمین گذاشتن سلاح هیچ فایده‌ای ندارد. در این قضیه، اکینجی و بدرخان اوغلو به اندازه بیردال بدبین بودند. اکینجی ناامیدیش را اینگونه بیان کرد، "ما [کردها] بیانیه‌های بسیاری صادر کردیم که همگی با گوش ناشنوا مواجه شدند. شرایط خارج از قدرت ماست."[۹] در این مورد، اکینجی ظاهراً به غیر PKKای‌ها اشاره داشت که طرفدار به زمین گذاشتن سلاح توسط PKK بودند. بدرخان اوغلو در این مورد با اکینجی موافق بود. با توجه به شرایط، او فکر می‌کرد گزینه-های چندانی که عملی باشند، وجود ندارد؛ همگون سازی با التزامات ورود به اتحادیه اروپا باید تسریع گردد و خواسته‌ها برای فرایند دموکراتیزه سازی باید با جدیت ادامه یابد. تانریکولو نیز با تحلیل اکینجی و بدرخان اوغلو موافق بود، اما تأکید کرد اگر فعالان حقوق کُردی و مدافعان سیاست‌های کُردگرا بخواهند قانونی باقی بمانند، باید سریعاً بدون شک و تردید اقدام کنند: "سیاست‌های کُردگرا باید PKK را وادار کنند سلاحش را زمین بگذارد. انتخابات محلی [اشاره به انتخابات محلی ۲۹ مارس] در راه است و می تواند فرصتی بسیار خوب برای کردها به همراه داشته باشد. اگر آنها در انتخابات محلی موفق

---

[۶] همان.

[۷] همان.

[۸] همان.

[۹] همان.

شوند، اطمینان حاصل می‌کنند که می‌توانند به زمینه سیاسی جدیدی برای کمک به ایجاد یک راه حل دست بیابند."[۱۰]

دیگر رهبران ناسیونالیست کُرد که در سمت ریاست احزاب سیاسی کُردی بوده یا هستند، همانند سرتاج بوجاک، رئیس سابق حزب حقوق و آزادی (RFP) که به ترکی HAK-PAR خوانده می‌شود و حزب راست میانه‌روی است، برخی دیدگاه‌های مشترکی با تانریکولو، اکینجی، بدرخان اوغلو و بیردال داشت: "اگر حکومت بر اصلاحات دموکراتیک برای هدف عضویت در اتحادیه اروپا تأکید می‌کرد، ما در این وضعیت نبودیم."[۱۱] او فکر می‌کرد اردوغان "باید پیروزی در دیاربکر را فراموش کند"، چرا که آنجا شهری نمادین برای DTP، و احزاب کُردگرایی است که به مدت دو دهه گذشته بر انتخابات محلی مسلط بوده‌اند. علاوه بر اشتراک دیدگاه با دیگر رهبران ناسیونالیست کُرد، بوجاک فکر می‌کرد ادعاهایی مبنی بر اینکه عبدالله اوجالان مورد شکنجه قرار گرفته، به این دلیل که در زمان رقابت های شدید مبارزات انتخابات مارس اظهار شده‌اند، فاقد اهمیت هستند. او همچنین متذکر شد که اردوغان برخی از بیانیه‌ها و قول‌هایی را که در دیدار از دیاربکر در ۲۰۰۵ داده، کامل نکرده است.[۱۲] که نتیجه آن فقط افزایش تنش‌ها بوده، و به گفته خودش "تنش زاینده تنش است". بوجاک همچنین فکر می‌کرد PKK در ۲۰۰۷ پس از بمب‌گذاری در دیاربکر، "به زمین خورد" اما مردم منطقه "ظاهراً در دام قیمومت پایان ناپذیر ترکیه گرفتار شده‌اند".[۱۳] او خاطر نشان ساخت که کوتاهی در

---

[۱۰] همان.

[۱۱] *تودیز زمان*، ۸ نوامبر ۲۰۰۸. سرتاج بوجاک بسر فایک بوجاک، کسی است که در ۱۹۴۶ حزب دموکرات کردستان ترکیه (TKDP) را تأسیس کرد. پدرش وقتی که او پانزده ساله بود به قتل رسید. بوجاک از رهبران قبیله بوجاک در جنوب شرق ترکیه است. یکی از اعضای قبیله، سدات بوجاک، از رهبران کُرد نگهبانان روستاست که در کنار دولت علیه PKK می‌جنگد. او در رسوایی سوسورلوک در ۱۹۹۶ دخیل بود. آشکار شدن این رسوایی به عموم نشان داد روابط عمیقی بین حکومت، پلیس و سازمان‌های اطلاعاتی و کردهای (نگهبانان روستا) وجود دارد و آنها با دولت همکاری می‌کنند. با نگاهی به گذشته، هم اکنون روشن است که ارگنکون در امور سوسورلوک دخیل بوده است.

[۱۲] همان.

[۱۳] همان.

تحقیقات راجع به وقایعی همانند آنچه که در شمدینلی، داغلیکا و آکتوتون رخ داده‌اند، سبب کشانده شدن ترکیه به موقعیت دشواری است که هم اکنون خود را در آن می‌بینند.

سر کردن اردوغان در کندوی زنبور

علی‌رغم هشدارهای رهبران حزب جامعه دموکراتیک (DTP) که او در دیدارش از شرق و جنوب شرق با تظاهرات مواجه خواهد شد، اردوغان در ۲۱ اکتبر وارد دیاربکر شد و ظاهراً مطمئن بود استراتژی‌های جدیداً توافق شده توسط حزب عدالت و توسعه (AKP)، نیروهای مسلح ترکیه (TAF) و سازمان اطلاعات ملی (MIT) پس از حمله به آکتوتون مؤثر بودن خودشان را در کنترل چالش ناسیونالیسم کُردی و DTP، قبل از انتخابات ۲۹ مارس نشان خواهد داد و برای AKP دستاوردهای بیشتری به نسبت انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ حاصل خواهد کرد، اما او با چیزی بیش از تظاهرکنندگان مواجه شد. مغازه‌ها کرکره‌های آهنین خود را پایین کشیده بودند، زباله‌ها بدون جمع آوری رها شده بودند و خیابان‌ها خالی از هر چیزی بجز تظاهرکنندگان شده بودند. اردوغان در مراسم آغاز ترم پائیزی دانشگاه دجله سخنرانی کرد و چندین نکته را ذکر کرد. یک، PKK و بطور ضمنی DTP به گفته او در تروریسم "همپیمان و همدست"[۱۴] بودند. با وجود حکمفرمایی تروریسم، هیچ سرمایه گذاری در منطقه قابل انجام نیست. اقتصاد و دموکراسی موازی هم هستند: یکی بدون دیگری نمی‌تواند به پیش برود. سازمانی که مواد مخدر قاچاق و به تروریسم مبادرت می‌کند، نباید نماینده شهروندان کُرد ما باشد."[۱۵] نخست وزیر قول داد نگذارد کارهای PKK آینده روشن مردم منطقه را خراب کند. او مرتباً از بی‌کفایتی مقامات کُرد شهرهای منطقه صحبت می‌کرد که حتی نمی‌توانستند زباله ها را جمع آوری کنند: "مردم من جواب لازم را به این کثافت خواهند داد."[۱۶] او به حضار یادآوری کرد که رادیو و تلویزیون ترکیه (TRT) پخش برنامه به زبان کُردی را از اول ژانویه ۲۰۰۹

---

[14] Subcontractor, Taşeron

[۱۵] حرّیت، ۲۱ اکتبر ۲۰۰۸.

[۱۶] همان.

شروع خواهد کرد و گفت "تاریخ، مردمان متفاوت ترکیه چون ترک‌ها، کردها، زازا، آبخازی‌ها، قفقازی‌ها، آلبانیایی‌ها و بوسنیایی‌ها را برادر یکدیگر ساخته و همه این مردمان برای ترکیه جنگیده و مرده‌اند و در قبرستان‌های سراسر ترکیه به خاک سپرده شده‌اند."[۱۷]
به منظور تأکید بر خصومتی که اردوغان در دیاربکر با آن مواجه شد، جنگیز چاندار دیدار ۲۱ اکتبر ۲۰۰۸ او را با دیدار ۱۲ آگوست ۲۰۰۵ مقایسه کرد که اردوغان در اظهارات آن موقع بسیار مثبت‌تر، همدل‌تر و فراگیرتر عمل کرده بود. سپس او اظهار داشت، "ترکیه به همان اندازه که متعلق به آنکارا، استانبول، سامسون و ارزروم است، به دیاربکر هم تعلق دارد. قضیه کُردی مسئله گروه خاصی نیست بلکه مسئله همه ماست. ما با قضیه کُردی چه خواهیم کرد؟ قبل از هر فرد دیگر، این مسئله من است. ما دولت بزرگی هستیم و تک تک مسائلمان را با دموکراسی بیشتر، عشق بیشتر و کامیابی بیشتر حل خواهیم کرد. ما هیچ مسئله‌ای را انکار نمی‌کنیم. ما همه را پذیرفته و آماده رودررویی با آنها هستیم."[۱۸] چاندار خاطر نشان ساخت در طول دیدار ۲۰۰۵، سازمان محلی دیاربکر پلاکاردی در عرض خیابان برافراشته بود که روی آن نوشته شده بود، *بەریز سەروک وەزیر ئەم ژتە حەزدکم* (آقای نخست وزیر، ما دوستت داریم). اما در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۸ چنین نشانه‌هایی دیده نمی‌شد؛ زندگی متوقف شده و خیابان‌ها مملو از زباله شده بودند.
چاندار بر این باور بود که در نتیجه تحولاتی که بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ در جنوب شرق رخ داده بود، برتری روانشناختی به PKK رسیده بود، و حتی همکاری‌های ترکیه با حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG)، بویژه حزب دموکرات کردستان (KDP) برای شکست دادن حزب کارگران کردستان (PKK) در ترکیه کافی نبود. بمباران PKK در عراق یا در ترکیه کاری از پیش نمی‌برد. او فکر می‌کرد تنها راه از بین بردن "موقعیت بالادستی" PKK، برداشتن همه ممنوعیت‌های قانونی مانع بیان آزاد هویت کُردی و ایفای برخی "حقوق کُردی"، عمدتاً بر کاغذ، و ابتدا در مورد زبان کُردی بود: "بدون نشان دادن احترام به هویت کُردی، شما نمی‌توانید از هویت کُردی هیچ گونه احترامی ببینید. و احترام

---

[۱۷] همان.

[۱۸] TDN، ۲۳ اکتبر ۲۰۰۸.

به زبان یعنی حق آموزش -به- کُردی و پخش برنامه به کُردی."[۱۹] شایان ذکر است که اظهارات چاندار، که در بالا ذکر شد، به انگلیسی بودند و معلوم نبود که او به "آموزش زبان مادری" اشاره دارد یا "آموزش به زبان مادری" با تفاوت‌هایی که قبلاً در موردشان ذکر کردیم. چاندار در این برهه زمانی، همانند تانریکولو، به موفقیت طرح TRT در پخش برنامه به زبان کُردی که از اول ژانویه ۲۰۰۹ شروع می‌شد، امیدوار نبود: "چرا مردم باید بخواهند چنین برنامه تحت کنترل دولت را نگاه کنند در حالی که می‌توانند *روژ تی-وی*، *کوردستان تی‌وی* و *کوردسات* را ۲۴ ساعت هر روز ببینند؟"

چاندار تنها کسی نبود که در مؤثر بودن پخش برنامه کُردی TRT در کاهش جاذبه ناسیونالیسم کُردی از اروپا یا از کردستان عراق تردید داشت. حاسیپ کاپلان نماینده پارلمان عضو DTP مدیران TRT را سرزنش کرد به دلیل اینکه گفته بودند از آنجایی که یافتن کسانی که بدون عیب به کُردی تکلم کنند، مشکل است، (مجریان) برای صحبت کردن در کانال ۶ نیازی نیست بتوانند "بدون نقص کُردی" صحبت کنند. کاپلان گفت این بی معنی است، زیرا به عنوان یک وکیل، او نماینده حدوداً ۴۰۰ خواننده و بازیگر کُرد است! او نیز دعوت نکردن کانال ۶ از هیچ کدام از نمایندگان کُرد پارلمان برای مشارکت در تهیه برنامه‌های شبکه را عجیب دانست. او گفت کانال ۶ هیچ دعوتی از هنرمندانی چون روژین، جوان‌هاجو و روژدا به عمل نیاورده است.[۲۰] کاپلان به انتقاداتش از کانال ۶ تا زمان شروع پخش برنامه‌ها در ۱ ژانویه ادامه داد. در ۲۷ دسامبر، کاپلان گفت کانال ۶ تحت تأثیر موفقیت روژ تی‌وی قرار گرفته، او با تعجب گفت "آیا هزاران نفر در ۲۵ سال گذشته برای این مرده‌اند؟ چرا کانالی به کُردی برنامه پخش می‌کند در حالی که فقط چند روز پیش پارلمان قانونی را تصویب کرد که در آن آمده بود کُردی زبانی است که قابل فهم نیست".[۲۱] او گفت کانال ۶ بصورت "نگهبان فرهنگی" مرتبط با نمونه‌های مشابه هزاران "نگهبان روستای" کُرد عمل خواهد کرد که با دولت علیه PKK می‌جنگند. بنگی یلدیز،

[۱۹] همان. چاندار بعداً نظرش عوض شد. وقتی اولین پخش برنامه در ۱ ژانویه ۲۰۰۹ انجام شد، چاندار کاملاً مطمئن بود این کار به مدیریت بهتر ناسیونالیسم کُردی کمک خواهد کرد.

[۲۰] *رادیکال*، اکتبر ۲۰۰۸.

[۲۱] همان.

نماینده باتمان در پارلمان و عضو DTP، با گفتن اینکه نگاه کردن کانال کُردی ارزشی ندارد به کاپلان ملحق شد: "من فکر می‌کنم فقط نگهبانان روستا این کانال را نگاه می‌کنند. البته مردم ما قبلاً اسم "کانال نگهبانان روستا" را بر کانال ۶ گذاشته‌اند که شایسته‌اش است."[۲۲] بنا به گزارش دسامبر ۲۰۰۸ مؤسسه مطالعات اقتصادی و اجتماعی ترکیه (TESEV)، ۵۷.۱۷۴ نفر نگهبان روستای "موقتی" و ۱۲.۲۷۹ "نگهبان داوطلب" و در کل حدود ۷۰.۰۰۰ نفر نگهبان روستا هنوز در ترکیه مشغول خدمت بودند. آنها علی رغم قول ترکیه به نمایندگان سازمان ملل مبنی بر برچیده شدن نظام نگهبانان هنوز به کار ادامه می‌دادند.[۲۳]

به نظر نمی‌رسید پذیرایی خصمانه از اردوغان و حزبش در دیاربکر، AKP و TAF را از پیگیری استراتژی مورد توافقشان برای انتخابات ۲۹ مارس بازداشته باشد. حدود شش هفته بعد او از وان، حکّاری و یوکسکووا دیدار کرد که دو شهر آخر در عمق جنوب شهر واقع شده بودند. دیدار اردوغان از منطقه در زمان مؤثری اتفاق افتاد. فقط یک روز قبل از رسیدن او، رهبران DTP و نمایندگان دیگر (احزاب) با نشست در میدان شهرداری به حمایت از عبدالله اوجالان پرداخته بودند که مورد برخورد خشن قرار گرفته و موهایش را زده و در زندان جزیره‌اش مورد شکنجه واقع شده بود. عثمان بایدمیر در کنار نمایندگان پارلمان عضو DTP چون صلاح‌الدین دمیرتاش، آمنه آینا، آیسل توغلوک، سری ساکیک و حاسیپ کاپلان، در میان دیگران، به تظاهراتی پیوستند که در آن شعارها و آوازهایی به کُردی سرداده و خوانده می‌شد.[۲۴] در ایغدیر، معترضان دسته‌های گل سیاه جلوی دفتر AKP گذاشتند. در واقع، حتی وقتی که اردوغان و همراهانش در راه شهر وان بودند، در قلب استانبول تظاهرات همدردی با معترضان دیاربکر اتفاق افتاد.[۲۵] چون از رسیدن تظاهرکنندگان به میدان مرکزی *تاکسیم* استانبول جلوگیری به عمل آمد، آنها به چهار دسته تقریباً مساوی تقسیم و به سمت تالارباشی، دولاپدره، گالاتاسارای و بی‌اوغلو

---

[۲۲] *حرّیت*، ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸.

[۲۳] گزارش TESEV، دسامبر ۲۰۰۸، ۳۴؛ *www.tesev.org.tr*.

[۲۴] *رادیکال*، ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸.

[۲۵] *حرّیت*، ۳ نوامبر ۲۰۰۸.

حرکت کردند. بیش از ۱۰۰ نفر شامل خلیل آکسوی، رئیس DTP ناحیه، دستگیر و بازداشت شدند. راهپیمایی‌های استانبول و دیاربکر جرقه مجموعه‌ای راهپیمایی در بسیاری مناطق ترکیه را زدند.

اردوغان در اولین توقفش در شهر وان بصورت تلویحی به PKK و DTP حمله برد. او متذکر شد، "از طریق ترس نمی‌توان بر مردم حکومت کرد، ما این ترس را با دموکراسی به چالش کشیده‌ایم."[۲۶] وی تأکید کرد که او یکی از نادرترین نخست وزیرانی است که از وان دیدن کرده، و بدین ترتیب می‌خواست میزان اهمیتی را که او و حزبش برای مردم شرق قائل بودند، نشان دهد. او اظهاراتش در مورد اینکه مردم منطقه فریب داده شده‌اند را تکرار کرد و گفت تا آنجا که به هویت مربوط است، مردم می‌توانند هر هویت دلخواه خودشان را داشته باشند اما هویت اصلی مردم ترکیه، شهروند جمهوری ترکیه بودن است؛ در این قضیه دولت هیچ امتیازی (برای کسی) قائل نمی‌شود.[۲۷]

فضای یوکسکووا پرتنش‌تر بود و همین مسئله، تأمین امنیت بیشتر برای اردوغان و هیئت وزرای دولتی همراهش را ایجاب می‌کرد. آنها مجبور شدند با هلیکوپتر جابجا شوند و با صفی از هلیکوپترهای کبری اسکورت می‌شدند. وقتی که در نهایت او خواست سخنرانی کند، توسط کامیون‌هایی که سپر به سپر به هم چسبیده بودند، احاطه شد. اظهارات نخست وزیر در یوکسکووا تندتر از سخنان شش هفته پیش وی در دیاربکر بود. او بلافاصله در ادامه ادعا کرد، "به دلیل ترس DTP از باختن کرسی‌های بیشتر به AKP در انتخابات ۲۹ مارس، این حرف را ساختند که اوجالان شکنجه شده است." اردوغان تأکید کرد "اما هیچ شکنجه یا چیز مشابهی در کار نیست. PKK هیچ دوستدار، عاطفه یا احساس یا درکی از خدمت ندارد. چنین افرادی چگونه می‌توانند از منطقه دفاع کنند؟"[۲۸] اردوغان حرف‌هایش را این‌گونه پایان برد که به عنوان نخست وزیر سه بار از حکّاری دیدار کرده و در هر بار ندیده که شهرداری کاری برای بهبود زندگی مردم انجام داده باشد. او گفت خیابان‌ها همیشه پر از زباله بودند: "من به شما می‌گویم که مردم حکّاری در انتخابات ۲۹ مارس این

---

[۲۶] حرّیت، ۲ نوامبر ۲۰۰۸.

[۲۷] همان.

[۲۸] همان.

زباله‌ها را از خود پاک خواهند کرد. آنها کسانی را که اجازه انباشته شدن این آشغال‌ها را داده‌اند، از خود می‌زدایند."[۲۹]

اما اردوغان با بیان اظهارات دیگری در یوکسکووا، سرش را در کندوی زنبور فرو برد. در سخنرانی مقابل شعبه محلی AKP، اردوغان گفت، "در این کشور هیچ جایی برای کسی که مخالف یک ملت، یک دولت، یک پرچم و یک مردم است، وجود ندارد. او می‌تواند به هر جایی که دلش می‌خواهد برود."[۳۰] یک روز پس از ایراد اظهارات مذکور که در رسانه‌ها بصورت شعار "دوستش بدار یا ترکش کن" درآمده بود، اردوغان دلایل متعددی برای اظهاراتش ذکر کرد. او گفت "به دلیل نزدیک شدن انتخابات، PKK و DTP با هر نیروی سیاسی جایگزین مخالفت می‌کنند و با استفاده از ترساندن (مردم) درصدد هستند به صورت تنها نیروی سیاسی در منطقه باقی بمانند. آنها وقتی نتوانسته‌اند به اهدافشان برسند، اجبار و تهدیدهایشان را بیشتر کرده‌اند. در آخرین انتخابات، آنها شهر وان را از دست دادند. هم اکنون نگران چیزهایی هستند که در حال وقوع است. آنها از مغازه‌داران وان خواسته‌اند کرکره‌های آهنی مغازه‌شان را پایین بکشند اما شهروندان من در وان راضی نبودند. وقتی که این حرف‌ها تأثیری نبخشید، شروع به تخریب ماشین‌های شهروندان‌مان کردند. آنها تا جایی پیش رفتند که به ماشین رسانه‌ها هم حمله کردند. کسانی که این کار را کردند از حامیان DTP بودند.[۳۱] او در ادامه گفت "DTP دو نماینده از وان در پارلمان دارد که خانه به خانه گشته و به مغازه‌داران گفته بودند کرکره آهنی مغازه‌شان را پایین بکشند؛ دیگران پلیس را نفرین کردند. این دو نفر نماینده پارلمان بودند. اگر چنین کاری بار دیگر تکرار شود، بگذارید آنها (پرخاشگران) به جایی دیگر بروند."[۳۲] او از رسانه‌ها به دلیل اینکه فقط تظاهرکنندگان کُرد را نشان داده و "چند هزار (او رقم ۳۰.۰۰۰ نفر را نقل کرد) نفری را که پرچم ترکیه را در دست داشتند نشان ندادند، گلایه کرد."[۳۳]

---

[۲۹] *حریّت*، ۱۲ نوامبر ۲۰۰۸.

[۳۰] *تاراف*، ۴ نوامبر ۲۰۰۸؛ *تودیز زمان*، ۴ نوامبر ۲۰۰۸.

[۳۱] همان.

[۳۲] همان.

[۳۳] همان.

احمد ترک بلافاصله به اظهارات "یک پرچم، یک ملت، یک مردم، یک دولت" اردوغان پاسخ داد و اعلام کرد: "پرچم ترکیه برای همه ما ارزشی مشترک است. ما این پرچم را خلق کرده‌ایم. ما همیشه بر راه‌حل‌هایی تأکید کرده‌ایم که تمامیت ترکیه را اساس گرفته-اند. هدف‌مان حصول اطمینان از وجود فضایی است که همه مردم با علاقه همدیگر را بپذیرند. ترکیه یک دولت است، یک جمهوری که فرهنگ‌های متفاوت از همدیگر بصورت موزائیکی در کنار هم زندگی می‌کنند. بجای اندیشه یک ملت، اندیشه‌ای که تفاوت‌ها را بصورت موهبت می‌بیند، لازم و ضروری است. این از ضرورت‌های دموکراسی و تکثرگرایی است. این شیوه نگاه ما به قضیه است. وقتی نخست‌وزیری که درصدد ورود به اتحادیه اروپاست می‌خواهد مردمی را از کشور خودشان بیرون براند، وضعیتی غمناک-مضحک بوجود می‌آید.[۳۴] واضح است که چنان افرادی در پی عمیق‌تر کردن اختلافات و جدایی‌ها به نفع سرمایه‌داری بین‌المللی هستند."[۳۵] احمد ترک همچنین گفت اردوغان می‌داند اگر "AKP نتواند کردهای ترکیه را کنترل کند، هم ایالات متحده و هم ارتش آن را طرد می‌کنند. این دلیلی است که اردوغان تا این حد می‌خواهد آراء و حمایت دیاربکر را بدست آورد. این مسئله بود و نبود AKP است."[۳۶] احمد ترک پاسخ به اردوغان را با درخواست از نخست‌وزیر برای پایان دادن به حبس اوجالان و پایان دادن به موانع و گیرهای بر سر راه آموزش زبان مادری پایان داد.

مجادله "دوستش بدار یا ترکش کن" تا چند هفته به شدت ادامه یافت. در نهایت، در ۱۱ نوامبر، اردوغان با سخنانی صریح و روشن‌تر منظور خود را از گفته‌هایش توضیح داد. او تصریح کرد که هیچ وقت نگفته "کسانی که با یک پرچم، یک ملت یا یک وطن مخالفند، باید بروند."[۳۷] او گفت حزب حرکت ملی (MHP) از این گونه حرف‌ها زده است نه او یا AKP. وی سپس اظهار داشت که دقیقاً منظورش چه بوده است: "در این

---

[۳۴] همان.

[۳۵] همان.

[۳۶] TDN، ۴ نوامبر ۲۰۰۸.

[۳۷] قابل ذکر است که در برخی روزنامه‌ها کلمه *دولت* و در برخی دیگر کلمه *وطن* ذکر شده است؛ *وطن* در زبان انگلیسی به سرزمین مادری، سرزمین پدری یا میهن ترجمه شده است نه کشور.

کشور ما ترک، کُرد، لاز، قفقازی، گرجی، آبخازی و بوسنیایی داریم و همه با هم هستیم؛ ما یکی هستیم. ما اجازه نخواهیم داد که یک گروه قومی بر گروه دیگر قومی ادعای برتری کند. ما یک هویت برتر داریم و آن شهروند جمهوری ترکیه بودن است. وقتی ما در راه (به سوی وان، حکاری، یوکسکووا) بودیم، من گفتم: یک ملت؛ یک پرچم؛ یک وطن؛ یک دولت. آیا کسی با این مخالف است؟ کسی می‌تواند بگوید، 'نه، یک ملت نه؟'؛ یا بگوید 'ما یک پرچم را نمی‌پذیریم.' اگر کسی هست که از این خوشش نمی آید، بگذارید به جایی برود که خوشش می‌آید. این چیزی است که من گفتم."[۳۸]

در اظهارات روشن‌تر بعدی که بدون شک پس از تعمق بیشتری بیان شدند، اردوغان مجدداً تصریح کرد که او هر چهار قطعه ناسیونالیستی –ملت، پرچم، وطن و دولت- را بکار برده بود. با این حال، در نتیجه مجادله بین اردوغان و احمد ترک، ناسیونالیست‌های کُرد، حداقل در ابتدا، مایل به پذیرفتن مثلث یک پرچم، یک کشور، یک دولت بودند، اما حاضر نبودند مفهوم یک ملت را بپذیرند زیرا آنها به وضوح خودشان و ترک‌ها را به عنوان یک ملت یا بخشی از تحول چنان موجودیت مفهومی نمی‌دانستند. بلکه مایل بودند اظهار شود که در ترکیه، دو ملت با دو زبان وجود دارند، و در عین حال تأکید داشتند که دو ملت و دو زبان با یک دولت و یک پرچم و بنا به چگونگی تفسیر کلمه، حتی با مفهوم یک کشور، سازگار است.[۳۹] شایان ذکر است که در این مرحله از منازعه بین دو ناسیونالیسم، اردوغان، AKP و دولت ترکیه هیچ وقت اظهاراتی دقیق در مورد اینکه چگونه دو مردم و دو زبان در قالب یک ملت سازگار می‌شوند، بیان نکردند. مدیریت دولتی مسئله زبان، مخالفت قوی خود را در به رسمیت شناختن دو ملت در یک کشور نشان داد. اظهارات اردوغان در اوایل دسامبر ۲۰۰۸ نشان داد در برابر ناسیونالیسم‌های مخالف مسئله زبان تا چه اندازه مرکزیت دارد. به رسمیت شناختن کامل کُردی، همانند تحصیل به زبان مادری، به رسمیت شناختن هویت کُردی قدرتمندی خواهد بود که مخالف مفهوم ملت است، و این بدان معناست که به رباعی رسمی دولت و ملی‌گرایی

---

[۳۸] حریّت، ۱۲ نوامبر ۲۰۰۸.

[۳۹] همان.

ترکیه نیز صدمه می‌زند. همچنین نشان می‌دهد که مسئله زبان در کانون کشمکش‌های مداوم ملی‌گرایانه بین دو مردم خواهد بود.

اردوغان در بیانیه ناسیونالیستی ۱۱ دسامبر، علاوه بر توصیف ملت، پرچم، سرزمین و دولت، گفت کسانی را که با تعریفش از ناسیونالیسم مخالفند به رسمیت می‌شناسد. او در ادامه اظهار داشت که چرا چنین دیدگاهی دارد. استدلال اصلی او این بود که هیچ کسی نمی‌تواند ۷۰ میلیون نفر را از هم جدا کند. کسانی که تلاش دارند ترکیه را استثمار کنند باید بدانند که مرتکب اشتباه بزرگی می‌شوند. او به شهروندان کُرد خود هشدار داد که اگر تبلیغاتشان موفقیت‌آمیز می‌بود، آنها باید حزب برتر جنوب شرقی می‌شدند نه AKP. سپس گفت، واقعیت دیگری هست: "آیا شما می‌گویید یک پرچم نمی‌خواهید؟ آیا می‌گویید جدایی قومی نمی‌خواهید؟ اگر این مسئله شماست، به پیش بیایید."[۴۰]

کردها و سیاهان امریکایی

اردوغان در ادامه، در مقایسه‌ای بین ایالات متحده و ترکیه اظهار داشت درگیری‌های قدیمی بین سیاهان و سفیدها در ایالات متحده قرن‌ها ادامه داشته است. تبعیضات اسفناکی علیه سیاهان وجود داشته‌اند. نخست وزیر گفت، با این حال، وقتی ورزشکاران سیاه پوست رکورد اول بازی‌های المپیک را می‌شکنند، همیشه پرچم امریکا را بلند کرده و با افتخار دور پیروزی را با آن می‌زنند: "شما ناسیونالیست‌های کُرد می‌توانید چنین کنید؟ می‌توانید دور پیروزی را با چرخاندن پرچم ترکیه بزنید؟ اگر آن نمایندگان پارلمانی عضو DTP که زیر سقف پارلمان نشسته‌اند بلند شوند و این را بگویند، البته که هیچ مسئله‌ای نخواهد بود. اما آنها این را نمی‌گویند. چرا؟ آنها اراده چنین کاری را ندارند."[۴۱]

---

[۴۰] همان.

[۴۱] حریّت، ۱۲ نوامبر ۲۰۰۸.

چالش‌های بیشتر برای رباعی ناسیونالیستی ترکیه

حتی در زمانی که مفهوم "یک ملت" از رباعی ناسیونالیستی ترکیه به چالش کشیده شده بود، مفهوم "یک دولت" نیز به مرور به چالش کشیده شد. در ۲۹ اکتبر، عید روز جمهوری[42] در ترکیه است، اعضای پارلمانی DTP، اطلاعیه‌ای در پارلمان با عنوان *طرح راه‌حل دموکراتیک DTP برای مسئله کُرد* منتشر کردند. اعضای پارلمانی DTP اطلاعیه را به زبان‌های ترکی، انگلیسی و همچنین کُردی منتشر نمودند. نمایندگان پارلمان اظهار داشتند این برای اولین بار بوده که اطلاعیه‌ای به زبان کُردی در پارلمان پخش شده است. این جریان نیز تأکید مجددی بود بر اهمیتی که مسئله زبان در جدال ناسیونالیستی کُردی-ترکی می‌یافت.[43]

هر چند "طرح خودمختاری" DTP، از آنجایی که اولین بار به عنوان بخشی از دومین کنگره فوق‌العاده DTP در سال ۲۰۰۷ منتشر شد، برای نمایندگان پارلمان ترکیه شناخته شده بود، طرح فقط به دلیل انتشار در پارلمان در مراسم روز جمهوری در معرض دید ملی قرار گرفت. در اطلاعیه، DTP امکان تداوم حکم یک دولت را در رباعی ناسیونالیستی زیر سوال نبرد، اما نظام ۸۱ استانی کنونی حکومت ترکیه را به چالش کشید. DTP نوشت که راه‌حل دموکراتیک خود را در مورد مسئله کُردی برای بهبود ساختار اداری کهنه، مرکزگرا، دیوان سالار و بدترکیب ۸۱ استانی کنونی به ۲۰ الی ۲۵ منطقه خودمختار پیشنهاد می‌کند. با چنان نظامی می‌توان مطمئن شد که مدیران محلی اختیار و حق تصمیم گیری دارند.

سخنگویان DTP تصریح کردند که طرح از هیچ شکلی از نظام فدرالی یا خودمختاری قومی طرفداری نمی‌کند. بلکه، هر منطقه قادر خواهد بود که نمادها، رنگ‌های منطقه‌ای و

---

[42] Public Day

[43] TDN، ۳۰ اکتبر ۲۰۰۸؛ رادیکال، ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸. بحث بعدی کتاب از دو منبع مذکور است.

پرچم‌های خود را داشته باشد. چنان نظام غیرمتمرکزی، تا حدود زیادی، دیوان‌سالاری و غیرقابل مدیریت بودن نظام متمرکز کنونی را بهبود خواهد بخشید.[۴۴]
در همین زمان، با پخش خبر توصیه DTP برای سازماندهی مجدد نظام منطقه‌ای در ترکیه، فیلم جدیدی به نام "مصطفی" درباره زندگی آتاتورک، به کارگردانی جان دوندار، یکی از بهترین کارگردانان ترکیه، به نمایش درآمد. در بین بسیاری موضوعات بحث‌انگیز مطرح شده در فیلم، یکی تایید مدعایی بود مبنی بر اینکه آتاتورک در یکی از مصاحبه‌هایش با رسانه‌ها قبل از تأسیس جمهوری، گفته بود با اعطای خودمختاری به شهروندان کُرد به شرطی که وفاداری خود را به ترکیه نشان دهند، موافق است. حزب جامعه دموکراتیک (DTP) سریعاً اظهار داشت که به تصویر کشیدن آتاتورک در فیلمی به کارگردانی یکی از کارگردانان برجسته ترکیه، و اظهار اینکه آتاتورک با اعطای خودمختاری به شهروندان کُرد مشروط به وفادار ماندن به جمهوری ترکیه موافق است، مشروعیت و اعتبار تاریخی بیشتری به توصیه‌هایشان برای اعطای خودمختاری بیشتر به مناطق در نظام سازمانی جدید ۲۰ الی ۲۵ منطقه‌ای می‌دهد.

جدال بیشتر

[۴۴] طرح DTP در مورد تجدید سازماندهی نظام استانی ترکیه آنقدر هم تازه نبود. در واقع، در ۲۰۰۷ حتی رئیس جمهور اسبق کنان اورن (۸۳-۱۹۸۰) نیز که قبلاً رئیس ستاد کل بود، این ایده را مطرح کرد که شاید ترکیه نیز نیازمند یک تجدید سازماندهی استانی در ۸ یا ۹ استان است. گاه و بیگاه نیز ادعا می‌شد که آتاتورک خودش هم قبل از اعلام استقلال جمهوری ترکیه در ۱۹۲۳ از خودمختاری برای کردها دفاع کرده بود.من خود نیز در این مباحثه نقشی ایفا کردم و کتاب زیر را نوشتم:
The Emergency of Kurdish Nationalism and the Sheikh Said Rebellion, 1880-1925 (Austin: University of Texas Press, 1989), 166-168.
متنی با عنوان *Draft Law for a Proposed Autonomy for Kurdistan as Debated in the Grand National Assembly on 10 February* را هم در آرشیو دفتر اسناد عمومی بریتانیا در کیو گاردنز (Kew Gardens) یافتم که توسط سفیر بریتانیا به ترکیه نوشته شده بود. این سند بیان می‌داشت بریتانیا اطلاعاتی در اختیار داشت که چنان طرحی در پارلمان ترکیه به بحث گذاشته شده است. اما تاکنون هیچ گونه سندی در این مورد در منابع بایگانی ترکیه یافته نشده است. ممکن است چنان سندی اصلاً وجود نداشته باشد، یا اگر هم باشد، از بین برده شده باشد.اما پافشاری بر این احتمالات همچنان که در ادامه خواهیم دید، نشان می‌دهد آتاتورک و شاید دیگر افراد نزدیک به وی، واقعاً قبل از ۱۹۲۳، خودمختاری را مدنظر قرار داده‌اند.

همزمان با اینکه اردوغان از بحث "دوستش بدار یا ترکش کن" آشفته شده بود، به دلیل اظهار نظر آتشین دیگری در مرکز حمله قرار گرفته بود. سخنان او درباره تظاهرات مرکز استانبول بود که طی اولین روزهای نوامبر به حمایت از اعتصاب در دیاربکر برگزار شده بود. در طی تظاهرات، یک ترک با اسلحه ساچمه‌ای به جمعیت تظاهرکنندگان شلیک کرده بود، که کسی کشته نشد.[۴۵] در مصاحبه‌ای مطبوعاتی، اردوغان به وضوح اعلام داشت داشت که با شلیک کننده همدردی می‌کند و اظهار داشت که او حق داشته از خودش دفاع کند. این اظهارات منجر به موج شدید تظاهرات دیگری شد. اما اردوغان از موضع خود عقب نشینی نکرد، او گفت، "من به شهروندانم توصیه می‌کنم محتاط باشند. اما نگران این هم هستم که این صبر چقدر ادامه می‌یابد. اگر کسی احساس کند که زندگی و اموالش تهدید می‌شود و او در چنان موقعیتی واقع شود، اگر بتواند، حرکتی برای دفاع از خودش انجام خواهد داد. این گونه اقدامات از روی ناچاری است. من به این جوانانی که به خیابان‌ها می آیند هشدار می‌دهم که مواظب باشند در چنین تله‌هایی نیافتند."[۴۶] به نظر می‌رسید اردوغان به جوانان هشدار می‌داد که اگر بطور علنی به حمایت از ناسیونالیسم کُردی بپردازند، با شهروندان دیگری مواجه می‌شوند که از اسلحه علیه آنها استفاده می کنند.

روز بعد، ۳ نوامبر، احمد ترک در برابر اردوغان بپاخاست و اظهاراتش را با گفته‌های روحانیونی مقایسه کرد که فتوای قتل می‌دهند: "نخست وزیر می‌گوید صبرش تمام شده است، او می‌گوید مرگ ما [کردها] لازم است. این‌ها اقداماتی است برای بدنام کردن DTP.[۴۷] گفته بعدی او این خواهد بود، قطع یک انگشت مطابق با فقه شریعت، موجب اذیت نیست."[۴۸] احمد ترک به اردوغان توصیه کرد موضعی اتخاذ کند که تورگوت اوزال در زمان نخست وزیری و ریاست جمهوری‌اش (۱۹۹۳-۱۹۸۳) اتخاذ کرده بود: "آیا او [اردوغان] می‌خواهد با ترساندن پارلمان این مشکلات را رفع کند؟ تو چه کسی را می‌-

---

[۴۵] *تاراف*، ۴ نوامبر ۲۰۰۸.

[۴۶] همان.

[۴۷] *تودیز زمان*، ۴ نوامبر؛ *حرّیت*، ۵ نوامبر ۲۰۰۸.

[۴۸] *حرّیت*، ۵ نوامبر ۲۰۰۸.

ترسانی؟ چه کسی را ساکت می‌کنی؟ آیا می‌خواهی به استفاده از سیاست خفقان مردم ادامه بدهی؟"[۴۹] حتی رهبر حزب خلق جمهوری خواه (RPP)، دنیز بایکال، اظهار داشته که "اگر شهروندان بتوانند با اسلحه از خود محافظت کنند پس تو [اردوغان] به چه دردی می‌خوری؟"[۵۰] او از اردوغان خواست به یاد بیاورد که می‌گفت "با اسلحه هیچ نوعی از دموکراسی وجود نخواهد داشت"؛ به نظر می‌رسد که این به مسئله بغرنجی تبدیل شده است. به جای اینکه برخی شهروندان کشور را ترک کنند، اردوغان و حزبش باید بساط خود را جمع کرده و از کشور بروند.[51]

بازگشت عبدالقادر آکسو به هیئت دولت

اردوغان کمتر از یک هفته پس از تاخت و تازش به شرق و جنوب شرق، به روشنی اعلان داشت که هیئت دولتش، نیروهای مسلح ترکیه (TAF) و سازمان اطلاعات ملی(MIT) استراتژی‌های اتخاذ شده پس از حمله اکتبر PKK به آکتوتون را پیگیری خواهند کرد. این سیاست‌ها با جایگزینی سیاستمدار کُرد معاون نخست وزیر، دنگیر میر محمد فرات که در ۲۳ نوامبر استعفا کرده بود، با سیاستمدار کُرد مشهور دیگر، عبدالقادر آکسو، که قبلاً وزیر کشور دولت اردوغان بود، انعکاس یافت. ملاقات ۸ نوامبر فرات در یکی از رستوران‌های مشهور آنکارا با سه تن از رهبران گروه پارلمانی DTP – احمد ترک، سری ساکیک و ابراهیم بینیجی- در رسانه‌ها به تفصیل ذکر شد. فرات پس از استعفایش در ۲۳ اکتبر، در مصاحبه‌ای اظهار داشت که او به سه تن از رهبران DTP توصیه کرده PKK را ترغیب کنند که سلاحش را به زمین بگذارد. اگر PKK اسلحه را بر زمین نگذارد، حکومت به مطالبات DTP گوش فرا نمی‌دهد. اما، فرات گفت، او و احمد ترک، ساکیک و بینیجی نتوانسته‌اند در مورد قضیه به توافقی دست یابند.[52] به نظر می‌رسید فرات

---

[۴۹] همان.

[۵۰] همان.

[51] همان.

[52] حریت، ۱۹ اکتبر ۲۰۰۸.

منظورش این بود که ناتوانی‌اش در راضی کردن سه رهبر DTP برای ترغیب PKK به ترک سلاح، یکی از دلایل – و شاید هم مهم‌ترین دلیل- استعفایش بوده است. اغلب تحلیلگران موافق بودند که این اصلی‌ترین دلیل استعفای فرات بوده، با این حال برخی اظهار می‌داشتند که تحقیقات در مورد فساد مالی در معاملات تجاری‌اش نیز ممکن است نقشی در استعفایش داشته باشد.

روشن چاکر، یکی از تحلیلگران زیرک، فکر می‌کرد که اردوغان به دلیل شکست ۷۵ نماینده پارلمانی کُرد عضو AKP به عنوان طرف صحبت PKK و DTP، آکسو را جانشین فرات کرده بود. نمایندگان کُرد AKP و دیگر نمایندگان آن، نتوانستند در مورد مسئله کُردی به راه‌حل جامعی دست یابند. چاکر خاطر نشان ساخت که آکسو تا اندازه بیشتری شناخته شده و در تمام دوره فعالیت سیاسی، وزارتی و اداری‌اش به عنوان فردی "دولت‌گرا" شناخته شده است. آکسو نه یک باز بود و نه یک کبوتر، بلکه در رقابت‌های انتخاباتی ۲۹ مارس از خط مشی دولت پیروی می‌کرد. چاکر متذکر شد که آکسو روابط نزدیکی نیز با دیگر سیاستمدار کُرد، جمیل چیچک، معاون اردوغان و وزیر سابق دادگستری دارد. هر دو نفر وزارتخانه‌های بسیار مهمی را در دست داشتند که نقشی تعیین‌کننده در موضع‌گیری ترکیه در قبال مسئله کُردی دارند. چاکر نیز بر این باور بود که بازگشت مجدد آکسو به عنوان معاون نخست‌وزیر در کنار جمیل چیچک، بر این دلالت داشت که AKP دیگر "استراتژی اصلاح" را دنبال نمی‌کند، بلکه بیشتر درصدد سیاست‌های "حفظ وضع موجود" است. وی همچنین بدین نتیجه رسید که سیاست‌ها و/یا اظهار "دوستش بدار یا ترکش کن" از سوی اردوغان، دنگیر محمد میر فرات را مجبور به کناره‌گیری کرده بود چرا که وی بر این باور بود که چنین سیاست‌هایی مانع هرگونه مذاکرات جدی و دلگرم کننده با PKK، DTP یا سازمان‌های ناسیونالیست کُرد می‌شود.[۵۳] به نظر می‌رسید چاکر نیز مانند آکسو در مورد مسائل مالی نگران باشد. در اول ژانویه، وقتی کانال ۶ TRT پخش برنامه کُردی را آغاز کرد، آکسو تصریح کرد که وی فکر می‌کند پخش دولتی به زبان کُردی، در بین دیگر زبان‌ها، سهم بسیار زیادی در کنترل بهتر ناسیونالیسم

---

[۵۳] حرّیت، ۱۰ اکتبر ۲۰۰۸.

کُردی دارد. آکسو گفت، "لازم نیست همه به زبان جلال الدین رومی (مولانا) با هم صحبت کنند، اما آنها احساسات، رسوم و آرزوهای مشترکی دارند و با احترام و مدارا با هم رفتار می‌کنند. (حق) تکلم به زبان مادری دقیقاً همانند حق (تغذیه از) شیر مادر است. دقیقاً مشابه اینکه شیر مادر حاوی مواد مغذی بالایی است، زبان مادری هم عامل غنای فرهنگی و ادراکات بنیادی است. زبان مادری هر فرد نقشی بنیادین در تکوین هویت وی و شخصیتش ایفا می‌کند؛ زبان مادری پیوندی بین گذشته و آینده است که فرد را قادر می-سازد محیط و دنیایش را درک کند."[۵۴]

قضیه زبان در کانون توجه

در طی سال ۲۰۰۸ معلوم شد که قضیه زبان، در مبارزه بین دولت ترکیه و جنبش ناسیونالیستی کُردی، در کانون توجه است. همان گونه که در بالا دیدیم، عبدالقادر آکسو، در کنار دیگر سیاستمداران کُرد پارلمان، همگی خواستار حقوقی برای تکلم، نگارش و انتشار به کُردی بودند. همان گونه که در بالا ذکر کردیم، بسیاری از ناسیونالیست‌های کُرد، مانند سزگین تانریکولو، شاه اسماعیل بدرخان اوغلو، طارق اکینجی و آکین بیردال نیز از آموزش زبان مادری طرفداری می‌کردند که طی آن دانش آموزان حق انتخاب زبان تحصیلی خود را دارند؛ آنها خواستار آموزش به زبان مادری نبودند که طی آن کُردی زبان اولیه تعالیم در دوره ابتدایی، متوسطه یا دبیرستان است. آنها خواستار انستیتوهای کُردشناسی[۵۵] در دانشگاه‌های بزرگ ترکیه نیز هستند. از طرف دیگر، ناسیونالیست‌های سرسخت دیگری چون نمایندگان پارلمانی DTP خواستار آموزش به زبان مادری بودند. سال ۲۰۰۸ شاهد موفقیت‌هایی در زمینه تلاش برای معرفی، مطالبه و تقویت این امر بود که کُردی در همه منتشرات شهرداری‌ها در جنوب شرق مورد استفاده قرار گیرد. نویسنده نمونه خوبی سراغ دارد و آن مصاحبه با عبدالله دمیرباش در زمان حضور هر دوی ما در اکتبر ۲۰۰۸ در اربیل بود. در مصاحبه وی می‌گفت که شناسایی زبان کُردی در کانون

---

[۵۴] حرّیت، ۱ ژانویه ۲۰۰۹.

[۵۵] Kurdology Institutes

مطالبات DTP است. وقتی دمیرباش متذکر شد که از او خواسته شده به ایالات متحده برود و مذاکراتی صورت دهد، به من گفت در مذاکراتش به کُردی صحبت می کند نه به ترکی یا انگلیسی و می‌خواهد توصیه‌هایش از کُردی به انگلیسی ترجمه شوند. من به وی گفتم تعجب کردم از اینکه در زمان حضورم در کنفرانسی در سپتامبر ۲۰۰۷ در دیاربکر، حتی یک کلمه کُردی نشنیدم. به نظر دمیرباش این تأسف‌آور بوده و باید سیاستمداران کُرد بیشتری در جلسات و کنفرانس‌های علنی به کُردی صحبت کنند تا ترکی. نیاز به گسترش استفاده از کُردی در هر حوزه ممکن، همان گونه که در تمام این تحقیق متذکر شده‌ام، در طی سال ۲۰۰۸ افزایش یافت.

گزارش TESEV (مؤسسه مطالعات اقتصادی و اجتماعی ترکیه)

در دسامبر ۲۰۰۸، نه بطور تصادفی، قبل از شروع برنامه کُردی در TRT، اتاق فکر مؤسسه مطالعات اقتصادی و اجتماعی ترکیه (TESEV) گزارشی راجع به "نقشه راه‌حل مسئله کُردی: توصیه‌هایی از منطقه به دولت" منتشر کردند.[۵۶] گزارش بر اساس مصاحبه‌هایی وسیع و جامع با سیاستمدارن و روشنفکران کُرد جنوب شرق تهیه شده بود. مأموران تحقیق برای تهیه گزارش، حتی با نویسنده مشهور کُرد، یاشار کمال نیز مشورت کردند، که علی رغم اینکه عمدتاً رمان‌هایش را به ترکی نوشته، از کسانی است که طرفداری زیادی از آزادی وسیع زبان کُردی می‌کنند. با این حال، عمدتاً، کمال خواستار آموزش زبان مادری نبود و فقط از آموزش به زبان مادری طرفداری می‌کرد.[۵۷] اگر چه گزارش TESEV در مورد قضایای متنوعی بود، اما تمرکز اصلی آن بر قضیه زبان بود. گزارش خاطر نشان کرد که اگر چه پخش برنامه به زبان کُردی، همانند پخش برنامه به دیگر زبان‌ها نیز کاری مثبت است، اما اعطای چنین امتیازی، مطالبات ناسیونالیست‌های کُرد را برآورده نمی‌کند. گزارش اینگونه توصیه می‌کند که: قانون بنیادی آموزش ملی[۵۸] باید به گونه‌ای تغییر یابد

---

[۵۶] گزارش کامل در دسامبر ۲۰۰۸ منتشر شد. عنوان ترکی گزارش، این است:
Kürt Sorununun Çözumüne Dair Bir Yol Haritası: Bölgeden Hükümete Öneriler.

[۵۷] حرّیت، ۲۶ دسامبر ۲۰۰۸.

[58] National Education Fundamental Law

که کُردی به عنوان دومین زبان یا زبان ترجیحی تعالیم شناخته شود؛ قوانین مانع اجتماع و آزادی بیان باید برداشته شوند؛ نام مکان‌هایی که از کُردی (و دیگر زبان‌ها) به ترکی تغییر یافته، باید به نام اصلی خود بازگردانده شود؛ واعظین در مساجد باید همانند ترکی اجازه سخنرانی به کُردی را نیز داشته باشند؛ در ادارات درمانی مشغول به کار در جنوب شرق، باید اولویت به کسانی داده شود که کُردی می‌دانند؛ در میان کارکنان شاغل در نهادهای آموزشی، باید اولویت با کسانی باشد که کُردی می‌دانند؛ در دادگاه منطقه و نظام قضایی باید افرادی به کار گماشته شوند که کُردی می‌دانند؛ در سالن‌های دولتی تئاتر باید به کُردی نمایش اجرا شود و باید نهادهای کُردی ویژه زبان و ادبیات کُردی دایر شوند.[۵۹] چنگیز چاندار، که نقدی بر گزارش TESEV نوشت، تأکید کرد که علاوه بر توصیه‌های TESEV، او نیز مایل است کُردی به عنوان زبان رسمی در کنار ترکی پذیرفته شود. او نیز فکر می‌کرد علایم جاده‌ای باید به هر دو زبان باشند. معلوم نبود چاندار منظورش فقط برای جنوب شرق بود یا سرتاسر ترکیه، با این حال به نظر می‌رسید او پیشنهاد می‌کند که این کار باید برای همه ترکیه انجام شود. چاندر گفت، اما هیچ کدام از توصیه‌های مذکور در مورد زبان، حتی اگر اجرا شوند، در صورت به رسمیت شناخته نشدن هویت کُردی، در حل مسئله کُردی مؤثر نخواهند بود. مسئله این نبود که چقدر بر میزان "پررنگی تفاوت‌ها" تأکید شود، بلکه این بود که در صورت به رسمیت نشناختن هویت کُردی، همه آن کارها "به صورت نوعی ریاکاری تاریخی باقی می‌ماندند."[۶۰] او همچنین متذکر شد افزایش تلاش‌های دولت و نهادهای مختلف برای پاسخگویی به مسئله کُردی در نتیجه پیشرفت-های عراق بوده که در قانونش، زبان کُردی در کنار عربی به عنوان زبان رسمی دوم کشور پذیرفته شده است. چاندار خاطر نشان ساخت، "از آنجا که به نسبت عراق، کردهای بیشتری در ترکیه زندگی می‌کنند، ما (ترکیه) کردها را راضی کنیم حقوق زبان مادری را بپذیرند؟ از آنجا که سیاست انکار و آسیمیله کردن ترکیه نتیجه نداده، بنابراین ترک‌ها باید ثابت کنند "با تمام وجود و رگ و پی‌شان" می‌خواهند با کردها زندگی کنند، تا بتوانند

---

[۵۹] *رفرانس*، ۱ ژانویه ۲۰۰۹. این مقاله توسط جنگیز چاندار نوشته شده، او عنوان مقاله‌اش را "هویت کُردی = زبان مادری؛ زبان مادری = کُردی" گذاشته است.

[۶۰] همان.

کردها را راضی کنند با آنها یکپارچه بمانند. با به رسمیت شناختن زبان و هویت کُردی، ترکیه به صلح و آرامش دست می یابد. انجام چنین کاری مشکل است؟" چاندار گفت: "ادامه راهی که می‌پیماییم بسی مشکل‌تر است."[۶۱]

[۶۱] همان.

فصل شش:
"جنگ لفظی" در صدر صحنه

اولین پخش برنامه کُردی از کانال TRT 6 در ژوئیه ۲۰۰۹، بخشی از برنامه آماده‌سازی حزب عدالت و توسعه (AKP) برای انتخابات ۲۹ مارس ۲۰۰۹، و تا حدودی خلاف اوضاع و احوال بود. اردوغان در سرتاسر دیدارهایی که از جنوب شرق و شرق برای رقابت‌های انتخاباتی به عمل می‌آورد، مکرراً افتتاح (کانال ۶) را خاطر نشان می‌کرد. اردوغان سخنرانی مراسم افتتاح را با عبارت کُردی، "TRT شَش له سەر خیری بی (شاید TRT شش مفید باشد) به پایان برد.[1] از زمان بنیانگذاری جمهوری (ترکیه) در ۱۹۲۳، این برای اولین بار بود که یک نخست وزیر ترکیه بطور عمومی در رادیو یا تلویزیون کلماتی کُردی را به زبان می‌آورد. افراد خبره متذکر شدند که رئیس جمهور گُل در پیامش به کانال TRT 6، کلمه کُردی بکار نبرد که مستلزم استفاده از حروف الفبای کُردی –w (و)، x (خ) و q (ق)– باشد که در ترکی استفاده نمی‌شوند.

همان گونه که انتظار می‌رفت، طیفی از حامیان و منتقدان کانال جدید و انتقاداتشان نمایان شدند. کانال، به وضوح از AKP و اکثر مقامات دولت حمایت، و با رهبران حزب حرکت ملی (MHP) و حزب مردم جمهوری‌خواه (CHP) مخالفت می‌کرد. فرماندهان نیروهای مسلح ترکیه (TAF)، بویژه رئیس ستاد ایلکر باشبوغ از روشن شدن رفع تنش‌هایشان با اردوغان در جلسه ۲۷ اکتبر هیئت دولت خوشنود بودند. کانال جدید شدیداً تحت کنترل دولت مورد پسند مقامات سازمان اطلاعات ملی (MIT) و دیگر مقامات اطلاعاتی نیز نبود. اکثر وزرای کُرد دولت، مانند عبدالقادر آکسو، همانگونه که به او اشاره کردیم، جمیل چیچک، مهدی اِکِر، محمد شمسک و نمایندگان کُرد عضو AKP و همچنین بسیاری از روزنامه‌نگاران آزادی‌خواه روزنامه‌های *تاراف*، *رفرانس*، *تودیز زمان* از پخش برنامه استقبال کردند. جنگیز چاندار، نویسنده روزنامه *رادیکال*، بر این باور بود که دولت نهایتاً به این نتیجه خواهد رسید که پخش رسمی برنامه کُردی، گام رو به جلوی بزرگی

---

[1] برنامه انعکاس و پوشش خبری گسترده‌ای یافت و در همه روزنامه‌های ترکیه بر اهمیت آن تأکید شد. در اکثر بخش‌ها من به پوشش خبری روزنامه‌های *تودیز زمان*، *رفرانس*، و *TDN* از ۱-۳ ژانویه ۲۰۰۹ تکیه کرده‌ام.

بوده است، اما اظهار تعجب کرد که این کار چرا ۱۰ سال دیرتر انجام شده است. آن‌گونه که رویه گزارش مؤسسه مطالعات اقتصادی و اجتماعی ترکیه (TESEV) بیان می‌کرد، امتیازات بیشتری به کُردی داده می‌شد. به فاصله ۱۰ سال، کردهای جنوب شرق ترکیه به چهار کانال تلویزیونی یا بیشتر –*کوردستان تی‌وی*، *کورد سات*، *زاگروس تی‌وی*، *مزوپوتامیا تی‌وی*- که از کردستان عراق پخش می‌شد گوش می‌دادند. در نتیجه هم اکنون مانند یک دهه پیش، نیازی به کانال تلویزیونی کُردی دیگری نبود. با این حال، یکی از نزدیک‌ترین کردهای دوست چاندار، فکر می‌کرد پخش برنامه کردی به کرمانجی، لهجه‌ای که بیشتر کردهای ترکیه و سوریه و قسمتی از کردهای عراق بدان تکلم می‌کنند، چیزی کمتر از یک انقلاب نبود. دلیل اصلی این امر از آنجا ناشی می‌شد که همه کانال‌های تلویزیونی کردستان عراق صرفاً به (لهجه) سورانی برنامه پخش می‌کنند. بدون شک، تصمیم حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) به پخش برنامه فقط به سورانی، سیاستی بود برای حفظ حدی از فاصله بین کردهای ترکیه و عراق و جنبش‌های ملی‌گرای مرتبط به آنها. این دیدگاه مورد تأیید طالبانی بود که خود در پیام تبریکی به چاندار گفت که برنامه‌ها را نگاه کرده و بر این باور است که آنها شگفت‌انگیز بوده‌اند، "اگر TRT 6 این گونه خوب ادامه دهد، در مدت زمان کوتاهی محبوبیتش از *کوردستان تی‌وی* و *کوردسات* پیشی می‌گیرد. بخاطر کیفیت و محتوای TRT 6، بزودی کردهای عراق دیگر کانال‌های تلویزیونی خودشان را نگاه نمی‌کنند."[۲] طالبانی فکر می‌کرد پخش برنامه کردی چیزی کمتر از یک انقلاب نبود. چاندار نیز با خوشحالی گزارش کرد که *رادیکال* اولین روزنامه ترکیه بوده که تبلیغاتی را به کُردی چاپ کرده و از حروف کُردی w، x و q استفاده نموده است. طعنه‌آمیز بود که حتی *رادیکال* هم چاپ آگهی به کُردی را پذیرفته بود و نمایندگان پارلمانی عضو DTP هنوز روز پیش‌نویس قانونی کار می‌کردند که اجازه استفاده از حروف ممنوعه (حروف کُردی) را در نامه‌نگاری‌های اداری می‌داد؛ پیشرفتی که بدون شک خشم ناسیونالیست‌های دو آتشه را برمی‌انگیخت.[۳] تابوهای بیشتری شکسته شد. مقامات دیگر AKP، خوشحال از نتایج کانال کردی جدید گفتند آنها به تأسیس دانشکده

---

[۲] *رادیکال*، ۲ ژانویه ۲۰۰۹.

[۳] رویترز، *۲ ژانویه ۲۰۰۹*.

مطالعات کُردشناسی در دانشگاه‌های استانبول و آنکارا، اما نه در دانشگاه دجله در دیاربکر، فکر می‌کنند. دلیل مشخص این امر آن بود که دانشگاه‌های استانبول و آنکارا تجربه و پرسنل لازم را داشتند، اما دانشگاه دجله علی‌رغم اینکه در قلب جنبش ملی‌گرای کُردی ترکیه و بیشتر دانشجویانش کُرد بود، فاقد آنها بود. صلاح‌الدین دمیرتاش، یکی از نمایندگان پارلمانی عضو DTP، روشن ساخت که کانال ۶ صرفاً بخاطر اهداف و مقاصد سیاسی گشوده شده که اصلی‌ترین آنها افزایش شانس (پیروزی) AKP در انتخابات مارس ۲۰۰۹، و به تبع، کاستن از دستاوردهای DTP است. دمیرتاش گفت: "حتی خوانندگان حاضر در مراسم افتتاحیه، بخاطر مخالفت با DTP به آنجا دعوت شده بودند."[۴]

بحث و جدل‌های پیرامون گشایش کانال TRT 6 بر این دلالت داشت که نبردها و کشمکش‌های بین جنبش‌های ملی‌گرای کُرد و دولت در ترکیه، بطور روز افزونی در زمینه زبان روی خواهد داد. از نقطه نظر دولت، چند و چون امتیازاتی که در زمینه پخش برنامه کُردی از رادیو و تلویزیون داده می‌شد و حوزه اختیارات دانشکده‌های کُردشناسی درصدد تأسیس در دانشگاه‌های ترکیه مهم بودند. در اوایل ژانویه ۲۰۰۹ نشانه‌های کمی دال بر اینکه دولت آماده اجرای توصیه‌های گزارش TESEV در زمینه زبان و هویت است به چشم می‌خورد، شایان ذکر است در گزارش مذکور اشاره‌ای به آموزش زبان مادری نشده بود و فقط آموزش به زبان مادری مورد اشاره قرار گرفته بود.

به نظر می‌رسید دلایل متعددی برای این امر وجود داشت. یک، TESEV و افرادی که از توصیه‌هایش طرفداری می‌کردند به روشنی امیدوار بودند اعطای امتیازاتی در زمینه زبان، و بطور خلاصه آموزش زبان مادری یا آموزش به زبان مادری، کردهای ترکیه را از مطالبه خودمختاری سیاسی که در بخش پیشنهادات برای نظام متفاوت حکومت استانی یا دیگر اشکال تمرکززدایی بیان شده، باز دارد. این حامیان متوجه شده بودند بیان روز افزون کوردایه‌تی (هویت کُردی) بین کردها، وسیعاً متأثر از موفقیت‌های جنبش ملی کُرد در عراق است و ممکن است در آینده کردهای ترکیه نیز خواستار اشکال مشابه خودمختاری

---

[۴] همان.

کردهای عراق شوند. این از طرف دیگر، تلاش‌های دولت ترکیه برای متحد ماندن زیر پرچم ناسیونالیسم ترکی را به چالش می‌کشد. در چنان وضعیتی، دولت فقط با افزایش کنترل نظامی و پلیسی و تقویت اجبار دولتی که منجر به ادامه جنگ داخلی کم شدت بین دولت و کردها می‌شود، قادر به حکمرانی خواهد بود. بسیاری از این حامیان گزارشات TESEV چه خودشان از حزب حمایت کرده بودند و چه نه، امیدوار بودند AKP در انتخابات قریب به وقوع ۲۹ مارس ۲۰۰۹ امتیازات بیشتری نسبت به انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ بدست آورد. چنین دستاوردی، DTP را از پارلمان حذف خواهد کرد، آن را در ترکیه و بویژه در جنوب شرق، به حاشیه می‌راند و جذابیت PKK را بیشتر تضعیف خواهد کرد. چنین دستاوردهایی فرصتی برای حل و فصل مسائل بین ملی‌گرایان میانه‌رو کُرد و هواداران آنها فراهم خواهد کرد. اما مسئله اساسی این خواهد بود که آیا دولت اصلاً اجازه آموزش زبان مادری را می دهد؛ آموزش به زبان مادری که دیگر جای خود دارد.

بنا به اظهارات فوق، درک اینکه چرا رهبران PKK و DTP گشایش کانال TRT 6 را به عنوان سیاست "نگهبان فرهنگی" در نظر می‌گرفتند آسان می‌شود. نگهبان فرهنگی مشابه نظام نگهبان روستا است که صدها هزار کُرد در سه دهه گذشته با آن همکاری کرده‌اند. در صورتی که سیاست "نگهبان زبان" نیز مؤثر می‌بود احتمال قوی وجود داشت در کاهش حمایت فعال و غیرفعال کردها از PKK، DTP یا دیگر سازمان‌های ناسیونالیست کُرد بسیار مؤثرتر باشد، و این صدمه شدیدی به PKK و DTP بود. اگر چنین اتفاقی می‌افتاد، سیاست‌هایی چون توصیه‌های DTP برای ایجاد نظام حکومتی استانی جدید کاملاً به دست فراموشی سپرده می‌شدند. امرالله اوسلو و اوندر آیتاچ به طعنه متذکر شدند که اولاً، گروه‌های اپوزسیون کُردی، از یک طرف با تأکید بر کشمکش کُردی و مشارکتشان در آن، دولت را به جایی رساندند که کانال تلویزیونی کُردی راه‌اندازی و تلاش کند از کانال جدید منتفع شود. از طرف دیگر، برای حفظ موقعیت برترشان در شکل‌دهی به فرهنگ کُردی می‌گفتند کانال کُردی TRT هنوز ابزاری دیگر در دست دولت برای آسیمیلاسیون و ذوب کردها از طریق از بین بردن قوت و شدت نهادهای فرهنگی کُردی

است."[۵] اوسلو و آیتاچ اظهار داشتند مهم‌ترین پیشرفت موجود مشاهده چگونگی مدیریت کانال جدید بود: "اگر این کانال به خوبی مدیریت نمی‌شد، واکنش ناسیونالیست‌های ترک به کانال تلویزیونی کُردی جدید دولتی، شکست بدی به AKP در شهرهای آناتولی مرکزی که ناسیونالیسم ترکی عمیقاً در آنجا ریشه دوانده، تحمیل می‌کرد."[۶] دو تحلیلگر فوق فکر می‌کردند اگر دولت و AKP کانال جدید را به گونه‌ای مدیریت نمی‌کرد که کمترین حساسیت را در ناسیونالیست‌های دو آتشه ترک بوجود آورد، "یکی دیگر از سیاست‌های AKP برای یافتن وسیله‌ای برای راضی کردن کردها شکست می‌خورد. در آن صورت، یقیناً برای AKP، پیروزی [در انتخابات ۲۹ مارس] در دیاربکر رویایی دست نیافتنی می‌بود."[۷]

رسانه ملی‌گرا از چندین شخصیت مشهور کُرد که از پخش برنامه خوشنود و بر این باور بودند که کردها در جنوب شرق پخش برنامه‌ها را مطلوب یافته‌اند دعوت به عمل آورد. برخی از این شخصیت‌ها عبارت بودند از خانم بژان ماتور شاعر، امید فرات اندیشمند، محمد متینر روزنامه‌نگار و آلتان تان نویسنده که همگی فکر می‌کردند پخش برنامه (کُردی) کمتر از یک انقلاب نبود. با این وجود، آلتان تان گفت تصمیم TRT برای پخش برنامه کُردی بسیار دیر و به بهای گزافی اتخاذ شد. او فکر می‌کرد پخش برنامه به کُردی برای دولت مهمتر بود تا برای کردها. وی اظهار داشت هزاران کُرد، همچون موسی آنتر، سعیدی نورسی، محمد اوزون، فایق بوجاک، ودات آیدین، عزالدین یلدرم، محمد امین بوزارسلان، عبدالرحیم زاپسو، عثمان صابری و جگرخوین برای چنین حقوقی جنگیده و کشته شده بودند (قابل ذکر است، روزنامه حرّیت، که مصاحبه با تان در آن چاپ شد، برای چاپ مصاحبه حتی از حرف x که هنوز جزو حروف ممنوعه بود استفاده کرد).[۸]

ارتوگول اوزگوک، ویراستار روزنامه ناسیونالیست محافظه‌کار حرّیت به گرمی از این رویداد استقبال کرد. گزارش رویداد او مستقیماً به پخش برنامه کُردی ۱ ژانویه ۲۰۰۹

---

[۵] *تودیز زمان*، ۱ ژانویه ۲۰۰۹.

[۶] همان.

[۷] همان.

[۸] *حرّیت*، ۳ ژانویه ۲۰۰۹.

مربوط نبود، اما به مسئله زبان پرداخت. اوزگوک به هنگام جشن سال نو در هتل مجلل مشهوری در جمهوری ترک قبرس شمالی (TRNC) حضور داشت که ابراهیم تاتلیسز، خواننده مشهور کُرد، مجری ستاره جشن بود. اوزگوک علناً خوشحالی خود را ابراز داشت و گفت افتخار می کند که او (ابراهیم) در پی آشتی کردها و ترکهاست. او شوق خود را با عبارات آوازهای مشهور تاتلیسز و روژین، خواننده دیگر مشهور کُرد نوشت. "خوشا به حال آنکه می گوید ترک هستم" ! سرودهای مذهبی و ناسیونالیستی تاتلیسز با همراهی و شور جمعیت ظاهراً ترک سکولار و بی‌حجاب مواجه شد، و در پاسخ آنها فریاد می‌زدند، "الله ! الله ! خوشا به حال آنکه می گوید ترک هستم" و برادری و خواهری بین ترکها و کردها را به نمایش گذاشتند که این مژده آینده‌ای خوب را برای ترکیه به همراه دارد."[۹] موفقیت ظاهری کانال TRT 6 در پخش برنامه مراد یتکین را به این فکر فرو برد که آیا تسهیل اجرای برنامه ناشی از مباحثات اردوغان-باشبوغ در سپتامبر-اکتبر ۲۰۰۸ نیز بوده است.[۱۰]

پاسخ حزب جامعه دموکراتیک (DTP) به پخش برنامه کانال TRT 6 و انتخابات

در مدت کوتاهی DTP، بسیاری از آنهایی که برای تصدی پست‌ها در انتخابات ۲۹ مارس کاندیدا شده بودند، در مقام پاسخ برآمدند. در ۱۱ ژانویه در کنفرانس "پلاتفرم انتخابات" در دیاربکر، عثمان بایدمیر، کاندیدای مجدد برای احراز پست (شهرداری) به کُردی سخنرانی کرد و گفت "اگر این کشمکش (کشمکش کُردی) ۲۰ سال دیگر ادامه پیدا کند، آنها [ترکها] مجبور می‌شوند از نام این سرزمین [کردستان] استفاده کنند. پخش برنامه نشان داد که پس از ۲۰ سال کشمکش، آنها [ترکها؛ دولت] مجبور شده‌اند وجود زبان، هویت و فرهنگ کُردی را بپذیرند."[۱۱] بایدمیر بر این واقعیت تأکید کرد که دلیل عدم

---

[۹] حرّیت، ۳ ژانویه ۲۰۰۹.

[۱۰] همان.

[۱۱] همان.

توسعه ۲۱ استان شرق و جنوب شرق این بوده که دولت کارخانه‌ها و بزرگراه‌ها را در غرب ساخته و پلیس و ژاندارمری را برای سرکوب مردم به جنوب شرق فرستاده است: "ما هرگز هویت، زبان، فرهنگ و اعتقادات خود را رها نخواهیم کرد. ما توانسته‌ایم در ۸ سال کاری را به انجام برسانیم که ۸۰ سال ما را از آن بازداشته بودند. ما شکم اسب‌های سرکوب را که دولت بر ما گمارده خواهیم درید. توسعه اقتصادی و اجتماعی به اندازه هویت و زبان مهم هستند. ما کم کم به توسعه اقتصادی و اجتماعی خودمان دست می‌یابیم. ما طرح توسعه ۲۰ ساله‌ای برای شهرتان داریم."[۱۲] بایدمیر سپس طرح‌ها و پروژه‌هایی را برای دوره جدید پس از انتخابات تشریح کرد. توضیحات بایدمیر به طرح دعوی دیگری علیه وی انجامید.[۱۳]

سخنرانی رئیس گروه DTP صلاح‌الدین دمیرتاش، نماینده پارلمان از دیاربکر، شدیدتر بود. او مستقیماً اردوغان را بویژه بخاطر دیپلماسی ضعیف نخست وزیر در قبال دولت‌های عربی خاورمیانه برای برقراری آتش بس در جنگی که اسرائیل علیه حماس و غزه در ۲۷ دسامبر به راه انداخته بود، مورد حمله قرار داد. هنگامی که دمیرتاش در این مورد سخن می‌گفت جنگ در اوج خود بود. دمیرتاش گفت اردوغان به یک دلیل ساده در تلاش برای برقراری آتش بس بین اسرائیل و حماس موفق نخواهد شد، و آن هم عدم صداقت وی است. "اگر او صادق بود، باید اول در کشور خودش صلح برقرار می‌کرد. از آنجایی که او نمی‌تواند این کار را انجام دهد، کسی او را جدی نمی‌گیرد. از طرفی او دستور بمباران قندیل را می‌دهد، و از طرف دیگر به دنبال صلح برای فلسطین است. با این حال بیشتر اسرائیل خواستار صلح و آتش بس است، اردوغان چقدر طالب صلح است؟ هر بمبی که در خاک این کشور فرو می‌افتد، AKP را به پایان عمرش نزدیک‌تر می‌کند. عملیات-های هوایی و زمینی باید فوراً متوقف شوند. انتخابات ۲۹ مارس جوابی شایسته به کسانی خواهد بود که می‌گویند "دوستش بدار یا ترکش کن"."[۱۴] دمیرتاش در ادامه حملات پر شوری را علیه پخش برنامه کانال TRT 6 به راه انداخت و گفت این هم یکی از نقاب-

---

[۱۲] *رادیکال*، ۱۱ ژانویه ۲۰۰۹.

[۱۳] *زمان آنلاین*، ۱۴ ژانویه ۲۰۰۹.

[۱۴] همان.

های نخست وزیر است: "اما مردم اینجا از یاد نبرده‌اند که در گذشته چه چیزهایی را تجربه کرده‌اند. با زدن نقاب TRT 6، آنها نمی‌توانند چهره پلیدشان را پنهان کنند. بگذارید TRT 6 تصاویر سرکوب و تعدی مراسم سال نو گذشته را پخش کند. اما بگذارید ما هم TRT 6 را ببینیم. بگذارید بگوییم که این تلویزیون ماست".[۱۵]

اردوغان و AKP به TRT6 به عنوان موفقیتی کوبنده می‌نگریستند. اردوغان فقط شش روز بعد از شروع برنامه‌ها در سخنرانی مقابل پارلمان گفت، "پخش برنامه به کُردی حس تعلق خاطر را بین شهروندان کُرد افزایش داده است. به عنوان دولتی بزرگ و دولتی که به خودش اعتماد دارد، پخش برنامه کُردی باعث شد ما و دموکراسی‌مان بسیار خوب جلوه کنیم. پخش برنامه ما را متفرق نخواهد کرد، بالعکس ما را متفق خواهد ساخت؛ ما را تضعیف نخواهد کرد، بلکه ما را قوی خواهد ساخت."[۱۶]

پایان سال ۲۰۰۸؛ یک ارزیابی

با توجه به افزایش کشمکش میان ناسیونالیست‌های کُرد و ترک و حامیان و منتقدان آنها در دوره بین انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ و انتخابات به زعم برخی حیاتی ۲۹ مارس ۲۰۰۹، این انتخابات چه آنقدر حیاتی شود و چه نشود، پایان سال ۲۰۰۸ و اولین روز سال ۲۰۰۹ زمان مناسبی برای ارزیابی موقعیت هواخواهان و بازیگران عمده دخیل در کشمکش بود.

راهبرد دولت ترکیه، AKP، TAF، MIT و دیگر بازیگران

معلوم شد پس از حمله ۳ اکتبر PKK به آکتوتون و متعاقباً جلسه هیئت دولت در ۲۷ اکتبر، AKP و TAF سیاست‌های مشترکی علیه PKK و DTP اتخاذ کرده‌اند، چرا که این دو سازمان مهم‌ترین سازمان‌هایی بودند که باید از بین رفته یا به حاشیه رانده می‌شدند زیرا بیانگر جنبش ناسیونالیستی کُردی در ترکیه بودند. همان گونه که در بالا بحث شد این

---

[۱۵] همان.

[۱۶] حرّیت، ۷ ژانویه ۲۰۰۹.

سیاست‌ها به شرح ذیل بودند. یک، ملایمت و سازگاری بیشتر AKP برای اجازه به TAF و MIT جهت ادامه نقش اصلی در مبارزه با PKK و تا حدودی علیه DTP. دو، موافقت TAF با ایفای نقش بیشتر غیرنظامیان در امنیتی‌سازی جنوب شرق و شرق. سه، هر دوی AKP و TAF و بیشتر نهادهای دولتی همچنان بر این باور بودند که پروژه‌های توسعه اقتصادی، شامل مجموعه‌های توریستی و ورزشی، به مهار ناسیونالیسم کُردی کمک می‌کند. چهار، هر دوی AKP و TAF متفقاً به مؤسسات تجاری جنوب شرق و شرق هشدار می‌دادند که هیچ سرمایه‌گذاری خصوصی یا دولتی وجود نخواهد داشت مگر اینکه چنان گروه‌هایی همه روابطشان را با PKK قطع کنند و از DTP حمایت نکنند و، پنج، پروژه‌های توسعه‌ای و اقتصادی مورد توجه بیشتری قرار گرفته و مکمل نهادهای تأمین بهداشت و درمان و تدارک دولتی غذا و سوخت (ذغال) شوند. راهبردهای سیاسی فوق، در متنی که حسین آونی موتلو، فرماندار دیاربکر، بهترین تشریح را از آن بدست داد، به عنوان سیاست "انسجام یکپارچه" پیگیری شدند.

راهبردهای فوق نیازمند رابطه نزدیک‌تر با حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG)، بویژه حزب دموکرات کردستان (KDP) نیز بودند. TAF و AKP خواستار همکاری KRG در مجبور کردن PKK به ترک مقرهای کوهستانی واقع در منطقه تحت کنترل KRG بودند. اگر این امر بطور کامل انجام می‌شد، PKK در جنبش ناسیونالیستی کُردی در ترکیه و از طریق اعمال نظامی، پلیسی یا قضایی، ساده‌تر و آسان‌تر به حاشیه رانده می‌شد. تضعیف PKK نیز حاشیه‌رانی بیشتر DTP را در پی داشت. و اگر این کارها به انجام می‌رسیدند، جنبش ناسیونالیستی کُردی در ترکیه، از طریق ابزارهای سیاسی، فرهنگی و آموزشی، آسان‌تر مهار و کنترل می‌شد. برای مثال، سیاستمداران کُرد پارلمان، چه عضو AKP یا احزاب دیگر، می‌توانستند علیه ناسیونالیسم کُردی مسلح بیشتر موضع گیری کنند. نوعی به رسمیت شناسی سیاسی KRG سبب کاهش ناراحتی کُردهای ناسیونالیستی می‌شد که می‌گفتند ترکیه چرا علی‌رغم روابط اقتصادی قوی با KRG آن را به رسمیت نمی‌شناسد.[17] شایان ذکر است سرعت افزایش روابط بین ترکیه و KRG با دیدار جلال

---

[17] برای آگاهی از آخرین میزان مبادلات اقتصادی ترکیه و حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) نگاه کنید به:

طالبانی رئیس جمهور عراق در مارس ۲۰۰۸ از ترکیه بیشتر شد. در این دیدار باور بر این بود که طالبانی با اردوغان و گل در مورد قضیه به زمین گذاشتن سلاح توسط PKK بحث کرده است: یک، این اولین بار بود که نخست وزیری از ترکیه راجع به چنین موضوعی با رئیس جمهور عراق، که همزمان رهبر اتحادیه میهنی کردستان (PUK) هم بود، به بحث می‌پرداخت. دو، این اولین بار بود که قضیه مقرهای PKK در کردستان عراق در چنان سطح عالی مورد بحث قرار می گرفت. سه، طالبانی اصلاً کلمه "عفو عمومی" را بکار نبرد که همیشه در اشاره به PKK در کوه‌های عراق و سرزمین تحت کنترل کردستان از آن استفاده می کرد، در عوض، قضیه در چارچوب آنچه ترکها قانون "بازگشت به خانه" نامیده بودند مورد بحث قرار گرفت. ترکها این امر را این گونه تفسیر کردند که حکومت عراق با موافقت و رهبری KDP، در عملیات مشترک با ترکیه همکاری خواهد کرد. و این احتمالاً علی‌رغم ادعاهای مکرر مسعود بارزانی مبنی بر به سر رسیدن روزهایی بود که کردها علیه کردها می‌جنگیدند. چهار، مهم‌تر از همه این بود که یک ماه پس از جلسه ۲۷ اکتبر هیئت دولت، وزیر کشور بصیر آلاتای و همراهانش از بغداد در نوامبر دیدار کردند. در این جلسه، موافقت شد که سیاستی سه جانبه توسط ترکیه، عراق و ایالات متحده برای اتخاذ خط مشی مشترک و عملیات‌های مشترک احتمالی علیه پایگاه‌های PKK در کردستان عراق پایه‌ریزی شود. همچنین، برای اولین بار بود که نمایندگان KRG در مذاکرات سه جانبه به عنوان طرف چهارم شرکت داده می‌شدند. در نتیجه، ترکیه و KDP، تحت رهبری مسعود بارزانی، رسماً یکدیگر را به رسمیت شناختند. این بدان معناست که مسعود بارزانی موافقت کرد که جزو پیمان سه جانبه تحت رهبری ایالات متحده باشد. قابل ذکر است این مذاکرات وقتی انجام می‌شدند که جیمز جفری، ژنرال بازنشسته و تحلیلگر اطلاعاتی اسبق در ترکیه، سفیر ایالات متحده در ترکیه شد.[18]

Caroline Tosh and Muhammad Sheikh Fatih, "Turks and Iraqi Kurds Don't Let Politics Get in the Way of Business," *Iraqi Crisis Report*, Institute of War and Peace Reporting, 17 December 2008.

در اواخر ۲۰۰۸ حدود ۵۰۰ شرکت ترک با حدود ۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در عراق مشغول فعالیت بودند. گمان می‌رفت بیش از ۱۵۰۰۰ کارگر از ترکیه که البته بسیاری از آنها کُرد بودند در KRG حضور داشته باشند.

[18] حرّیت، ۳ ژانویه ۲۰۰۹.

در نتیجه توافقات ۱۹ نوامبر، در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۹ وزیر امور خارجه ترکیه علی باباجان و وزیر امور خارجه عراق هوشیار زیباری اعلام کردند مرکز سه جانبه‌ای علیه تروریسم، بویژه PKK، متشکل از ترکیه، عراق و ایالات متحده در اربیل پایتخت حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) دایر می‌شود. اربیل به این دلیل انتخاب شد که بهترین محل برای تشریک اطلاعات بین طرفین بود. زیباری، وزیر امور خارجه عراق و سخنگوی امور خارجه حزب دموکرات کردستان (KDP)، روابط بین KRG و ترکیه و هدفشان در ریشه‌کن کردن PKK را تحسین کرد. زیباری گفت "PKK عنصری سمی در روابط ترکیه-عراق است."[19] باباجان هم به سهم خود گفت، ترکیه خواستار مشاهده برخورد محکم حکومت مرکزی بغداد و KRG برای از بین بردن تروریست‌های PKK است. ترکیه و عراق نیز با تأسیس یک شورای همکاری‌های عالی استراتژیک برای ارتقای روابط دو کشور و همچنین همکاری مشترک برای ریشه‌کن کردن PKK موافقت کردند. دو وزیر موافقت کردند برای مشخص کردن جزئیات در هفته‌های آتی جلسه‌ای وزارتی در استانبول ترتیب دهند.[20]

توافقات بین ترکیه و حکومت بغداد، ایالات متحده، KRG و KDP در جلسه ۲۵ دسامبر بین نخست وزیر عراق نوری المالکی، اردوغان، گل، TAF و مقامات MIT بیشتر مورد بحث قرار گرفت. به احتمال زیاد مذاکرات به چیزی بیش از آنچه که در ۱۹ دسامبر حاصل شده بود، دست نیافت، اما هم اکنون با مشارکت نخست وزیر قدرتمند عراق احتمال اجرایی شدن آنها بیشتر می‌شد. مراد یتکین، روزنامه‌نگار ترک نزدیک به مذاکرات فکر می‌کرد آنکارا بویژه پس از توافقات سه جانبه ۱۹ اکتبر دیگر اهمیتی نمی‌دهد که KRG یا KDP با رهبران PKK در عراق مستقیماً رایزنی کنند. علاوه بر این، PKK از پایگاه‌هایش در منطقه تحت کنترل KRG، ترکیه را تهدید می‌کرد و اگر KRG می‌توانست نقشی در بازداری آنها ایفا کند، به ترکیه اجازه می‌داد چالش ناسیونالیستی کُردی را در درون خود بهتر کنترل و مهار کند. مشارکت KDP و KRG در حمله یا همکاری با آمریکایی‌ها و حکومت بغداد برای از بین بردن پایگاه‌های PKK در کردستان عراق

---

[19] حرّیت، ۲۳ ژانویه ۲۰۰۹.

[20] همان.

منجر به تنش بین KDP و KRG با DTP می‌شد، اما همان‌گونه که در بالا اشاره کردیم، طی مذاکرات ۱۵ اکتبر بین هیئت نمایندگان DTP و بارزانی، رهبر KDP گفت کردها هرگز دوباره با کردها نمی‌جنگند. وی اظهار امیدواری کرد که DTP در انتخابات ۲۹ مارس ۲۰۰۹ موفق باشد. یتکین فکر می‌کرد اگر قانون "بازگشت به خانه" اجرا شود، DTP را از حامیانش در جنوب شرق دور خواهد کرد.[۲۱] اما جنگیز چاندار کمتر از مراد یتکین اطمینان داشت که حکومت بغداد بتواند در قضیه PKK زیاد اعمال نفود کند زیرا منطقه‌ای که آنها در آن پناه گرفته بودند سرزمین KDP بود. علاوه بر این، المالکی آنقدر مشکل داشت که نمی‌توانست توجه‌اش را به PKK معطوف کند. یکی از امتیازات برای المالکی، مشارکت KRG و KDP در تلاش برای بیرون راندن PKK از پایگاه‌هایش در کردستان عراق بود زیرا وجهه مناسبی برایش به همراه می‌آورد و تأیید می‌کرد که توافقات ۱۹ نوامبر تا حدودی امکان اجرا دارند.

راهبردهای PKK و DTP

عنوان فوق بر این دلالت ندارد که هیچ تفاوتی بین راهبردهای PKK و DTP، بویژه راجع به انتخابات ۲۹ مارس نبوده یا نیست. DTP از دستاوردهای AKP در انتخابات ۲۲ ژوئیه ناراحت و متحیر بود. این مسئله منجر به تغییرات چندی در راهبردهایش برای تصدی پست‌های بیشتر در انتخابات مارس ۲۰۰۹ شد. یکی از این تغییرات، گسترش دامنه تلاش‌ها و مبارزات برای گسترده‌تر کردن استفاده از زبان کُردی در امور اداری شهرداری‌ها و مطالبه آموزش به زبان مادری بود. دو، آنها حملات زبانی تند و زننده اردوغان را با حملات زبانی تند و زننده به سبک خود او پاسخ دادند. سه، آنها تظاهرات و راهپیمایی‌هایی قوی، بویژه در مورد رفتار با اوجالان در سرتاسر شرق و جنوب شرق و همچنین استانبول و ازمیر و دیگر شهرهای بزرگ سازماندهی کردند. آنها هر زمان که نمایندگان AKP به شرق و جنوب شرق می‌آمدند، تظاهرات بزرگی به راه می‌انداختند. چهار، آنها از

---

[۲۱] حرّیت، ۲۵ دسامبر ۲۰۰۸.

مشارکت جوانان و بچه‌ها در تظاهرات علیه نیروهای امنیتی دولتی و AKP چشم پوشی می‌کردند، و این احتمالاً برای کسب حمایت سازمان‌های حقوق بشر اروپایی علیه ترکیه بود.[۲۲] پنج، DTP احتمالاً با افزایش حملات PKK در سراسر منطقه جنوب شرق، از حمله ۲۱ اکتبر ۲۰۰۷ به داغلیکا گرفته تا حمله ۳ اکتبر ۲۰۰۸ به آکتوتون و حملات بین این دو تاریخ، موافق بوده یا حداقل به آنها تن داده است.[۲۳] شش، DTP نمی‌خواست KRG یا KDP با حکومت بغداد و ایالات متحده همکاری کنند تا برای به حاشیه‌رانی یا از بین بردن PKK در کردستان عراق، به حمله یا عملیات جستجو بپردازند. هفت، آنها خواستار حمایت مستقیم بارزانی برای انتخابات ۲۹ مارس بودند. نُه، روابط سیاسی قوی بین آنکارا و اربیل برای DTP ناخوشایند بود، با این حال از روابط اقتصادی و تجاری قوی بین ترکیه و KRG خوشنود بودند زیرا موجب بهبود شرایط اقتصادی ضعیف شرق و جنوب شرق می‌شد. و در نهایت، DTP نمی‌خواست اربیل هیچ سیاستی را پیگیری کند که شانس این حزب را برای انتخابات مارس کاهش دهد.

موضع حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) و حزب دموکرات کردستان (KDP)

سیاست مقدم KRG و خصوصاً KDP، باقی ماندن به عنوان بخش خودمختار دولت عراق بود. دلیل اصلی این سیاست این بود که آنها فقط به عنوان یک بخش از اسکلت عراق می‌توانستند به ۳۰۰ تا ۳۵۰ یا حتی ۴۰۰ میلیون بشکه نفت احتمالی عراق دسترسی داشته باشند. در شرایطی که به عنوان منطقه‌ای با جایگاه قانونی خوب درون عراق که احترام بین المللی هم دارد باقی نمی‌ماندند، احتمال دسترسی به سهمشان، که حدود ۱۵ الی ۲۰ درصد درآمد بالقوه نفت است، جای تردید بود. دسترسی به درآمدهای بالقوه مهم‌تر از

---

[۲۲] احتمالاً نویسنده می‌خواهد به شکستن دست پسر بچه ۱۴ ساله کُرد توسط یکی از مأموران امنیتی در مقابل دوربین در نوروز ۲۰۰۷ اشاره کند–م.

[۲۳] برای پی بردن به اهمیت حمله به داغلیکا نگاه کنید به:
Robert Olson, "Turkish-Kurdish Relations: A Year of Significant Developments, *Insight-Turkey*, vol. 10, no. 3 (2008), 38-9.

کنترل KRG بر استان نفت خیز کرکوک بود که ذخایر نفتی آن ۱۰ تا ۲۰ میلیارد بشکه برآورد شده‌اند. به منظور پیگیری این سیاست، KRG فکر می‌کرد اولویت اصلی‌اش حفظ روابط قابل قبول با هر حکومت بغداد، بجز حکومتی است که مشروعیتش را به مخاطره بیاندازد. KRG نگران این هم بود که روابط مخدوش با حکومت بغداد، بویژه در شرایط وابستگی آن به ایالات متحده، به هدفش که بدست آوردن کنترل استان کرکوک، حتی در صورتی که بنا به قانون اساسی عراق خارج از اختیارات KRG گذاشته شود، صدمه خواهد زد.

شرایط ضروری و الزامات این سیاست‌ها، سیاست‌های دیگر KRG، KDP و PUK را تحت تأثیر قرار داد. همان گونه که ذکر شد، بخاطر روابط اقتصادی و تجاری، KRG باید روابط همکاری جویانه‌ای با ترکیه برقرار می‌کرد. همزمان با اینکه ترکیه و بغداد در طول سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ روابط نزدیک‌تری با هم برقرار می‌کردند، کردها هم به عنوان بخشی از حکومت بغداد باید همکاری‌های خود را با آنکارا افزایش می‌دادند. اما بنا به اینکه مشروعیت آنها به ناسیونالیسم کُردی متکی بود، KRG و KDP نمی‌خواستند در چشم کردهای ترکیه، بویژه کردهای استان‌های همجوار KRG و KDP در شمال عراق، به عنوان خائن و بی‌مسئولیت دیده شوند. این بدان معنا بود که آنها به پایگاه‌های PKK در شمال عراق حمله نمی‌کردند، اگر چه به نیروهای نظامی ترکیه اجازه می‌دادند در پایگاه‌های کوچکی که در مرز بین‌المللی سرزمین تحت کنترلشان بود باقی بمانند. بارزانی نیز می‌خواست به اظهارات ذکر شده‌اش اعتبار بخشد که زمان جنگیدن کردها علیه کردها، که قبلاً اتفاق افتاده، دیگر به سر آمده است. در مورد مطالبات و نیازهای جنبش ناسیونالیستی کُردی در ترکیه، بویژه PKK که در سه دهه گذشته علیه دولت ترکیه مبارزه مسلحانه کرده بود، KRG نمی‌خواست قوی ظاهر شود. سیاست پخش برنامه KRG، KDP و PUK برای پخش برنامه تلویزیونی فقط به (لهجه) سورانی که منجر به نارضایتی و به زیان جمعیت بزرگی از کرمانجی زبان‌های KRG (در بادینان) شد، نسبت به سیاست قبلی مهم‌تر بود.[۲۴] رویکرد KRG به زبان نشانه دیگری از سیاستش برای باقی ماندن به

[۲۴] وقتی در KRG در اکتبر ۲۰۰۸ چندین استاد و مدیران دانشگاه از بخش‌های لهجه بادینانی KRG با من دیدار کردند متذکر شدند که اربیل تلاش می‌کند در دانشگاه‌هایش لهجه سورانی را به عنوان زبان آموزشی تحمیل کند.

عنوان بخشی از عراق و تحدید درگیر شدن در سیاست‌های جنبش ناسیونالیستی کُردی در ترکیه بود. اما همزمان، کردهای عراق به این فکر می‌کردند که امنیت نهایی آنها به حسن نیت ۱۵ تا ۲۰ میلیون کُرد ترکیه، بویژه در صورتی که در آینده KRG با حمله عراق عرب مواجه شود، بستگی دارد. مشارکت KRG در توافقات سه جانبه ۱۹ نوامبر با حکومت بغداد و ایالات متحده نشانه‌ای از این سیاست بود. اما سیاست‌های ناسیونالیسم کُردی نیز ایجاب می‌کرد KRG، KDP و PUK در مواجهه با قضیه PKK در کردستان عراق باید حساس، محتاط و هوشیار، و شاید، فریب‌آمیز عمل کنند: و اگر این گونه عمل نکنند منافع ژئواستراتژیک و ژئوپولتیکی گسترده خود را به مخاطره می‌اندازند.

پس از امضای توافقنامه وضعیت نیروها (SOFA) بین ایالات متحده و عراق در ۱ ژانویه ۲۰۰۹ که طی آن ایالات متحده حاکمیت عراق را به رسمیت شناخت، KRG حداقل در چشم ترکیه برای تأمین ثبات و امنیت منطقه شمال عراق تحت کنترلش که PKK در آن پناه گرفته بود، مسئولیت یافت. وضعیت حقوقی جدید KRG، ترکیه را مجبور کرد با KRG تعامل برقرار کند چرا که حداقل از نظر حقوقی، بیش از این نمی‌توانست در مورد مسائل مربوط به PKK در شمال عراق فقط و صرفاً با ایالات متحده سروکار داشته باشد. با این حال روابط اطلاعاتی بین ترکیه و ایالات متحده به خود باقی می‌ماند. TAF گزینه-های محدودی داشت و باید با KRG و بخصوص KDP روابط نزدیکی برقرار می‌کرد تا می‌توانست در حد امکان بطور مؤثر علیه PKK اقدام کند. این موضوع در توافقات اشاره شده در بالا مورد توجه قرار گرفت. درخواست اکید KRG، KDP و PUK از PKK برای به زمین گذاشتن سلاح در عراق و در ترکیه همچنان قابل مشاهده بود. این موضع‌گیری به طور یقین خشم DTP را بر می‌انگیخت. ظاهراً در ژانویه ۲۰۰۹ بود که حکومت بغداد، KRG، DTP و PUK نیز منتظر مشاهده نتایج انتخابات ۲۹ مارس بودند.

موضع حکومت بغداد

دولت نوری المالکی از همکاری با آنکارا برای محدود کردن خودمختاری و افزایش یکپارچگی قدرت کردها در KRG بسیار خوشنود بود. (کردها) پس از نوری المالکی که

بزرگ‌ترین گروه شیعی نمایندگان را در پارلمان داشت، دومین گروه بزرگ پارلمانی بودند، از این رو المالکی خوشحال می‌شد با استفاده از هر سازوکار ممکن، نفوذ کردها را در پارلمان و KRG محدود کند. نوری المالکی از زمانی که در سال ۲۰۰۶ نخست وزیر شد این سیاست را پیگیری کرد اما به دلیل مشکلات و چالش‌های زیادی که برای دولتش پیش آمد، نتوانست کار چندانی برای متوقف، بازداری یا محدود نمودن یکپارچگی کردها انجام دهد. این امر بویژه در مورد استان کرکوک و "مناطق مورد مناقشه" صادق بود. مناطق مورد مناقشه به تقریباً هفت درصد از خاک عراق اشاره دارد که در مرزهای چهار استان –انبار، صلاح الدین، کرکوک (التمیم) و دیاله- قرار دارند و با سه استان تشکیل دهنده KRG همجوار هستند.[۲۵] دولت نوری المالکی از حمایت ترکیه از وی در کشمکش با کردها بر سر قدرت، سرزمین و نفت خرسند بود. حکومت بغداد به منظور تقویت جایگاه المالکی در برابر کردها، با سیاست‌های ترکیه در قبال کرکوک موافقت کرد یا به آن تن داد. سیاست ترکیه در این مورد عدم الحاق استان کرکوک به KRG و به تبع، جلوگیری از الحاق میادین نفتی به KRG بود. ترکیه می‌خواست کرکوک و همه سرزمین‌های مورد مناقشه تحت کنترل و حاکمیت عراق باقی بمانند. بغداد نیز مانند آنکارا نمی‌خواست KRG برای استخراج نفت و گاز منطقه تحت کنترل KRG یا مناطق مورد مناقشه، بطور مستقیم با شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز مراوده داشته باشد. بغداد برای نشان دادن دفاع از یکپارچگی سرزمین عراق بطور ضمنی بمباران ترکیه در شمال عراق را تصدیق کرده بود و یقیناً از اینکه KRG و بویژه KDP مجبور به مذاکره با آنکارا شوند خرسند می‌شد چرا که به نظرش این مذاکرات به محدودتر شدن KRG می‌انجامید.[۲۶] از طرف دیگر، بغداد در نظر نداشت یا تلاش نمی‌کرد جلوی رونق روابط اقتصادی و تجاری

---

[۲۵] گزارشی توسط KRG با عنوان *گزارش تغییرات اداری در کرکوک و مناطق مورد مناقشه* منتشر شده است که بهترین بحث را در مورد این قضیه بدست می‌دهد.

[۲۶] برای دو گزارش خوب در این قضیه نگاه کنید به گزارش گروه بحران بین‌المللی تحت عنوان:

Oil for Soil: Toward a Grand Bargain on Iraq and the Kurds, Middle East Report, no. 80, 28 October 2008

و همچنین نگاه کنید به گزارش این گروه با عنوان:

Turkey and Iraqi Kurds: Conflict or Resolution, Middle East Report, no. 81, 13 November 2008.

بین ترکیه و KRG را بگیرد. میزانی از رفاه و شکوفایی KRG به سوی عراق عرب نیز سرازیر می‌شد و بغداد می‌دانست که ادامه این روابط اقتصادی برای ترکیه حیاتی است زیرا از این طریق می‌توانست برای کردهای جنوب شرق اشتغال‌زایی کند و با این کار حمایت آنها را از PKK، DTP و سازمان‌های ناسیونالیست کُردی مسلح از بین ببرد. این اصلی‌ترین دلیل مشارکت بغداد در توافقات بدست آمده در ۱۹ نوامبر بود که به آن اشاره کردیم.

فصل هفتم:
اوایل سال ۲۰۰۹: وحشی‌گری‌های ارگنکون و انتخابات

اگر چه بازیگران عمده انتخابات قریب به وقوع ۲۹ مارس، در اواخر سال ۲۰۰۸ و تنها سه ماه مانده به انتخابات راهبردهای مربوطه را به خوبی پایه‌ریزی کرده بودند، اما اتفاقاتی که مقارن سال ۲۰۰۹ به وقوع پیوست، بر موضع رقبای انتخاباتی اثر گذاشتند. یکی از این اتفاقات، موج دیگری از دستگیری افراط مرتبط با رسوایی ارگنکون بود. در ۷ ژانویه تنی چند از مظنونان جدید بازداشت شدند. در این موج افرادی به مراتب مهم‌تر از افراد بازداشت شده در سال ۲۰۰۸ وجود داشت، یکی از این افراد تونجر کلینچ، دبیرکل سابق شورای امنیت ملی (MGK) و از طرفداران پیگیری سیاست خارجی "به سوی شرق" توسط ترکیه، و داشتن روابط قوی با روسیه، چین، هند و ایران بود. این سیاست بعضاً بر این اساس بود که ایالات متحده و کشورهای اروپایی از بوجود آمدن دولت مستقل کُرد –که احتمالاً با اشغال عراق توسط ایالات متحده تقویت شده- حمایت می‌کنند. کمال گوروز، رئیس سابق شورای آموزش عالی (YÖK)، و اردال شنر، مشاور حقوقی سابق رئیس ستاد TAF هم دستگیر شدند. شنر متهم به ممانعت از انجام تحقیقات در مورد اعضای نظامی مظنون به مشارکت در واحد مخفی یگان اطلاعات و ضدترور ژاندارمری (JITEM) بود. پروفسور یالچین کوچوک نیز، از اساتید دانشگاه که سابقه طولانی در فعالیت‌های چپ‌گرایانه، بخصوص در جنبش انقلاب دموکراتیک ملی داشت، برای بازجویی بازداشت شد. جنبش مزبور طرفدار آگاه کردن مردم پس از کودتای اجتماعی ارتش بود. حتی سابع کاناداوغلو، بازپرس ارشد سابق دادگاه استیناف و دادگاه عالی نیز مورد ظن و منزلش مورد تفتیش قرار گرفت. کاناداوغلو دوست نزدیک رؤسای جمهور اسبق، سلیمان دمیرل و احمد نجدت سزر بود. او در دهه ۱۹۹۰ نقش مهمی را در بستن تعدادی احزاب سیاسی کُردی ایفا کرده بود.[۱]

---

[۱] حرّیت، ۸ ژانویه ۲۰۰۹.

یکی از افراد دستگیر شده که با مسئله کُردی رابطه نزدیکی داشت، ابراهیم شاهین، معاون رئیس سابق واحد عملیات‌های ویژه دایره پلیس ملی بود. شاهین در بازجویی‌ها اظهار داشت ژنرال باقر کالایونجو، فرمانده فعلی لشگر هفتم مستقر در جنوب شرق، تشکیل تیمی متشکل از ۳۰۰ افسر جهت کار در دایره جدید ضد تروریسم به او سپرده است. کالایونجو به شاهین قول داده بود او را به سمت معاونت رئیس دایره منصوب خواهد کرد. شاهین ادعا کرد قبل از اینکه بازداشت شود روی این مأموریت کار می‌کرد. شاهین در اثبات مدعایش تأکید کرد در طول دوره خدمتش در دایره پلیس، همیشه علیه PKK جنگیده است: "من در سال ۱۹۹۳ واحد عملیات ویژه را بر پایه واقعه سوسورلوک دایر کردم. در سال ۲۰۰۳ زندانی شدم. با حادثه‌ای که در سال ۲۰۰۳ برایم روی داد دچار معلولیت و ناتوانی دائمی شدم. بنا به گزارش شورای پزشکی قانونی، مورد عفو رئیس جمهوری قرار گرفتم. بعد از اینکه بازنشسته شدم، از آنجا که دوست نداشتم کشورم را در این وضعیت ببینم، برای توضیح و تشریح افکار و عقایدم، کتاب‌هایی نوشتم. عقایدم را از طریق ایستگاه تلویزیونی محلی به مردم عرضه کردم. اطلاعاتم در مورد اینکه سازمان تروریستی PKK توسط ارمنی‌ها هدایت می‌شود را به مردم گفتم."[2] شاهین ظاهراً همه فعالیت‌های منتسب به ارمنی-ها را، بویژه در سیواس که جواهرفروشی ارمنی مورد ظن بود که رابطه نزدیکی با PKK دارد، دنبال کرده بود.[3] شاهین همچنین فاش کرد که اسامی بیش از ۵۲۰ نفر از اعضای DTP را که فکر می‌کند ارمنی هستند، جمع‌آوری کرده است. او به بازپرس‌ها گفت مقامات MIT را ۲۵ روز قبل از حمله به آکتوتون از آن واقعه مطلع کرده است.[4]

سرهنگ مصطفی لونت گوتاش، توطئه‌گر دیگری بود که کردها را به عنوان دشمنان اصلی می‌دید.[5] او در ۱۹۹۹ عملیاتی را هدایت کرد که به دستگیری عبدالله اوجالان رهبر PKK

---

[2] *تودیز زمان*، ۱۳ ژانویه ۲۰۰۸.

[3] همان.

[4] همان. شاهین نیز در ۱۹۹۶ در امور سوسورلوک دست داشت و به همین خاطر شش سال زندانی شد. او به دلایل پزشکی آزاد شد با این وجود ممکن است گزارشات پزشکی مورد استناد نیز فریب آمیز باشند. او توسط رئیس جمهور بعدی احمد نجدت سزر عفو شد.

[5] همان.

انجامید. وی همان کسی بود که با عبارت "به کشورت خوش آمدی" در بازگشت اوجالان به ترکیه به او سلام کرده بود.[۶] گوتاش قویاً اظهار داشت از PKK متنفر است: "من ۱۵ سال علیه PKK جنگیده‌ام. من با افراد تحت فرمانم به مقرهای PKK در زاپ حمله بردم و آنها را دستگیر کردم."[۷] او گفت "در طول دوران خدمتم در دهه ۱۹۹۰، در ۵۴ تعقیب سخت و شدید در طی ۱۸ روز مشارکت داشتم. بعد از اینکه تروریست‌ها را تحویل دادم، کتاب‌ها و دفاتر آنها را گرفتم تا به والدین سربازهای کشته شده ترک نشان بدهم، تا آنها بدانند انتقام فرزندانشان گرفته شده است."[۸] فرد دیگر، سرتیپ بازنشسته لونت ارسوز بود که در زمان شروع دستگیری‌ها در آنکارا بود. او افسر اطلاعاتی سازمان تیم‌های ویژه JITEM بود که بخاطر عملیات علیه کردها مشهور بود. وی موفق شد از دام پلیس بگریزد اما چند روز بعد دستگیر شد. ارسوز با فرار به روسیه که در آنجا منافع اقتصادی داشت، از موج دستگیری‌های سال ۲۰۰۸ نیز گریخته بود.[۹]

پاسخ حزب جامعه دموکراتیک(DTP) به دستگیری اعضای ارگنکون

بعد از دستگیری شاهین و تحت تعقیب قرار گرفتن ارسوز، رهبران DTP نکوهش شدیدی به راه انداختند. حاسیپ کاپلان، نماینده پارلمانی DTP از شیرناخ ابراز داشت دستگیری ژنرال ارسوز لازم است زیرا مشخص می‌کند چگونه عملیات‌های ارگنکون در "شرق فرات" صورت می‌گرفته‌اند.[۱۰] کاپلان، ارسوز را در سال ۲۰۰۱ متهم کرد که پسرعمویش فایق کاپلان را به بیرون انداختن از هلیکوپتری که سوارش بودند، تهدید کرده بود: "من نیز می‌خواهم تو را از هلیکوپتر به پایین پرت کنم. هرگز کسی جنازه‌ات را نخواهد یافت."[۱۱] ارسوز، فایق کاپلان را متهم کرد که در تأسیس حزب کُردی HADEP (حزب

---

[۶] همان.

[۷] همان.

[۸] همان.

[۹] همان.

[۱۰] *رادیکال*، ۱۵ ژانویه ۲۰۰۹.

[۱۱] همان.

دموکراسی مردم) دست داشته است. ارسوز گفت اگر کاپلان و دو نفر از دوستانش، رسول ساداک و سردار دانیش نیز سر عقل نیایند و وفاداریشان را به کشور نشان ندهند، آنها را هم خواهد کشت."[۱۲] ارسوز برای یادآوری به فایق کاپلان متذکر شد کار خوبی نیست از عمویش گلایه کند. سردار دانیش ظاهراً بخاطر عدم ابراز مجدد وفاداری به قتل رسیده بود. این جریان منجر به درخواست حاسیپ کاپلان از پارلمان برای بحث بر سر قضایای مربوط به آخرین موج دستگیری‌ها شد. او گفت مطلقاً ضروری است که پارلمان عهده‌دار بررسی رسوایی ارگنکون و عملیات‌های انجام شده علیه کردها شود.[۱۳]

انگیزه‌های توطئه‌گران ارگنکون

در رسانه ترکیه نیز گزارشات رویداد بر ابعاد کُردی رسوایی ارگنکون پرداخت. پروفسور احسان داغی سرمقاله‌نویس روزنامه *تودیز زمان* تأکید کرد "مظنونان ارگنکون خیلی نگران بقای ترکیه و تمامیت ارضی آن بودند. آنها بر این باور بودند رژیم ترکیه توسط دشمنان خارجی که اقتصاد و سیاست ترکیه را کنترل می‌کنند زمین‌گیر شده است. هدف دشمنان خارجی ترکیه، از بین بردن استقلال ترکیه از طریق فشار نیروهای خارجی و حمایت از گروه‌های 'ضد ملی' شامل کردها، علوی‌ها و لیبرال‌ها است. دشمنان خارجی تنها نیستند؛ آنها همدستان داخلی هم دارند که برای تضعیف دولت ترکیه گماشته شده‌اند. گروه‌های کُرد جدایی‌طلب از همدستان داخلی هستند که می‌خواهند ترکیه را تجزیه کنند. حتی حزب سیاسی حاکم، حزب عدالت و توسعه (AKP) نیز به گمان آنها ابزاری در دست دشمنان است. در واقع، آنها معتقدند AKP به عنوان بخشی از 'پروژه اسلام معتدل' ایالات متحده است و با حمایت این کشور به قدرت رسانده شده تا از اقداماتش در عراق و اجرای طرح 'ابتکار خاورمیانه بزرگ‌تر' حمایت کند."[۱۴]

---

[۱۲] همان.

[۱۳] *تاراف*، ۱۵ ژانویه ۲۰۰۹.

[۱۴] *تودیز زمان*، ۱۲ ژانویه ۲۰۰۸.

داغی گفت اما بجز هراس ارگنکون از ایجاد دولت کُردی مستقل در عراق، چیزهای دیگری هم بود: "مظنونان ارگنکون بر این باورند که اصلاحات سیاسی به نام دموکراتیزه-سازی، توطئه‌ها و نقشه‌هایی است که توسط اتحادیه اروپا برای تضعیف دولت-ملت ترکیه، زمین‌گیر کردن قدرت ترکیه برای جنگ علیه حزب غیرقانونی کارگران کردستان [PKK] و کاهش توان رژیم سکولار انجام می‌شود. آنها تا جایی پیش رفتند که می‌گفتند ترکیه در اشغال منافع و قدرت‌های خارجی است. دارایی‌های اقتصادی ترکیه به سرمایه-داران خارجی که بورس سهام استانبول (IMKB) را دستکاری می‌کنند فروخته شده و بازار پولی به ضرر منافع ترکیه است. جامعه مدنی ترکیه که توسط ایالات متحده تأمین مالی می‌شود، بخشی از 'شبکه سوروس' شده که توطئه و نقشه‌هایی علیه نیروهای ناسیونالیست طرفدار استقلال طراحی کرده است."[۱۵]

بازداشت، توقیف و تفتیش منزل مقامات بلندپایه مظنون به عضویت در ارگنکون یا همکاری با آن، که نقش عمده‌ای در عملیات‌ها، اعمال غیرقانونی مخفیانه و دیگر کارها علیه PKK، احزاب مختلف کُردی و چندین ناسیونالیست کُرد داشتند، برای DTP فرصتی فراهم کرد که این بحث را پیش بکشد که AKP و سردمدارانش باید از این اعمال، خصوصاً پس از ۲۰۰۲ مطلع بوده باشند. TAF و MIT به طور حتم مطلع بوده‌اند و در فعالیت‌ها و عملیات‌های سازمان‌های مخفی و واحدهای ویژه غیرقانونی مختلفی که برای جنگ با PKK و دیگر سازمان‌های ناسیونالیست کُرد دایر شده‌اند، همکاری کرده یا در آنها درگیر شده بودند.

امرالله اوسلو و اوندر آیتاچ اظهار داشتند که آخرین بازداشت‌های ارگنکون شاید به خوبی ترکیه را از کودتای نظامی که آنها برای زمانی در ۲۰۰۹ در نظر داشتند، نجات داده باشد. دو تحلیلگر نگفتند ممکن بود چه نوع کودتایی رخ دهد. آنها مطمئن نبودند که کودتا ممکن بود به کدامیک از صورت‌های "نامه غیررسمی"، "نامه الکترونیکی"، "استعفای ژنرال‌ها"، "کودتای نرم" یا "کودتای واقعی" روی دهد.[۱٦] دو تحلیلگر مزبور بر این باور بودند که "فرماندهان TAF و برخی مقامات پایین‌دست از پخش برنامه کُردی TRT،

---

[۱۵] همان.

[۱٦] *تودیز زمان*، ۱۵ ژانویه ۲۰۰۹

گشایش‌های صورت گرفته برای علوی‌ها و مطالعات کُردی در دانشگاه‌ها ناراضی و ناراحت بودند. اگر این پیشرفت‌ها به خوبی پیش نمی‌رفت و در صورتی که درگیری با کردها، هم PKK و هم غیر از آن، در بهار قوی‌تر می‌شد و AKP نمی‌توانست مانع از وقوع آن شود، نخبگان دولت سیاست‌های مترقیانه حزب AKP را مسئول به خطر انداختن اتحاد دولت و کشور تلقی می‌کردند."[۱۷] با این حال، هر جریانی که پیش می‌آمد، در اواسط ژانویه ۲۰۰۹ واضح بود که برآیند انتخابات محلی ۲۹ مارس برای جریان‌ها و رویدادهای متعاقب، اساسی و حیاتی بود.

ارگنکون و درسیم

سونگول ارول آبدیل، از اعضای DTP و شهردار تونجلی، که معمولاً کردها آن را —به نام اصلی یعنی- درسیم می‌خوانند، با گفتن اینکه کردها از تاکتیک‌های وحشتناک ارگنکون و TAF زیاد متعجب نشده‌اند به آنها شدیداً حمله کرد: " طی قتل عام درسیم در ۱۹۳۸ هزاران نفر کشته شدند؛ برآورد کشته شدگان به رقمی حدود ۸۰۰۰۰ نفر رسیده بود. آنها با سر نیزه، شکم زنانمان را می‌دریدند و بچه داخل شکم را بیرون کشانده و به داخل رود مونزور می‌انداختند."[۱۸] آبدیل در ادامه گفت "در طی اولین روزهای جمهوری ترکیه، دولت سیاست آسیمیلاسیون و ذوب را علیه کردها پایه‌ریزی کرد. بعداً، طی شورش‌های کُردی، دولت مرتکب قتل‌عام‌های بزرگی علیه آنها شد. آنها هزاران کُرد را تبعید کردند. با بهانه کردن اینکه مردم ما درگیر فعالیت‌های تروریستی هستند، می‌خواهند فرهنگ‌مان را

---

[۱۷] همان.

[۱۸] *رادیکال*، ۱۴ ژانویه ۲۰۰۹. برای اطلاع از وحشی‌گری‌های نیروهای مسلح ترکیه، بویژه نیروی هوایی آن طی شورش درسیم نگاه کنید به:

Robert Olson, "The Kurdish Rebellion of Sheikh Said (1925), Mt. Ararat (1930) and Dersim (1937-38): Their Impact of the Turkish Air Force and on Kurdish and Turkish Nationalism," *Die Welt des Islams*, vol. 40, no. 1 (2000), 67-94; Martin van Bruinessen, "Genocide in Kurdistan?: The Suppression of the Dersim Rebellion in Turkey (1937-38) and the Chemical War against the Iraqi Kurds," in George Andreopulus, ed., *Genocide: Conceptual and Historical Dimension* (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 1994), 141-70.

از بین ببرند. آنها می‌خواهند [مردم درسیم را که عمدتاً علوی هستند] ترکی‌سازی و سنی‌سازی کنند. آنها نمی‌گذارند مردم ما در یک منطقه یا محله زندگی کنند."[۱۹] آبدیل عبارتی را از نامه‌ای که توسط جلال بایار نوشته شده نقل کرد و خواند، " علی‌رغم همه سرکوب‌ها و قتل‌عام‌ها نتوانسته‌ایم کردها را ذوب کنیم. دلیل اصلی این امر آن است که زنان کُرد، ترکی بلد نیستند."[۲۰] آبدیل افزود بایار سپس توصیه کرده که جوانان علوی اجازه داشته باشند در بهترین دانشگاه‌ها به تحصیل بپردازند تا احتمال ازدواج‌شان با ترکها افزایش یافته و ترک شوند.[۲۱] شهردار درسیم درخواست کرد نخست وزیر سابق تانسو چیللر، وزیر کشور سابق محمد آغار و رئیس سابق ستاد کل دوغان گورش، بخاطر عملیات‌هایی که در زمان تصدی پست آنها علیه کردها انجام شده، تحت تعقیب قانونی قرار گیرند. آبدیل در ادامه گفت DTP نه تنها در درسیم بلکه در دیاربکر و تمام شهرهایی چون سییرت، وان و موش، که در جغرافیای کردستان قرار گرفته‌اند هم پیروز خواهد شد: " ما در انتخابات ۲۹ مارس برنده ۱۰۰ شهرداری خواهیم بود".[۲۲]

آبدیل نیز مانند صلاح‌الدین دمیرتاش، انتقاد اردوغان از اسرائیل بخاطر حملات هراس‌آور به غزه که در ۲۷ دسامبر شروع و تا اولین هفته‌های ژانویه ۲۰۰۹ به طول انجامیده بود را به استهزاء گرفت. آبدیل تأکید کرد سیاست AKP در قبال غزه مزورانه بود، چرا که همزمان با انتقاد از اسرائیل، آماده قتل‌عام کردها می‌شود: "نخست وزیر پس از عیادت از زخمی‌های فلسطینی که از غزه به اینجا آورده شده‌اند چشمانش پر از اشک شد اما باز هم علیه کردها جنگ راه می‌اندازد. اگر اقدامات اردوغان روشن شوند، هزاران عملیاتی که در این خاک انجام شده معلوم می‌شوند."[۲۳] شدت و تندی اظهارات آبدیل برتری انتخاباتی را که AKP با راه‌اندازی کانال TRT 6 بدست آورده بود تا حدودی کاهش داد.

---

[۱۹] همان.

[۲۰] همان. بایار طی سال‌های ۳۹-۱۹۳۷ نخست وزیر ترکیه بود.

[۲۱] همان.

[۲۲] همان.

[۲۳] همان.

ارگنکون: باز هم افشای وحشی‌گری‌های بیشتر

وقتی ارسوز بالاخره در ۱۶ ژانویه دستگیر شد، ابعاد بیشتری از عملیات‌های ارگنکون علیه کردها، و قضاوت در مورد اتهاماتی که آبدیل در مورد قتل و کشتار کردها مطرح کرده بود آشکار شد. پس از یک بازجویی مختصر، گزارش شد ارسوز دچار حمله قلبی و سریعاً بستری شده است. در تفتیش منزلش، چندین نوار شامل مکالمات تلفنی با رئیس ستاد ارتش حلمی اوزگوک، وزیر دفاع وجدی گونول، وزیر کشور عبدالقادر آکسو و وزیر دادگستری حسین چلیک بدست آمد که نشان‌دهنده اطلاع این مقامات از عملیات‌های ارگنکون بود.

خانم بژان ماتور، شاعر کُردی که از پخش برنامه کُردی توسط TRT 6 استقبال کرده بود، در انتقاد از جنایات منتسب به عوامل ارگنکون خیلی داغدار بود. او نوشت یادآوری کلمات "JITEM" و "ارسوز" قلب مردمان شیرناک را آکنده از ترس و وحشت می‌کند چرا که در آنجا کردهای بسیاری به دستور آنها کشته شده و اجسادشان درون چاه‌های متعلق به شرکت خطوط لوله ترکیه انداخته و با اسید پر شده بود: آن هم با بشکه اسیدی که عوامل ارگنکون، همچون ژنرال ولی کوچوک ظاهراً مشکلی در تهیه آنها از شرکت‌های داروسازی نداشتند. خانم ماتور به مقامات ترکیه توصیه کرد همان‌گونه که به کاوش اسلحه‌های مدفون ارگنکون در عمرانیه، گلباشی و حتی پارک جنگلی آتاتورک در نزدیکی استانبول پرداختند، به کاوش "چاه‌های اسید" نیز بپردازند. او درخواست کرد "پاکسازی" ارگنکون همان‌گونه که قبلاً احمد ترک خواسته به شرق فرات هم گسترش یابد و در آنجا هم انجام شود. او فکر می‌کرد اگر این کار صورت گیرد شانسی برای "بهبود واقعی" در برخی ابعاد و جوانب باقی می‌ماند.[۲۴] وی خاطر نشان ساخت "چاه‌های اسید" برای مدتی طولانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند و عبدالقادر آیگان، قاتل موسی آنتر اندیشمند کُرد، جسد وی را داخل یکی از این چاه‌ها انداخته است. ماتور تأکید کرد که چاه‌های اسید هیچ اثری از قربانیان به قتل رسیده بر جای نمی‌گذارند. او خاطر نشان کرد

---

[۲۴] تودیز *زمان*، ۱۷ ژانویه ۲۰۰۹.

اتاق گاز نازی‌ها "اغلب به عنوان بدترین ابزار جنایت علیه بشریت شناخته می‌شدند" چرا که هیچ اثری از جنایت بر جای نمی‌گذاشتند: "آن کوره‌ها نه فقط مردم بلکه بشریت را هم نابود می‌کردند."[۲۵] چاه‌های اسید جنوب شرق دقیقاً مانند اتاق‌های گاز، کوره‌های مرگ و انداختن مردم در اقیانوس، برای از بین بردن همه چیز طراحی شده‌اند. هدف این جنایات فقط پایان دادن به زندگی قربانیان نبوده است. ارزش‌های دیگری هم بوده‌اند که هدف این ویرانگری واقع شده‌اند."[۲۶] ظاهراً منظور ماتور از "ارزش‌ها"، اندیشه‌های کوردایه‌تی و ناسیونالیسم کُردی بوده است که در سه دهه گذشته در جنوب شرق قوی‌تر شده‌اند. این اندیشه‌ها بودند که چاه‌های اسید درصدد از بین بردنشان بودند. افشای چاه‌های اسید دستاوردهای مثبتی را که پخش برنامه کانال TRT6 در کاهش رقابت ناسیونالیسم کُرد و ترک بدست آورده بود، تا حدی کمرنگ کرد.

پاسخ حزب جامعه دموکراتیک (DTP) به دهمین موج بازداشت اعضای ارگنکون

احمد ترک از طرف DTP پاسخ تندی به نخست وزیر اردوغان و رئیس ستاد ارتش باشبوغ داد که با هم دیدار و توافق کرده بودند که موج دیگری (موج یازدهم) از دستگیری و بازداشت افراد مظنون به دست داشتن در عملیات‌های ارگنکون روی نخواهد داد. باشبوغ ظاهراً نگران تعداد زیادی از مظنونانی بود که با سابقه، بازنشسته، یا در واقع هنوز اعضای فعال نیروهای مسلح ترکیه (TAF) یا گروه‌ها یا آژانس‌های اطلاعاتی مختلف بودند. شاید او فکر می‌کرد دستگیری‌ها خیلی به او نزدیک شده‌اند. بازداشت‌های بیشتر و افشاسازی‌های بیشتر پرسنل یا افسران فعال بویژه مقامات بلندپایه که در عملیات‌های ارگنکون دست داشتند خطر لکه‌دار کردن اعتبار TAF را بیش از پیش بالاتر برد.

به عقیده احمد ترک، که در برابر گروه پارلمانی DTP سخنرانی می‌کرد، این آخرین کاوش برای یافتن اسلحه‌ها و نیروهای ارگنکون است. احمد ترک مصرانه بر ادامه

---

[۲۵] همان.

[۲۶] همان.

تحقیقات در مورد ارگنکون تأکید داشت. وی به همه اعلام کرد "اگر دم مار را قطع و سرش را له نکنید، خطرناک‌تر می‌شود" "چهره 'نهان' دولت می‌خواهد آشغال‌ها و کثافت‌ها را زیر فرش جارو کند. بگذارید همه ببینند در 'جغرافیای کُردی' باتمان و دیاربکر چه روی داده است."[۲۷] احمد ترک متذکر شد که دو سال از قتل متفکر و ویراستار روزنامه ارمنی، هرانت دینک گذشته و اگر چه مردی که ماشه را کشیده به زندان انداخته شده، اما کسانی که نقشه قتل او را کشیده بودند هنوز بازداشت نشده‌اند. وی اضافه کرد مقامات پلیس و مسئول تحقیق در مورد قتل دینک توسط دولت حمایت و حفاظت می‌شوند. رهبر DTP گفت ارگنکون متشکل از افرادی نیست که برای دولت کار کرده‌اند بلکه از افرادی تشکیل شده که در درون دولت هستند. در مورد ارگنکون، مانند رسوایی‌ها و افتضاح‌های شمدینلی و سوسورلوک، خود دولت دست داشته و مقصر است. در واقع احمد ترک گفت "اگر مسئله کُردی حل شده بود، ما شاهد وجود این تبهکاران نبودیم. (بوجود آمدن) حزب الله، مانند شمدینلی و سوسورلوک، نتیجه جنگ و سیاست انکار بود."[۲۸]

احمد ترک سرسختانه می‌گفت در حالی که ارگنکون زائیده غرب (کشور) است، در مناطق کُردی شرق رود فرات رشد کرده و تقویت شده است. "این سازمان هر چه رشد کرده در جغرافیای کردستان بوده است. ژنرال‌های بازداشت شده کجا انجام وظیفه کرده‌اند؟ در داخل جغرافیای کردستان. آنها علیه چه کسانی عملیات‌هایشان را هدایت می‌کردند؟ کردها. بنا به آمارهای رسمی، ۱۷۰۰۰ جنایت ناشناس وجود دارند. نود درصد این جنایات در مناطق کُردی صورت گرفته‌اند. مردم به طرز وحشیانه‌ای به قتل رسیده و جسدشان داخل گودال‌های پر از اسید انداخته شده است. آنها را نیمه شب از خانه‌هایشان بیرون کشیده و به قتل رسانده‌اند. آنها را مجبور به خوردن مدفوع کرده و تحت شکنجه غیرقابل تصور قرار داده‌اند."[۲۹] رهبر DTP گفت اسلحه‌های ارگنکون که زیر خاک مخفی شده‌اند فقط در بخش‌های غربی نیستند بلکه در سراسر ترکیه قرار دارند و آنهایی

---

[۲۷] *رادیکال*، ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹.

[۲۸] همان.

[۲۹] همان.

که پیدا شده فقط قسمتی از اسلحه‌های مخفی شده بوده‌اند. بدون شک، این اسلحه‌ها علیه کردها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. او پرسید بقیه اسلحه‌های مدفون کجا هستند و آیا ممکن است دولت نداند آنها را کجا خاک کرده‌اند؟ و نداند علیه چه کسانی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند؟ او فکر می‌کرد محموله‌های اسلحه بسیار بیشتری از آنچه که در غرب کشور پیدا شده در منطقه کُردی پیدا می‌شوند.

رهبر DTP استاندار سابق باتمان را متهم کرد که در طول دوران نخست وزیری تانسو چیللر (۱۹۹۷-۱۹۹۶) اسلحه‌هایی را برای استفاده حزب الله از اسرائیل خریداری کرده و در منطقه کُردی زیر خاک مخفی کرده بودند. و علاوه بر این اسلحه‌ها، اجساد فراوانی نیز پیدا خواهند شد. احمد ترک حدس می‌زد که حدود ۲۰۰ جسد "ناشناس" در گورستان سیلوپی باشند. او درخواست کرد چاه‌های اسید شرکت خطوط لوله ترکیه واقع در بین جزره و سیلوپی باز شوند زیرا این منطقه از مناطق مشهور عملیات‌های ضدگریلایی بوده است. برای اینکه ابعاد واقعی عملیات‌های ارگنکون شناخته شوند، باز کردن مقبره‌ها و چاه‌های نفت منطقه ضروری است.[۳۰] احمد ترک تأکید کرد بدون تحقیقات در مورد همه قتل‌های ناشناخته، هیچ "عملیات دست‌های پاک" در مورد ارگنکون، همچنان که اردوغان می‌خواهد وجود نخواهد داشت. او مجدداً نام لونت ارسوز را مطرح کرد و گفت ارسوز مسئول قتل سردار دانیش، در زمان تصدی ریاست دفتر حزب دموکراسی مردم (HADEP) در سیلوپی و معاون وی ابوقادر دنیز بوده است. رهبر DTP خواستار تشکیل "کمیسیون حقیقت‌یاب" مطابق الگوی کمیسیونی شد که پس از لغو رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی تشکیل شد: این وقت خوبی برای تشکیل چنان کمیسیونی است و نباید فرصت را از دست داد. احمد ترک مجدداً انتقاد اردوغان از اسرائیل در جنگ علیه غزه را پیش کشید. او گفت نخست وزیر متذکر شده‌اند که حماس از طریق انتخابات بر سر کار آمده است، اما DTP هم اینگونه است، با این حال اردوغان هنوز از انجام مذاکرات جدی با رهبران کردها امتناع می‌کند. او گفت کردها چنین استانداردهای دوگانه‌ای را تحمل نخواهند کرد. رهبر DTP خاطر نشان کرد نخست وزیر همیشه می‌گوید بدون حماس هیچ

---

[۳۰] همان.

راه‌حلی برای مسئله فلسطین وجود نخواهد داشت اما او باید بداند که چنین قضیه مشابهی در مورد مسئله کُردی هم صدق می‌کند: "تو [اردوغان] باید این را درک کنی و چنین واقعیتی را بپذیری."[۳۱]

ارگنکون، JITEM، دادگاه‌های نظامی و پاسخ DTP

حتی پس از افشای صدها ترور و قتل وحشتناک، و کشف اجساد در چاه‌های اسید متعلق و تحت عملیات شرکت دولتی نفت و گاز، که آنها را در جنایات همدست می‌کرد، هیچ کدام از مرتکبان جنایات به دادگاه آورده نشدند و فقط در زندان باقی ماندند. سزگین تانریکولو رئیس سابق کانون وکلای دیاربکر در مصاحبه‌ای اظهار داشت یکی از اصلی‌ترین دلایل این امر، موضع نظام دادگاه‌های نظامی مبنی بر این بودن که یگان اطلاعات و ضدترور ژاندارمری (JITEM) به عنوان نهادی نظامی وجود نداشته است.[۳۲] او اتهام بسیاری از جنایات مرتکب شده توسط عوامل ارگنکون را متوجه رئیس ستاد کل کرد اما رئیس ستاد هرگز به پرس و جوهای آنها پاسخی نداد. او خواستار بازجویی از عبدالقادر آیگان، از "مخبران" –برگشته از- PKK شد. او تایید کرده که دیده است اعضای JITEM مرتکب قتل شده‌اند. پس از تحقیقات بیشتر مشخص شد که اظهارات آیگان درست بوده‌اند. اما افرادی که متعاقباً دفتر دادستان عمومی دیاربکر علیه آنها اعلام جرم

---

[۳۱] همان.

[۳۲] *تودیز زمان*، ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹. اظهارات تانریکولو وقتی در اخبار خیلی منعکس شدند که ژنرال بازنشسته عبدالکریم کرجا در ۱۹ ژانویه خودکشی کرد. کرجا در قتل کردهای زیادی دست داشت، اما به دلیل اینکه تحت حمایت ستاد کل بود هیچ وقت محاکمه نشد. پرونده‌ای علیه کرجا و هفت نفر مظنون دیگر در دادگاه سوم عالی جنایی دیاربکر تشکیل شد. عبدالقادر آیگان هشت نفر را شناسایی کرد که توسط این هشت مظنون کشته شده بودند. هشت مقتول عبارتند از هاولی آرمان، لقمان زونگورلو، زانا زونگورلو، سروت ارسلان، شهادالدین لاتفجی، احمد جیلان، محمدصدیق اتکیمز و عبدالقادر چلیک‌بلد. پرونده دیگری نیز بر پایه شهادت آیگان، در مورد مرگ حسن جانر، حسن اوتانچ و تحسین سوین در جریان بود. این افراد پس از آنکه در ۱۹۸۹ در اتوبان شیرناخ به ادیل ربوده شدند به قتل رسیدند. همه مظنونان این پرونده از اعضای سابق PKK بودند که بعداً به عنوان خبرچین برای دولت و JITEM کار می‌کردند. دادگاه دیاربکر حکم داد که این دعوی خارج از حوزه اختیاراتش است. با این حال حکم مزبور توسط دادگاه مباحثه حوزه قضایی رد شد. سپس پرونده به دادگاه سوم عالی جنایی دیاربکر بازگشت داده شد.

کرد، هیچ وقت تحت فرمان رئیس ستاد نبودند. تانریکولو متذکر شد در ترکیه اجازه ستاد کل، فارغ از ماهیت اتهام، برای محاکمه نظامیان لازم است: "آدم‌ربایی فعالیتی نظامی نیست. اما ما چه داریم؟ دادگاه عادی توپ را به زمین دادگاه نظامی می‌اندازد و آنها هم پرونده را به ستاد کل می‌فرستند. از این نظر، دادگاه نظامی مانند گودالی بی‌پایان عمل می‌کند."[۳۳] زیاد طول نمی‌کشد که گودال بی‌پایان دادگاه نظامی یا ناپدید شدن قربانیان ارگنکون و JITEM در چاه‌های اسید جنوب شرق تمام شود. تانریکولو به اظهارات رئیس ستاد کل در ۲۰ ژانویه پاسخ داد که گفته بود ادعاها و اظهارات آیگان که در رسانه‌ها منتشر شده به "اعدام بدون محاکمه" او منجر شده است زیرا آیگان فردی مخبر بوده و از این‌رو، ادعاهای او غیر قابل اعتماد هستند. تانریکولو پاسخ داد، "آنها [دولت] صدها نفر را بر پایه اظهارات همان مخبرها محاکمه کرده‌اند. اگر ما مخبران را نباید جدی بگیریم، پس چرا آنها محاکمه شدند؟"[۳۴]

آیگان تایید کرد که سرگرد عبدالکریم کرجا را که به عقیده برخی از مقامات بلندپایه JITEM بوده، دیده که شخصاً سه نفر را در جنوب شرق شهر سیلوپی به قتل رسانده است. کوتلو ساواش بازرس ارشد که گزارش نهایی را در مورد رسوایی سوسورلوک تهیه کرده بود، نوشت کرجا "طراح و مجری" بسیاری از قتل‌هایی بوده که در جنوب شرق روی داده‌اند.[۳۵] وقتی کرجا در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۹ در منزلش در آنکارا خودکشی کرد، باز هم فعالیت‌های او مورد بازرسی قرار گرفتند. کرجا در نتیجه زخم گلوله فردی مظنون به عضویت در PKK در آوریل ۱۹۹۸ در منطقه آنتالیا فلج شده بود.

برخی از چیزهایی که آیگان در مورد دوران خدمتش در JITEM گفت بسیار وحشتناک بودند. در مصاحبه‌ای طولانی در خانه‌اش در استکهلم، آیگان چگونگی روند عملیات‌های JITEM را تشریح کرد: "برای مثال، شما به کسی مشکوک هستید، بطور معمول نیروهای امنیتی بر پایه برخی شواهد پرونده شکایتی علیه او تشکیل می‌دهند و دادگاه تصمیم می‌گیرد که فرد گناهکار است یا نه. اما این کاری نبود که JITEM می‌کرد. کسانی که هر

---

[۳۳] همان.

[۳۴] همان.

[۳۵] *تودیز زمان*، ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹.

گونه رابطه‌ای با PKK داشتند و گزارش آنها به JITEM می‌رسید، کارشان را یکسره می‌کرد."[۳۶] منظور آیگان از عبارت "کارشان را یکسره می‌کرد" این بود که "شخص را بطور غیرقانونی دستگیر می‌کردند، او را به قرارگاه فرماندهی JITEM می‌آورند، و سپس جسدش را پنهان یا دفن کرده، یا می‌سوزاندند. بنا به اهمیت فرد قربانی، برخی اوقات فرماندهی ژاندارمری در جریان گذاشته می‌شد، که آن هم متعاقباً دفتر OHAL (حکومت نظامی اضطراری) استاندار را مطلع کرده یا برخی اوقات هم مطلع نمی‌کرد."[۳۷]

آیگان تأکید کرد که همه عملیات‌های JITEM به مرگ ختم می‌شدند. و مثال دیگری از این مورد ذکر کرد: "مرد جوانی بود که شایعه شده بود از اعضای PKK است و JITEM او را گرفت. خانواده‌اش فکر می‌کردند از لیجه به دیاربکر نقل مکان کرده است. او در همسایگی شهیت‌لیک زندگی می‌کرد. او را به JITEM آوردند و مورد بازجویی قرار دادند. بعد با شلیک گلوله‌ای در سرش او را به قتل رساندند و در منطقه‌ای دور افتاده جنازه‌اش را رها کردند. اما بعداً از عبدالکریم کرجا شنیدم که او نمرده بود. او فقط شکه شده بود. او تا باتمان را پیاده رفت و در آنجا گفته که چه بلایی سرش آمده است. تیم JITEM در باتمان به کرجا تلفن کرد و موقعیت را توضیح داد. سپس مرد جوان در بیمارستان به قتل رسید."[۳۸]

در سال ۱۹۹۴ مدال افتخار ترکیه توسط رئیس جمهور بعدی احمد نجدت سزر به سرباز کهنه کار معلول شده، کرجا اهدا شد. در مراسم اعطای مدال، رئیس بعدی ستاد کل حلمی اوزگوک و وزیر کشور عبدالقادر آکسو حضور داشتند. دو مرد اخیر یقیناً از فعالیت‌های وحشتناک کرجا مطلع بودند.[۳۹] علی رغم اطلاع کامل از دست داشتن کرجا در قتل‌های بیشمار، برای مراسم تدفین رسمی او در مسجد کوجاتپه در آنکارا در ۲۱ ژانویه ۲۰۰۹، هزاران مورد وارونه جلوه داده شد. چهار نفر از پنج ژنرال ستاد کل، که در مشایعت رئیس ستاد کل در مراسم تدفین حضور یافتند، اثری از همکاری خود در عملیات‌های ارگنکون

---

[۳۶] همان. ۲۸ ژانویه ۲۰۰۹.

[۳۷] همان.

[۳۸] همان.

[۳۹] حرّیت، ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹.

بر جای نگذاشتند.[40] فیکری ساغلار وزیر سابق فرهنگ فکر می‌کرد که حدود ۱۷۰۰۰ ترور و قتل به شکل‌های مختلف انجام شده‌اند.[41] آیگان چندی ارقام وحشتناک دیگر را هم به ارقام مزبور مرتبط کرد. او فکر می‌کرد رقم قتل ۱۷۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ نفر توسط عوامل ارگنکون زیاد است. او گفت فکر می‌کند طی یک دهه "خدمت" در دیاربکر، حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ قتل روی داد.[42] از آنجا که جنوب شرق محل اصلی و عمده قتل‌ها بود، رقم ۱۷۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ بالاست. معمولاً نقل شده حدود ۳۰۰۰۰ کُرد در جنگ داخلی بین دولت و PKK از ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۹ کشته شده‌اند. در صورتی که حتی در واقع ۱۵۰۰۰ قتل و موارد دیگر روی داده باشد، با رقم ۳۰۰۰۰ کشته در جنگ، رقم مقتولان به حدود ۴۵۰۰۰ نفر می‌رسد که بطور ضمنی بر این دلالت دارد که جنگ خیلی وحشیانه‌تر از آن چیزی بوده که فکر می‌شود.

اعلام حضور کاندیداها برای انتخابات ۲۹ مارس

در حالی که توافق زیادی بین نمایندگان پارلمانی DTP در مورد راهبردهای‌شان برای انتخابات در شرف وقوع وجود داشت، برخی تفاوت‌ها نیز در درک رهبران عالی همانند احمد ترک و آمنه آینا همچنان باقی ماند. احمد ترک در سخنرانی‌اش در *روز تی‌وی* تأکید کرد همچنان که کردها کشمکش خود را پیگیری می‌کنند، هر کاری برای حفاظت از آزادی‌شان انجام خواهند داد. او درک می‌کند که انجام این کار چقدر مشکل است اما گفت، "مردم ما انتظاراتی دارند. و ما تلاش می‌کنیم تا جایی که می‌توانیم بیانگر انتظاراتشان باشیم. و البته به عنوان حزبی سیاسی، در پایان روز آنچه کسب کرده‌ایم مهم است. به همین دلیل انتخابات مارس از جوانب زیادی برای ما حکم یک رفراندوم را دارد. برای ما این خیلی مهم است. ما درک می‌کنیم که رأی‌دهندگان کُرد، انتخابات را به مثابه یک رفراندوم ببینند و به همین دلیل ما نهایت تلاش خود را برای پیشبرد آن خواهیم

---

[40] حریت، ۲۱ ژانویه ۲۰۰۹.

[41] همان. ۱۸ ژانویه ۲۰۰۹.

[42] همان. ۲۸ ژانویه ۲۰۰۹.

کرد."[۴۳] اما آینا گفت DTP نه در همه زمینه‌ها، بلکه فقط در موارد محدودی با احزاب دیگر همکاری می‌کند: "بنابراین، درست نیست که انتخابات را به عنوان رفراندوم ارزیابی و تلقی کنیم."[۴۴] آینا در ادامه گفت کسانی که به DTP رأی داده‌اند به صلح رأی داده؛ و آنهایی که چنین نکرده‌اند، به جنگ رأی داده‌اند. همه استانداران استان‌ها، فرمانداران بخش‌ها و بروکرات‌های حکومت مانند ارتش، به AKP رأی خواهند داد. آینا همچنین فکر می‌کرد پخش برنامه از کانال TRT 6 "کُردی را به خانه کسانی آورده که از حامیان AKP بوده‌اند. پخش برنامه، کردهایی را تقویت کرده که کُرد بودن خود را انکار می‌کنند. به این دلیل است که ما از پخش برنامه انتقاد کرده‌ایم. بخاطر انتخابات، هیچ احتمال دیگری برای دولت وجود ندارد. پخش برنامه کُردی غیرقانونی است. تا زمانی که سیاست استفاده از خشونت علیه کردها ادامه داشته باشد، ارگنکون هرگز برچیده نخواهد شد."[۴۵]
در ۲۳ ژانویه معلوم شد که AKP تلاش و طرح‌هایی برای به چالش کشیدن شدید DTP در انتخابات مارس در دیاربکر دارد. در ۲۳ ژانویه AKP اعلام کرد که قطب‌الدین آرزو، یکی از نمایندگان پارلمانی AKP از دیاربکر را به عنوان کاندیدای خود برای شهرداری دیاربکر در برابر عثمان بایدمیر کاندیدا خواهد کرد. آرزو در رقابت شدیدی از بین عبدالرحمن کورد نماینده پارلمانی AKP و یک وکیل به نام عمر سردار انتخاب شد. همچنین، مشخص شد که آرزو از حمایت قوی مهدی اکر وزیر کشاورزی و امور روستاها در کابینه اردوغان برخوردار بود. اکر، همان‌گونه که اشاره شد، اهل دیاربکر بود. آرزو در دیاربکر متصدی پست‌های زیادی بود و هم اکنون به عنوان رئیس مؤسسه تجارت و صنعت دیاربکر مشغول به کار بود.[۴۶] احتمال این زیاد بود که آرزو بتواند بطور مؤثری بایدمیر محبوب را به چالش بکشد. بخاطر روابط نزدیکی که با تجار و صنعتگران زیادی در جنوب شرق داشت، کاندیدایی آرزو این فکر را به ذهن می‌رساند که اگر جامعه تجار می‌توانستند

---

[۴۳] *رادیکال*، ۲۳ ژانویه ۲۰۰۹.

[۴۴] همان.

[۴۵] همان.

[۴۶] *رادیکال*، ۲۳ ژانویه ۲۰۰۹.

امتیازات بیشتری در مسئله زبان بویژه آموزش زبان مادری بدست آورند ممکن بود بعداً علیه PKK و DTP مواضع قوی‌تری اتخاذ کنند.

دو تحلیلگر نکته‌بین و باهوش سیاست ترکیه بر این باور بودند که انتخاب آرزو برای مبارزه در برابر بایدمیر این پیام را منتقل کرد که AKP در مارس انتخاباتی "غیرسیاسی" را اجرا خواهد کرد.[۴۷] منظور تحلیلگران از "غیرسیاسی" این بود که AKP به دنبال تأکید کم بر مسئله کُردی بود چرا که تأکید بر این مسئله، کاندیداهای AKP را در چشم نهادهای آنکارا و حوزه‌های انتخاباتی ترکی در موضع سختی قرار می‌داد."[۴۸] در عوض آرزو و دیگر کاندیداهای AKP بر توسعه اقتصادی و بی‌کفایتی DTP در فراهم کردن زندگی بهتر برای مردم دیاربکر و جنوب شرق تأکید می‌کردند. AKP امیدوار بود چنان راهبردی، ناراحتی بسیاری از کردهای منطقه را کاهش دهد که از اظهارات اردوغان در یوکسکوا در اوایل نوامبر و بویژه عبارت "دوستش بدار یا ترکش کن" ناراحت بودند.

اوسلو و آیتاچ نیز فکر می‌کردند راهبردی غیرسیاسی برای جلب حمایت طریقت نقشبندی و دیگر جنبش‌های مذهبی منطقه مانند جنبش گولن و حزب الله مؤثرتر بود. چنان سازمان-هایی در ظهور بسیار قوی AKP در انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ نقش مهمی ایفا کردند. کردها در ۲۰۰۷ به دلیل ایستادگی حزب در برابر TAF نگرش مطلوبی به AKP داشتند. به منظور جلوگیری از ناامید شدن کردها از این حزب، نخست وزیر قویاً از تحقیقات در مورد ارگنکون که همه کردها خیلی از آن رنجور بودند حمایت کرد. اردوغان ظاهراً فکر می‌کرد این موضع‌گیری حمایت از کاندیداهای AKP را برای انتخابات ۲۹ مارس تقویت خواهد کرد.[۴۹] در واقع، غیرمحتمل نیست دلیل اصلی تحقیقات ارگنکون در ۲۰۰۸، هنوز تلاشی دیگر توسط دولت برای کنترل ناسیونالیسم کُردی باشد. ادامه حیات ارگنکون و مشارکتش در هزاران قتل، بویژه از دهه ۱۹۹۰ به بعد، که کردها کاملاً از آن مطلع بودند جلب آرای کردها را در جنوب شرق و شرق مشکل‌تر می‌کرد. از دور خارج کردن ارگنکون احتمالاً با علم به این مطلب صورت گرفت که پخش برنامه کُردی در TRT و

---

[۴۷] *تودیز زمان*، ۲۵ ژانویه ۲۰۰۹.

[۴۸] همان.

[۴۹] همان.

دایر کردن مطالعات کُردشناسی در چند دانشگاه بزرگ ترکیه بـرای کسـب حمایـت زیـاد کردها در جنوب شرق از AKP یا به حاشیه‌رانی DTP به موقعیت غیرمؤثر سیاسی کـافی نبود.

فصل هشت:
نمایش داووس و پیامدهای آن

در نگاه اول به نظر می‌رسید اجلاس اقتصادی جهان که سالانه در داووس کشور هلند برگزار می‌شود، کاملاً به انتخابات محلی ۲۹ مارس ترکیه بی‌ربط است. اما در ۲۹ ژانویه، نخست وزیر اردوغان و رئیس جمهور اسرائیل شیمون پرز در یکی از جلسات داووس بر سر جنگی که اسرائیل در ۲۷ دسامبر علیه غزه شروع کرده بود به مشاجره پرداختند. اظهارات پرز در مورد اینکه جنگ اسرائیل علیه حماس است نه مردم فلسطین، با انتقاد و واکنش شدید اردوغان مواجه شد. اردوغان از اظهارات پرز خشمگین شد و گفت اسرائیل خوب می‌داند چطور بکشد. اردوغان همچنین از مجری مناظره، دیوید ایگناتوس، از خبرنگاران *واشنگتن پست* هم ناراحت بود زیرا بنا به گفته اردوغان او برای پرز ۲۵ دقیقه وقت برای اظهار مطالبش منظور کرده بود در حالی که از اردوغان می‌خواست پس از ۱۲ دقیقه به سخنانش پایان دهد. اردوغان سپس سخنش را تمام، و جایگاه مناظره را ترک کرد.[۱]

منافع یا دستاوردهای ناشی از واکنش بین‌المللی به مشاجره بین دو رهبر مزبور تا چه حدی بر اقدامات اردوغان در وضعیت داخلی و بویژه منازعات رسانه‌ای بین اردوغان و رهبران مختلف حزب جامعه دموکراتیک (DTP) اثر می‌گذاشت. رهبران DTP از نخست وزیر بابت عصبانیت از حمله اسرائیل به غزه در حالی که کاری برای متوقف کردن جنایت علیه کردها در دوره‌ای که قدرت را در دست داشته انجام نداده، انتقاد می‌کردند. همزمان با انتقاد اردوغان از اسرائیل در داووس بخاطر تخریب غزه، تحقیقات جنایی در مورد ارگنکون و هزاران مورد قتل کردها در ترکیه شدت می‌گرفت. می‌توان گفت اردوغان فکر می‌کرد نمایش انتقاد از اسرائیل در داووس، که مورد پوشش خبری جهانی قرار

---

[۱] رسانه‌های ترکیه این قضیه را مطرح کردند که پدربزرگ مجری مناظره، دیوید ایگناتوس، اصالتاً از ارمنیان شهر خارپوت ترکیه بوده است. قبل از نسل‌کشی ارمنیان در ۱۶–۱۹۱۵، منطقه‌ای که خارپوت در آن واقع است دارای جمعیت ارمنی قابل ملاحظه‌ای بود. بنا به رسانه‌های ترکیه، پدر ایگناتوس در ۱۹۲۰ در کالیفرنیا به دنیا آمد و در دوره ریاست جمهوری لیندون جانسون به عنوان وزیر نیروی دریایی خدمت کرد. بنگرید به *رادیکال*، ۴ فوریه ۲۰۰۹.

گرفت، به تقویت چهره حزب عدالت و توسعه (AKP) بین رأی‌دهندگان ترکیه، بویژه آنهایی که حس مذهبی قوی داشته و تاکنون به AKP رأی نداده بودند نیز منجر می‌شد. همچنین ممکن بود انتقاد شدید نخست وزیر از اسرائیل در داووس برای کردهایی که احساس قوی *امت* و انسجام مسلمانان را داشتند جذاب باشد. خلاصه، اقدامات اردوغان در داووس، فارغ از اینکه چه تبعات دیگری در داووس داشتند، بر عملکرد قوی حزبش در انتخابات ۲۹ مارس مؤثر بودند. اما اعضای DTP نمی‌توانستند از استقبال هزاران شهروند از بازگشت اردوغان از داووس در ۳۱ ژانویه خوشنود باشند.[۲]

چند روز بعد از اینکه اردوغان در برابر سوت و کف‌زدن‌های خیل جمعیت از داووس برگشت، احمد ترک در برابر گروه پارلمانی DTP سخنرانی کرد و انتقادات مشروح بیشتری از اقدامات اردوغان در داووس و مشاجره او با پرز در مورد غزه مطرح کرد. احمد ترک چندین نکته را ایراد کرد. یک، او گفت کردها در برابر سرکوب اسرائیل کاملاً از فلسطینی‌ها حمایت می‌کنند. او اظهار داشت حمایت کردها از فلسطینی‌ها از همان اوان کشمکش فلسطینی‌ها بوده و این حمایت‌ها نه صرفاً در حد حرف و شعار، بلکه بصورت همکاری اساسی بوده است: "ما بهتر از هر کس دیگری رؤیاهای فلسطینی‌ها را درک می‌کنیم؛ ما آن را از اعماق وجود احساس می‌کنیم."[۳] احمد ترک گفت اردوغان وقتی برخاست و جایگاه مناظره را ترک کرد، به چه کسی بی احترامی کرده است. او متذکر شد اردوغان در سخنانش از الفاظی قوی علیه پرز استفاده کرد، اما پس از اینکه صندلی‌اش را ترک کرد، اردوغان گفت به عمل دیوید ایگناتوس واکنش نشان داده که حرفش را پس از ۱۲ دقیقه قطع کرده و اجازه داده پرز برای ۲۵ دقیقه صحبت کند. احمد ترک متذکر شد اردوغان آشکارا سیاست اسرائیل را به چالش نکشیده است.

رهبر DTP حمله‌ای را علیه سیاست‌های اردوغان در درون ترکیه و در قبال کردها به راه انداخت. او اردوغان را متهم کرد که مردی نبوده که در ترکیه صلح برقرار کند. وی خاطر نشان کرد اردوغان در برابر جمعیت تشویق کننده‌ای که در فرودگاه به پیشوازش رفته بودند گفت او و AKP می‌خواستند آراء آنها در انتخابات قریب به وقوع ۲۹ مارس بیشتر

---

[۲] واکنش اردوغان به سخنان پرز بطور مفصل در همه روزنامه‌های ترکیه و بطور گسترده در اینترنت انعکاس یافت.

[۳] *رادیکال*، ۴ فوریه ۲۰۰۹.

شود و عملکردش در داووس عامل تثبیت موقعیت AKP برای انتخابات در جنوب شرق شده است. احمد ترک گفت، از این‌رو اردوغان انتخابات محلی ترکیه را از ترکیه به داووس برد چرا که احتمالاً فکر می‌کرد توزیع ذغال و ماکارونی توسط دولت کافی نبوده است. واضح و مبرهن است که نخست وزیر از بیداری اخلاقی و مذهبی مردم بهره برداری می‌کند. احمد ترک گفت نخست وزیر حقیقتاً درصدد بهره‌برداری از احساسات مذهبی و اخلاقی ترکها و کردها برای مقاصد سیاسی است. نخست وزیر با صحبت در مورد غزه در عوض صحبت از وضعیت ترکیه، پیام خطرناکی را منتقل کرد. با بهره‌برداری از احساسات مذهبی و هیجانی رأی‌دهندگان برای کسب رأی او نیز در تشدید التهاب ناسیونالیستی بزرگ‌تر مشارکت کرد. احمد ترک سپس مستقیماً اردوغان را مورد خطاب قرار داد و گفت "آقای نخست وزیر، فردا وقتی غائله‌ای برپا شد می‌توانی آن را توجیه کنی؟ ما به تو هشدار می‌دهیم. بخاطر مقاصد و منافع سیاسی خودت، ترکیه را در آب‌های خطرناک نیانداز."[۴]

رهبر DTP در ادامه گفت اقدامات بی‌فکرانه اردوغان در داووس حقیقتاً پرده‌ای برای پوشاندن معاملات تسلیحاتی سرّی و اتحاد با اسرائیل است. او بصورت کنایه آمیزی اظهار داشت اگر اردوغان این‌قدر از اسرائیل انتقاد دارد، چرا برنامه مدرنیزه‌سازی تانک‌ها را لغو نمی‌کند؟ احمد ترک گفت" به هر حال، خود اردوغان کسی است که توافقنامه‌های نظامی با اسرائیل را امضاء کرده است. و AKP، ۱۰ فروند هواپیمای جاسوسی هرون (Heron) از اسرائیل خریده است. گفته شده که خرید هواپیماهای هرون ۱۸۳ میلیون دلار هزینه دربرداشته‌اند. با پول چه کسانی این هرون‌ها خریداری شده‌اند؟ البته که آنها با مالیات ۷۰ میلیون شهروند ترکیه خریداری شده‌اند.[5] از طرفی، نخست وزیر به پرز می گوید 'شما خوب می‌دانید چطور بکشید' و از طرف دیگر مالیات‌های شهروندان را برای خرید سیستم‌های تسلیحاتی از اسرائیل هزینه می‌کند. این پول‌ها از کجا می‌آیند؟ بمب‌هایی که از

---

[۴] همان.

[5] همان.

آسمان بر سر مردم غزه می‌بارد محصول صنایع نظامی اسرائیل است.[6] دولت، با مالیات مردم صنایع نظامی اسرائیل را تغذیه می‌کند. این دیگر چه نوع رفتار مزورانه‌ای است؟ این کاملاً دغل و فریب است. این اشک تمساح ریختن برای بچه‌های غزه است. این درک تو (اردوغان) از اسلام است؟ آیا منظورت از انسجام اسلامی مردم فلسطین همین است؟ ۷۰ میلیون مردم ترکیه باید واقعیت اعمال تو را ببینند. قضیه فقط مخالفت تو با سیاست‌های اسرائیل نیست، بلکه موضع واقعی تو مد نظر است. توافقنامه‌هایی را که با اسرائیل داشته‌ای برای مردم آشکار کن. این همان رو راست بودن است. [وقتی اردوغان از داووس بازگشت، در چندین سخنرانی گفت، 'ما (ترکیه) رو راست و بدون مسامحه ایستاده‌ایم.'] خواسته‌ها و انتظارات مردم این‌هاست. اگر در داووس اقداماتت بی ریا و صادقانه بوده پس واقعیت و اصل آنها را نشان بده. اسرائیل بدون تأیید ایالات متحده هیچ کاری نمی‌کند، با توجه به این حقیقت، پس چرا ایالات متحده حملات اسرائیل به فلسطینیان را متوقف نمی‌کند؟"[7]

در ادامه این انتقادات از اردوغان، احمد ترک توجه خود را به وضعیت داخلی ترکیه معطوف کرد. "وقتی در مورد سرکوب فلسطینی‌ها توسط اسرائیل سخن می‌گویی، باید چاه‌های مرگ و قبرهای ناشناخته‌ای را که درکشورت وجود دارند تصدیق کنی. نخست وزیر دائماً می‌گوید 'صلح در خانه و صلح در دنیا'.[8] کسانی که ترکیه را خوب نمی‌شناسند شاید فکر کند نخست وزیر نوعی سفیر صلح است. اما صلح را فقط کسانی می‌آورند که می‌توانند آن را خلق کنند."[9] احمد ترک در ادامه سؤالات بدیعی پرسید، "چرا نخست وزیر پیشنهاد گفتگوی صلح برای فلسطینی‌ها را مطرح می‌کند در حالی‌که حتی پیشنهاد

---

[6] در ۲۰۰۸، مبادلات تجاری ترکیه و اسرائیل ۳.۲ میلیارد دلار بود؛ سهم هزینه‌های تسلیحاتی و دفاعی از این میزان ۶۶۸ میلیون برای اسرائیل جهت نوسازی ۱۷۰ تانک M-160؛ ۵۷ میلیون دلار برای نوسازی ۵۷ هلیکوپتر؛ ۶۳۲ میلیون دلار برای نوسازی ۵۴ هواپیمای F-4 و ۸۰ میلیون دلار برای نوسازی ۴۸ هواپیمای F-5 بود. علاوه بر این، ترکیه ۱۴۱ میلیون دلار برای به روز رسانی تجهیزات الکترونیکی جنگنده‌های F-16 به اسرائیل پرداخت. حرّیت، ۳۱ ژانویه ۲۰۰۹.

[7] همان.

[8] این نسخه مدرن همان جمله مشهور مصطفی کمال آتاتورک است که می‌گفت: "صلح در درون و صلح در بیرون".

[9] *رادیکال*، ۴ فوریه ۲۰۰۹.

چنان گفتگویی را در مورد مسئله کُردی مطرح نمی‌کند؟ بخاطر سیاست‌های تو، صلح نمی‌تواند در ترکیه برقرار شود. سیاست‌های داخلی تو بزرگ‌ترین مانع برای صلح گسترده‌تر اجتماعی است. سیاست AKP، سیاست انکار است. بخاطر سیاست‌های داخلی در کشور خودت، سفرهایت نه در کشور خودت و نه در جامعه جهانی قابل باور نیست و نخواهد بود. اگر می‌خواهی ترکیه در طرح‌های صلح خاورمیانه نقشی ایفا کند، راه این کار از دیاربکر می‌گذرد، نه داووس."[۱۰]

واکنش‌ها در ترکیه به اظهارات اردوغان در داووس

در اینجا نمی‌خواهم همه دلایل اقدامات اردوغان در داووس را تحلیل کنم، اما شناخت ابعاد مختلف آنچه اردوغان و دولتش در رابطه با کردها و انتخابات در شرف وقوع ۲۹ مارس در سر داشته‌اند مهم است. فاروق لوغ اوغلو رئیس یک اتاق فکر مهم و بزرگ در ترکیه و سفیر سابق ترکیه در ایالات متحده، اثرات مثبت و منفی گسترده‌تر اقدامات اردوغان در داووس را تحلیل کرد. لوغ اوغلو فکر می‌کرد در نتیجه عملکردش در داووس احتمالاً محبوبیت نخست وزیر در کشور افزایش یافت- این افزایش باعث شد اردوغان اصرار بیشتری بر "درستی" دیدگاهش داشته باشد. اردوغان حتی اعتبارش را در کشورهای عربی، ایران و جهان اسلام ارتقا داد. این امر مطمئناً سبب جلب آرای بیشتری از طرف حامیان مذهبی یا دیگران، برای AKP در انتخابات قریب به وقوع ۲۹ مارس می‌شد. اگر او می‌توانست آرای بیشتری از چنان گروه‌هایی، مانند کردها، بدست آورد در آینده باعث افزایش قدرت حزبش می‌شد.[۱۱] مفسران دیگر نیز فکر می‌کردند اقدامات اردوغان در داووس برای تقویت موقعیت حزبش در برابر ارتش و روابط نزدیک آن با صنایع نظامی اسرائیل برنامه‌ریزی شده بود.[۱۲] اما لوغ اوغلو بر این باور بود که تبعات منفی (اقدامات اردوغان) بیش از برآیندهای مثبت آن بود. یک، او فکر می‌کرد مشاجرات تا حدودی

---

[۱۰] همان. ۴ فوریه ۲۰۰۹.

[۱۱] *حرّیت*، ۲۰۰۹.

[۱۲] *ژروزالم پست*، ۵ فوریه ۲۰۰۹.

سبب قوی‌تر شدن احساسات ضداسرائیلی و ضدسامی‌گرایی شد. چنان امری باعث می‌شد منازعه خاورمیانه نه فقط بصورت مناقشه بین اعراب و اسرائیلی‌ها، بلکه بین یهودیان و مسلمانان نیز نمود یابد. دو، اگر اردوغان به دنبال این بود که محبوبیت خیابانی‌اش را در جهت فشار بر حماس برای پذیرش موضعی میانه‌رو در برابر اسرائیل بکار ببرد، ناامید خواهد شد. سوم، اگر حماس فکر می‌کرد هم اکنون از حمایت ترکیه برخوردار است، متحد کردن رویکردهای متفاوت فلسطینی‌های متفرق بویژه حماس و فتح ممکن بود مشکل‌تر هم بشود. چهار، اسرائیل دیگر ترکیه را به عنوان میانجی، در هیچ مذاکرات عمده‌ای که ممکن بود بین اسرائیل و فلسطینی‌ها، اعراب یا دیگر کشورهای مسلمان انجام شود، نخواهد پذیرفت. پنج، در نظر واشنگتن، انتقاد اردوغان از اسرائیل، سودمندی ترکیه را در مذاکرات متفاوت خاورمیانه کاهش داد. شش، لوغ اوغلو فکر می‌کرد لابی‌های یهودی و اسرائیل برای عدم تصویب لایحه کنگره ایالات متحده در مورد شناسایی وحشی‌گری‌های عثمانی علیه ارمنی‌ها در ۱۶-۱۹۱۵ به عنوان نسل کشی به حمایت از ترکیه ادامه می دادند. اگر لایحه تصویب می‌شد، افکار عمومی ترکیه، اسرائیل و لابی یهود امریکا را در این امر مقصر می‌دانست. و این امر به نوبه خود صدمه بیشتری به روابط ترکیه-ایالات متحده وارد می‌آورد. هفت، لوغ اوغلو فکر می‌کرد عمل اردوغان به هیچ وجه منجر به بهبود روابط ترکیه-اتحادیه اروپا نخواهد شد. نهایتاً، لوغ اوغلو بر این باور بود که گفته اردوغان مبنی بر اینکه "ظرافت‌های دیپلماسی برایش مهم نیست" نشانه خوبی برای آینده دیپلماسی ترکیه نخواهد بود، اما لوغ اوغلو گفت، "درگیری‌ها سر میز (مذاکره) حل شده‌اند، نه در خیابان‌ها یا توسط سیاستمداران."[۱۳] واضح است که دیدگاه‌های لوغ اوغلو مشابه دیدگاه‌های احمد ترک بودند. جنگیز چاندار فکر می‌کرد اردوغان در داووس شاید با نشان دادن عصبانیتش از جنگ اسرائیل علیه فلسطینی‌ها خواست چیزهای دیگری را هم نشان دهد. اما او در مورد دلایل و تبعات کار نخست وزیر خوشبین‌تر از فاروق لوغ اوغلو بود. یک، چاندار بر این باور بود که در داووس، اردوغان خواست اعلام کند که ترکیه دیگر نمی‌خواهد واقعاً به عنوان "قدرت پشتیبان" برتری

---

[۱۳] حرّیت، ۵ فوریه ۲۰۰۹.

نظامی اسرائیل در خاورمیانه باقی بماند. او بر این باور بود که این نقش پشتیبان ناشی از سیاست نیروهای مسلح ترکیه (TAF) در نتیجه جنگ سرد بویژه وابستگی TAF به ارتش اسرائیل پس از "کودتای نرم" TAF علیه دولت نجم الدین اربکان در ۱۹۹۷ بود. این منجر چیزی شد که در ترکیه به عنوان جریان فوریه (Şubat süreçi)" شناخته شده است، که طی آن حکومت مدعی شد اولین تهدید برای امنیت ملی ترکیه، سیاست‌های اسلام‌گرایی ارتجاعی است که سیاست‌های حزب رفاه اربکان نشان‌دهنده آنهاست، و دومین تهدید، جنبش ناسیونالیستی کُردی بخصوص حزب کارگران کردستان (PKK) است. این سیاست‌ها بویژه مورد اولی، TAF را مجبور کرد توافقنامه‌های اطلاعاتی و تسلیحاتی و نظامی گسترده‌ای را با اسرائیل پیگیری کند.[۱۴] دو، چاندار فکر می‌کرد با وجود پاسخ شدید اردوغان به پرز، بعید است اسرائیل ریسک کند و ترکیه را هم مانند ایران، سوریه و بسیاری کشورهای عرب و مسلمان به دشمن خود مبدل کند. او مدعی شد ترکیه کشور قوی‌تری از اسرائیل است. سه، او نیز بر آن بود که رئیس جمهور ایالات متحده باراک اوباما به تازگی جورج میچل را به عنوان مأمور سیاسی منصوب کرده است که در سفر به خاورمیانه در اواخر ژانویه، به دلیل ناخوشی پیش آمده بین اردوغان و پرز، دیدار برنامه‌ریزی شده‌اش را از ترکیه لغو کرده بود. او برای دادن پاسخی گرم به انتقاد اردوغان از اسرائیل در داووس که از طرف اعراب، ایرانی‌ها و در واقع، بیشتر مسلمانان جهان ایراد شده بود، شاید به این نتیجه برسد که دیدار از ترکیه ضروری است. چاندار برخلاف لوغ اوغلو متقاعد شده بود که اردوغان در داووس، ترکیه را در امور خاورمیانه و مناقشه فلسطین-اسرائیل به بازیگر مهم‌تری از آنچه بود تبدیل کرد. چاندار مطمئن بود قدرت اخلاقی که نخست وزیر در داووس کسب کرد خیلی مهم‌تر از قدرت نظامی اسرائیل یا ایالات متحده بود. او همچنین متذکر شد که تونی بلر، نماینده گروه چهار جانبه خاورمیانه، ایالات متحده، انگلستان، روسیه و فرانسه که برای یافتن راه حل مناقشه ایجاد شده، آشکارا اعلام کرد حماس باید به مذاکرات بین طرف‌های شرکت‌کننده مختلف راه یابد. رئیس

---

[۱۴] برای آگاهی بیشتر از ریشه‌های روابط اسرائیل-نیروهای مسلح ترکیه (TAF) در دهه ۱۹۹۰ نگاه کنید به:
Robert Olson, *Turkey's Relations with Iran, Syria, Israel, and Russia, 1991-2000: The Kurdish ans Islamist Questions* (Costa Mesa, CA: Mazda Publishers, 2001), 72-5; 151-2.

جمهور فرانسه سارکوزی هم مانند بسیاری کشورهای اتحادیه اروپا با موضع بلر موافق بود.[۱۵] دیدگاه‌های چاندار تلویحاً بر این اشاره داشت که اگر اعمال اردوغان در داووس منجر به افزایش اعتبار او و ترکیه در نظر دیگر مردمان و کشورهای خاورمیانه شود، متعاقباً موقعیت AKP و ترکیه را علیه جنبش ناسیونالیستی کُردی در ترکیه بویژه PKK و DTP بالا می برد و سبب تقویت بیشتر کاندیداهای AKP در انتخابات ۲۹ مارس می‌شود. بدیهی است بخاطر این احتمالات بود که احمد ترک از طرف DTP انتقاداتی شدید را از اقدامات انتقاداتی اردوغان در داووس به راه انداخت. آن‌گونه که احمد ترک اصرار دارد، باید بر راه مذاکرات صلح با کردها تأکید کرد که از دیاربکر می‌گذرد نه از داووس، اما به نظر می‌رسد دیدگاه اردوغان این بود که مذاکرات صلح با PKK، DTP و بطور کلی ناسیونالیست‌های کُرد به نوعی گرفتار اقدام حیله‌گرانه‌اش در داووس شده است.

داووس، جنوب شرق و انتخابات مارس

دلایل و پیامدهای اقدامات اردوغان در داووس هر چه باشد، دغدغه و نگرانی زیادی بین کردها بوجود آورد. بنا به گزارشات رسانه‌ها از دیاربکر، برخی رأی‌دهندگان کُرد گفتند آنها از کاری که اردوغان در داووس در مورد غزه انجام داد متشکر هستند، اما بلافاصله افزودند دوست دارند چنین نگرشی را هم در مورد قضیه کُردی ببینند. غفار یلماز مغازه‌دار محلی گفت: "کاری که اردوغان در برابر پرز کرد خوب بود اما مردمان زیادی هم در اینجا مرده‌اند. ما یادمان نرفته او وقتی از وان دیدار کرد چه گفت.[۱۶] یلماز به شعار چهار بخشی اردوغان، "یک ملت"؛ "یک پرچم"؛ "یک سرزمین"؛ و "یک دولت" و جمله "دوستش بدار یا ترکش کن" اشاره داشت. مظهر باغلی، استاد گروه جامعه شناسی دانشگاه دجله متذکر شد مردم جنوب شرق به جهان عرب و بویژه قضیه فلسطین حساس هستند: "مردم اینجا فقط مانند مردم غرب کشور بخاطر هم مذهب بودن با آنها [جهان عرب] احساس همبستگی نمی‌کنند. اینجا، مردم –بویژه ساکنین ماردین و شانلی‌اورفا–

[۱۵] *حرّیت*، ۲ فوریه ۲۰۰۹؛ *رادیکال*، ۱ فوریه ۲۰۰۹.

[۱۶] *تودیز زمان*، ۱۰ فوریه ۲۰۰۸.

خویشاوندانی هم دارند، آنها با خویشاوندان عربشان تماس و رابطه شخصی هم دارند."[۱۷] باغلی فکر می‌کرد این احساسات بصورت اجتناب‌ناپذیری طی انتخابات ۲۹ مارس در صندوق‌های رأی منعکس می‌شوند. او انتظار داشت آرای AKP افزایش یابد. اما گفت، بخاطر وحشی‌گری و بیرحمی پلیس نسبت به بچه‌های حاضر در تظاهرات پاییز ۲۰۰۹ که بخاطر شکنجه عبدالله اوجالان برگزار شده بود، خشم و رنجش هنوز در منطقه بالاست. باغلی همچنین فکر می‌کرد انتقاد DTP از زورآزمایی اردوغان با پرز ممکن است نتیجه معکوس به بار آورد: آنها [DTP] در برابر همه قضایا موضعی بسیار مخالف اتخاذ می‌کنند که واقعاً سبب لطمه خوردن آراءشان می‌شود. رأی‌دهندگان مشتاق‌اند بدانند چرا DTP بدون ارائه هرگونه انتقاد سازنده با همه چیز مخالفت می‌کند."[۱۸]

دیگر اندیشمند کُرد، آلتان تان، همچون بسیاری دیگر از مردم ترکیه فکر می‌کرد نگرش اردوغان بر نتایج انتخابات محلی اثر می‌گذارد و "آرای AKP احتمالاً افزایش خواهد یافت، اما در مقایسه با انتخابات قبلی اثر فاحشی بر کلیت انتخابات نخواهد داشت: حزب [AKP] می‌تواند ۱ تا ۲ درصد آراءشان را افزایش دهد، و این بدان خاطر است که مردم اینجا خیلی ناامید هستند. من فکر می‌کنم فقط رأی‌دهندگانی که هنوز تصمیم نگرفته‌اند یا کسانی که می‌خواستند به حزب سعادت یا برخی احزاب دیگر رأی بدهند، به اردوغان رأی خواهند داد."[۱۹] شاه اسماعیل بدرخان اوغلو دیگر ناسیونالیست برجسته کُرد از دیاربکر که به او اشاره کردیم با نظر (آلتان) تان در مورد اثر نگرش اردوغان بر آرای دیاربکر موافق بود اما فکر می‌کرد اثر آن (در دیاربکر) به اندازه بخش‌های غربی کشور نخواهد بود: "این کار اساساً آرای غرب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اینجا، مردم درباره اتفاقات روی داده و جان‌هایی که اینجا گرفته شده خواهند پرسید."[۲۰] به نظر می‌رسد اظهارات مردم دیاربکر نشان می‌داد کار اردوغان در داووس برای جبران نارضایتی

---

[۱۷] همان.

[۱۸] همان.

[۱۹] همان.

[۲۰] همان.

کردهای جنوب شرق که ناشی از قتل‌های وحشیانه ارگنکون در سراسر منطقه طی شش سال اول حکومت AKP روی داده‌اند، کافی نبود.

اعلام اسامی کاندیداهای حزب جامعه دموکراتیک (DTP) برای انتخابات

در ۲۸ مارس، احمد ترک در سخنرانی در دیاربکر اسامی برخی کاندیداهایی را که DTP برای انتخابات ۲۹ مارس در نظر داشت برای عموم اعلام کرد. قبل از آشکار شدن اسامی کاندیداها، احمد ترک دوباره اهمیت تحقیقات ارگنکون برای کردها را بیان کرد. او خاطر نشان ساخت دولت و حکومت فقط وقتی وارد عمل شدند که اعضای خودشان در کانون حملات ارگنکون قرار گرفتند. او تأکید کرد که ماه‌ها پس از موج اولیه بازداشت‌ها علی-رغم اینکه بیشتر "جنایات ارگنکون در خاک کردستان روی داده"، هنوز هیچ تحقیقی در مورد جنایات و قتل‌های ارگنکون در جنوب شرق انجام نشده است.[۲۱] احمد ترک سپس اعلام کرد کاندیداهای زیر را برای انتخابات ۲۹ مارس در نظر دارند: عثمان بایدمیر (دیاربکر)؛ باکر کایا (وان)؛ عایشه آلتاک (قارص)؛ ادیبه شاهین (تونجلی)؛ مراد اوزتورک (آگری)؛ محمد سورالی (اردهان)؛ نجدت آتالای (باتمان)؛ سلیم ساکیک (سییرت)؛ شفیق بیاض (بتلیس)؛ محمد نوری گونش (اغیر)؛ نعمت سزگین (موش).[۲۲] باکر کایا کاندیدای DTP برای وان بدون هیچ‌گونه اتلاف وقتی مبارزه‌اش را آغاز کرد. یک روز پس از اعلام کاندیداتوری‌اش، او پوستر بزرگی را جلوی اتوبوس تبلیغاتی‌اش نصب کرد که روی آن وان (Van) را با حرف کردی 'W' نوشته بودند نه حرف ترکی 'V'. حرف 'W' طبق قانون ترکیه هنوز جزو حروف ممنوعه بود. ظاهراً کایا این‌گونه می‌اندیشید که اگر برنامه کُردی در رادیو و تلویزیون ترکیه (TRT) پخش می‌شود، چرا نباید از حروف کُردی در تبلیغات و مبارزات انتخاباتی استفاده کرد؟ کایا در مقابل اتوبوس تبلیغاتی شروع به سخنرانی کرد و خواستار به رسمیت شناخته شدن کُردی به عنوان زبان رسمی شد و به انتقاد از کانال ۶ TRT پرداخت. جمعیت حاضر شعارهایی به حمایت از رهبر زندانی

---

[۲۱] حریّت، ۲۸ ژانویه ۲۰۰۹.

[۲۲] همان.

PKK اوجالان سر دادند. مبارزات کایا نشان داد در دو ماه آتی مبارزات، زبان کُردی بطور وسیعی توسط کاندیداهای DTP و همچنین AKP مورد استفاده قرار خواهد گرفت.[۲۳]

همزمان با اینکه AKP، DTP و دیگر احزاب، کاندیداهای‌شان را برای انتخابات برگزیدند، دولت ترکیه، حداقل شاخه قضایی حکومت نشان داد که به اقامه دعوی علیه اعضای DTP ادامه خواهد داد. علاوه بر پرونده‌های دعاوی معلق در دادگاه‌ها، شامل دعاوی مربوط به توهین و بی‌احترامی به دولت، همانند پرونده علیه عثمان بایدمیر و لیلا زانا، طی اولین هفته فوریه دادگاه عالی جنایی خانم ایسل توغلوک از اعضای پارلمانی DTP از دیاربکر را به ۱۸ ماه حبس محکوم کرد. جرم او سخنرانی ۱۶ مه ۲۰۰۶ در باتمان، شهری نزدیک دیاربکر بود که او در آن گفت "نخست وزیر به ما می‌گوید به PKK برچسب سازمان تروریستی بزنید و من با شما دیدار خواهم کرد. اگر ما PKK را گروهی تروریست اعلام کنیم، این مسئله حل نمی‌شود. کسانی که تو [اردوغان] تروریست می‌خوانی، برای دیگران قهرمان هستند. اگر اوجالان را تروریست بخوانیم دیگر نمی‌توانیم در برابر مردم ظاهر شویم. مردم کُرد ما را انتخاب کرده‌اند تا جنگشان را از راه‌های دموکراتیک انجام دهیم. اما اگر تو حتی حق پرورش زبانشان را آنگونه که می‌خواهند از آنها دریغ کنی، این سیاست تو زمینه مناسبی برای خشونت فراهم خواهد آورد."[۲۴] دادگاه جنایی دعوی را بر این اساس استوار کرد که "توغلوک در سخنرانی خود از اعمال غیر انسانی PKK حمایت کرده است. مدعی علیه اظهار داشت که وی در سخنرانی‌اش تروریست‌های PKK را به عنوان قهرمان دیده و آشکارا حمایت اخلاقی را از سازمان و اعضای آن نشان داده است. سخنرانی او را می‌توان به عنوان بیانیه سازمان تفسیر کرد. سخنرانی او را نباید به عنوان بیان عقیده در فضای دموکراتیک تفسیر کرد."[۲۵] دادگاه نیز اظهار داشت حکم ۱۸ ماه زندان توغلوک کاهش نخواهد یافت زیرا شواهد کافی مبنی بر

---

[۲۳] همان، ۲۹ ژانویه ۲۰۰۹.

[۲۴] *تودیز زمان*، ۱۰ فوریه ۲۰۰۹.

[۲۵] همان.

اینکه چنین جرمی دوباره تکرار نخواهد شد وجود ندارد.[۲۶] تأیید حکم دادگاه توغلوک را با خطر از دست دادن مصونیت پارلمانی مواجه می‌کرد. اینکه آیا می‌توان توغلوک را که از اعضای پارلمان بود محاکمه کرد یا نه، جعبه پاندورای مشاجره‌ای حقوقی بین کارشناسان حقوق ترکیه به راه انداخت. پافشاری و سماجت در طرح دعوی علیه اعضای DTP و اعضای پارلمانی DTP حدود شش هفته قبل از انتخابات ۲۹ مارس نشان می داد AKP و در واقع دولت، مثلاً شرایطی را تحمل می‌کرد که نشان بدهد دستگاه قضایی در ترکیه کاملاً مستقل است و همه تصمیمات بر اساس "حاکمیت قانون" اتخاذ می‌شود. اما همانند عملکرد اردوغان در داووس، به نظر می‌رسید اکثر رأی‌دهندگان در جنوب شرق و دیاربکر به اقدامات دادگاه جنایی علیه توغلوک نظر منفی داشتند و این را هم در زمان رأی دادن در مارس مد نظر قرار می‌دادند.

احمد ترک نیز به مورد دعوی توغلوک کشیده شد. او پرونده مزبور را با وضعیتی که در برخی حکومت‌های حزبی اتفاق می‌افتد مقایسه کرد. او گفت، "از یک طرف نخست وزیر می‌گوید حماس که به اسرائیل موشک شلیک می‌کند نباید به عنوان سازمانی تروریستی قلمداد شود اما PKK که بیانگر سیاست‌های مسئله کردی است باید به عنوان سازمانی تروریستی شناخته شود؟ این دیگر چه نوع تناقض‌گویی است؟ آیا این عدم‌صداقت نخست وزیر را نشان نمی‌دهد؟ دعوی علیه آیسل توغلوک کاملاً سیاسی است. همه اظهارات وی در چارچوب گفتمان سیاسی قابل قبول بیان شده‌اند. دعوی علیه او چیزی جز مجازات بدون محاکمه به اشارت مستقیم نخست وزیر نیست. رأی صادره علیه توغلوک تلاشی از طرف نخست وزیر برای به تصویر کشیدن DTP به عنوان 'دیگری' است.[۲۷] به باور احمد ترک پرونده توغلوک نمونه دیگری از تلاش نخست وزیر برای کاهش خشم برآمده از بیکاری به واسطه برانگیختن احساسات ناسیونالیستی و اسلام سیاسی است. برای اینکه این خشم در صندوق آراء جای نگیرد، نخست وزیر قضیه حماس و فلسطینی‌ها را مطرح و تلاش کرد با استفاده از قضایای سیاست خارجی مرتبط به احساسات مذهبی، محبوبیت AKP را برای انتخابات مارس افزایش دهد.

---

[۲۶] همان.

[۲۷] همان.

باز هم مسئله زبان

توغلوک در سخنرانی باتمان باز هم این مسئله را مطرح کرد که کردها نمی‌توانند از زبانشان استفاده کنند و بدین طریق مسئله زبان در اواسط فوریه دوباره در کانون توجه مبارزات انتخاباتی قرار گرفت. علاوه بر این، قضیه کانال ۶ کُردی TRT جنجالی‌ترین قضیه مبارزات انتخاباتی بود. بنا به گزارش رسانه‌های ترکیه از وقتی TRT پخش برنامه را در ۱ ژانویه ۲۰۰۹ آغاز کرده ، PKK تهدیدات و حملات تبلیغاتی علیه هنرمندان و مجریان کُرد به راه انداخته است. در شدیدترین حالت، PKK ظاهر شدن در کانال ۶ را کار خائنانه‌ای دانست: "هیچ کُردی که خود را کُرد می‌داند و به آن می‌بالد نباید به هیچ طریقی با کانال همکاری کند یا به آن خدمت نماید."[۲۸] منابع اطلاعاتی پلیس ادعا کردند فشار PKK برخی هنرمندان کُرد را مجبور به عدم همکاری کرده است. خواننده محبوب کُرد روژین مدعی شد او برای لغو برنامه از پیش تعیین شده‌اش تحت فشار قرار گرفته اما تصمیم گرفته برنامه‌اش را اجرا کند. بعلاوه، برخی گفته‌اند PKK مجریان کُرد را تهدید کرده که اگر در کانال ۶ حضور یابند در اروپا جلوی پخش برنامه‌هایشان را می‌گیرد. همچنین گزارش شد PKK کردهایی چون سروت کوجاکایا، محسن کزل کایا، محمد متینر و امید فرات را "کردهای دولت" نامیده است. یکی از مهم‌ترین رهبران PKK که گمان می‌رفت در شمال عراق باشد به کنایه گفت "حالا برخی [کردها] مانند محمد متینر و امید فرات زیر لب چیزهایی می‌گویند. سر جایتان بنشینید، جایگاهتان را بدانید و بدون درنگ از این کاری که می‌کنید دست بردارید."[۲۹] ظاهراً بر اساس همین گزارش پلیس، مقامات PKK گفته‌اند کانال ۶ TRT "نوعی جنگ ویژه است" که توسط حکومت به راه انداخته شده و از کردهای ترکیه می‌خواهد برنامه‌ای غیر از برنامه‌های این کانال را نگاه نکنند. یکی دیگر از رهبران برجسته PKK مراد کارایلان به کردهای جنوب شرق گفت کانال ۶ "یک بازی شعبده بازی آشکار" است."[۳۰] فقط رهبران PKK نبودند که از کانال

---

[۲۸] *تودیز زمان*، ۱۰ فوریه ۲۰۰۹.

[۲۹] همان.

[۳۰] همان.

۶ انتقاد می‌کردند بلکه بیشتر اعضای برجسته گروه پارلمانی DTP نیز انتقادات بسیاری از کانال ایراد می‌کردند. سری ساکیک نماینده DTP در (شهر) موش، در اشاره به سختی‌هایی که کانال ۶ برای یافتن کارکنانی مسلط به کُردی داشت، گفت "آنها [مسئولان TRT] به دنبال کردهایی هستند که هیچ سابقه جنایی نداشته باشند. اما کُردی که سابقه جنایی ندارد دیگر با کُرد بودن میانه ای ندارد؛ او دیگر نیازی به تلویزیون زبان کُردی ندارد."[۳۱]

ساکیک کانال ۶ TRT را به عنوان ابزاری دیگر برای دستکاری دولت خواند. حاسیپ کاپلان دیگر نماینده پارلمانی عضو DTP از شیرناک گفت کانال ۶ صرفاً سرمایه‌گذاری انجام شده توسط دولت و AKP برای انتخابات قریب به وقوع مارس است."[۳۲]

[۳۱] همان. طبق قانون ترکیه هر کسی که زبان و فرهنگی غیر از ترکی را تبلیغ کند اقدام وی جنایت علیه کشور تلقی می‌شود و جرائم مربوط به این حوزه در چارچوب 'قانون ضدترور' تحت تعقیب دادگاه قرار می‌گیرد.-م.

[۳۲] همان.

فصل نهم:
گرم شدن رقابت‌های انتخاباتی و کشیده شدن آن به حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG)

در فوریه، فقط دو ماه مانده به انتخابات، رقابت‌ها شدت بیشتری یافت. این بار موضوع بر سر تهیه "کالاهای سفید"[33] مانند یخچال، ماشین لباسشویی، تختخواب و دیگر لوازم خانگی توسط دولت و حزب عدالت و توسعه (AKP) برای رأی‌دهندگان بود. این کالاها به اضافه ماکارونی، شکر، زغال سنگ و سوخت که قبلاً بطور گسترده‌ای توزیع می‌شد به رأی دهندگان داده شدند. این قضیه برای اولین بار در پی توزیع کالاهای سفید بین مردم و رأی‌دهندگان تونجلی که برای مدت مدیدی بستر گرم ناسیونالیسم کُردی بوده آشکار شد. قوانین کمیته عالی انتخابات ترکیه[34] توزیع کالا بدین روش را ممنوع کرده‌اند. استاندار تونجلی مدعی شد که دولت و حکومت در این مسئله نقشی نداشته و همه کالاهای سفید توزیع شده بین مردم فقیر توسط مدیریت عمومی تأمین اجتماعی انجام شده‌اند. اظهار این مطلب از آنجا جای شگفتی است که تونجلی از نظر فقر رده پنجاه و دومین استان را بین ۸۱ استان به خود اختصاص داده است. ۲۹ استان دیگر از تونجلی فقیرتر بودند. اغلب آنها جزو ۱۱ استان برجسته کُردی نبودند اما در استان‌های دیگر نیز جمعیت قابل ملاحظه‌ای از کردها وجود داشتند.[35] البته، مقامات AKP گفتند توزیع کالاهای سفید هیچ ربطی به انتخابات نداشته بلکه مقصود کمک به شهروندان بی بضاعت یا کسانی بوده که یخچال یا ماشین لباسشویی نداشته‌اند.

توزیع کالاهای سفید بلافاصله به موضوع انتخاباتی داغی تبدیل شد. یک بار دیگر احمد ترک با گفتن اینکه توزیع کالاهای سفید بین رأی‌دهندگان مناطق کردنشین چیزی جز رشوه انتخاباتی نبوده، به این اقدام حمله برد: "بعد از توزیع ماکارونی، شکر و زغال سنگ، حالا دولت و AKP ماشین لباسشویی و یخچال بین مردم توزیع می‌کنند. البته باید به مردم

---

[33] White Goods

[34] Turkey's Supreme Election Commission

[35] برای لیست استان‌ها و رده آنها نگاه کنید به حرّیت، ۱۰ فوریه ۲۰۰۹.

فقیر ما کمک شود. این نوع کارها دولتی اجتماعی را به دولتی فقرگستر تبدیل می‌کند. آنها به روستاهایی که آب ندارند ماشین لباسشویی می‌فرستند. می گویند بعد از اینکه مردم در انتخابات به آنها رأی دادند به روستاها آبرسانی می کنند. این دیگر چه نوع سیاه‌کاری است؟ اگر فکر می‌کنید با توزیع هزاران ماشین لباسشویی می‌توانید چهره پاکیزه‌تری از خود نشان دهید در اشتباه هستید. اگر رأی‌تان را به ما بدهید ما دولتی اجتماعی خواهیم شد، اگر نه، دولتی از نوعی دیگر خواهید داشت. اما این را فراموش نکنید: مردم ما هیچ‌گاه در برابر این گونه دورویی‌ها سر تعظیم فرو نیاورده و نخواهند آورد."[۳۶]

پس از پایان این تذکار راجع به قضیه کالاهای سفید، احمد ترک حملات مداومی را علیه دولت AKP به راه انداخت: "ما به صراحت به دولت هشدار می‌دهیم فکر نکند می‌تواند از یک طرف بگوید خواهان انتخاباتی مسالمت‌آمیز است و از طرفی دیگر DTP را به عنوان سازمانی تروریستی معرفی کند. لازم است نخست وزیر بفهمد تاکتیک‌های بی‌ارزش و فاسدی که در سفرش به جنوب شرق از آنها استفاده می‌کند ما را از چیزی محروم نمی‌کنند. اگر فکر می‌کنی به ما صدمه‌ای می‌زنند، مرتکب اشتباه بزرگی شده‌ای. ما پاسخ روشنی به ژاندارمی که مورد حمایت AKP است، و همچنین به تاکتیک‌های محروم سازی که علیه مردم و کاندیداهای ما انجام شده‌اند داده‌ایم. کار تو دسیسه‌چینی علیه DTP نیست. بخاطر موانعی که بر سر راه DTP برای انتخابات قرار داده‌ای خواستار عذرخواهی تو هستیم."[۳۷]

احمد ترک همچنین اظهار داشت تیم‌های عملیات ویژه که یادآور ارگنکون هستند هنوز در منطقه چوکورکا در استان حکاری مشغول عملیات بوده و بمب‌های گازی به درون خانه‌ها می‌اندازند. وی در ادامه گفت "با توجه به این وقایع مایلم از نخست وزیر بپرسم اگر این کردها در غزه زندگی می‌کردند در شگفت بودم که پاسخ تو چه می‌بود؟ اگر این گونه بود حتماً داد می‌زدی و مانند افراد گردنکش سر و صدا راه می‌انداختی. اما وقتی مسائل مشابهی در کشور خودت اتفاق می‌افتد ساکت می‌مانی. تو باید بفهمی که این رفتار

---

[۳۶] *رادیکال*، ۱۱ فوریه ۲۰۰۹.

[۳۷] همان.

تو فرقی با رفتار رهبران اسرائیل ندارد.[۳۸] وقایع چوکورکا همانند همه کارهایی است که ارگنکون در جغرافیای کُردی مرتکب شد. جواب این همه سرکوب در انتخابات ۲۹ مارس داده خواهد شد و AKP به 'زباله‌دانی' فرستاده خواهد شد.[۳۹] در طی چند روز بعد از انتقادات احمد ترک به توزیع کالاهای سفید، بویژه در استان تونجلی، نماینده پارلمانی DTP شرافتین هالیس اظهار داشت توزیع کالاهای سفید توسط AKP بر این دلالت دارد که اخلاق سیاسی به پایین‌ترین سطح خود رسیده است.[۴۰] وی معترض شد که علی‌رغم رأی مقامات دولتی و قضایی مبنی بر صدمه دیدن موقعیت احزاب سیاسی در نتیجه توزیع کالاها، این کار باز هم با تمجید از نخست وزیر و وزرای کابینه او ادامه یافته است. هالیس همچنین معترض شد که چرا دولت و TAF، ۳۵۰ نگهبان روستا را به مناطق پرتک[۴۱] و چمیشگزک[۴۲] فرستاده‌اند: "اگر چه آنها [دولت] می گویند خواهان صلح هستند اما با دادن اسلحه به یکی از طرفین، بین علوی‌ها-سنی‌ها، کردها و ترکها، تفرقه انداخته‌اند. تجزیه-طلب اصلی دولت است. ما بر این باوریم که این کارها چیزی غیر از تلاش برای از بین بردن صلح بین مردم نیست."[۴۳] اما مراد یتکین به این نکته اشاره کرد که توزیع کالاهای سفید مانند غذا و سوخت، خیلی بیشتر از زمان انتخابات ۲۰۰۷ بوده است. او اظهار داشت فقط در ژانویه ۲۰۰۹ اقلام کمک‌های داده شده به حوزه‌های منتخب، بیش از مقدار کل کمک‌های اجتماعی توزیع شده توسط تأمین اجتماعی بین رأی‌دهندگان در ۲۰۰۷ بود. وی همچنین متذکر شد این کمک‌ها در زمانی صورت گرفتند که از نظر موقعیت مالی جهانی، ترکیه حدود ۱۱ درصد بیکاری ملی داشت که این رقم برای جنوب شرق به ۵۰ درصد یا بالاتر در برخی مناطق می‌رسید. رأی‌دهندگان خود را به خاطر کمک‌ها و دادن رأی به AKP مدیون می‌دانستند. یتکین همچنین خاطرنشان ساخت که انتقادات اردوغان از (شیمون) پرز در اجلاس داووس می‌تواند در جذب آرای رأی‌دهندگان حزب مذهبی

---

[۳۸] همان.

[۳۹] همان.

[۴۰] *رادیکال*، ۱۳ فوریه ۲۰۰۹.

[41] Pertek

[42] Çemişgezek

[۴۳] همان.

'سعادت' مؤثر باشد، انتظار می‌رفت کردهایی که احتمالاً به حزب مذکور رأی می‌دادند به AKP رأی بدهند.[۴۴]

بحث کالاهای سفید به موضوع رقابت انتخاباتی سرتاسر دو هفته اول مارس تبدیل شد. دلیل اصلی این بود که داخل یخچال‌ها، ماشین‌های لباسشویی، بخاری‌ها و غیره، در زیرزمین‌های ساختمان‌های مختلف دولتی در تونجلی، پوسترها و اعلامیه‌های AKP نیز پیدا شده بودند. مقامات AKP و دولت سریعاً در مقام پاسخ برآمده و گفتند پوسترها به صورت غیرعمدی با کالاهای سفیدی که قرار بوده بین مردم نیازمند توزیع شود قاطی شده‌اند. در ۳ مارس، نایب رئیس گروه پارلمانی AKP نیهات ارگون در سخنرانی پارلمان گفت فقط سه پوستر AKP در ادارات دولتی پیدا شده‌اند و نمی‌توان آن سه پوستر را برای ادعای تلاش جهت کسب حمایت برای انتخابات کافی تلقی کرد. اما عضو پارلمانی DTP شرافتین هالیس گفت مقامات حزب AKP به هنگام ورود مقامات بازرس از در جلو، اکثر کالاها را از "در پشتی به بیرون" می‌فرستادند.[۴۵] ارگون تأکید کرد که نه استاندار تونجلی مصطفی یامان و نه AKP ارتباطی با قضیه پوسترهای AKP و حمایت-های انتخاباتی دیگر ندارند. امور تونجلی در چندین روز متوالی بعدی نیز در صدر مباحث باقی ماند. به هنگام رقابت در (استان) هاتای، اردوغان از یامان قویاً حمایت کرد و گفت انتقاد از یامان و دیگر استانداران به دلیل توزیع لوازم خانگی ضروری بین افراد نیازمند، فارغ از بود و نبود انتخابات، "ناخوشایند و بیجا" بود.[۴۶] او گفت یامان مانند همه استانداران یکی از خدمتگزاران جمهوری ترکیه است و ایدئولوژی هیچ نقشی در تصمیم‌گیری استانداران ندارد. وی در اشاره به دنیز بایکال رهبر CHP گفت استاندارها کارشان را انجام می‌دهند و بقیه نیز باید کار خودشان را انجام دهند. اردوغان گفت او یامان یا دیگر

---

[۴۴] *رادیکال*، ۱۵ فوریه ۲۰۰۹؛ *حریّت*، ۱۵ فوریه ۲۰۰۹.

[۴۵] *حریّت*، ۴ مارس ۲۰۰۹.

[۴۶] *رادیکال*، ۷ مارس ۲۰۰۹.

استاندارها را در دست بایکال یا دیگر سیاستمداران رقیب رها نخواهد کرد: "من آنها را به بایکال نمی‌خورانم یا اجازه نمی‌دهم توسط باهچلی خورده شوند."[۴۷]

تغییر نام تونجلی

رسوایی کالاهای سفید در تونجلی بار دیگر در قضیه تغییر نام استان به نام اصلی خودش یعنی درسیم[۴۸] تکرار شد. تغییر نام تونجلی به مرکز ثقل تلاش کردها برای اعاده جغرافیای کُردی تبدیل شده بود. بالا گرفتن قضیه جغرافیای کُردی یکی از پیامدهای بحث ارگنکون بود و در زمانی رخ داد که مقامات و رهبران DTP خصوصاً احمد ترک بطور مداوم می‌گفتند اکثر جنایات و وحشی‌گری‌های ارگنکون در شرق فرات و در جغرافیای کُردی روی داده است. قضیه (تغییر) نام تونجلی در ۱۹۳۵ مطرح شد و آن هنگامی بود که وزیر کشور شوکرو کایا[۴۹] توصیه کرد نام استان از درسیم به تونجلی[۵۰] تغییر یابد. تغییر نام "مونزور"[۵۱]، نام کوه‌های واقع در استان نیز مد نظر قرار گرفته بودند اما کایا آن را به سود تغییر نام تونجلی کنار گذاشت. تغییر نام هزاران مکان جغرافیایی، کوه‌ها، شهرها، روستاها، رودها و نهرهای واقع در مناطق کردنشین یکی از طرح‌های ناسیونالیستی ترکیه برای نابودی اماکن تاریخی حائز اهمیت بود. این کار بخشی از تلاش دولت برای ذوب و آسیمیله کردن[۵۲] کردها مطابق طرح ناسیونالیستی دیکته شده ترکیه بود. قضیه تغییر نام درسیم به تونجلی به قضیه‌ای اساسی در کشمکش بین کردها و ترکها به هنگام حمله ترکیه به استان درسیم در ۳۸-۱۹۳۷ مبدل شد که طی آن (دولت ترکیه) یکی از وحشیانه‌ترین حملات خود را علیه کردها انجام داد. این حمله به درسیم بسیار شدیدتر و ویرانگرتر از

---

[۴۷] همان. من نمی‌توانم در اینجا همه مشاجرات رد و بدل شده بین اردوغان، بایکال و دیگر کاندیداها را ذکر کنم اما باید متذکر شوم که بایکال بعداً جواب داد که او هیچ تمایلی به خوردن یامان یا هیچ‌کس دیگر ندارد و در واقع اگر قرار باشد چیزی بخورد ترجیح می‌دهد دسر مشهور خوشمریم (*hoşmerim*) تهیه شده در شهر کرشهیر را میل کند.

[۴۸] Dersim

[49] Şükru Kaya

[50] Tunceli

[51] Munzur

[52] Assimilate

حملات دولت به کردها در کوه آرارات در ۱۹۳۰ و حمله علیه شورش شیخ سعید در ۱۹۲۵ بود چرا که در این حمله، دولت از قدرت هوایی بسیار مخرب‌تری نسبت به نیروی هوایی ترکیه در ۱۹۳۷ بهره‌مند بود.[۵۳] تخریب بوجود آمده توسط TAF و بویژه نیروی هوایی آن، تقریباً تمام استان را با خاک یکسان کرد؛ هزاران درسیمی مجبور شدند به مناطق دیگر ترکیه بگریزند. تخریب درسیم در ۳۸-۱۹۳۷ متعاقباً آن را به نماد هویت ناسیونالیستی کُردی و در کل به نماد کردها تبدیل کرد. همچنین وجه نمادین دیگری یافت و آن این بود که کردها فارغ از نوع تخریب یا پاکسازی که ترکها علیه‌شان مرتکب می‌شدند، در برابر ترکها طاقت می‌آوردند.

بنا به همین نمادینه بودن تخریب درسیم بود که شرافتین هالیس با عنوان اینکه می‌خواهد نام درسیم را به استانش برگرداند، انتخابات را به پیش می‌برد. هالیس گفت می‌خواهد رویای مردم تونجلی که بازگرداندن نام اصلی تاریخی به استانش است را واقعیت بخشد: "این آرزوی اکثر مردم درسیم است که استانشان درسیم خوانده شود چرا که درسیم نامی است که خاص اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی مورد احترام مردم اینجاست. حتی تا به امروز در بازی‌ها، رمان‌ها، افسانه‌ها، قصاید و آوازهایشان از نام درسیم که پدرانشان دوست داشته‌اند استفاده می‌کنند: آنها می‌خواهند نام اصلی برگردد."[۵۴]

شهردار تونجلی، سونگول ارول آبیل با درخواست هالیس همنوایی کرد. وی اظهار داشت پس از ۱۹۳۵ نه تنها نام شهرها، بلکه اسامی روستاها، بخش‌ها و حتی محله‌های شهر نیز عوض شدند و از آنجا که این کافی نبود، هزاران نفر نیز قتل‌عام شدند: "سیاست‌های انکار هویت و فرهنگ کُردی ادامه یافت. اما مردم ما فرهنگ یا هویتشان را ترک نگفتند. نام این استان از طریق مجاری ضددموکراتیک تغییر یافت. در صورتی که امروز همه‌پرسی برگزار

---

[۵۳] برای درک اهمیت تاریخی حمله ترکیه به درسیم در ۳۸-۱۹۳۷ بنگرید به:

Robert Olson, "The Kurdish Rebellion of Sheikh Said (1925), Mt. Ararat (1930), and Dersim (1937-38): Their Impact on the Development of the Turkish Air Force and on Kurdish and Turkish Nationalism," *Die Welt des Islams*, vol. 40, no. 1 (2000), 67-94; Martin van Bruinessen, "Genocide in Kurdistan?: The Suppression of the Dersim Rebellion in Turkey (1937-38) and the Chemical War against the Iraqi Kurds (1988)," in George Andreopulus, ed., *Genocide; Iraqi Kurds and Historical Dimension* (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 1944), 141-70.

[۵۴] همان.

و از مردم پرسیده شود که آیا مایل‌اند نام درسیم به استانشان بازگردانده شود یا نه، همه مردم نام درسیم را خواهند خواست. اما نام درسیم چه به صورت رسمی برگردانده شود و چه نه، ما به استفاده از نام درسیم و استفاده از (زبان) کُردی و بیان هویت کُردی ادامه خواهیم داد. از این‌رو ما به هدفمان مبنی بر درخواست بازگرداندن نام درسیم ادامه خواهیم داد."[55] آبدیل به منظور تأکید بر نکته‌اش دستور داد در تابلو اعلانات سرتاسر شهر و حومه آن به جای نام تونجلی از نام درسیم استفاده شود. اداره تحقیقات دولتی بلافاصله این اتهام را مطرح کرد که PKK از تابلوهای اعلانات برای علنی کردن تبلیغات PKK استفاده - می‌کند.

تلاش کردها برای اعاده اسامی اماکن تاریخی کُردی در تمام منطقه‌ای که ادعا می‌کردند "جغرافیای کردی" بوده، همزمان با گرم و حساس شدن مبارزات انتخاباتی برای انتخابات ۲۹ مارس، افزایش و شدت یافت. مبارزه برای بازگرداندن اسامی اماکن تاریخی کُردی به نام‌های کُردی، در کنار مبارزه برای تکلم به کُردی و همچنین مطالبه آموزش به زبان مادری نیز نشان داد نیاز احزاب سیاسی در انتخابات پیش رو، برای تأکید بر عناصر باورهای ملی، جهت کاستن از قدرت قهری دولت در ادامه مدیریت مسئله کُردی اهمیت زیادی داشت؛ و احزاب سیاسی باید از این عناصر استفاده می‌کردند، حتی اگر این کار موجب صدماتی به این عناصر و باورها می‌شد.

شش هفته به انتخابات

بنا به یک نظرسنجی انجام شده توسط متروپل[56] در ۷ فوریه، انتظار می‌رفت AKP در انتخابات ۲۹ مارس درصد بیشتری از آراء را به نسبت انتخابات ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۷ به خود اختصاص دهد. بنا به نظرسنجی، AKP برنده ۳۴ درصد آراء خواهد بود، پس از آن حزب مردم جمهوری‌خواه (CHP) با ۱۸ درصد و حزب اقدام ملی (MHP) با ۹.۴ درصد قرار می‌گرفتند.

---

[55] همان.

[56] MetroPoll

انتظار می‌رفت DTP یک درصد آرای ملی را به خود اختصاص دهد. ۱۴ درصد باقیمانده نیز متعلق به رأی‌دهندگانی بود که هنوز تصمیم نگرفته بودند به کدام حزب رأی بدهند. اما در صورتی که رأی‌دهندگان تصمیم نگرفته بطور مساوی بین احزاب تقسیم شوند برآورد می‌شد که آرای کل AKP به ۴۰ یا ۴۵ درصد آرای ملی و ۷۰ تا ۸۰ درصد آرای شهرداری‌ها بالغ گردد. متروپل گزارش داد رتبه AKP پس از مجادله اردوغان با (شیمون) پرز در داووس، ۱۹ درصد بالا رفته است. معلوم نبود که چه میزان از درصد مزبور مربوط به رأی‌دهندگان جنوب شرق بود. بولنت کنس سردبیر روزنامه *تودیز زمان*، یک روزنامه طرفدار AKP، بر این باور بود که نامزد شدن قطب‌الدین آرزو[۵۷] حرکتی هوشمندانه از طرف AKP بوده زیرا آرزو برخلاف رقیبش عثمان بایدمیر عضو DTP، خود را به عنوان کاندیدایی غیرسیاسی نشان داده است. آرزو نیز نماینده طبقه بورژوازی دیاربکر بود که در موقعیتی بودند که آرای بسیاری را به سوی AKP بکشانند. کنس بر این باور بود، "در حالی که DTP تبلیغاتش را بر ناسیونالیسم قومی و سیاست‌های قومی متمرکز کرده، AKP بر این باور بود که این خط مشی با مشکلاتی واقعی مواجه می‌شوند و از این رو مبارزه‌ای عقلایی را پیش برد و به رأی‌دهندگان می‌گفت به خدماتی توجه کنند که این حزب در شهرداری‌ها برایشان فراهم می‌کند."[۵۸] کنس همچنین فکر می‌کرد توصیه AKP به کانال ۶ TRT برای پخش برنامه کُردی، اثر مثبتی در جلب احساسات رأی‌دهندگان جنوب شرق داشت. وی فکر می‌کرد این بدان معناست که DTP در آینده هیچ فاصله‌ای بین خود و PKK نخواهد داشت و احتمال افزایش مذاکرات جدی بیشتر بین کردها و ترکها وجود دارد. کنس در اظهار نظر در مورد جنبش فتح الله گولن و فعالیت‌های آن در جنوب شرق به گونه‌ای صحبت کرد که اثر آن بر AKP مشخص شود، جنبش گولن بطور مساوی به همه احزابی که موضع‌گیری دموکراتیک دارند نزدیک است و بطور مساوی هم از همه آنهایی که از دموکراسی طفره می‌روند دوری می‌کند. اگر چه نمی‌توانیم بگوییم جنبش گولن در انتخابات محلی ۲۹ مارس مجموعاً به کاندیداهای AKP رأی می‌دهد، اما می‌توان گفت مردمی که تحت تأثیر این جنبش هستند اکثراً به AKP

[57] Kutbettin Arzu

[۵۸] *www.Kurdmedia.com*، ۲۲ فوریه ۲۰۰۹.

رأی خواهند داد."[۵۹] کنس در ادامه از شهرداران DTP به دلیل ناتوانی در ارائه خدمات به مردمی که نیازمند جاده، آب آشامیدنی، جمع‌آوری زباله‌ها، حمل و نقل و غیره هستند انتقاد کرد. قابل توجه است که کنس در مورد حجم وسیعی از کالاها که توسط دولت و با دخالت تمام AKP پخش شده بودند سکوت اختیار کرد.

مفسران دیگر بر این باور بودند که بایدمیر شاید کاملاً بر آرزو برتری یابد. فرات بلیر، از مدرسان روابط بین‌الملل در دانشگاه سلجوق، متذکر شد اگر چه آرزو رئیس اتاق بازرگانی دیاربکر بود اما به نزدیکی بسیار به دولت نیز مشهور بود. به نظر بلیر در حالی که رئیس اتاق بازرگانی، آرزو برنامه‌هایی ابتکاری برای بهبود کشاورزی، صنعت و توزیع درآمد آغاز کرده بود اما پس از آنکه نماینده پارلمان شد هیچکدام از این برنامه‌ها جامه عمل نپوشیدند و او کار چندانی برای کسب حقوقی مهم برای جنوب شرق انجام نداد. بلیر فقط توانست به دو مورد مهم اشاره کند که آرزو نقش قابل ملاحظه‌ای در انجام آنها داشت. یکی، سازماندهی مجدد اداره امتیازات انحصاری[۶۰] و دیگری، پیشنهاد استان شدن بخش ارگانی[۶۱] بود. وی نتیجه گرفت که آرزو برخلاف بایدمیر به اندازه کافی نمایانگر منافع سیاسی دیاربکر نیست، بایدمیر هنوز هم حاضر بود بخاطر منافع مردم دیاربکر با اردوغان به مجادله برخیزد. بلیر فکر می‌کرد بایدمیر خصوصاً در بخش قدیمی شهر و حومه باغلار[۶۲] قوی‌تر است. وی تصدیق کرد آرزو کاندیدای بسیار خوبی است و AKP مبالغ زیادی پول برای انتخاب شدن وی هزینه می‌کند. با این حال، بایدمیر بخش‌های دوردست استان دیاربکر یک تک خال حکم داشت و آن حمایت قوی این استان از DTP و بایدمیر بود.[۶۳] سیاست رویارویی، چالش، خصومت و سرزنش در طی شش هفته مانده به انتخابات افزایش یافت. در اواسط فوریه وقایع چندی آشکار ساخت که چه مسابقه‌ای بین AKP و DTP و حامیانشان به راه افتاده بود. در ۱۴ فوریه مراسم و جشن‌هایی در چندین شهر جنوب شرقی و همچنین استانبول برای یادبود دهمین سال بازگشت عبدالله اوجالان به

---

[۵۹] همان.

[60] Monopoly Administrative
[61] Ergani
[62] Bağlar

[۶۳] *رادیکال*، ۲۸ فوریه ۲۰۰۹.

ترکیه برپا شد. همزمان با مراسم یادبود اوجالان، افراد بدون شغل که آمارشان در جنوب شرق به ۵۰ درصد می‌رسد، تظاهراتی صورت دادند. در دیاربکر و برخی نواحی حومه آن مانند مرکز[۶۴]، باغلار، سور و کایاپنار، حدود ۱۵۰۰ نفر دست به تظاهرات زدند و مغازه‌ها کرکره‌های آهنی خود را پایین کشیدند. پلیس از گاز اشک آور، فشار آب و گلوله پلاستیکی علیه تظاهرکنندگان استفاده کرد. خودروهای زرهی در خیابان‌ها گشت می‌زدند و هلیکوپترها در تمام روز بر فراز سر آنها پرواز کردند.

شهردار دیاربکر عثمان بایدمیر و آیسل توغلوک تأکید کردند که پلیس به آنها اجازه راهپیمایی داده و قول دادند تظاهرکنندگان فقط می‌خواستند بطور مسالمت‌آمیز و بدور از هرگونه خشونت تجمع کنند. بایدمیر با استاندار دیاربکر حسین آونی موتلو مشاجره تندی پیدا کرد. آونی از بایدمیر خواست تظاهرکنندگان را متفرق کند اما وی از این کار امتناع کرد و گفت آونی صرفاً رئیس خدمات عمرانی است در حالی که وی به عنوان شهردار دیاربکر انتخاب شده است. پلیس و رهبران تظاهرات وارد مسابقه شيءپراکنی شدند که آیسل توغلوک با فریاد برآوردن علیه نیروهای پلیس که "نمی‌توانید این‌گونه با من رفتار کنید" جرقه آن را زد.[۶۵] وقایع مشابهی نیز در باتمان، جزره[۶۶] و ادیل[۶۷]، همه توابع استان دیاربکر و استان‌های همجوار روی دادند. در نوصیبین، اعضای DTP پارچه‌های سیاهی به دور تا دور ساختمان‌های مهم دولتی ناحیه کشیدند. علی‌رغم تظاهرات ۱۴ فوریه برخی رسانه‌های ترکیه حتی روزنامه معتبر *تودیز زمان* گزارش کردند اکثر جمعیت جنوب شرق تاکنون اشتیاق چندانی به انتخابات آتی نشان نداده‌اند. در دیاربکر، مجاری خبری DTP "نکته هایی از جبهه دیاربکر" را تهیه و تبلیغ می‌کردند که DTP آب تمیز فراهم کرده، زباله‌ها را جمع، شهر را زیبا و کارهایی از این قبیل انجام داده است. روزنامه‌ها منتشر ساختند حتی تلفظ نام دیاربکر (به کُردی: Diyarbekir) در برابر تلفظ ترکی آن (Diyarbakır) نشان می‌دهد این شهر برای کردها حقیقاً یک "جبهه" است. اما شهروندان شهر همگی طرفدار DTP نبودند. به هنگام مصاحبه، یک راننده تاکسی گفت

---

[64] Merkez

[۶۵] *رادیکال*، ۱۵ فوریه ۲۰۰۹.

[66] Cizre

[67] İdil

که امیدوار است AKP برنده شود، "در این صورت ما می‌توانیم از خدمات شهری بیشتری بهره‌مند شویم. این برای شهر بهتر خواهد بود. اما بعید است AKP در این شهر برنده شود."[۶۸] اما دیگران معتقد بودند کاندیدای AKP، قطب‌الدین آرزو، که مورد حمایت طبقه تجار و صنعتگران و همچنین وکلا و پزشکان شهر است برنده انتخابات خواهد بود. برخی مصاحبه شوندگان فکر می‌کردند عبدالله کُرد نماینده دیاربکر در پارلمان و عضو AKP، کاندیدای بهتری است تا آرزو. اما دیگران معتقد بودند آرزو کاندیدایی ضعیف است زیرا وی نتوانسته گالیپ انساری اوغلو را در انتخابات اخیر برای ریاست اتاق بازرگانی و صنعت دیاربکر شکست دهد. آرزو چطور می‌تواند در انتخابات محلی موفق شود در حالی که حتی نتوانست در انتخابات اتاق بازرگانی برنده شود؟

مظهر باغلی از اساتید جامعه شناسی دانشگاه دجله مطمئن نبود DTP بتواند پیروزی مهمی کسب کند. او نظر منفی خود را به دیدگاه‌های منفی کاندیداهای DTP نشان داد: "آنها بسیار منفی و مخالف هستند. برای مثال، وقتی TRT، پخش برنامه کُردی را آغاز کرد DTP بسیار سریع و زننده به نقد آن پرداخت اما مردم برنامه‌ها را نگاه می‌کنند و از خود می‌پرسند چرا DTP همیشه (نظرش) منفی است."[۶۹] در ماردین، شهر مجاور دیاربکر، مردم از اینکه حسن دورئو (از AKP) شهردار جدیدشان شده شعف زده شدند. او در زمان تصدی شهرداری شهر شانلی اورفا، شهر بزرگ نزدیک ماردین، توانسته بود صنعت توریسم را در آنجا بسیار رونق دهد. شاید او بتواند در مورد ماردین هم به نتیجه مشابهی دست یابد. کردها و DTP در شهرها و روستاهای اطراف ماردین قوی بودند اما عربها در شهر (ماردین) قوی، و حداقل بخاطر پیام اسلام‌گرایی AKP طرفدار این حزب بودند. باور بر این بود که کاندیدای AKP، بشیر آیان اوغلو، که مشارکت گسترده‌ای در طیف وسیعی از سازمان‌های اجتماعی در موضوعاتی از توریسم گرفته تا حقوق بشر داشته، بر کاندیدای DTP، انور اِته پیروز خواهد شد.

---

[۶۸] *تودیز زمان*، ۱۵ فوریه ۲۰۰۹.

[۶۹] همان.

جنبش مذهبی عبدالله گولن و مجاری خبری‌اش، به ویژه نمایش تلویزیونی سریال "یک ترکیه"[۷۰]، که توسط ایستگاه تلویزیونی سامانیولو متعلق به جنبش گولن تهیه شده بود، قویاً از آشتی و مصالحه بین کردها و ترکها طرفداری می‌کردند، این‌ها نیز مانند ناسیونالیسم بر جنوب شرق اثرگذار بودند. نمایش "یک ترکیه" داستان پزشک آرمان‌گرای جوانی بود که –بدون اینکه بداند در منطقه متولد شده و کُرد است– از استانبول به جنوب شرق سفر می‌کند. در آنجا وی کمک‌های پزشکی به مردم منطقه ارائه می‌دهد که در پی سال‌های زیاد جنگ بین دولت و PKK شدیداً صدمه دیده بودند. تهیه‌کننده سریال، صالح آسان گفت سریالش می‌خواهد این نکته را منعکس کند که "همگی در این کشور زندگی می‌کنیم و مهم نیست که در شرق یا در غرب آن ساکن هستیم. صمیمیت و خلوص افراد دست اندر کار، از بازیگران اصلی گرفته تا مجموعه فنی، برای اعتقاد به انتقال پیام 'یک ترکیه' است که با استقبال عظیم بینندگان مواجه شده است." (آقای) آسان در ادامه توضیح داد که "چه چیزی سریال 'یک ترکیه' را از سریال‌های مشابه دیگری که در مورد مردم منطقه (کردها) را به تمسخر می‌گیرند متفاوت کرده است. با تمسخر مردم که نمی‌توان آنها را متمدن و آگاه ساخت. در حقیقت، مردمی که در تمام مناطق آناتولی برای قرن‌های زیادی زندگی کرده‌اند ۹۹ درصد از منابع مشابهی قوت گرفته‌اند. در سریال 'یک ترکیه' ما سعی داریم هزاران چیزی که این مردم را بهم پیوسته به نمایش بگذاریم. از این منظر، 'یک ترکیه' طرح اجتماعی معتبری است و با همه سریال‌های دیگری که تاکنون در مورد منطقه ساخته شده‌اند متفاوت است."[۷۱]

کنفرانس پلاتفرم آبانت در اربیل

در پیشرفتی مهم در روابط کردی-ترکی، پلاتفرم آبانت –که مانند تلویزیون سامانیولو که سریال 'یک ترکیه' را ساخته، وابسته به جنبش گولن است– دومین کنفرانس را در روزهای ۱۵-۱۴ فوریه در مورد موضوع "جستجو برای صلح و آینده مشترک" در اربیل،

---

[۷۰] Tek Türkiye

[۷۱] همان.

پایتخت حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) برگزار کرد. اولین کنفرانس از این دست در ژوئیه ۲۰۰۸ در بولو[۷۲] برگزار شد. برگزارکنندگان اولیه پیشنهاد کردند KRG هم از موضوع و هم بانیان آن حمایت کند. همچنین اظهار شد موضع KRG در کنترل ناسیونالیسم کُردی محبوب، مشابه موضعی است که ترکیه، بویژه در جنوب شرق با آن مواجه است. دلایل این تشابهات در بالا مورد بحث قرار گرفتند. اما این واقعیت که کنفرانس فقط شش هفته مانده به انتخابات محلی ۲۹ مارس در ترکیه برگزار شد این فکر را القاء می‌کرد که KRG از خوب نتیجه گرفتن کاندیداهای AKP در انتخابات ناراحت نخواهد شد و این علی‌رغم اظهارات مسعود بارزانی مبنی بر حمایت از کاندیداهای DTP در دیدارهای متعدد نمایندگان DTP در طی ماه‌های آخر ۲۰۰۸ بود.

برگزاری کنفرانس پلاتفرم آبانت در اربیل باید سبب بهت و حیرت DTP شده باشد. قابل ذکر است فتح‌الله گولن از خانه‌اش در ایالات متحده، پیامی به کنفرانس فرستاد "در قرن اخیر، منطقه در معرض توجه بین‌المللی بوده است. بدون شک، جنگ و صلح، هر کدام ارزش‌های انسانی متفاوتی را در طرز نگاه به روابط بین‌الملل آموزش می‌دهند. علاوه بر تراژدی‌ای که این امر به همراه دارد، شاید نکته‌ای آموزشی و نگاهی بلیغ به جنگ نیز در آن باشد. اما در نهایت لازم است به زندگی اجتماعی و به عبارت دیگر به فرایند هنجارسازی بازگشت."[۷۳]

بیشتر سخنرانی‌های گشایش کنفرانس با اظهار حسن نیت بین کردهای عراق و کردهای ترکیه و امید به ایجاد همکاری‌های بیشتر در زمینه‌های آموزشی و فرهنگی و روابط اقتصادی بود. مومتازر تورکونه از اساتید علوم سیاسی کُرد از ترکیه اظهار داشت که پلاتفرم آبانت کنفرانس‌های زیادی برگزار کرده اما این اولین کنفرانسی است که بسیاری از شرکت‌کنندگان آن احساس نمی‌کنند در کشوری خارجی حضور دارند: "ما در خانه هستیم؛ ما احساس نمی‌کنیم در کشوری خارجی هستیم. این بخاطر مهمان نوازی شما و همچنین بدین خاطر است که ما فرزندان یک سرزمین هستیم. ما مردمی هستیم که شادی را در امر مشابهی می‌جوییم، ما با هم ارزش‌های مشترکی داریم. به همین دلیل است که این

---

[72] Bolu

[۷۳] *تودیز زمان*، ۱۶ فوریه ۲۰۰۹.

جلسه آبانت را مهم‌ترین جلسه می‌دانیم. ما همه کُرد هستیم. برای نمونه، من اهل سینوپ، شمالی‌ترین قسمت ترکیه هستم. اما من هم کُرد هستم. من همانند یک کُرد فکر می‌کنم و می‌خواهم همانند یک کُرد بمیرم."

تورکونه در ادامه مثلی از ضیاء گوکالپ، کُرد نظریه پرداز ناسیونالیسم ترک نقل کرد "ترکهایی که از کردها خوششان نمی‌آید ترک نیستند و کردهایی که از ترکها خوششان نمی‌آید کُرد نیستند. رویکردهای سیاسی در سطح دولت شاید متفاوت باشند اما این اصول معیار مردم هستند."[۷۴] تورکونه در ادامه گفت بسیاری از نقشه‌های کنونی در ترکیه، جنوب شرق ترکیه را به عنوان بخشی از "کردستان" نشان می‌دهند و اظهار داشت که این امر برای برخی از مردم یک رویا و برای برخی دیگر نیز کابوس است. تورکونه گفت "اما بیائید با واقعیت روبرو شویم، بزرگترین شهر کردنشین جهان استانبول است. کردها در آنجا بیش از هر جای دیگر هستند. به همین دلیل است که ما قسمتی ترک و قسمتی کُرد هستیم."[۷۵]

تورکونه مجدداً اظهار داشت نتایج پلاتفرم آبانت دعوت به آموزش به زبان مادری، عفو عمومی برای کردهایی که عضو PKK بوده‌اند و دموکراتیزه سازی بیشتر بوده است. بعلاوه، او ترکیه و KRG را به برقراری روابط بهتر فراخواند.

(خانم) بژان ماتور از شاعران کُردی-ترکی که سخنرانی و نوشته‌های بسیار فصیحی علیه به داخل اسید انداختن کردهای مقتول در جنوب شرق ایراد کرده بود، دوباره سخنان شیوایی درباره منظورش از کُرد بودن و رشته‌های محکمی که همه کردها را به هم می‌پیوندد ایراد کرد. وی گفت که چه‌گونه پدربزرگش به همراه دیگر مردان مسن روستایشان مخفیانه به برنامه کُردی رادیوی شمال عراق در اوایل دهه ۱۹۷۰ گوش می‌داده‌اند و چه‌گونه "برخی مردم نواحی دوردست پشت کوه‌های کشور خودشان را کُرد می‌خوانده و برای هویتشان می‌جنگیده‌اند. من احساس کردم پدربزرگم و دیگر مردان مسن روستا به کُرد بودن افتخار می‌کنند هر چند خودشان را یکی نمی‌نامیدند. همانند ایستگاه‌های رادیویی که مخفیانه بدان گوش می‌دادند، احساساتشان هم آشکار می‌ساخت حس فراری بودن دارند. برای

---

[۷۴] همان.

[۷۵] همان.

کردهایی که در ترکیه زندگی می‌کنند این مسئله اغلب پیش می‌آید. آنها تلاش می‌کنند در کشوری که هویتشان را به رسمیت نشناخته به زندگی ادامه دهند."[۷۶]

ماتور در ادامه به توصیف احساس خود به هنگام رسیدن به اربیل پرداخت. "همانند بسیاری کردهای دیگری که به شمال عراق می‌روند تا احتمالات در وجود آمدن کشوری که همه ما را از طریق رشته‌ای روحی به هم پیوند داده پیگیری کنند من هم هیجان زده هستم. من هم شعف زده‌ام و افتخار می‌کنم چگونگی حکومت کردن کردها بر خودشان را در سرزمینی که در آن کلمه "کردستان" کاملاً آزادانه بر زبان آورده می شود می‌بینم. من هم داشتن آزادی را به داشتن کشور ترجیح می‌دهم. از آنجا که کردهای ترکیه شدیداً تحت تأثیر هر کلمه یا هر عملکرد برادران کُرد خودشان در جنوب قرار دارند برای ترکیه پیگیری سیاستی علیه آنها غیرممکن خواهد بود و نباید ممکن گردد. ترکیه راه خود را می‌پیماید تا به کشور واقعیت‌ها تبدیل شود؛ تا کشوری شود که واقعیت‌هایی را که زندگی تحمیل می‌کند بپذیرد. به همان اندازه که کردها در جنوب برای دموکراتیزه سازی نیازمند ترکیه هستند، ترکیه نیز به کردها در جنوب نیازمند است."[۷۷] تورکونه و ماتور، هر دو در اظهارات خود ابراز امیدواری کردند کاندیداهای AKP برنده انتخابات مارس باشند. بیانات ماتور، جنگیز چاندار را تحریک کرد تا توضیح دهد دولت ترکیه مدت مدیدی است استفاده از کلمه "کردستان" را شروع کرده، KRG را کاملاً به رسمیت شناخته و دیگر آن را با عنوان "شمال عراق" نمی‌خواند. وی اظهار تعجب کرد که چرا ترکیه هنوز در اربیل کنسول ندارد، در حالی‌که با ماشین فقط یک ساعت از موصل فاصله دارد که ترکیه در آنجا یک سفیر کبیر، حسین آونی بوتاسالی دارد و این در حالی است که در مقایسه با KRG موصل غیرفعال به نظر می‌رسد. و این، علی رغم این واقعیت است که بخش زیادی از ۷ میلیارد دلار تجارت بین عراق و ترکیه در KRG انجام می‌شود. چاندار همچنین خاطر نشان کرد فقط یک روز قبل از گشایش کنفرانس کردی-ترکی در اربیل، منوچهر متکی وزیر امورخارجه ایران از شهر دیدار کرده و ایران در هر دو شهر اربیل و سلیمانیه کنسول دارد. وی فکر می‌کرد متکی قصد داشته این پیام را منتقل کند که "بیش از

---

[۷۶] *رفرانس*، ۱۷ فوریه ۲۰۰۹؛ *حرّیت*، ۱۸ فوریه ۲۰۰۹.

[۷۷] همان.

حد لزوم به اربیل علاقه نشان ندهید؛ ما نیز در اینجا هستیم."[۷۸] اگر ترکیه به زودی بر ترس بی‌پایه خود در استفاده از کلمه "کردستان" همان گونه که مقامات KRG خواسته‌اند غلبه نکند، ایران خواهد توانست ترکیه را در منطقه KRG بسیار شدیدتر به چالش بکشد.
کنفرانس کُردی-ترکی "جستجو برای صلح و آینده مشترک" در اربیل به یک بیانیه مشترک ۱۴ ماده‌ای انجامید. برخی از مواد جالب بیانیه، انتخابات ۲۹ مارس را تحت تأثیر قرار می‌دادند. یک، اینکه گسترش روابط بین ترکیه و KRG، صلح و ثبات را نه فقط به KRG و جنوب شرقی ترکیه بلکه به همه منطقه خواهد آورد. دو، هر نوع سیاست مبتنی بر ناسیونالیسم قومی رد شده و به جای خشونت باید با "حاکمیت قانون" حقوق بشر را تأمین کرد. از این‌رو، به نظر می‌رسید که شرکت‌کنندگان با PKK و DTP مخالف بودند.
بیانیه پیشنهاد می‌کرد یک کنسول ترکیه نیز در اربیل گشوده شود.[۷۹] ظاهراً بدون برنامه ریزی قبلی، رئیس جمهور عراق جلال طالبانی با سفیر ویژه ترکیه در عراق مراد اوزچلیک دیدار کرد، هر دو نفر بر ایجاد روابط راهبردی بین ترکیه و عراق تأکید کردند. نیچیروان بارزانی با دعوت از ایالات متحده برای ایفای نقشی قوی‌تر در حل مسائل عراق، به جلال طالبانی پیوست و بطور ضمنی خواستار نقش بیشتر ایالات متحده در حل مناقشات روز افزون بین بغداد و اربیل بر سر مناطق مورد مناقشه شد.[۸۰] جنگیز چاندار در پایان کنفرانس بیان داشت حضور ۱۰۰ نفر روشنفکر از ترکیه در کنفرانس، کاری را انجام داد که بسی بیش از کاری بود که ۷۰۰ هزار نیروی مسلح ترکیه طی ۲۰ سال گذشته به انجام رسانده بودند.[۸۱]
لونت کوکر از روشنفکران برجسته ترکیه و یکی از افراد منصوب جهت تهیه قانون اساسی جدید ترکیه فکر می‌کرد کنفرانس اربیل مفید بود اما نه آنقدر که گمان می‌رود. کوکر نوشت کنفرانس اربیل مهم بود زیرا "در این ملاقات بود که شاید برای اولین بار بطور فراگیری آشکار می‌شد که ترکیه مستقل از روابطش با کردستان عراق، نمی‌تواند مسئله

---

[۷۸] *رفرانس*، ۱۹ فوریه ۲۰۰۹؛ *حرّیت*، ۱۹ فوریه ۲۰۰۹.

[۷۹] *تودیز زمان*، ۱۹ فوریه ۲۰۰۹.

[۸۰] *حرّیت*، ۱۹ فوریه ۲۰۰۹.

[۸۱] *رادیکال*، ۶ فوریه ۲۰۰۹؛ *حرّیت*، ۶ فوریه ۲۰۰۹.

کردهای خود را حل کند. 'مسئله کُردی' که به عنوان موضوعی علیه امنیت ملی درآمده، و 'شمال عراق' که آشکارا با 'جنگ علیه ترور' شناخته شده، به دلیل ناسیونالیسم کوته-اندیش بر پایه ایدئولوژی دولت ملی تک فرهنگی بوجود آمده که باید عوض شود.
باید اصطلاح 'حکومت منطقه‌ای کردستان' که به وجود فدراسیون کُردی اشاره دارد، جایگزین اصطلاح سیاسی و کاربردی 'شمال عراق' گردد.[۸۲] کوکر در تکمیل گفته‌های فوق افزود، ترکیه حتماً باید به پیگیری جدی پذیرش در اتحادیه اروپا ادامه دهد و از این‌رو باید سیاست‌های بین دولتی و فراملی مدنظر اتحادیه اروپا را کاملاً به اجرا گذارد. سیاست-های مزبور مستلزم تأمین حقوق دموکراتیک و آزادی‌های در تصرف دولت‌های ملی، در ماوراء و فراتر از حدود مرزهای این دولت‌های ملی است. در صورتی که ترکیه این کارها را دنبال کند، این‌ها توانایی ترکیه را افزایش می‌دهند تا بتواند راه‌حلی برای مسئله کردی و روابطش با KRG بیابد. این به ترکیه امکان پیگیری راه حلی را می‌دهد که نگاهی غیر از نگاه "امنیت ملی" به قضیه دارد.[۸۳] کوکر تأکید کرد برخلاف توصیه‌های کنفرانس اربیل، ترکیه نمی‌تواند فقط خط‌مشی "حمایت از حقوق دموکراتیک و آزادی‌ها، افزایش نهادهای دموکراتیک و بسیج بازیگران دموکراتیک" را دنبال کند بلکه یافتن راه حلی برای مسئله کُردی مستلزم "مدنظر قرار دادن نامتجانس بودن با غرب است، (که این عدم تجانس) شامل تلاش حامیان دموکراسی جهانشمول در غرب" هم می‌شود.[۸۴] به نظر می-رسید کوکر بر این باور بود که حتی در صورتی که ترکیه و AKP پیگیر و اجراکننده سیاست‌های تجاری و خارجی چندجانبه باشند، این کارها باز هم منجر به برقراری روابطی خوب با غرب و غربی‌ها که لازمه حل مسائل کلان داخلی ترکیه است، نمی‌شود.

---

[۸۲] *تودیز زمان*، ۱ مارس ۲۰۰۹.

[۸۳] همان.

[۸۴] همان.

دیدار دیگر نمایندگان حزب جامعه دموکراتیک (DTP) از KRG

همزمان با برگزاری کنفرانس "جستجو برای صلح و آینده مشترک" و حضور کردهایی از ترکیه و عراق در آن که دیدگاه‌ها و نظراتشان را در مورد برادری و خواهری ابراز داشتند، هیئت دیگری از DTP در ۱۵ و ۱۶ فوریه به KRG آمده و با مسعود بارزانی و رئیس جمهور عراق جلال طالبانی دیدار کردند. هیئت DTP متشکل از احمد ترک، آمنه آینا، صباحات تونجل، عثمان اوزچلیک و عضو شورای نمایندگان، عبدالله دمیرباش بود. اطلاعات ناچیزی از مباحث جلسه آشکار شد اما می‌توان حدس زد که نمایندگان DTP مشتاق بودند حمایت بارزانی و طالبانی از DTP را برای انتخابات ۲۹ مارس جلب کنند. از آنجا که کنفرانس پلاتفرم آبانت در همان زمان در اربیل برگزار می‌شد، که در آن کردهایی از ترکیه صریحاً مخالفت خود را با PKK و DTP اعلان کردند و این کار آنها با تأیید نمایندگان KRG همراه بود، باید برخی از نمایندگان هیئت DTP به شک افتاده باشند که KRG در انتخابات ۲۹ مارس از کاندیداهای کدام طرف حمایت می‌کند- AKP یا DTP.

احمد دانیز سخنگوی ارشد PKK گفت "ما از چنین دیداری بسیار خرسندیم. ما کردها هر جا که باشیم برای نیل به حقوقمان باید با هم همکاری کنیم. کردها نیازمند ساخت پل-های گفت و شنود بین همه قسمت‌های کردستان هستند."[۸۵] وی همچنین متذکر شد DTP حزبی مستقل است و هیچ ارتباطی با PKK ندارد. دانیز تأکید کرد سیاست ترکیه در قبال کردها در ۷۰ سال گذشته هیچ تغییری نکرده است. در پایان گفته‌هایش نیز اظهار داشت "در انتخابات آتی، کردها به اردوغان و دولت ترک نژادپرست درس خوبی می‌دهند که هرگز فراموش نخواهد کرد."[۸۶] اظهارات او به شدت با روح آنچه در اربیل نشان داده شد متناقض بود. هیئت DTP به سختی می‌توانست از اظهارات او خوشنود باشد. آنها از اینکه این اظهارات به کاندیداهای DTP برای انتخابات مارس صدمه بزنند نگران بودند.

---

[85] www.Kurdmedia.com.

[۸۶] همان.

اردوغان: یک بار دیگر در دیاربکر

در ۲۱ فوریه، تنها ۳۶ روز مانده به انتخابات، اردوغان به همراه هیئتی بزرگ متشکل از کردهای نماینده پارلمان عضو AKP و همراهی دیگر مقامات دولتی پس از مبارزه‌ای سخت در شهرهای ساحل دریای سیاه باز هم به دیاربکر بازگشت. حدود ۳۰ هزار نفر زیر بارانی شدید با چتر به دیدار اردوغان و همراهانش رفتند. نخست وزیر بلافاصله سخنرانی کوتاه خود را آغاز کرد: "ما به سه چیز معتقدیم: عدالت، خدمات و آزادی. وظیفه ما خدمت به مردم است. کمکی که ما به فقرا می‌کنیم آنها [احزاب دیگری مانند CHP و MHP بویژه DTP] را آشفته می‌کند. آنها [DTP] می‌خواهند دیاربکر، تونجلی و دیگر شهرها بدون مدرسه و بیمارستان باقی بمانند. آنها می‌خواهند دولت چشمش را به روی مطالبات این شهرها ببندد. همه ما عناصر بنیادی این کشور هستیم. همه ما شهروندان درجه یک هستیم. هیچ کس بر دیگری برتری ندارد. ما همگی صاحب این کشوریم. ما با صمیمیت یکسانی همه را در آغوش می‌گیریم. نقاب کسانی که برادران را به دشمن هم مبدل کرده بودند در حال افتادن است."[۸۷] در ادامه اردوغان به ابتکار حزبش در پخش برنامه به زبان کُردی در کانال ۶ اشاره کرد: TRT شَش [تلفظ کُردی عدد شش] نه فقط در ترکیه بلکه در منطقه‌ای از اروپای غربی تا خاورمیانه مورد استقبال زیادی واقع شده است.

بنابراین، چه اتفاقی افتاد؟ آیا عدالت از بین رفت؟ یا قدری رشد کرد؟ چرا برخی محافل برای آن آرزوی موفقیت نمی‌کنند؟ اپوزسیون با شروع به کار کانال مخالفت کرد. آنها را در خوشحالی این مردم خود را شریک نکردند."[۸۸] اردوغان به حضار گفت طی دوره ۲۰۰۳-۲۰۰۸ که حزبش قدرت را در دست داشته، ۳۰۷ تریلیون و ۴۷۳ میلیارد لیره ترک به دیاربکر داده شده است. حتی یک پروژه واجد شرایط رد نشد. بیست و سه میلیون از آن مبلغ برای پروژه‌های خاص تخصیص یافتند. او گفت تنها "خط قرمز" وی این بوده که مردم دیاربکر نباید از سیاست‌های تجزیه طلبانه حمایت کنند. او عاجزانه از حاضران

---

[۸۷] *تودیز زمان*، ۲۳ فوریه ۲۰۰۹.

[۸۸] همان.

درخواست کرد هنگام رأی دادن در انتخابات ۲۹ مارس همه این نکات را مدنظر قرار دهند. وی همچنین متذکر شد دولتش ۸۳ تریلیون لیره برای بازگشت مردم به روستاهایشان که در نجنگ بین PKK و دولت آسیب دیده یا تخریب و ویران شده، اختصاص داده است: "ما روستاهای تخلیه شده را به زندگی برگرداندیم. طرح‌هایی برای بازگرداندن کسانی که می‌خواهند برگردند در حال اجراست: ۱۵۱۰۰۰ نفر به ۲۵۰۰۰ خانه بازگشته‌اند. ما زخم‌هایمان را پانسمان خواهیم کرد. ما قبلاً ۸۱۸ میلیون لیره بدین منظور پرداخته‌ایم و ۳۹۹ میلیون لیره دیگر هم پرداخت خواهد شد."[۸۹]

اردوغان طی توقف فوریه در دیاربکر تأکید کرد کردها و ترکها از یک پیکره‌اند، هر دو فرزندان فرهنگ‌ها و تمدن وادی رودهای دجله و فرات هستند: "روح‌هایمان در دجله و فرات جاری هستند و تا ابد با هم خواهیم بود. امروز ما روشن‌تر و گسترده‌تر یکدیگر را در می‌یابیم. هم اکنون می‌دانیم چگونه قضایایی را که برای سال‌ها غیرقابل‌حل پنداشته می‌شدند، حل کنیم ... ترکیه در دوره تغییری تاریخی است."[۹۰]

مراد یتکین یکی از خبرنگاران رسانه‌های همراه اردوغان نوشت، در این مرحله از رقابت که وی ظاهر شد هنوز عثمان بایدمیر با استفاده از برگه هویت کُردی پیشتاز بود اما اردوغان فکر می‌کرد قضیه بیکاری می‌تواند در شش هفته رقابت باقیمانده، بر قضیه هویت کُردی فائق آید. به نظر می‌رسد در دیاربکر همه بیکار هستند. وقتی یتکین با جوانانی که در مقابل مغازه‌ای چای می‌خوردند و خود را با یک منقل گرم می‌کردند مصاحبه کرد یکی از جوانان شکوه کرد که "هیچ جوانی در کافی‌شاپ‌ها نیست، فقط پیرها هستند. اما اگر در اینجا کمی سرمایه‌گذاری می‌شد، اگر کارخانه هایی ساخته می‌شدند و جوانان می‌توانستند کار پیدا کنند، فکر می‌کنید اینجا هنوز هم آشوب‌زده بود؟ اینجا زندگی ارزان است، ما کارت‌های سبز [کارت بهداشت برای مراقبت‌های پزشکی رایگان] داریم، اما همه حاضریم با کمترین دستمزد کار کنیم."[۹۱] یتکین بر این باور بود که شاید کاندیداهای DTP بیش از "جدایی مثبت" که عثمان بایدمیر و دیگر سیاستمداران DTP از آن طرفداری می‌کردند،

---

[۸۹] *تودیز زمان*، ۲۲ فوریه ۲۰۰۹.

[۹۰] همان.

[۹۱] همان.

باید به پدیده بیکاری توجه کنند."[۹۲] یتکین فکر می‌کرد مردم و جوانانی که وی با آنها صحبت کرده بود جدایی مثبت یا هر نوع جدایی دیگر از بقیه ترکیه را نمی‌خواستند بلکه می‌خواستند مانند آنکارا، استانبول و آنتالیا باشند – نه متفاوت. او نتیجه گرفت اگر AKP در دیاربکر ببازد، بویژه از آنجا که انتظار می‌رفت AKP در سطح ملی آرای بیشتری به نسبت آرای ۲۰۰۷ به خود اختصاص دهد، این باخت شکست بزرگی نخواهد بود اما پیروزی در دیاربکر برای حفظ DTP کاملاً حیاتی بود؛ از دست دادن دیاربکر برای DTP شکستی فاجعه بار –و مصیبتی سیاسی- خواهد بود. او فکر می‌کرد همزمان با گرم‌تر شدن رقابت‌های انتخاباتی، DTP بیش از پیش در موضع تدافعی قرار می‌گیرد. DTP شاید در دیاربکر برنده و در بخش‌های آن بازنده شود. یتکین فکر می‌کرد اردوغان هنوز خرگوش‌های زیادی دارد که از کلاهش بیرون بیاورد. از این نظر، این‌گونه پنداشته می‌شد که انتخابات ۲۹ مارس خیلی مهم‌تر از انتخابات سراسری ژوئیه ۲۰۰۷ است.[۹۳] شکوه جوانان دیاربکر از کمبود کار منعکس‌کننده اقتصاد رو به زوال ترکیه بود. فقط در ماه فوریه، صادرات به نسبت سال گذشته ۳۵ درصد کاهش یافت. در فوریه ۲۰۰۹، آمار بیکارهای ترکیه به حدود سه میلیون نفر رسید که بدترین آمار پنج سال اخیر بودند. آمارهای بیکاری حاکی از این بود که (از نظر آمار بالای بیکاری) ترکیه چهارمین کشور جهان است. آمار بیکاری در فوریه ۲۰۰۹ به نسبت فوریه ۲۰۰۸، ۲.۲ درصد افزایش یافت. در سال گذشته ۵۲۴۰۰۰ نفر بیکار شده بودند. بیکاری در شهرها به ۱۴.۲ درصد نیروی کار و در مناطق غیرشهری به ۹.۳ درصد افزایش یافت.[۹۴] اما بیکاری در شرق و جنوب شرق در بین جوانان به بیش از ۵۰ درصد می‌رسید. راهبرد AKP ترغیب مردم جنوب شرق در این جهت بود که این حزب می تواند بهتر از DTP پاسخگوی نیازهای آنان برای اشتغال‌زایی باشد.

گزارشات دیگر، تاخت و تاز اردوغان در دیاربکر را به اندازه گزارشی که در بالا تشریح شد مثبت ارزیابی نکردند. روشن چاکیر از مقاله‌نویسان روزنامه *وطن* نوشت "بسیاری از

---

[۹۲] در صفحات پیشین 'جدایی مثبت' را تعریف کردم.

[۹۳] همان.

[۹۴] حرّیت، ۱۷ فوریه ۲۰۰۹.

افراد غرب کشور که شاهد سخنان اردوغان بودند، باید مثل من متوجه منظور او شده باشند. با این حال فکر نمی‌کنم اظهارات اردوغان همان چیزهایی باشد فردی دیاربکری از او انتظار دارد" مقصود وی این بود که مردم دیاربکر توقع داشتند ابتکارات واقعی‌تر و منسجم‌تری از اردوغان بشنوند.[95] انیس بربراوغلو مقاله‌نویس روزنامه حرّیت خاطر نشان ساخت "او قضیه کُردی را متأثر نکرد و فقط در مورد مبالغ سرمایه‌گذاری صحبت کرد."[96] کرد."[96] بربراوغلو پس از مصاحبه با مردم به این نتیجه رسید که آنها از حکمرانی بایدمیر خوشنود بودند. اما گزارشگران دیگر روزنامه‌های طرفدار AKP، مانند *دیلی زمان* و ینی شفک همان‌گونه که انتظار می‌رفت به دیدار اردوغان از دیاربکر خوشبین‌تر بود.[97] یکی از جنبه‌های بی‌نظیر و بی‌سابقه دیدار اردوغان از دیاربکر این بود که سخنرانی‌اش در کانال ۶ TRT پخش و به کُردی ترجمه شد.

در ۲۲ فوریه، اردوغان مبارزه را به ماردین برد. ماردین شهری است عمدتاً عرب‌نشین با جمعیت قابل ملاحظه‌ای از آشوری و جمعیت کُردی که در قسمت مناطق داخلی‌تر کشور هستند. او گفت AKP قول داده دانشگاهی در ماردین دایر کند و به عهدش وفا کرده است. او قول داد در آینده‌ای نزدیک گروه زبان و ادبیات کُردی و همچنین گروه مطالعات آشوری در دانشگاه دایر شود. وی خاطر نشان کرد فقط یک دانشگاه در جهان دارای چنین گروه مطالعات دانشگاهی است و آن هم دانشگاه آکسفورد در بریتانیای کبیر است. اردوغان قول داد به زودی گروه مطالعات فارسی و عربی نیز ایجاد شوند. او متذکر شد در زمان به قدرت رسیدن AKP در ۲۰۰۲، ۱۰.۷ درصد بیکاری وجود داشت که هم اکنون بالاتر است، اما گفت این در نتیجه سیاست‌های AKP نبوده بلکه ناشی از بحران اقتصادی جهانی پیش‌بینی نشده بود که همه کشورها را تحت تأثیر قرار داد. او گفت این مصیبت نباید به موضوعی انتخاباتی تبدیل شود: "اگر راه‌حلی برای بحران اقتصادی وجود دارد و اگر طیب اردوغان قادر به اجرای آن راه‌حل نیست من حاضرم سیاست را ترک کنم. شما [اشاره به دنیز بایکال و دولت باهچلی، رهبران CHP و MHP] راه‌حلی بیابید. اگر راه-

---

[95] حرّیت، ۲۳ فوریه ۲۰۰۹.

[96] همان.

[97] حرّیت، ۲۳ فوریه ۲۰۰۹.

حلی وجود ندارد حرف اضافی نزنید. البته، موقعیت مستحکم شما در انتخابات ۲۹ مارس گرفته می‌شود."[۹۸]

کُردی در پارلمان؟

احتمالاً متأثر از پخش سخنرانی ۲۱ فوریه اردوغان در دیاربکر از کانال ۶ TRT، احمد ترک رهبر اعضای پارلمانی DTP در ۲۳ فوریه پس از سخنرانی به ترکی، قبل از اینکه کانال تلویزیونی پارلمان صدا و تصویرش را قطع کند برای دقایقی نیز به کُردی سخنرانی کرد. احمد ترک به کُردی گفت او بخاطر احترام به روز بین‌المللی زبان مادری یونسکو صحبت می‌کند که در پی ترویج چندزبان‌گرایی و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی و زبانی است. احمد ترک در سخنانش خاطر نشان کرد، "چندزبان‌گرایی موهبت است و این موهبت باید اجازه زندگی داشته باشد و باید از آن حمایت کرد. همه زبان‌های جهان زیبا و معصوم هستند و به برادری بین مردم کمک می‌کنند؛ زبان‌ها برادرند. گفتن اینکه هر زبان خاصی کشور را تقسیم می‌کند، فقط نژادپرستی را تقویت می‌کند. این نیز دموکراتیک نیست که بگوییم همه زبان‌های کشور با هم برابرند یا باید برابر باشند."[۹۹] احمد ترک خاطرنشان کرد طی دیدارهای مبارزات انتخاباتی اردوغان از جنوب شرق، بسیاری از همراهان وی به کُردی سخنرانی کردند، وی گفت "آیا این بدان معناست که کردها حق تکلم به زبان کُردی را ندارند اما اعضای AKP و مقامات دولتی از چنین حقی برخوردارند؟ ما [کردها] اعتراضی به اینکه ترکی زبان رسمی کشور است نداریم اما می‌خواهیم همه موانع بر سر راه تکلم به زبان کُردی در ادارات محلی، آموزشی، رسانه و حکومت محلی برداشته شود و خواستار حمایت قانون اساسی از این قضیه هستیم؛ به سادگی می‌توان گفت که این مطالبه‌ای بشردوستانه است."[۱۰۰] وی افزود زنان نماینده روسری می‌پوشند و با آن در جلسات پارلمان حضور می‌یابند این در حالی است که قانون

---

[۹۸] همان.

[۹۹] *رادیکال*، ۲۴ فوریه ۲۰۰۹.

[۱۰۰] همان.

اساسی چنین چیزی را منع کرده است پس چرا نمایندگانی که زبان مادری‌شان کُردی است نباید به این زبان صحبت کنند؟[۱۰۱]

جسارت احمد ترک در تکلم به زبان کُردی در پارلمان، طوفان خشمی برانگیخت. سخنگوی پارلمان کوکسال توپتان بلافاصله در پاسخی مکتوب اظهار داشت "امور قانونگذاری در پارلمان فقط شامل کارهای تجمع عمومی نیست بلکه جلسات هیئت مشاور، کارهای کمیسیون و جلسات گروهی و احزاب سیاسی را هم در بر می‌گیرد. استفاده از هر زبانی غیر از ترکی به معنای نقض آشکار قانون اساسی است."[۱۰۲]

توپتان قبل از ایراد بیانیه مکتوبش، قبلاً به خبرنگاران گفته بود "زبان رسمی ترکی است. این در قانون اساسی واضح است و در قانون احزاب سیاسی هم آمده است. در چنان جلساتی باید به ترکی صحبت شود."[۱۰۳] قابل ذکر است توپتان گفت احمد ترک از بابت کار گستاخانه‌اش با مجازات قانونی مواجه نخواهد شد. به نظر می‌رسید موضع توپتان این‌گونه القاء می‌کرد که مقامات دولتی ترکیه حاضرند به استفاده وسیع‌تر از کُردی در پارلمان و همچنین در ادارات استان و رسانه‌ها تن بدهند. تنها مسئله باقی مانده این است که چنین کارهایی تا چه حد کنترل ناسیونالیسم کُردی را برای دولت آسان‌تر می‌کند.

ایستگاه تلویزیونی TRT گفت چاره‌ای جز قطع پخش برنامه جلسه گروه DTP که در آن احمد ترک سخنرانی می‌کرد نداشته است زیرا مطابق متن صریح قانون در جلسات پارلمان یا انجمن‌های احزاب سیاسی نباید به هیچ زبان دیگری غیر از ترکی صحبت شود. اما برخی احزاب حامی احمد ترک بودند و از اقدامات دولت انتقاد می‌کردند. جای تعجب نبود که مصطفی اوزیورک سخنگوی CHP حزب اصلی اپوزسیون گفت "قطع صحبت‌های احمد ترک توسط TRT درست نیست. این کار سانسور است. TRT نباید رهبر حزبی سیاسی را سانسور کند. البته زبان رسمی ترکی است. تبعیت آقای ترک از این قانون لازم است. اما به نظر من سانسور سخنان [کُردی] او توسط TRT کار درستی نبود."[۱۰۴]

---

[۱۰۱] همان.

[۱۰۲] حرّیت، ۲۴ فوریه ۲۰۰۹.

[۱۰۳] همان.

[۱۰۴] همان.

سخنگوی حزب راستگرای MHP، دبیر کل MHP جیهان پاچاچی جسورتر بود و گفت، "آقای احمد ترک اشتباه کرد اما پخش برنامه‌ای به زبان کُردی توسط TRT یک اشتباه واقعی بود."[۱۰۵] روشن بود که تصمیم رهبریت پارلمانی DTP و احمد ترک برای سخنرانی احمد ترک به زبان کُردی در نشست رسمی پارلمان نشان دهنده بالا گرفتن قضیه استفاده از زبان کُردی به عنوان یک مطالبه سیاسی عمده و مهم است، که در میان رأی-دهندگانی که در مسیر تند انتخابات ۲۹ مارس قرار گرفته‌اند انعکاس خواهد یافت. جنگیز چاندار که از نزدیک رقابت‌های انتخاباتی را رصد می‌کرد دلیری احمد ترک را ستود. او اظهار شگفتی کرد که چگونه دولت و AKP معترض شده‌اند در حالی‌که فقط سه روز قبل، سخنرانی نخست وزیر ترکیه در دیاربکر بطور همزمان به کُردی از TRT پخش شد. چاندار در ادامه افزود نخست وزیر در مراسم افتتاح شبکه کُردی کانال ۶ TRT چند کلمه‌ای به کُردی، زبانی که آن را نمی فهمد صحبت کرد. چرا اینقدر عجیب بود که احمد ترک که زبان بومی‌اش کُردی است در پارلمان به کُردی صحبت کرد؟ چاندار اضافه کرد قوانین پارلمان و دولت ترکیه نیز به نوعی قدیمی شده و منعکس‌کننده نیازهای جامعه نیستند.[۱۰۶]

برخی اندیشمندان کُرد مانند محمد متینر از صحبت کردن احمد ترک به کُردی انتقاد کردند. او فکر می‌کرد کار احمد ترک تأیید کرد "DTP که احساس می‌شد با راه‌حلی نرم در مورد مسئله کُردی که خود در فرایند آن حضور نداشته باشد راحت نیست، اکنون با پیگیری تبدیل مسئله زبان کُردی به یک بحران، در پی به وجود آوردن فضای شک و تردید است. این حزب به افراط‌گرایی 'همه یا هیچ' متکی است و به تحریک متوسل می-شود که منجر به بن بست رسیدن هرگونه تلاش برای یافتن راه‌حل می‌شود. بیاد آورید که آنها اولین کسانی بودند که قویاً با پخش برنامه کُردی TRT مخالفت کردند و سپس مدعی شدند این ایستگاه تلویزیونی در اثر تلاش‌های آنها راه‌اندازی شده است. DTP

---

[۱۰۵] همان.

[۱۰۶] *رادیکال*، ۲۵ فوریه ۲۰۰۹.

حزبی (مناسب) برای ترکیه جدید نیست. کسانی که تحت تأثیر آن واقع می‌شوند پرورده‌های ترکیه قدیم هستند."[۱۰۷]

مومتازر تورکونه دیگر روشنفکر کُرد فکر می‌کرد صحبت کردن احمد ترک به کُردی زمان مناسبی فراهم کرد تا متوجه شوند آیا قدرت‌های درون دولت "نگاه سیاسی" لازم برای توجه کامل به مسئله کُردی را دارا هستند یا نه. او فکر می‌کرد این کار فرصت خوبی برای سنجش سطح آمادگی مقامات حکومتی و دولتی برای این سیاست جدید فراهم کرد اما مقامات دولت و حکومت در امتحان رد شدند. تورکونه فکر می‌کرد قضیه زبان، قضیه اساسی و مرکزی مسئله هویت کُردی است:"سخنرانی رهبر DTP به کُردی نشان داد این موانع برای پیگیری سیاست‌های کُردی بر اساس هویت، اساسی و حیاتی هستند. اگر موانع سر راه زبان کُردی برداشته شوند سیاست‌های هویت‌مرکز بی‌معنا خواهند شد."[۱۰۸] تورکونه سیاسی‌سازی بیشتری که صحبت‌های احمد ترک در پی آورد را ستود چرا که وی فکر می‌کرد "سیاسی‌سازی به معنای پایان خشونت است نه توافق بر سر مسئله. پیشرفت‌های اخیر خوب بوده‌اند، با این حال، این نشان می‌دهد قضیه کُردی از راه‌حل اسلحه‌مدار، به راه‌حلی با محور سیاسی در حرکت است: سیاست‌های کُردی نسبت به محافل نزدیک به دولت آمادگی بیشتری برای شرایط جدید دارند.[۱۰۹]

اعضای پارلمانی DTP به اندازه تورکونه در مورد نیاز به نگاه جدید و متفاوت سیاسی مُصر نبودند. در سخنرانی انتخاباتی در نوصیبین، از شهرهای عمدتاً عرب و کردنشین نزدیک مرز سوریه، آمنه آینا نماینده DTP از ماردین گفت"برای تکلم به زبانمان نیازی به اجازه AKP یا TAF نداریم. ما همه جا با زبان خودمان صحبت خواهیم کرد. هیچ اختلاف و تقسیم بندی بین کردها نیست. اگر شما کانال تلویزیونی زبان کُردی بوجود آورده‌اید و در آن کانال هنوز می‌گویید، 'یک زبان'؛ 'یک ملت'؛ این اختیار و قدرتی به کردها نمی‌دهد. چرا آنها [دولت و AKP] تاکتیک‌هایشان را تغییر داده‌اند؟ آیا بخاطر در راه بودن انتخابات است؟ ما آماده‌ایم برای ۳۰ سال دیگر هم به منازعه ادامه بدهیم. هیچ-

[۱۰۷] *تودیز زمان*، ۱ مارس ۲۰۰۹.

[۱۰۸] همان.

[۱۰۹] همان.

کس نباید در این مورد تردید کند. ترکها هم اکنون می‌گویند، 'روژ باش' یعنی 'صبح بخیر'. که چه؟ این به دلیل در راه بودن انتخابات است. انتخابات ۲۹ مارس یک رفراندوم است."[۱۱۰] آینا در ادامه گفت اوجالان در سلول زندانش می‌گوید انتخابات فرصت خوبی برای پیشنهاد آتش‌بس فراهم می‌کند. او گفت مردم جنوب شرق آماده استقبال از صلح هستند: "مردم دیاربکر به دلیل بمب‌گذاری‌های متوالی نمی‌توانند بخوابند. آنها وقتی صبح برمی‌خیزند، همه از اینکه چند نفر یک ساعت دیگر خواهد مرد در بهت و حیرت هستند. بیایید این مرگ‌ها را متوقف کنیم."[۱۱۱] تفاوت بین خطابه‌های این کاندیدای DTP با سخنان اندیشمندان کُردی همچون سار محمد متینر، مومتازر تورکونه و بژان ماتور نیز نشان می‌داد که کردها در میان خود چقدر در مورد اینکه باید کدام رویکردها، تاکتیک‌ها و راهبردها را برای حل مسئله کُردی در ترکیه انتخاب کنند، با هم اختلاف نظر دارند.

---

[۱۱۰] *رادیکال*، ۱ مارس ۲۰۰۹.

[۱۱۱] همان.

فصل ۱۰:
ادامه رقابت‌ها در داخل

همزمان با اینکه تقویم انتخابات وارد آخرین ماه خود شد، مسائل و قضایای دیگری غیر از مسئله کُردی، از قبیل مسئله زبان، ادامه تحقیقات در مورد توطئه ارگنکون، و قضایای مهم دیگر بین کردها و ترکها، DTP و AKP، PKK و DTP و روابط ترکیه و KRG و همچنین روابط بین KRG با PKK و DTP وجود داشت که انتخابات ۲۹ مارس را خسته‌کننده می‌کرد. حزب عدالت و توسعه (AKP) به رهبری نخست وزیر اردوغان وارد نبردهای انتخاباتی شدیدی با رهبر حزب مردم جمهوری‌خواه (CHP) دنیز بایکال و رهبر حزب حرکت ملی (MHP) دِولت باهچلی از مهمترین رهبران احزاب سیاسی معترض به انتخابات شد. همه مسائل فوق و مسائل دیگری نیز با مطالب و موضوعات عمده‌ای که در کانون توجه این تحقیق هستند، به هم پیچیده شدند. اما تأکید بر اهمیت مسئله کُردی به مهمترین قضیه انتخابات ۲۹ مارس تبدیل شد، در این فصل من به ذکر اهمیت قضایای ذکر شده در کل این تحقیق ادامه داده و چرخش‌ها و دگرگونی‌های آنها را در آخرین ماه مبارزات انتخاباتی مورد بررسی قرار خواهم داد.

موج شدید انتقادات، و حمایت از بی‌پروایی احمد ترک در سخنرانی در پارلمان به زبان کُردی هنوز عامل سخنرانی‌های انتخاباتی شدیدی بود. در ۲۵ فوریه، فقط سه روز پس از سخنان احمد ترک عضو DTP، حسین جنگیز نماینده پارلمانی عضو DTP از وان، و اوزدال اوچر و فاطمه کورتالان، اردوغان را نصیحت کردند که دیگر به شهر وان بخصوص قبل از انتخابات ۲۹ مارس برنگردد. در چندین سخنرانی سه نماینده مزبور اظهار داشتند اردوغان هیچ برنامه‌ای برای حل مسئله کُردی ندارد و به همین دلیل آنها از وی خواسته‌اند دوباره به وان برنگردد. آنها بیانیه‌ای دادند و در آن متذکر شدند سیاست اردوغان یکی از موارد زیر بوده است:

> "انکار، خونریزی، کشتار و نابودی. [اگر او بیاید] چه خواهد گفت؟ می‌گوید شما را انکار نمی‌کنم؟ می‌گوید اینجا [در کردستان] کشتار و قتل عام نمی‌کنم؟ یا خواهد گفت از بابت سیاست‌های اجرا شده انکار و نابودی طی ۸۵ سال

جمهوری متأسف است؟ ما نمی‌دانیم او چه خواهد گفت. اگر نگوید متأسف است، از آمدن به اینجا چیزی به دست نخواهد آورد. این واقعاً خشمگین‌کننده است. این تحریک‌کننده است و مردم را عصبانی می‌کند. این برای اختلاف عقیده انداختن بین ماست. و ما به آن معترضیم. از هم اکنون ما می‌گوییم، 'به وان نیا'؛ تو نباید بیایی. اگر می‌آیی، با یک راه‌حل بیا. ما بخاطر این تو را تحسین می‌کنیم. در غیر این صورت، ما به مردم می‌گوییم با این شخص، اردوغان، که سیاست راه‌حل ندارد دیدار نکنید. علاوه بر این، شایان ذکر است همزمان با نزدیک شدن انتخابات برخی ابتکارات و طرح‌ها درباره فرهنگ و زبان کُردی صورت گرفتند، اما چند روز قبل وقتی گروه پارلمانی ما در انجمن حزبی به کُردی صحبت کردند، نقاب‌ها دوباره افتادند."[1]

فارغ از منظور احمد ترک از ایراد نیمی از سخنانش به زبان کُردی در انجمن حزبی DTP، این کار او را قادر ساخت مسئله زبان را یک بار دیگر در کانون مناظره‌های انتخاباتی قرار دهد و به عنوان بانگ مجدد DTP و ناسیونالیسم کُردی مورد استفاده قرار دهد.

اردوغان اولین روز از آخرین ماه مبارزات انتخاباتی را با ایراد سخنرانی مبارزاتی مهیجی در باتمان که در چند مایلی دیاربکر است آغاز کرد. او بلافاصله به DTP حمله برد و گفت در حالی که AKP می‌خواهد زخم جنگ‌ها و وحشی‌گری‌های گذشته را پانسمان کند، DTP "زخم‌های باز را می‌خراشد."[2] نخست وزیر در اشاره به حمله‌ای که چند روز قبل توسط برخی حامیان متعصب DTP به گروه زنان AKP روی داده بود گفت "محض رضای خدا، نمی‌توانم درک کنم چرا کسی باید به گروهی زن، فارغ از اینکه به کدام حزب تعلق خاطر دارند حمله کند. این چه نوع اخلاق یا وجدان است؟ آیا می‌توانیم این زشتی و ناهنجاری را تحمل کنیم؟ آیا کسانی که فقط ابزارهای خشونت را می‌شناسند می‌توانند هیچ فایده‌ای برای ملت یا کشورشان داشته باشند؟ این‌ها در مورد دیدگاه به زنان و دموکراسی چه می‌توانند بگویند؟ دموکرات بودن و استفاده از اجبار با هم همخوانی

---

[1] *رادیکال*، ۲۶ فوریه ۲۰۰۹.

[2] *حریت*، ۱ مارس ۲۰۰۹.

ندارند. برای کسب آراء باید نظر رأی‌دهندگان را جلب کرد. شما با اجبار نمی‌توانید محبت مردم را به خود جلب کنید. شما این را در ۲۹ مارس خواهید دید. ما در صندوق-های رأی درس‌های لازم را به آنها خواهیم داد.[۳]

اردوغان در باتمان نیز قضیه کثیفی و آشغال‌ها را دوباره پیش کشید. او گفت وقتی از فرودگاه می‌آمده، مرداب‌های کثیف دور شهر را دیده است. او سپس از جمعیت پرسید "آیا اینجا شهرداری دارد؟ اگر دارد چه می‌کند؟ آیا وظیفه کارکنان شهرداری نیست که شهر را پاکیزه و پارک‌ها را زیبا کنند و زیربنا و شالوده‌ای بنا کنند؟ ما چرا انتخابات محلی داریم؟ ما رأی خود را به کسانی خواهیم داد که برایمان خدمات فراهم کنند نه ایدئولوژی. نباید رأی‌ها را به هویت سیاسی داد بلکه باید به خدمات رأی داد. ما حزبی هستیم که سرنوشت باتمان و دیاربکر را با سرنوشت آنکارا یکی می‌بینیم. سرنوشت دجله و کزلرماک یکی است،" و این با توجه به این واقعیت است که انشعاب‌های کزلرماک از آنجایی سرچشمه می‌گیرد که احمد ترک جغرافیای کردستان می‌نامد.[۴]

افزایش "کالاهای سفید" انتخاباتی

همزمان با اینکه توزیع گسترده کالاهای سفید در استان تونجلی ادامه یافت، توزیع کالاهای سفید دیگری هم در دیاربکر انجام شد. در مراسم ازدواج بزرگی که با حمایت جامعه همبستگی و کمک بین‌المللی برگزار شد و در آن ۲۰ زوج ازدواج می‌کردند، بسیاری مقامات حکومتی شامل استاندار دیاربکر حسین آونی موتلو حضور داشتند و این رویداد را فرصت انتخاباتی بی‌نظیری برای AKP تلقی می‌کردند. در کنار موتلو، همراهان AKP شامل نماینده پارلمانی عضو AKP عبدالرحمن کورد، علی احسان مردان اوغلو و قطب-الدین آرزو کاندیدای AKP برای پست شهرداری و رقابت با عثمان بایدمیر بودند. هیئت نمایندگان AKP به هر زوج یک یخچال، ماشین لباسشویی، گاز آشپزی و یک تخته

---

[۳] همان.

[۴] رود کزلرماک از نزدیک آنکارا می‌گذرد اما از استان ارزنجان سرچشمه می‌گیرد، از نزدیک آنکارا رد می‌شود و در بافرا بین سینوپ و اوردو به دریای سیاه سرازیر می‌گردد.

فرش هدیه دادند. اتوبوس‌های انتخاباتی AKP که از پوسترهای انتخاباتی AKP پوشیده شده بودند جلوی کامیون‌های حامل کالاهای سفید به محل مراسم عروسی حرکت می-کردند. بعد از تقسیم همه لوازم خانگی، عروس‌ها و دامادها و کاندیداهای AKP ترانه‌های کُردی را با شادی سر دادند. پس از خواندن آهنگ‌های سنتی کُردی، مقامات AKP به هر زوج یک ساعت و چند قطعه طلا هدیه کردند.[5]

پاسخ آمنه آینا

در همان روزی که کالاهای سفید در دیاربکر پخش شد، آمنه آینا در شهر بزرگ آدنا بود. این شهر هم اکنون به دلیل جابجایی کردها از جنوب شرق و شرق به شهرهای بزرگ در نتیجه اعمال سیاست پاکسازی قومی توسط TAF طی جنگ داخلی دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، دارای جمعیت کُرد زیادی بود. آینا در بخش جیحان آدنا سخنرانی کرد. این بخش همجوار کوچوک‌کرم بود که وی در آنجا ستادی انتخاباتی برای DTP گشوده بود. او گفت در واقع دو حزب در انتخابات هستند –DTP و احزاب "عَلَم شده" دیگر. او گفت ویژگی احزاب عَلَم شده این است که فکر می‌کنند فقط باید طی قراردادهایی در خدمت حکومت محلی باشند در غیر این صورت هیچ فایده دیگری ندارند.

او قول داد در عوض این احزاب، DTP برای مشارکتی معنادار و آزاد تلاش کند. نه AKP، و نه CHP یا MHP واقعاً ترکیه را دوست ندارند. آینا پس از انتقاد از احزاب دیگر، در ادامه به برخورد ناگوار اردوغان با پرز در داووس پرداخت و آن را یک "نمایش" محض دانست و خاطر نشان کرد ترکیه ثروت‌هایش را در عوض سود کمی به اسرائیل می‌دهد. اگر اردوغان واقعاً می‌خواهد از فلسطینی‌ها حمایت کند، چرا روابط نظامی و تجاری با اسرائیل را متوقف نمی‌کند؟[6] به نظر می‌رسد اشاره آینا به داستان داووس نشان می‌داد DTP اقدامات اردوغان را در آنجا به عنوان کاری مثبت که مورد پذیرش

---

[5] *رادیکال*، ۷ مارس ۲۰۰۹.

[6] *رادیکال*، ۷ مارس ۲۰۰۹.

کردهای جنوب شرق است تلقی کرده است، و انتقادات او از اسرائیل می‌توانست آرای برخی رأی‌دهندگان را در انتخابات ۲۹ مارس به سمت AKP سرازیر کند.

ضعف در زبان کُردی بین اعضای پارلمانی DTP

در واکنش‌های دیگر به سخنرانی احمد ترک به کُردی، انتقادات سریعاً خاطر نشان کردند بیشتر یا تقریباً همه گروه پارلمانی DTP نفهمیدند احمد ترک چه گفت و این بدلیل ندانستن کُردی یا فهم بسیار کم آن بود. گزارشی در *تودیز زمان* برآورد کرد "حداکثر فقط نیمی از نمایندگان DTP می‌توانند به کُردی ارتباطات اولیه را برقرار کنند. نمایندگانی که به کُردی کرمانجی و کُردی زازا تکلم می‌کنند، نمی‌توانند حرف یکدیگر را بفهمند. آمنه آینا که به دلیل غضب و تندی‌اش به عنوان یک 'باز' شناخته شده، و صباحات تونجل که پس از برگزیده شدن به عنوان نماینده از زندان آزاد شده، به کُردی صحبت نمی‌کنند. نمایندگان دیاربکر صلاح‌الدین دمیرتاش و آیسل توغلوک، نماینده تونجلی شرف‌الدین هالیس و نماینده باتمان آیلا آکات آتا از آن نمایندگان DTP هستند که به لهجه زازا صحبت می‌کنند و بنابراین نتوانسته‌اند صحبت‌های احمد ترک را بفهمند."[۷]

توغلوک در دفاع از نمایندگانی که به کُردی صحبت نمی‌کردند گفت "بسیاری از ما به کُردی تکلم نمی‌کنیم، اما این تقصیر ما نیست".[۸] آکین بیردال، از نمایندگان دیاربکر، ترک است اما پس از اینکه به نمایندگی برگزیده شد شروع به یادگیری کُردی کرد؛ با این حال علی رغم اینکه پیشرفت‌هایی در زبان کُردی کسب کرده اما ظاهراً پذیرفته که نمی-تواند نکات اساسی سخنان احمد ترک را بفهمد.[۹]

ضعف در زبان کُردی بین اعضای پارلمانی DTP دغدغه‌هایی جدی بوجود آورد و اعلام شد اعضای پارلمانی فوراً یادگیری کُردی (لهجه کرمانجی) با تأکید بر خواندن، نوشتن و دستور زبان را شروع می‌کنند و این کارها را نیز به هزینه شخصی خودشان انجام خواهند

---

[۷] *تودیز زمان*، ۲۷ فوریه ۲۰۰۹.

[۸] همان.

[۹] همان.

داد. با این حال رئیس سازمان کُردی آموزش دروس، احمد آدای گفت شرکت در کلاس‌ها برای همه آزاد است، چه بتوانند هزینه آن را بدهند و چه نتوانند. آدای متذکر شد پس از سخنرانی احمد ترک به کُردی در انجمن پارلمانی DTP علاقه به یادگیری کُردی به هر دو لهجه کرمانجی و زازا متعاقباً افزایش یافت. در ۵ مارس هم اعلام شد دانشگاه بَلگی واقع در مرکز استانبول برای ترم بهار ۲۰۰۹ کلاس‌هایی به کُردی برگزار خواهد کرد و بدین صورت اولین دانشگاه ترکیه می‌شد که چنین کاری را انجام داده بود. در حالی که قبلاً توسط مقامات حکومتی اعلام شده بود گروه‌های زبان و ادبیات کُردی در دانشگاه‌های بزرگی چون دانشگاه‌های آنکارا و استانبول دایر خواهد شد، اما دانشگاه بلگی با ارائه کلاس‌های زبان کُردی ضربه محکمی به آنها وارد آورد. به نظر می‌رسید تعدادی دانشگاه دیگر نیز چنین کاری را انجام بدهند.

کشیده شدن مجدد اردوغان به قضیه زبان

شکی در این نبود که در روزهای باقی مانده مبارزات انتخاباتی، مسئله زبان به عنوان اصلی‌ترین موضوع DTP باقی می‌ماند. تصمیم رهبریت DTP و احمد ترک مبنی بر صحبت به کُردی در پارلمان، به این منجر شد که اردوغان مجدداً بکوشد اقلیت را تعریف کند و بگوید کدام اقلیت حق دارند از آموزش زبان برخوردار شود.[10]

چند روز پس از صحبت احمد ترک در پارلمان اردوغان احساس کرد مجبور است یک بار دیگر هم موضعش را در مورد مسئله آموزش به کُردی تعریف کند. موضع وی این بود که چنین امری "غیرممکن است زیرا چنین چیزی در هیچ جای دنیا وجود ندارد. بهترین مثال آلمان است. سه میلیون نفر از برادران ترک من آنجا زندگی می کنند، اگر چه اقلیت‌ها از چنین چیزی برخوردارند اما آنها نیز از آموزش زبان ترکی برخوردار نیستند".[11] در ادامه اردوغان خواست بحث مشابهی را در موضوع آموزش به زبان مادری و آموزش زبان مادری مطرح کند که در دیدار از دیاربکر در آوریل ۲۰۰۸ با سزگین تانریکولو در مورد

---

[10] بحث آتی قویاً بر اساس اطلاعات ولادیمیر فون ویلنبورگ است، ۵ مارس ۲۰۰۹، *www.kurdmedia.com*.

[11] همان.

آن به مباحثه پرداخته بود. در دیاربکر اردوغان استدلال کرد فقط اقلیت‌ها حق دارند از آموزش زبان مادری برخوردار شوند. اما مطابق قانون ترکیه فقط غیرمسلمانان اقلیت محسوب می‌شوند. جوست لاگندیژک رئیس هیئت نمایندگان کمیته پارلمانی اتحادیه اروپا-ترکیه به تعریف اردوغان از اقلیت‌ها پاسخ داد و اظهار داشت اردوغان اشتباه می کند که زبان‌های مهاجر و منطقه‌ای را به هم تشبیه کرده و برابر می‌پندارد. لاگندیژک اظهار داشت در نتیجه تغییر در ماده ۲۶ قانون اساسی ترکیه باید در دیاربکر اجازه استفاده از کُردی داده شود، "البته اگر این اصلاحات اصلاً معنی داشته باشند."[۱۲] ظاهراً لاگندیژک بر مبنای منشور اروپا برای زبان‌های اقلیت یا منطقه‌ای[۱۳] قضاوت می کرد که بنا به آن زبان-های اقلیت یا منطقه‌ای تعریف شده‌اند. زبانی که بطور متداول و رایج در سراسر سرزمین یک دولت یا توسط ملل یک دولت که از گروه یا گروه‌های مابقی جمعیت کوچک‌تر هستند مورد استفاده بوده و از زبان(های) رسمی آن دولت متفاوت است زبان اقلیت یا منطقه‌ای محسوب می‌شود.[۱۴] با این حال، این تعریف لهجه‌های زبان(های) رسمی یا زبان-های مهاجر را دربرنمی‌گیرد. منشور اروپا برای زبان‌های اقلیت یا منطقه‌ای، ترکی را در اروپا به عنوان زبانی مهاجر، و کُردی را در ترکیه به عنوان زبان اقلیت/منطقه‌ای می‌شناسد. هدف ECRML حفاظت از زبان‌های قدیمی و در اقلیت، و تسهیل به رسمیت شناختن و حفاظت و ترقی آنها از طریق پخش رسانه‌ای، آموزشی، تحقیق و دانشگاه‌هاست. ECRML تصریح می‌کند منشور فرض می کند حق استفاده زبان‌های اقلیت و منطقه‌ای حقی مسلم است که در (بخش) حقوق سیاسی و مدنی اصول متشکله میثاق بین‌المللی ملل متحد نیز آمده است و به دادگاه میثاق اروپا برای حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی هم پیشنهاد شده است. برخی از مفسران فکر می‌کردند موضع اردوغان بر اساس درک غلط از مفاهیم اقلیت در قانون اساسی ترکیه در مقایسه با مفاهیم متفاوت ایده‌های درباره آموزش و زبان‌های اقلیت است. همان گونه که قبلاً اشاره شد بنا به معاهده ۱۹۲۳ لوزان، مسلمانانی همچون کردها اقلیت محسوب نشده‌اند. به نظر می‌رسد ترکیه برای رفع

---

[۱۲] همان.

[13] European Charter for Regional or Minority Languages (ECRML)

[۱۴] همان.

دغدغه اروپا در مورد زبان‌های اقلیت و منطقه‌ای کانال تلویزیونی TRT را برای پخش برنامه به زبان کُردی راه‌اندازی نمود و اعلام داشت گروه زبان و ادبیات کُردی در دانشگاه‌های بزرگ دایر خواهد شد، اما برای ترکیه به رسمیت شناختن زبان کُردی به عنوان زبان منطقه‌ای یک خط قرمز است. تفاوت بزرگ بین ECRML و قوانین و توصیه‌هایش به این برمی‌گردد که زبان‌های اقلیت و منطقه‌ای اروپا و مطالبات ملی‌گرایانه گروه‌هایی که به چنان زبان‌های تکلم می‌کنند بجز موارد استثنایی چون باسک‌ها در اسپانیا و فلم‌ها در بلژیک، برای پیکره دولت فقط یک چالش بودند.

ادامه مشاجرات: DTP و نزاع نگهبانان روستا

کاندیداهای DTP غیر از ناتوانی در فهم زبان کُردی با موانع دیگری هم مواجه بودند. در ۲۶ فوریه وقتی مقامات انتخاباتی DTP به شهر کوچک گورروملو نزدیک سیلوپی از توابع شیرناک رفتند، بین هیئت نمایندگان DTP و ساکنین سیلوپی که مورد حمایت نگهبانان روستا طرفدار دولت بودند نزاعی درگرفت. هیئت نمایندگان DTP تحت رهبری هالیل ایرمز رئیس بخش شیرناک، و آمنه توغورلو کاندیدای شهرداری سیلوپی و حدود ۳۰۰ نفر دیگر بودند. آنها در حومه شهر گورروملو با گروهی حدوداً ۳۰ نفره از نگهبانان روستا مواجه شدند که پرچم‌های ترکیه را تکان می‌دادند. در نزاع پیش آمده، دو نفر از کاروان DTP مجروح شدند. نزاع با چوب و سنگ فقط با دخالت نیروهای ژاندارمری بود که به پایان رسید. پس از آن DTP توانست دفتر حزبی‌اش را افتتاح کند. در اظهارات رسمی افتتاح دفتر DTP هالیل ایرمز رئیس DTP در بخش شیرناک خطاب به جمعیت گفت پرچمی که ساکنین گورروملو و نگهبانان روستا می‌خواستند در چشم ما فرو کنند پرچم DTP هم هست: "ما هیچ مشکلی با پرچم ترکیه نداریم؛ ما همه با هم برادریم. حتی اگر طرفدار همان احزاب نباشیم، نباید به آشوبگران اجازه بدهیم بین ما اختلاف و آشوب

بیاندازند؛ ما باید همه با هم زندگی کنیم. این قوانین بازی است و ما از آنها پیروی خواهیم کرد."[۱۵] پس از افتتاح دفتر حزبی DTP هیئت نمایندگان DTP گوروملو را ترک کرد.
همزمان با ادامه غوغا بر سر تکلم احمد ترک به کُردی در رسانه‌ها که حاکی از اهمیت مسئله زبان در انتخابات آتی بود، توطئه ارگنکون و افشای وحشی‌گری‌های اعضایش به موضوع اول رسانه‌ها تبدیل شد. در ۲۵ فوریه گزارش شد رئیس واحد عملیات‌های ویژه پلیس ملی بهچت اوکتای خودکشی کرده است. در حالی که دلایل خودکشی نامعلوم بود احتمالات گسترده‌ای مبنی بر وجود ارتباط با تحقیقات ارگنکون و دست داشتن او یا اطلاع از کارهای (ارگنکون) بویژه در جنوب شرق وجود داشت. چنان افشاگری‌هایی دوباره توطئه ارگنکون را به عامل مهمی در نبرد DTP و AKP برای جذب آراء در انتخابات ۲۹ مارس تبدیل کرد.[۱۶]

روند جریان در حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG)

در حکومت منطقه‌ای کردستان نیز وقایعی روی داد که بر روند انتخابات ترکیه اثر می‌گذاشت. در ۱۳ فوریه نیروهای امنیتی KRG به سوی گروهی از تظاهرکنندگان طرفدار PKK در شهرهای اربیل و کرکوک که برای دهمین سالگرد دستگیری عبدالله اوجالان آماده می‌شدند آتش گشودند. گزارش شد "تعداد زیادی از مردم به شدت مجروح شدند و حتی دست بعضی از راهپیمایان شکسته شد."[۱۷] مقامات KRG هرگونه صدمه یا شلیک نیروهای امنیتی به تظاهرکنندگان را تکذیب کردند. در آوریل، ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر به طرفداری از PKK تظاهرات کردند. گفته می‌شد تظاهرات توسط حزب "دختران" PKK، حزب راه‌حل دموکراتیک کردستان (PÇDK)[۱۸] سازماندهی شده بود. PÇDK

---

[۱۵] *رادیکال*، ۲۷ فوریه ۲۰۰۹.

[۱۶] *تودیز زمان*، ۲۵ فوریه ۲۰۰۹.

[۱۷] *www.kurdmedia.com*، ۵ مارس ۲۰۰۹.

[۱۸] نویسنده علامت اختصاری این حزب را PCDK نوشته اما PÇDK درست است که مخفف Partya Çareseri Demokratiki Kurdistanê می‌باشد-م.

در ۳ نوامبر ۲۰۰۷ در KRG ممنوع شده بود.[۱۹] در حالی که برخی روزنامه‌ها گزارش می-دادند که PÇDK می تواند در انتخابات استانی برگزار شده در KRG مشارکت داشته باشد، اما صحت این امر روشن نبود. با توجه به همکاری KRG، ترکیه و بغداد علیه PKK، بعید به نظر می رسید PÇDK اجازه مشارکت در انتخابات را نداشته باشد.
اظهارات قوی روز افزون مقامات KRG بویژه نخست وزیر نیچیروان بارزانی مبنی بر اینکه KRG "مطمئناً به اندازه ترکها نگران PKK نیست" بیشتر بر این دلالت داشت که توافقات نوامبر ۲۰۰۸ بین KRG، آنکارا و بغداد در حقیقت به آنها تحمیل شده است.[۲۰] نیچیروان بارزانی در مصاحبه با روزنامه ترکیه‌ای *آکشام* نیز تأکید کرد KRG خیلی از ترکیه خواسته که یک کنسول در اربیل بگشاید. در مورد حمله به تظاهرکنندگان طرفدار PKK در اربیل و کرکوک، بارزانی قویاً اظهار داشت "ما نمی‌خواهیم اجازه دهیم از این سرزمین علیه ترکیه استفاده شود. از این‌رو جلوی تظاهرات بر پا شده در اربیل را که به مناسبت سالگرد دستگیری اوجالان ترتیب داده شده بود گرفتیم."[۲۱] بارزانی همچنین به روزنامه *آکشام* گفت وی از خوانندگان کُرد، جوان هاجو و روژین خواسته در کانال TRT 6 برنامه اجرا کنند. همزمان با نزدیک‌تر شدن انتخابات ۲۹ مارس به نظر می‌رسید مقامات KRG، شامل رئیس آن، از چنین روندی که در انتخابات در جنوب شرق و شرق به نفع AKP تمام می‌شد، ممانعت نمی‌کردند. مقامات و کاندیداهای DTP و ناسیونالیست‌های کُرد باید از اظهارات سرچشمه گرفته از اربیل خشمگین و ناراحت بوده باشند. در حالی که مسعود بارزانی در دیدار نمایندگان DTP اظهاراتی مبنی بر حمایت از آنها ایراد کرد، به نظر می‌رسید اظهارات نچیروان بارزانی حاکی از آن بود که KRG فکر می‌کرد پیروزی AKP در شرق و جنوب شرق بهتر است. این امر بر آن دلالت داشت که KRG می‌خواهد به عنوان عضو مهم توافقات امنیتی KRG، آنکارا، بغداد و ایالات متحده باقی بماند و نه تنها در عراق از سیاست‌هایی که منجر به نابودی PKK در عراق می‌شود حمایت می‌کند بلکه در ترکیه نیز می‌خواهد چنین کند. در این صورت چنین

---

[۱۹] همان.

[۲۰] *www.kurdmedia.com.*

[۲۱] همان. ۵ مارس ۲۰۰۹. اوجالان در ۱۶ فوریه به ترکیه برگشت.

سیاست‌هایی DTP را به حاشیه رانده و ناسیونالیسم کُردی مزاحم در ترکیه را هم از بین می‌برد. در واقع، این چیزی بود که KRG در کنفرانس کُردی-ترکی فوریه در اربیل ترویج کرد.

وقتی TAF در ۶ مارس اعلام کرد طی پنج ماه گذشته در شمال عراق ۳۷۵ تروریست را کشته یا زخمی کرده است، شواهد ملموس‌تری از حمایت KRG از اقدامات نیروهای مسلح ترکیه علیه PKK بوجود آمد. همچنین، وقتی در ۶ مارس گزارش شد TAF می‌خواهد در کمک به بازسازی ارتش عراق فعال‌تر باشد، از سوی مقامات KRG اعتراض یا انتقاد کمی به آن شد. انتظار می‌رفت TAF برای ارتش و پلیس ملی عراق امکانات آموزشی و تحصیلی و لجستیک فراهم کند. در ۳ مارس طی جلسه‌ای با حضور ژنرال حسن اگسیز به نمایندگی از ستاد کل TAF، ژنرال عبدالقادر جاسم وزیر دفاع عراق، فرمانده کل ارتش عراق بابکر زیباری و ژنرال ریموند اودرنو فرمانده نیروهای امریکایی در عراق توافقاتی حاصل شد. رسانه‌های ترکیه خاطر نشان کردند با توجه به این واقعیت که نام خانوادگی ژنرال بابکر زیباری همان نام خانوادگی وزیر امور خارجه عراق هوشیار زیباری است، نشان می‌دهد توافقات قویاً مورد تأیید عالی‌ترین مقامات حکومت عراق است. گفته می‌شد ممکن است حتی قبل از دیدار تعیین شده رئیس جمهور عبدالله گل از بغداد در مارس، توافقنامه مورد تصویب قرار گیرد. اگسیز در مصاحبه‌ای مطبوعاتی تأکید کرد مفاد توافقنامه بر اقدام مشترک علیه PKK مبتنی است. اخبار همکاری‌های بیشتر بین نیروهای مسلح ترکیه، عراق و KRG، در گیر و دار مبارزه انتخاباتی DTP با AKP در جنوب شرق، برای DTP اخباری ناخوشایند بود.

توافقنامه امنیتی نوامبر منجر به تأسیس یک قرارگاه امنیتی مشترک KRG، بغداد و آنکارا در اربیل شد. جلسه ۳ آوریل بین اگسیز، اودرنو و فرمانده نیروهای مسلح عراق سرتیپ عبدالقادر جاسم و بابکر زیباری، روزنامه‌نگاران آگاه ترک را به این نتیجه رساند که طرح‌ها گامی در راستای "نابود کردن یکباره و احتمالاً همه جانبه PKK"[22] بود. اما برخی افراد آگاه نزدیک به TAF مانند محمد علی بیراند مطمئن نبودند این طرح‌ها کامل شوند. چرا

[22] حرّیت، ۱۳ مارس ۲۰۰۹. این قسمت توسط محمد علی بیراند نوشته شد.

PKK نتواند تحت نام یا نام‌های دیگر دوباره ظاهر شود؟ و کدام کشورهای دیگر در صورت حاضر شدن اعضای PKK برای ترک سلاح به شرط نوعی توافقات عفو عمومی حاضر به پذیرش آنها هستند؟ انتشار مجموعه‌ای از چنین داستان‌هایی در روزنامه‌های ترکیه آن هم فقط دو هفته مانده به انتخابات ۲۹ مارس می‌توانست یاری‌دهنده AKP برای جلب تعدادی از آراء باشد.

جنگ پوستری در دیاربکر

در اواسط مارس یک جنگ پوستر واقعی بین AKP و DTP در دیاربکر در گرفت. چهار کاندیدای برجسته DTP –کاندیدای شهرداری دیاربکر عثمان بایدمیر، کاندیدای شهرداری سور عبدالله دمیرباش، کاندیدای شهرداری ینی‌شهر سلیم کربان اوغلو و کاندیدای شهرداری بخش باغلار یوکسل باران- سپرده بودند عکس‌شان را در تمام شهر و بخش‌ها با شعار "آزادی برای شهروندان، آزادی برای شهرها، خودمختاری دموکراتیک و دموکراسی برای جمهوری (ترکیه)" نصب کنند.[۲۳] پوسترهای DTP همچنین بر بسیاری طرح‌ها و ابتکارات جدید DTP برای دیاربکر از جمله خدمات اجتماعی جدید برای همه خانواده‌ها که در واقع از آوریل به اجرا در می‌آمد، تأکید داشتند. طرح‌ها همچنین شامل ۸۷۰۰۰۰ کیلومترمربع[۲۴] پارک جنگلی، کاشت ۲۵۰۰۰ درخت، دریاچه ۱۰۰۰۰ متر مربعی، زمین فوتبال بچه‌ها، اماکن استراحتی و تفریحی، زمین‌های ورزشی، منطقه حفاظت شده پرندگان، مسیرهای دویدن و پیاده‌روی و یک قهوه خانه روستایی بود.[۲۵]

AKP نیز با سیل پوسترهای خود که شعار "کارمان خدمت و توانمان ملت" بر آنها نوشته شده بود DTP را به چالش کشید. اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌های انتخاباتی آراسته به پوسترهای AKP، خدماتی را که حکومت محلی (AKP) برای دیاربکر و چهار بخش حومه آن انجام داده‌اند برجسته می‌کردند و مدعی بودند ادارات و نهادهای تحت مدیریت

---

[۲۳] *رادیکال*، ۱۳ مارس ۲۰۰۹.

[۲۴] رقم مزبور نشان‌دهنده منطقه‌ای به وسعت کردستان عراق است پس احتمالاً رقم ۸۷۰۰۰ مترمربع درست است-م.

[۲۵] همان.

DTP هیچ کاری برای آنها نکرده‌اند.[۲۶] پوسترهای AKP شانه به شانه پوسترهای DTP موسوم به "نکاتی از جبهه دیاربکر" که همه خدمات ادارات DTP به مردم دیاربکر و حومه را ذکر می کرد نصب شده بودند.

هیلاری کلینتون در آنکارا

مؤلفه دیگری که می‌توانست اثر زیادی بر انتخابات ۲۹ مارس داشته باشد آشکار شدن سیاست ایالات متحده در قبال ترکیه بود که حاکی از نقش برجسته‌تر ترکیه در خلاص شدن ایالات متحده از برخی مسائل غامض و اوضاع دشوار در عراق، افغانستان، پاکستان و با ایران، و همچنین روابط ایالات متحده با سوریه، اسرائیل و فلسطینی‌ها بود که ترکیه با همه آنها روابط خوب یا نسبتاً خوبی داشت. برخی روزنامه‌های بین‌المللی و روزنامه‌های ترکیه این فکر را مطرح کرده بودند که پس از انتقادهای اردوغان از اسرائیل در داووس، ایالات متحده جایگاه اهمیت ترکیه و نقش اردوغان را در موضوعات و سیاست‌های حساس برای منافع ایالات متحده در خاورمیانه و در افغانستان و پاکستان تنزل خواهد داد. این احتمالات پس از اینکه نماینده رئیس جمهور باراک اوباما در مناقشه اسرائیل-فلسطینی‌ها، جورج میچل دیدار برنامه ریزی شده از ترکیه را در اواخر ژانویه لغو کرد تا حدودی پذیرفتنی شدند. اما همان گونه که برخی منابع آگاه و بطور برجسته جنگیز چاندار معتقدند، به نظر می‌رسد اقدامات اردوغان در داووس توانایی‌های ترکیه را برای ایفای نقش برجسته‌تر در چندین زمینه مورد دغدغه ایالات متحده افزایش داده است.

وزیر امور خارجه هیلاری کلینتون به هنگام ورود به آنکارا در ۷ مارس و طی مذاکرات با مقامات ترک در هشتم مارس این امر را روشن ساخت. از مهم‌ترین موضوعات مطرح شده مورد توجه این تحقیق، یکی این موضوع است که ترکیه برای خروج نیروهای ایالات متحده از عراق و تخلیه میلیون‌ها تن تجهیزات چه نقشی می‌تواند ایفا کند. دومین موضوع مهم ادامه حمایت ایالات متحده علیه PKK در عراق و تلاش‌های ایالات متحده برای

---

[۲۶] همان.

ترغیب حکومت بغداد و همچنین KRG برای پایان دادن به حضور PKK در عراق است؛ که بطور قابل ملاحظه‌ای توانایی ترکیه را برای مدیریت نه فقط PKK، بلکه DTP و دیگر جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه افزایش می‌دهد. همان‌گونه که در بالا ذکر شد، سیاست‌های ایالات متحده حاکی از این بود که بویژه پس از توافق برای همکاری مشترک بغداد، آنکارا، اربیل و ایالات متحده علیه PKK، و دایر نمودن قرارگاهی در اربیل برای اداره و هدایت اقدامات مشترک علیه PKK، این قضیه بطور جدی در دستور کار قرار می‌گیرد. در جلسه ۳ مارس در اربیل که با مشارکت فرمانده نیروهای ایالات متحده در عراق ژنرال ریموند اودرنو برگزار شد این موضوع مورد تأکید قرار گرفت. نکته شایان توجه این است که جلسه فقط پنج روز قبل از رسیدن کلینتون به آنکارا برگزار شد. کلینتون و مشاورانش بر تعمیق روابط با ترکیه در زمینه‌های مختلف تأکید کردند. این باید نه فقط برای PKK در عراق و در ترکیه بلکه برای DTP نیز زنگ خطری باشد. ناسیونالیست‌های کُرد، غیر از PKK و DTP، باید متوجه شده باشند که هم اکنون ایالات متحده و اروپا نه تنها با هر گونه عملیات نظامی، قضایی یا سیاسی احتمالی ترکیه یا TAF علیه کردها مدارا می‌کنند، بلکه تا حدود زیادی نیز توانایی‌های آنکارا را برای مدیریت سیاسی موفقیت‌آمیز جنبش ناسیونالیستی کُردی در ترکیه افزایش داده‌اند. حضور هیلاری کلینتون در آنکارا آن هم فقط ۲۱ روز قبل از انتخابات محلی باید امید DTP برای کسب پیروزی قابل توجه بر AKP در جنوب شرق را نقش بر آب کرده باشد.

در اینجا قصد ندارم در مورد دامنه گسترده سیاست‌های خارجی و دغدغه‌های عمیق ترکیه، عراق و ایالات متحده بحث کنم. علاوه بر قضیه خروج نیروها و تجهیزات ایالات متحده از عراق، استفاده از فرودگاه‌ها و بنادر ترکیه، شامل پایگاه بزرگ ناتو اینجرلیک و آینده وضعیت ایالات متحده در عراق نیز از مؤلفه‌های مؤثر در افزایش نقش ترکیه هم در روابطش با هر دولت بغداد و هم KRG و هر یک از دو گروه عمده‌اش یعنی KDP و PUK بود. جدای از مسائل کردها و عراق، معلوم شد دیدار کلینتون از ترکیه حاکی از این بود که ترکیه نقش تام و تمامی در سیاست‌های ایالات متحده در قبال ایران ایفا می‌کند. در اوایل مارس اقدامات دیپلماتیک زیادی بین آنکارا و تهران برقرار شد. وزرای مهم دولت ترکیه به تهران، و دیپلمات‌های برجسته ایرانی به آنکارا رفتند. در ۱۱ مارس فقط سه

روز پس از اینکه کلینتون آنکارا را ترک کرد عبدالله گل به تهران رفت. موارد مذکور فقط چندی از مواردی است که نیازمند توجه هم آنکارا و هم واشنگتن بوده و هست. با توجه به اهمیت این موارد برای تحلیلگرانی که مسائل ترکیه را از نزدیک دنبال می‌کنند، جای تعجب نبود که کلینتون به هنگام دیدار از آنکارا اعلام داشت رئیس جمهور اوباما در ۷-۶ آوریل از ترکیه دیدار خواهد کرد. این اولین دیدار عمده اوباما از کشوری خاص بود، و نیاز ایالات متحده به کسب و همکاری ترکیه در موضوعات حیاتی برای آینده ایالات متحده، و در واقع، حیاتی برای ریاست جمهوری اوباما را تأیید می‌کرد. اما هیچ کدام از این موارد به نفع PKK، DTP یا ناسیونالیسم کُردی مسلح نبود. به نظر می‌رسید مسائل سیاست خارجی از هر چیز دیگری که در شش ماه گذشته انتظارش می‌رفت نقش بزرگ‌تری در انتخابات ۲۹ مارس دارند. رأی‌دهندگان در ۲۹ مارس، دیدار کلینتون در مارس و اوباما در ۷-۶ آوریل، به فاصله فقط یک ماه را این گونه تفسیر می‌کردند که AKP قوی است. حتی اگر AKP آن گونه که می‌خواست یا انتظار داشت در جنوب شرق قوی ظاهر نمی‌شد؛ دستاوردهای گسترده‌تر در سطح ملی نیز به آن اجازه می‌داد سیاست‌های قوی‌تری علیه DTP در جنوب شرق پیگیری کند. کلینتون به طور حتم هیچ گونه نقد مهمی از دولت AKP نکرد و بعید به نظر می‌رسید اوباما نیز چنین کند.[۲۷] واشنگتن چگونه می‌توانست از AKP انتقاد کند در حالی که برای بیرون کشیدن نیروهای ایالات متحده از عراق، و روابطش با ایران و مسائل دیگر خاورمیانه سخت به کمک ترکیه نیاز داشت؟

بازگشت به دیاربکر و باتمان

تصمیم سیاسی پخش برنامه کُردی از کانال TRT 6 و توان بالقوه‌اش در جلب نظر رأی‌دهندگان کُرد برای رأی دادن به AKP در ۲۹ مارس وقتی معلوم شد که در ۸ مارس کانال ۶ ویژه برنامه گرامیداشت تولد پیامبر (مولود النبی) در مسجد بزرگ آکویونلو که در

[۲۷] در واقع، اوباما در دیدار ۶ آوریل از ترکیه از نخست وزیر اردوغان به عنوان فردی که خیلی او را تحت تأثیر قرار داده تمجید نمود.

قسمت قدیمی شهر دیاربکر برگزار شده بود را پخش کرد، علاءالدین بوزکورد مفتی مشهور دیاربکر خطابه‌اش را هم به کُردی و هم به ترکی ادا کرد. او در موعظه‌اش رفته رفته به ذکر اهمیت اتحاد و برادری بین کُرد و ترک پرداخت. مفتی قویاً اظهار داشت در اسلام جایی برای نژادپرستی یا ستیز نیست. به نظر می‌رسید ۳۵۰۰۰ نفر حاضر به دقت به حرف‌های بوزکورد گوش می‌دادند. گزارشات رسانه‌ای حاکی از این بود که مردم از اینکه فرصت دیدن برنامه‌ای مذهبی به زبان کُردی را داشته‌اند خوشحال بوده‌اند. علی بارداک اوغلو رئیس هیئت مدیره امور مذهبی، پیام ویژه‌ای به گردهمایی دیاربکر فرستاد و در آن اظهار داشت: "پیامبر عزیزمان دست یاری به یتیمان و نیازمندان می‌داد. او هرگز به کسی صدمه نزد، و هرگز پاسخ بدی را با بدی نداد، اگر چه با موقعیت‌های بسیار دشواری مواجه شد. او نه تنها ما را به دوست داشتن مردم و برخورد نیکو با آنها توصیه کرده، بلکه در طول دوران زندگی خود نیز این گونه رفتار کرد. دوست داشتن پیامبر و برگزیدن او به عنوان الگوی زندگی یعنی شکل دادن به زندگی مطابق توصیه‌ها و اندرزهای او."[۲۸]

اوندر آیتاچ در آنکارا و امرالله (امره) اوسلو از کرسی‌اش در مؤسسه جیمز تاون در واشنگتن،دی.سی.، هر دو جریانات انتخابات ۲۹ مارس در دیاربکر و باتمان را به دقت نظاره می‌کردند. دو تحلیلگر فوق گفتند متعجب شده‌اند که نتایج یک نظرسنجی اخیر در دیاربکر نشان می‌داد AKP حدود ۱۰ درصد از DTP عقب است. آنها بلافاصله اظهار داشتند، با وجود اینکه حتی برتری ۱۰ درصدی را می‌توان یک برتری مهم دانست اما دلایل متعددی حاکی از کمتر بودن چنین فاصله‌ای است.[۲۹] یک، مؤلفه ترس بود یعنی بسیاری از کردها نظر واقعی خود را از ترس نوعی انتقام گروه‌ها و طرفداران PKK و DTP پنهان می‌داشتند. آنها همچنین مؤلفه ترس را به ارعاب فیزیکی و روانی نسبت می‌دادند که کردها در نتیجه اظهارات عثمان بایدمیر مبنی بر اینکه دیاربکر جبهه کردهاست، با آن مواجه بودند.[۳۰] آیتاچ و اوسلو استدلال کردند AKP خوب عمل کرده، و حتی با وجود عقب بودن ۱۰ درصدی و علی‌رغم اظهارات ضدکُردی اردوغان در حکاری که

---

[۲۸] *تودیز زمان*، ۹ مارس ۲۰۰۹.

[۲۹] همان.

[۳۰] همان.

گفته بود "دوستش بدار یا ترکش کن" ممکن است در انتخابات بهتر هم عمل کند. بنا به گفته آیتاچ و اوسلو، "معمولاً این‌گونه بوده که شبکه‌های مذهبی در این منطقه به عنوان 'شبکه ارتباطات' اولیه عمل می‌کنند و وظیفه تفسیر مجدد و انتشار پیام‌های سیاسی را در امورات غیررسمی انجام می‌دهند. به نظر می‌رسد در این منطقه، پیام‌های منفی اردوغان به مردم کُرد، اول توسط این شبکه‌های مذهبی بازتفسیر و متعاقباً منتشر شده است."[۳۱] به نظر می‌رسد منظور از شبکه‌های مذهبی، جنبش گولن، حزب الله، طریقت‌های نقشبندی و همچنین مساجد طرفدار AKP است. آیتاچ و اوسلو استدلال کردند دلیل حمایت کردها از AKP فقط در صورتی به خوبی درک می‌شود که نقش مهم گروه‌های مذهبی روشن شود. این دو نفر می‌گویند این بدان معناست که DTP در ۲۹ مارس شگفت‌زده می‌شود. آنها در ادامه به ذکر اهمیت سیاسی مراسم مولود النبی در شب ۷ مارس، و مراسم روز بین المللی زن در ۸ مارس پرداختند که DTP برنامه‌ریزی کرده بود از آن به عنوان وسیله‌ای برای نشان دادن حمایت از DTP استفاده کند.

آیتاچ و اوسلو مدعی شدند حزب الله برای حمایت از حزب سعادت یا AKP در برابر DTP، مراسم مولودالنبی را برای همان روز برگزاری مراسم روز بین‌المللی زن برنامه‌ریزی کرد. دو تحلیلگر مذکور همچنین قویاً استدلال کردند فنون ارعاب مورد استفاده PKK و DTP واقعاً رأی‌دهندگان را مجبور کرده تمایلات واقعی خود را پنهان کنند. هر دو تحلیلگر فکر می‌کردند با این وجود پیش‌بینی برنده انتخابات ۲۹ مارس هنوز زود است. آنها همچنین فکر می‌کردند AKP این شانس را دارد در باتمان بهتر از دیاربکر عمل کند، و اگر حزب الله از حزب سعادت حمایت نکند شانس AKP در باتمان بیشتر هم می‌شود.[۳۲]

حملات متقابل DTP با سیاست‌های هویت پایه

دقیقاً یک هفته پس از مراسم مولود النبی تحت حمایت حزب الله در مسجد جامع دیاربکر، DTP به رهبری آمنه آینا با خطابه‌های بدیع هویت پایه DTP به کاندیداهای کُرد AKP

---

[۳۱] همان.

[۳۲] همان.

پاسخ داد. "در مبارزه در بخش ادیل استان دیاربکر، آینا کردهایی را که برای AKP مبارزه می‌کردند سرزنش نمود و به حضارش گفت "۳۰ سال پس از آغاز جنبش آزادی کُرد، هیچ کسی که وارد سیاست می‌شود نباید انتظار داشته باشد صرفاً با گفتن اینکه "من یک کُرد هستم" رأی بدست آورد."[۳۳] او سپس در ادامه گفت کردها چگونه از حمایت حزب خلق سوسیالیست (SHP) در انتخابات ۲۰۰۴ ناامید شدند. آینا گفت پس از همه این ناامیدی‌ها کردها متوجه شدند تنها امیدشان برای حل مسئله کُردی DTP است: "طی ۸۵ سال جمهوری ترکیه احزاب زیاد و نخست وزیران متعددی آمده و رفته‌اند. امروز تانسو چیللر و مسعود یلماز در زباله‌دان تاریخ هستند. MHP، CHP و DSP (حزب مام میهن) کجایند؟ کردها همه آنها را به زباله‌دان تاریخ فرستادند. در زباله‌دان تاریخ جایی برای سیاست‌های مزورانه AKP رزرو شده است. در ۳۰ مارس ما برایشان فاتحه خواهیم خواند."[۳۴] از آنجا که الفاتحه سوره اول قرآن است و در مراسم تدفین آن را می‌خوانند، آینا با این سخن به شکست احتمالی در انتخابات ۲۹ مارس اشاره دارد و اظهار امیدواری می کند AKP هم به زباله‌دانی تاریخ فرستاده شود. تنها ۱۴ روز مانده به انتخابات، روشن شد برای انتخابات در جنوب شرق، سیاست‌های بر پایه هویت و زبان از طرف DTP در برابر توزیع وسیع کالاهای سفید، غذا، سوخت، شکر و ماکارونی و به کارگیری گفتمان الزام‌آور انسجام مسلمانان از طرف AKP موارد مشخص رقابت بین دو حزب مزبور بودند. روزهای بعدی پس از ایراد سخنان آینا در ادیل، او و DTP مورد ملامت قرار گرفتند. مراد یتکین که برای روزنامه *رادیکال* قلم می‌زند صریحاً پرسید آیا معیاری قومی برای DTP کفایت نمی‌کند، و آیا مجبور شده‌اند معیاری سیاسی اتخاذ کنند. به زعم یتکین، آینا و DTP قضیه هویت کُردی را که به عنوان کوردایه‌تی تعریف کرده‌اند، در قالب مسئله کُردی آورده‌اند اما با این حال تلاش می‌کنند آن را پنهان کنند.[۳۵] یتکین سپس گفت اظهارات آینا در ادیل مشابه توضیحات سری ساکیک دیگر عضو پارلمانی DTP بود که

[۳۳] *رادیکال*، ۱۴ مارس ۲۰۰۹

[۳۴] همان.

[۳۵] *رادیکال*، ۱۵ مارس ۲۰۰۹.

در *سی‌ان‌ان ترک* گفت انتخابات ۲۹ مارس انتخابات بر سر بودن یا نبودن است."[36] یتکین ارقامی ذکر کرد و گفت اگر DTP بتواند آرای کل خود را از ۲ میلیون رأی که در انتخابات ۲۰۰۷ بدست آورده بود به ۳ تا ۴ میلیون افزایش دهد، موقعیتی بسیار قوی برای بیان مطالبات سیاسی بیشتر کسب خواهد کرد. اما اگر آرای کل آن به ۱.۵ میلیون نزول کند، DTP و PKK باید بطور جدی در راهبردها و سیاست‌هایشان تجدید نظر کنند. یتکین بر این باور بود پاسخ مثبت کردها به پخش برنامه کُردی از کانال TRT 6 یکی از دلایل مجبور شدن DTP برای پیگیری قضیه هویت در مبارزات انتخاباتی بود. یتکین فکر می‌کرد اگر DTP بتواند در ۲۹ مارس ۲.۵ میلیون رأی یا بیشتر کسب کند، این PKK را به افزایش عملیات‌های خشن ترغیب خواهد کرد زیرا آنها این افزایش آراء را یک پیروزی سیاسی تلقی می‌کنند. اگر چنان ارقامی بدست آید، محور جدید کشمکش سیاسی مطالبات DTP و PKK برای فدراسیونی دموکراتیک و فدراسیونی مطابق قانون اساسی شروع خواهد شد.[37] یتکین همچنین فکر می‌کرد چنین پیروزی سیاسی‌ای هر گونه نفوذ DTP بر PKK را تضعیف خواهد کرد، موجب افزایش عملیات‌های خشن PKK هم در شهرها و هم در حومه خواهد شد، و با وجود اختلافات و تفاوت‌های درونی که دو گروه با هم دارند، PKK سلطه‌اش را بر DTP حفظ می‌کند.

به زعم یتکین موازنه‌های درونی بین DTP و PKK در چالش‌های بیرونی که پیش‌رو دارند منعکس نمی‌شود. او سپس به جریانات اخیری که برای PKK و DTP مطلوب نبودند پرداخت. از جمله این جریانات عبارت بود از انتخاب ترکیه توسط رئیس جمهور ایالات متحده باراک اوباما به عنوان اولین کشور خاص برای دیدار؛ اظهارات اخیر رئیس جمهور (ترکیه) گل مبنی بر اینکه برای رفع دغدغه برآمده از مسئله کُردی "چیزهای خوبی اتفاق افتاده"؛ توافقات امنیتی بین ترکیه، حکومت منطقه‌ای کردستان، بغداد و ایالات متحده، و سفر مسعود بارزانی به کشورهای اروپایی در اواسط مارس که طی آن تأکید کرد KRG خواستار روابط بهتر با ترکیه است. یتکین همچنین خاطر نشان کرد حتی رهبر CHP دنیز بایکال در سخنرانی ۱۴ مارس خود در ماردین تأکید کرده سیاست-

---

[36] همان.

[37] همان.

های حکومتی دیگری برای تعامل با مسئله کُردی اتخاذ شده است. او اعلام داشت ابتکاراتی چون اجازه پخش برنامه به زبان کُردی در کانال TRT 6 بر این دلالت دارد که تلاش‌های ملی و بین‌المللی ترکیه برای حل مسئله کُردی در نقطه موفقیت قرار دارد."[۳۸] در مواجهه با سیاست‌های شدید هویت‌پایه DTP، AKP راهبرد کالاهای سفید خود را ادامه داد. در ۱۵ مارس معلوم شد استاندار دیاربکر حسین آونی موتلو به ساکنین باغلار، یکی از بخش‌های دیاربکر قول داده حدود ۱۲۰۰ لیره ترک کمک -۱۰۰۰ لیره به صورت کالای سفید و ۲۰۰ لیره پول نقد- به آنها بدهد.[۳۹] به نظر می‌رسید در جنوب شرق بطور روز افزونی رقابت و ستیز بین راهبرد کالاهای سفید دولت و AKP و سیاست‌های هویتی شدیدتر DTP افزایش می‌یابد. در اواسط مارس به نظر می‌رسید راهبرد کالاهای سفید دولت و AKP بویژه با توجه به افزایش نرخ بیکاری در سراسر ترکیه و بخصوص در جنوب شرق، برای AKP امتیازات بیشتری نسبت به آنچه در انتخابات ۲۰۰۷ بدست آورده بودند به همراه دارد. اما برخی تحلیلگران با این عقیده مخالف بودند. مسعود یغن از دانشگاهیان کُرد فکر می‌کرد انتخابات را می‌توان به عنوان رفراندومی تلقی کرد که در آن مشخص می‌شود آیا "خط مشی PKK-DTP برای گفتگو در مورد حل قضیه کُردی باید دنبال شود یا نه. دولت و حکومت تلاش می‌کنند از این (خط مشی) اجتناب کنند و امیدوارند کردهای محافظه‌کار را به تسلیم وادارند. من بر این باورم DTP که مدعی بازیگر اصلی بودن است، در انتخابات قوی‌تر می‌شود." یغن فکر می‌کرد AKP ممکن است تا بیش از ۱۰ درصد آراء خود را در جاهایی که DTP مشارکت دارد از دست بدهد.[۴۰] (فکر می‌کنم منظور یغن از دست دادن ۱۰ درصد در مقایسه با آرای AKP در انتخابات ۲۰۰۷ است). در نتیجه یغن فکر می‌کرد دو درخواست PKK-DTP قانونی می-شود: یکی عفو عمومی برای شبه نظامیان PKK و دیگری، مطالبه تضمین قانون اساسی در مورد قضیه هویت کُردی."[۴۱] یغن فکر می‌کرد مسئله عفو عمومی در کانون توجه توافقات

---

[۳۸] همان.

[۳۹] *رادیکال*، ۱۴ مارس ۲۰۰۹.

[۴۰] *بیانت*، ۱۷ مارس ۲۰۰۹.

[۴۱] همان.

امنیتی ۳ مارس بین ترکیه، بغداد، اربیل و واشنگتن بوده است. رئیس جمهور عراق جلال طالبانی طی مذاکراتی با اردوغان و گل در ۱۷-۱۵ مارس در استانبول به هر دو نفر تأکید کرد ترکیه باید "شبه نظامیان PKK را که مرتکب قتل نشده‌اند عفو کند و به رهبران PKK اجازه دهد در کشورهای شمال اروپا درخواست پناهندگی سیاسی کنند."[۴۲] رهبر DTP احمد ترک گفت "PKK باید در هر گونه مذاکرات مربوط به حل مسئله کُردی راه یابد."[۴۳] احمد ترک آشکارا نگران دعوت نشدن رهبران گریلای PKK به کنفرانس بین‌المللی کُردی بود که تحت حمایت حکومت منطقه‌ای کردستان در آوریل در اربیل برگزار می‌شد. رهبران گریلاهای PKK از اعلام برگزاری کنفرانس بین‌المللی کُردی در آوریل در اربیل خرسند نبودند. جمیل بایک، که به گمان، پس از مراد کارایلان مرد دوم PKK است، راهبرد آنکارا، واشنگتن، بغداد و اربیل را طرح "حذف" نامید. او گفت راهبرد ایالات متحده در قبال مسئله کُردی این است: "حکومت منطقه‌ای کردستان به همان شکلی که هست باقی بماند و شهر اکثراً کردنشین کرکوک از KRG جدا بماند؛ نیروهای مقاومت در بخش‌های دیگر کردستان، یعنی ترکیه، سوریه و ایران باید خنثی و خلع سلاح شوند؛ قدرت‌های استعمارگر، یعنی ترکیه، ایران و سوریه باید حکومت منطقه‌ای کردستان و وضعیتش را به رسمیت بشناسند؛ و KRG باید به یکپارچگی (سرزمینی) قدرت‌های استعمارگر در منطقه احترام بگذارد."[۴۴]

ظاهراً سناریوی بایک به گفته عبدالله گل اشاره داشت که در ۱۰ مارس به خبرنگاران گفته بود در آینده نزدیک "چیزهای خیلی خوبی راجع به مسئله کُردی اتفاق می‌افتد." مسعود یغن خاطر نشان کرد PKK هیچ نوعی از چنان عفو عمومی را نمی‌پسندد اما "PKK نشان داده اگر چنان طرحی به رسمیت شناختن PKK به عنوان نیرویی مشروع و قانونی را مطرح کند با آن موافقت خواهد کرد."[۴۵] عقیده یغن با اعلام نظر اوجالان از زندان، وزن و اعتبار

---

[۴۲] حریت، ۱۸ مارس ۲۰۰۹.

[43] *Eurasia Daily Monitor*, vol. 6, issue, 51, 18 March 2009. این قسمت توسط امرالله اوسلو نوشته شده است.

[۴۴] همان. ذکر کردن نام ایران در کنار ترکیه و ... کاملاً اشتباه است-م.

[۴۵] *بیانت*، ۱۷ مارس ۲۰۰۹.

بیشتری کسب کرد. اوجالان اعلام کرد "همه گروه‌های کُرد باید در کنفرانس بین‌المللی کُردی حضور یابند. یکی از موضوعاتی که نیازمند بررسی در کنفرانس است، چگونگی باقی ماندن نیروهای مسلح PKK به عنوان نیروی دفاع از کردهاست."[۴۶] اوجالان همچنین اظهار داشت به عنوان بخشی از "معامله بزرگ"، ترکیه باید قانون اساسی جدیدی را بپذیرد که هویت کُردی را به رسمیت می‌شناسد، آزادی فرهنگی کُردی را تضمین می‌کند، آموزش به کُردی را اجازه می‌دهد و تشکیل مؤسسان و اجتماعات پیرامون هویت کُردی را مجاز می‌داند.[۴۷] دوم اینکه، کمیسیونی برای تحقیق در مورد جنایات ارتکابی توسط دولت طی ۳۰ سال گذشته تشکیل شود. سوم اینکه، ترکیه و PKK برای تسهیل مذاکرات صلح اعلام آتش بس کنند. تقویت تدریجی توافقات امنیتی بین ایالات متحده، ترکیه، بغداد و اربیل این فکر را به ذهن می‌رساند که انتخابات ۲۹ مارس در ترکیه شاید به اثرات مهمی بر مسیر جریانات ژئوپولتیک و ژئواستراتژیک در منطقه خاورمیانه بزرگ‌تر منجر شود و بدین ترتیب انتخاباتی محلی با اثراتی جهانی و منطقه‌ای باشد. در ۱۵ مارس روزنامه‌نگاران مشهور ترکیه جنگیز چاندار، حسن جمال، علی برایاند و ایلنوز چویک با رئیس جمهور عراق جلال طالبانی دیدار کردند. در پاسخ به سؤال جنگیز چاندار که از او پرسید احتمال خلع سلاح شدن PKK تا چه حدی است؟ طالبانی پاسخ داد "۶۰ درصد".[۴۸] طالبانی همچنین گفت مسعود بارزانی احتمالاً پس از انتخابات ۲۹ مارس از ترکیه دیدار کند. کارشناسان ضمن اظهار تعجب، گفتند شاید این بدان معنا باشد که مسعود بارزانی انتظار دارد و در واقع امیدوار است DTP در انتخابات خوب عمل نکند. اگر طالبانی و بارزانی به این نتیجه رسیدند DTP در انتخابات زیاد خوب عمل نکرده، هر دو نفر احتمالاً از قدرت قابل ملاحظه‌ای که در پیچاندن دست دارند، برای ترغیب نمایندگان حاضر در "کنفرانس

---

[46] *Eurasia Daily Monitor*, vol. 6, issue, 51, 18 March 2009.

[۴۷] *تودیز زمان*، ۱۹ مارس ۲۰۰۹.

[۴۸] *حرّیت*، ۱۸ مارس ۲۰۰۹. طالبانی برای حضور در کنفرانس جهانی آب طی ۱۵-۲۱ مارس در استانبول بود. لازم به توضیح نیست که مسئله کُردی و مسئله PKK اثرات زیادی بر تصمیمات پیرامون تقسیم آب بین ترکیه، سوریه، عراق و KRG دارد.

بین المللی کُردی" که در آوریل در اربیل برگزار می شود استفاده خواهند کرد تا آنها از هر نفوذی که دارند برای اقناع رهبران PKK برای به زمین گذاشتن سلاح دریغ نکنند.

روز سال نو ۲۱ مارس ۲۰۰۹: کاهش تظاهرات؟

فقط ۹ روز مانده به انتخابات، روزنامه‌نگارانی چون سمیع ادیز که برای روزنامه حرّیت قلم می‌زد بر این باور بودند که جریانات مزکور علیه DTP است. او گزارش کرد "برخی شاهدان ادعا می کنند بهترین چیزی که می‌تواند برای DTP اتفاق بیافتد، بسته شدن آن با رأی دادگاه قانون اساسی است. این کار باعث دفن آن با کفن شهادت می‌شود و آن را از وضعیت دشواری که دچارش شده رهایی می‌بخشد. آنچه در نهایت ظاهر شده این است که سرسخت‌های ترک در اثر جریانات 'رام' شده‌اند؛ و احتمال زیادی وجود دارد عاقبت چیز مشابهی هم برای DTP اتفاق بیافتد."[۴۹] مراد یتکین نویسنده روزنامه *رادیکال* فکر می کرد نتایج انتخابات هر چه باشد، مگر اینکه کاملاً به یک طرف متمایل شود، در غیر این صورت تفاوت بسیار زیادی در آینده جریانات ناسیونالیسم کُردی بوجود نمی‌آورد. او همچنین فکر می کرد انتخابات خصایص و ویژگی‌های انتخاباتی ملی به خود گرفته و AKP و اردوغان هم با آن به همین صورت برخورد می کنند. اگر AKP بتواند ۵۰ درصد یا بیشتر آرای کل را بدست آورد، هر اتفاقی که در جنوب شرق و دیاربکر روی دهد از آنچه تحلیلگران قبلاً فکر می کردند اهمیت کمتری خواهد داشت.

---

[۴۹] حرّیت، ۲۰ مارس ۲۰۰۹.

فصل ۱۱:
یک هفته به انتخابات
۲۱ مارس: جشن‌های نوروز

بعید به نظر می‌رسید جشن‌های روز سال نو در ۲۱ مارس به اندازه سال‌های گذشته بر نتایج انتخابات اثر بگذارد؛ تنها ۹ روز به انتخابات مانده بود و شاید بیشتر مردم تصمیم گرفته بودند به چه کسی رأی بدهند. اما ۲۱ مارس مانند گذشته نوید دود و آتش می‌داد: فروشندگان تایرهای مستعمل در دیاربکر گزارش کردند فروش تایرها ۵۰ درصد بالاتر از سال‌های گذشته بوده است. تایرهای مستعمل از قدیم در روز سال نو در جنوب شرق ترکیه برای جشن گرفتن عنصر آتش سوزانده می‌شوند. در دهه‌های اخیر در تظاهرات علیه سرکوب هویت کُردی و برای محافظت در برابر یورش پلیس نیز تایرهای مستعمل به آتش کشیده می‌شوند.

نوروز در دیاربکر

همان گونه که انتظار می‌رفت بزرگترین جشن نوروز در دیاربکر برگزار شد. رهبران DTP ادعا کردند ۵۰۰ هزار نفر در جشن‌ها حضور یافته‌اند در حالی که استاندار عضو AKP مدعی شد فقط ۷۰ هزار نفر در آنجا بوده‌اند. کاندیدای شهرداری عضو DTP عثمان بایدمیر علناً اظهار داشت علی‌رغم ساخت بزرگترین میدان عمومی خاورمیانه در دیاربکر، میدان جوابگوی ازدحام جمعیت حاضر در جشن‌ها و تظاهرات سیاسی نبود. نماینده پارلمان عضو DTP گولتان کشاناک در مورد تخمین جمعیت استاندار، جمله‌ای را از فرزانه مشهور ترکیه نصرالدین هوجا نقل کرد که گفته "یا استاندار دیاربکر شمردن بلد نیست یا هرگز کتک نخورده است."[۵۰]

سخنران اصلی لیلا زانا بود که بیشتر سخنانش را همچون دیگر سخنرانان به زبان کُردی ایراد کرد. او آشکارا گفت نباید PKK را از هر گونه مذاکرات یا کنفرانس برنامه‌ریزی

---

[۵۰] *رادیکال*، ۲۳ مارس ۲۰۰۹.

شده توسط KRG ،PUK ،KDP، بغداد، آنکارا یا واشنگتن مستثنی کرد. وی با مورد خطاب قرار دادن جلال طالبانی با لقب مشهورش یعنی مام (عمو) جلال به وی ادای احترام نمود اما بخاطر درخواست از PKK برای به زمین گذاشتن سلاح در هفته گذشته وقتی که در استانبول بود و با اردوغان، گل، باباجان و مشاورانش مذاکره می‌کرد انتقادات تلخی از وی کرد. طالبانی وقتی در استانبول بود رسماً اعلام داشت کنفرانسی بین‌المللی در ماه آوریل یا مه در اربیل با حضور کردهایی از سوریه، ایران و همچنین ترکیه و عراق برگزار می‌شود. زانا از طالبانی گلایه کرد و گفت "مام جلال کردها عاشق اسلحه نیستند، آنها عاشق آزادی هستند. در گذشته دیگران قلب ما را شکستند، اما این بار تو این کار را کردی."[51]

احمد ترک در سخنرانی‌اش گفت به اوجالان هم مانند نلسون ماندلا برچسب تروریست زدند اما سرانجام او از زندان آزاد شد و اوجالان هم باید آزاد شود. احمد ترک ایده به زمین گذاشتن سلاح توسط PKK را غیرممکن دانست مگر اینکه "دولت با کردها گفتگویی ترتیب دهد و وضعیت نیروهای مسلح در آن مورد بحث قرار گیرد. تا وقتی حقوق مردم ما تضمین نشده نیروهای مسلح مردم باقی خواهند ماند."[52] او همچنین به کنفرانس برنامه‌ریزی شده در اربیل اشاره کرد و گفت "اگر هر گونه سیاست نابودی و تسویه در دستور کار قرار گیرد کردها خیلی خوب می‌دانند چکار کنند."[53] بایدمیر در سخنانش خاطر نشان کرد چندین هیئت نمایندگی که از کشورهای اروپایی در جشن‌ها حضور یافته‌اند برای سیاستگذاری آتی خود، از نزدیک پیشرفت‌های صورت گرفته در دیاربکر را نظاره کردند.

طی نوروز، اما نه در جشن‌ها، کاندیدای AKP برای پست شهرداری قطب‌الدین آرزو از رکورد ضعیفی که مسئولان DTP از خود بجا گذاشتند انتقاد کرد و گفت: "هویت و خدمات از هم جدا نشدنی هستند. ما پروژه‌هایی طراحی و آماده کرده‌ایم که دیاربکر را به شهری قابل زندگی تبدیل خواهد کرد. آنها [DTP] در دهه گذشته هیچ کاری برای این

---

[51] همان.

[52] همان.

[53] همان.

شهر نکرده‌اند؛ آنها سعی دارند با تظاهر به کاری که نکرده‌اند رأی‌دهندگان را فریب دهند. آنها می‌گویند در خیابان‌های اصلی تقاطع و چهار راه خواهند ساخت. چرا تا حالا این کار را نکرده‌اند؟ ... ما مناطق دیوارکشی شده تاریخی شهر را به موزه‌ای روباز تبدیل خواهیم کرد."[۵۴] آرزو پرسید چرا کسانی که برای کانال تلویزیونی کُردی اشتیاق نشان می‌دادند، کسانی را که خواسته‌اند در برنامه‌ها حاضر شوند تهدید کرده‌اند.

جشن‌های نوروز برای سیاستمداران بویژه در جنوب شرق که کاندیداها به اقامتگاه خود نزدیک بودند حاوی امتیازات حمایتی بود. در مرسین در ساحل دریای مدیترانه و منطقه‌هایی که کردهای زیادی طی دو دهه گذشته به دلیل سیاست‌های پاکسازی قومی TAF به آنجا مهاجرت کرده بودند چند جشن از جالب‌ترین جشن‌های نوروز برگزار شد. سخنران DTP در مرسین آمنه آینا بود که مرتباً از مقامات دولت و AKP خواسته بود اگر خواستار مذاکراتی وسیع و کاملاً معتبر هستند، عبدالله اوجالان را به رسمیت بشناسند. به نظر می‌رسید سخنان زمخت آینا به جهت مخالفت شدید با اظهارات ماه گذشته مسعود بارزانی، جلال طالبانی، رجب طیب اردوغان، عبدالله گل، علی باباجان، هیلاری کلینتون و باراک اوباما بود. آینا هیچ اشاره‌ای به گفته رئیس جمهور عبدالله گل نکرد که طی پروازش به ایران در ۱۰ مارس راجع به مسئله کُردی گفته بود "چیزهای خوبی اتفاق می‌افتد". آینا به طور یقین اشاره‌ای به موضع PKK یا DTP در قبال کنفرانس بین‌المللی کُردی نکرد که طالبانی خواسته بود در اربیل در یکی از روزهای آوریل یا مه برگزار شود.

نوروز در مرسین

در مرسین آینا در کنار عثمان اوزچلیک نماینده پارلمانی DTP از سییرت خطاب به جمعیتی ۱۰ هزار نفری اعلام داشت حل مسئله کُردی فقط در صورت مشارکت رهبران ملی کردها روی خواهد داد. او روشن ساخت منظورش از رهبران ملی، اوجالان است: "اینکه امروز کانالی تلویزیونی داریم که به کُردی برنامه پخش می‌کند و میادین شهرها

---

[۵۴] همان.

مملو از جمعیت شده‌اند، ثمره تلاش ۳۰ ساله ماست. این نتیجه تقلای جوانانی است که برای جنگیدن به کوه‌ها رفته‌اند. پیشنهادات و توصیه‌های بسیار زیادی برای حل مسئله کُردی وجود دارند. طرح‌های پیشنهادی برای (ایجاد) یک کردستان خاص، با مناطق دموکراتیک خاص وجود دارد؛ این مناطق را می‌توان بدون هر گونه تهدید یکپارچگی ترکیه بوجود آورد. چنان طرح‌های پیشنهادی توسط آقای اوجالان تنظیم شده‌اند. آزادی مردم کُرد و آزادی آقای اوجالان باید مورد توجه قرار گیرد. اگر بگویید پرچمی که اینجاست پرچم ترکی است درست نیست، و اگر هر کسی را که در اینجاست همان گونه که قانون اساسی می‌گوید ترک بپندارید، در این صورت شما قومیتی سیاسی را بکار می برید: در این صورت می‌توان گفت شما انکار می‌کنید که یک کُرد هستید."[۵۵]

پس از سخنان آینا آتش‌های نوروز برافروخته شدند، بچه‌ها ترانه‌های سنتی کُردی خواندند و هر کسی در صفوف رقص سنتی *هالای* پایکوبی کرد؛ علاوه بر این همه به کُردی فریاد می‌زدند "زنده باد رهبرمان آپو (*بژی سه‌روک آپو*)." سپس کنسرتی با حضور خوانندگان مشهور کُرد برپا شد. جشن‌های نوروز مرسین مانند بسیاری شهرهای جنوب شرق بدون حادثه سپری شد. به نظر می‌رسید همه منتظر ۲۹ مارس بودند.

عبدالله گل در بغداد و کنفرانس کُردی در اربیل

فقط یک هفته مانده به یکشنبه انتخابات، فقدان خشونت سنتی گره خورده به مراسم نوروز قابل توجه بود. اهمیت مسئله کُردی به حدی بود که جریان اخبار رسانه‌های ترکیه از قضیه انتخابات به سمت قضایای ژئوپولتیکی گسترده‌تر و اهمیت دیدار ۲۴-۲۳ مارس رئیس جمهور گل که اولین دیدار رئیس جمهوری ترک از عراق در ۳۳ سال گذشته بود، چرخش یافت.[۵۶] قضیه اصلی مورد بحث بین آنکارا، بغداد و اربیل روشن نمودن تصمیمات، بویژه تصمیمات اتخاذ شده طی دیدار هفته پیش رئیس جمهور عراق جلال طالبانی از استانبول برای حضور در اجلاس جهانی آب بود. در بغداد قضیه آمادگی نهایی

---

[۵۵] *رادیکال*، ۲۲ مارس ۲۰۰۹.

[۵۶] آخرین سفر رئیس جمهوری از ترکیه به عراق توسط فهری کوروتورک در ۱۹۷۶ بود.

برای برگزاری کنفرانس کُردی در اربیل در آوریل بود. موضوع اصلی چگونگی دستیابی به اجماع همه شرکت‌کنندگان متعدد کُرد برای مجبور کردن PKK برای به زمین گذاشتن سلاح و این مسئله بود که برای آن نیروها و رهبران PKK که با هیچ گونه عفو عمومی پیشنهادی حاضر به بازگشت به ترکیه نیستند چه اتفاقی می‌افتد. در سفر از آنکارا به بغداد، گل به طور ضمنی گفت شاید او از این پس منطقه تحت کنترل KRG را به نام "کردستان" بخواند: باید آن را چه بخوانم؟ آیا ما فقط به این دلیل که یونان از کلمه مقدونیه استفاده نمی‌کند آن را بکار نمی‌بریم؟ هر چه قانون اساسی عراق بگوید، ما به آن نام می‌خوانیمش."[۵۷] او خطاب به KRG گفت "اگر می‌گویید این منطقه من است، باید امکان هر گونه ترور را در آن از بین ببرید. در دنیای امروز هیچ جایی برای ترور نیست. برآیند این کار، آوردن برادری برای مردم این منطقه است. همه باید این امر را ضروری بپندارند."[۵۸]

در حالی که گمان می‌رفت رئیس حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) مسعود بارزانی هر طور که شده خود را از صلاح‌الدین به بغداد می‌رساند تا در ضیافت شام باشکوه گل و همسرش حضور یابد، اما او نتوانست چنین کند چرا که هنوز در اروپا، و به گفته برخی تحت فیزیوتراپی بود با این حال ظاهراً در شهر خودش بود. جنگیز چاندار حسرت می‌خورد که گل نمی‌توانست از اربیل دیدار کند و نقش مهمی را که اکنون ترکیه در آینده کردها و ناسیونالیسم کُردی بازی می‌کند برای کردها به نمایش بگذارد. در یک کنفرانس خبری به همراه گل، رئیس جمهور عراق و رهبر PUK، PKK را به مبارزه فراخواند و قویاً گفت "PKK یا سلاحش را به زمین بگذارد یا کشور را ترک کند."[۵۹] محمد علی بیراند از نیچیروان بارزانی نخست وزیر KRG پرسید آیا وی با درخواست طالبانی مبنی بر خلع سلاح PKK موافق است. بیراند گزارش کرد بارزانی در ابتدا تمایلی به پاسخ دادن نداشت و "با زبان بدن نشان داد اگر کاملاً با دیدگاه طالبانی موافق نباشد، اختلاف نظر

---

[۵۷] *تودیز زمان*، ۲۴ مارس ۲۰۰۹.

[۵۸] *تاراف*، ۲۴ مارس ۲۰۰۹.

[۵۹] *حرّیت*، ۲۵ مارس ۲۰۰۹.

کمی هم با آن دارد."[60] اما بارزانی سپس پاسخ داد "بلی، ما دیدگاه مشترکی داریم. علاوه بر همه این‌ها، قانون اساسی ما اجازه نمی‌دهد سرزمین‌مان مورد استفاده یک سازمان ترور قرار گیرد. ترکیه و عراق بویژه پس از مطرح شدن قضیه PKK، وارد دوره جدیدی از روابط شده‌اند و بهتر همدیگر را درک می کنند."[61] اگر چه طالبانی و نیچیروان بارزانی از نابود کردن PKK حمایت کرده‌اند اما خواسته‌اند این کار بویژه برای آن دسته از اعضای PKK که معلوم شود هرگز هیچ سرباز ترک یا پرسنل امنیتی را نکشته‌اند، با نوعی عفو عمومی توأم شود. اما مقامات تر، حداقل بطور آشکار با این ایده سرد برخورد می کردند. وقتی از گل در مورد قضیه عفو عمومی سؤال شد او جواب داد "من در اینجا در مورد قضیه عفو عمومی با هیچ کسی صحبت نمی‌کنم و نخواهم کرد. این یک قضیه داخلی ترکیه است."[62] نیچیروان بارزانی برای انعکاس رشد روابط بغداد و آنکارا به طور ضمنی گفت عمویش مسعود بارزانی خواسته پس از غیابی حدوداً پنج ساله از ترکیه دیدن کند.[63]

علاوه بر قضیه اصلی برنامه‌ریزی دستور کار کنفرانس کُردی آوریل و مدیریت بهتر نیروهای ملی گرا توسط ترکیه، عراق و ایالات متحده، دو کشور ترکیه و عراق علاوه بر توافقات نظامی، اطلاعاتی و تفاهم بر سر استفاده از آب که قبلاً حاصل شده بود، به منظور تحکیم بیشتر سیاست‌های تجاری و انرژی، توافقنامه "مشارکت اقتصادی فراگیر" به امضاء رساندند. دو کشور در پی افزایش مبادلات تجاری تا ۲۰ میلیارد دلار در چند سال آتی بودند. کارهای مقدماتی توافقنامه اقتصادی طی دیدار نخست وزیر اردوغان از بغداد در ژوئیه قبل انجام شده بود. در شب بیست و سوم، طالبانی ضیافت شام باشکوهی به افتخار گل و همسرش خیرالنساء در کاخ السلام بر کناره دجله برگزار کرد. فقط دو روز قبل از ضیافت مجلل به افتخار گل، لیلا زانا در راهپیمایی سیاسی در جشن نوروز دیاربکر همه این اتفاقات را پیش بینی کرده بود؛ و جای تعجب نداشت بطور شکوه آمیزی فریاد برآورد "مام جلال، تو قلبمان را شکستی." هفت روز مانده به انتخابات، زانا و دیگران فارغ از

---

[60] همان.

[61] همان.

[62] همان.

[63] [illegible]

نتایج انتخابات، از آنچه در انتظار DTP و PKK بود در حیرت بودند زیرا گازانبر ژئوپولتیکی آنکارا، بغداد، اربیل، واشنگتن و اتحادیه اروپا برای از نفس انداختن ناسیونالیسم کُردی تنگ‌تر شده بود. اما PKK هنوز در برابر خواسته روز افزون آنکارا، بغداد، واشنگتن و اربیل برای به زمین گذاشتن سلاح کمر خم نکرده بود. در پاسخ به حکم طالبانی مبنی بر اینکه PKK یا سلاحش را به زمین بگذارد یا کشور را ترک کند، سخنگوی PKK احمد دانیز جواب داد "جلال طالبانی اختیار یا اراده به زبان آوردن چنان کلماتی را ندارد، و ما از او دستور نمی‌گیریم. ما آشکارا به طالبانی اخطار می‌کنیم چنان اظهاراتی منجر به برآیندهای بزرگ و خطرناکی می‌شود و بسیاری از دستاوردهای کردهای عراق را از بین خواهد برد."[۶۴] گل در بازگشت به ترکیه بر سر اینکه چه کسی در پرواز وی به بغداد او را همراهی کرده و آیا او از کلمه ناخوشایند "کردستان" استفاده کرده یا نه، با روزنامه‌نگاران وارد مشاجره شد. گل اصرار داشت از اصطلاح "اداره کل شمال عراق" استفاده کرده نه اصطلاح "حکومت منطقه‌ای کردستان". به نظر می‌رسید تکذیب گل به این خاطر بود که شاید ترکیه آنگونه که او در بغداد تظاهر کرد هنوز کاملاً آماده برقراری روابط گرم با حکومت منطقه‌ای کردستان (KRG) نیست. دلیل دیگر می‌تواند این باشد که AKP در گرماگرم مبارزات انتخاباتی و به فاصله کمتر از یک هفته به انتخابات، نگران پاسخ رهبران دیگر احزاب به اظهاراتشان (در مورد کردستان) بود.

نظر دوغو ارگیل در مورد موضع حزب کارگران کردستان (PKK)

دوغو ارگیل یکی از مهمترین دانشگاهیان ترکیه که به مسئله کُردی توجه زیادی دارد دیدار گل از بغداد و نظر طالبانی در مورد PKK برای به زمین گذاشتن سلاح یا ترک عراق را تفسیر کرد. او با درخواست احزاب (کُرد) از PKK برای به زمین گذاشتن سلاح و درخواست خلع سلاح PKK موافق بود، اما فکر می‌کرد با توجه به رویدادهای جنوب شرق، PKK هنوز می‌تواند نقشی سیاسی ایفا کند. ارگیل اثبات کرد با توجه به جنگ،

[۶۴] حرّیت، ۲۵ مارس ۲۰۰۹.

سرکوب، انکار و تحقیر کردها توسط ترکیه در کنار فقر و توسعه‌نیافتگی جنوب شرق، PKK همچنان برای کردها جذاب خواهد ماند. اما برای حصول به نقش سیاسی معنادار و تضمین شده قانونی، باید خلع سلاح شود.

برای اقناع رهبران PKK جهت پذیرش نوعی عفو عمومی، باید تضمین‌های واقعی داده شود که سرمایه‌گذاری بیشتری در منطقه انجام خواهد شد و PKK وسیله‌ای برای اجرای آن سرمایه‌گذاری خواهد بود. ارگیل می‌دانست که شاخه "باز" PKK با چنان روندی مخالفت خواهد کرد و مایل نیست هیچ رقیبی از "بیرون" اعتبار و نفوذ اوجالان را به چالش بکشد. اما اگر اکثریت (کادر) رهبری PKK نوعی سازوکار عفو عمومی را بپذیرد، "بازهای" باقی‌مانده دیگر نفوذ سیاسی چندانی نخواهند داشت. ارگیل بر این باور بود آن دسته از گریلاهای PKK که از خلع سلاح سر باز می‌زنند به سادگی می‌توانند به عنوان سربازان مزدور در "جغرافیای سیاسی غیرشفاف خاورمیانه" استخدام شوند. دومین احتمال ممکن برای نیروهای مسلح PKK خدمت به عنوان نیروی گریلا در "ارتش کردستان عراق" است.[۶۵] معلوم نبود منظور ارگیل این است که گریلاهای PKK باید به نیروهای مسلح KRG ملحق شوند یا به نیروهای مسلح عراق.

بازگشت به دیاربکر

در دیاربکر نیز اجماع روز افزون برای برگزاری کنگره ملی کردها در اربیل در آوریل، در کانون موضوعات بود. هاشم هاشمی از نمایندگان سابق پارلمان که گفته می‌شد به خانواده بارزانی نزدیک است فکر می‌کرد "مسعود بارزانی منتظر نتایج انتخابات محلی ترکیه است. من فکر می‌کنم او هم می‌خواهد به ارزیابی مباحث کنفرانس در ترکیه بپردازد."[۶۶] او افزود "بارزانی نمی‌خواهد در موضع میانجی بین PKK و ترکیه قرار گیرد و به همین دلیل است که عجله‌ای برای به واقعیت تبدیل کردن ایده کنفرانس ندارد."[۶۷]

---

[۶۵] *تاراف*، ۲۸ مارس ۲۰۰۹.

[۶۶] *تودیز زمان*، ۲۵ مارس ۲۰۰۹.

[۶۷] همان.

مهم‌ترین حامیان AKP در دیاربکر که اغلب تاجر بودند نظر مساعدی به کنفرانس داشتند. گالپ انصاراوغلو رئیس اتاق قدرتمند تجارت و صنعت دیاربکر که نماینده بورژوازی کُردی در منطقه است گفت پیشرفت‌هایی چون پخش برنامه کُردی در کانال TRT 6 برای فراهم کردن زمینه چنان کنفرانسی امیدبخش است: "من این کنفرانس را 'کنفرانس بین‌المللی ملت کُرد' می‌خوانم. حکومت ایالات متحده می‌خواهد این مسئله را به سرانجام برساند. آنها عراق را ترک خواهند کرد، قبل از انجام این کار می‌خواهند ثبات منطقه را تأمین کنند."[۶۸] انصاراوغلو گفت ایالات متحده به نیازهای ترکیه کاملاً اشراف دارد و به دلیل اهمیت ترکیه در منطقه و برخورداری از همکاری کامل ترکیه، می‌خواهد "محو و نابودی PKK" در دستور کار قرار گیرد.[۶۹] اگر چه انصاراوغلو با هدف کنفرانس مبنی بر برچیدن PKK موافق بود اما تأکید کرد این کار باید به "روشی شرافتمندانه" انجام شود.[۷۰] رئیس کانون وکلای دیاربکر امین آتار که سازمان او هم نماینده بورژوازی کُرد منطقه بود اظهار داشت بلافاصله پس از دیدار ۸ مارس هیلاری کلینتون از ترکیه، مقامات ایالات متحده با متفکرین و اندیشه‌سازان مختلف کُرد "برای بحث در مورد دموکراتیزه‌سازی بیشتر" دیدار کردند.[۷۱] عبدالرحمن کورد نماینده پارلمانی AKP از دیاربکر که خودش هم تاجر است گفت کنفرانس برنامه‌ریزی شده در اربیل "فرصتی طلایی خواهد بود و حکومت (ترکیه) در حال برنامه‌ریزی برای تغییر قانون اساسی و برداشتن گام‌هایی دیگر برای دموکراتیزه‌سازی بیشتر است."[۷۲] کُرد گفت "در واقع اگر کنفرانس برگزار شود نمایندگان کُرد عضو AKP هم در آن شرکت خواهند کرد."[۷۳] آلتان تان دیگر اندیشمند کُرد فکر می‌کرد کنفرانس محل مناسبی برای مشارکت PKK است و طالبانی خیلی زود در مورد آن صحبت کرده و گفته هدف کنفرانس خلع سلاح PKK خواهد بود. او

---

[۶۸] همان.

[۶۹] همان.

[۷۰] همان.

[۷۱] همان.

[۷۲] همان.

[۷۳] همان.

سرزنش لیلا زانا نسبت به طالبانی که گفته بود حکم و نظر او "قلب ما کردها را شکست"، دوباره تکرار کرد.[۷۴] هاشمی آخرین جملات مصاحبه‌اش را با هشداد به پایان برد و گفت "انتظارات و امیدها بالاست و این چیز مثبتی است اما واقع‌بینانه بودن آنها خیلی مهم است. اگر انتظارات حاصل نشوند وضعیت خیلی دشوارتر از چیزی می‌شود که الان هست."

پاسخ های DTP به کنفرانس برنامه‌ریزی شده اربیل

در مورد کنفرانس اربیل بلافاصله برخی دشواری‌ها نمایان شد. صلاح‌الدین دمیرتاش معاون رئیس گروه DTP برای اعضای DTP سخنرانی کرد و ناخرسندی DTP از کنفرانس برنامه‌ریزی شده را اعلام کرد و گفت "به عنوان DTP ما مزاحم دستور کار کنفرانس هستیم. از این‌رو ما تردیدهایی نسبت به کنفرانس داریم. اگر آنها فقط محو و نابودی PKK را در کانون توجه قرار دهند به آشوب خواهد انجامید و ما نمی‌خواهیم در این آشوب شرکت کنیم."[۷۵] او مخالفت قوی DTP با حکم طالبانی مبنی بر اینکه PKK باید سلاحش را زمین بگذارد یا کشور را ترک کند اعلام داشت: "اگر دو گزینه ارائه می‌دهی، گزینه سوم هم نمایان می‌شود. PKK (گزینه‌هایشان را) رد کرده و مقاومت می‌کند. این یعنی درگیری. اگر راه‌حل‌های دموکراتیک گسترش یابند، PKK خود بخود اسلحه‌اش را زمین می‌گذارد."[۷۶] او در بخش راه‌حل‌های دموکراتیک تأکید کرد ترکیه برای اعضای PKK فرمان عفو عمومی صادر کند و "فرهنگ‌ها و هویت‌های مختلف را تحت حمایت قانون اساسی بگیرد و خودمختاری دموکراتیک را عملی کرده و واقعیت بخشد."[۷۷]

دمیرتاش دومین لیست محدود متهمان توطئه ارگنکون را که در ۲۶ مارس اعلام شد و فقط اتهامات چند نفری را که در اقدام علیه دولت دست داشتند اعلام کرده بود، مورد نقد قرار داد. علاوه بر افرادی چون کامیل آتاک و جمال تمیزوز، دو تن از اصلی‌ترین توطئه‌گرانی

[۷۴] همان.

[۷۵] حرّیت، ۲۶ مارس ۲۰۰۹.

[۷۶] همان.

[۷۷] همان.

که نامشان در لیست متهمان آمده بود، دمیرتاش اظهار داشت "مقامات عمومی بسیار بیشتری بودند که در توطئه دست داشتند."[۷۸] اما در عوض لیستی تحریف شده به مردم ارائه ارائه شد. او متذکر شد در دومین لیست متهمان نیز مانند اولین لیست فقط نام یک نفر از اعضای AKP ذکر شده بود. بسیاری جریانات سیاسی و همچنین شخصیت های سیاسی غیر از AKP در لیست متهمان ذکر شده بودند: "چقدر حیرت‌آور که AKP و حامیانش با قاشق‌های نقره‌ای در دهانشان در این رسوایی ظاهر شدند."[۷۹] دمیرتاش هیچ شکی نداشت نداشت که AKP در نوشتن لیست متهمان اعمال نفوذ کرده است. او دومین لیست متهمان را برای نشان دادن مبرا بودن کامل AKP از هر گونه دست داشتن در ارگنکون ارزیابی کرد.[۸۰] اظهارات دمیرتاش روشن می‌ساخت تلاش‌های صورت گرفته برای مبرا کردن AKP، ممکن بود در کسب برتری AKP در انتخابات روز بعد، بویژه در جنوب شرق که بسیاری از وحشی گری‌های ارگنکون در آنجا اتفاق افتاده مؤثر واقع شود.

تنها سه روز مانده به روز انتخابات معلوم شد بسیاری منتظر نتایج انتخابات بودند تا مطابق آن، حرکت‌های سیاسی بعدی خود راجع به PKK را انجام دهند، اما به نظر می‌رسید جریاناتی که در سطح ژئوپولتیک اتفاق افتاده به سمتی است که فارغ از نتیجه انتخابات، منجر به تحدید PKK می‌شود.

آنچه در مورد دیدار گل از بغداد خیلی قابل توجه است، حضور رهبران کُرد عراق، مسعود بارزانی، علی‌رغم اینکه حاضر نبود، نیچیروان بارزانی، جلال طالبانی و برهم صالح در خط مقدم و مرکز مذاکرات، هم در استانبول و هم در بغداد بود. نخست وزیر عراق نوری المالکی باید این را پیروزی سیاسی کاملی برای خود و دولتش به حساب آورده باشد. وقتی معاون رئیس جمهور عراق طارق الهاشمی اعلام کرد گل قول داده ترکیه سهم آب تخصیص یافته رودهای دجله و فرات به عراق را دو برابر کند، لبخند المالکی باید فراخ‌تر

---

[۷۸] *رادیکال*، ۲۸ مارس ۲۰۰۹.

[۷۹] همان. یعنی خود را مانند کودکی بی‌گناه و معصوم نشان دادند!-م.

[۸۰] همان.

شده باشد. این قول گل شکی در این باقی نمی‌گذارد که بغداد برای اقدام علیه PKK در عراق، همکاری بیشتری با ترکیه خواهد کرد.[۸۱]

برخوردها در دیاربکر

تنش‌ها در دیاربکر نیز بالا بود و خشونت‌هایی هم در ۲۵ مارس روی داد و آن هنگامی بود که کاندیداهای کُرد AKP –عبدالرحمن کورد، قطب‌الدین آرزو و ویسی مالکوچ که نفر آخر کاندیدای پست شهرداری باغلار از توابع دیاربکر بود– توسط گروهی که گفته شد از طرفداران DTP بوده‌اند، با چوب مورد حمله قرار گرفتند. کاندیداهای AKP اظهار داشتند شش نفر از گروه صدمه دیده و به بیمارستان منتقل شده است. مهدی اکر وزیر امور کشاورزی و روستا خاطر نشان کرد نه تنها کاندیداهای AKP بلکه کاندیداهای احزاب دیگری چون MHP، CHP و حزب کُردی HAK-PAR هم مورد حمله قرار گرفته بودند. اکر در مورد این اقدامات منتسب به DTP گفت آنها کاملاً ضد رفتار و فرایندهای دموکراتیک است. او گفت در ۲۹ مارس پاسخی مناسب به چنان رفتاری داده خواهد شد. او حمله افراد حامی کاندیداهای DTP را ناشی از ترسشان از باخت DTP در ۲۹ مارس دانست.[۸۲] قطب‌الدین آرزو کاندیدای AKP برای پست شهرداری دیاربکر گفت "همان کسانی که از مبارزه انتخاباتی ما [کاندیداهای AKP] جلوگیری کردند، همان کسانی هستند که مانع سرمایه‌گذاری تجار در دیاربکر می‌شوند."[۸۳]

روز بعد داستان متفاوتی راجع به درگیری‌های روز گذشته نقل شد. صلاح‌الدین دمیرتاش گفت اطلاعاتی مبنی بر این دارد که یکی از طرفداران AKP بوده که برای متفرق کردن جمعیت تیرهوایی شلیک کرده نه پلیس. او همچنین اظهار داشت بخاطر هر گونه وضع ناگواری که کاندیداهای AKP بویژه عبدالرحمن کورد و قطب‌الدین آرزو با آن مواجه شده‌اند متأسف است. او همچنین گفت DTP متأسف است وقتی که چنین مواردی پیش

---

[۸۱] اخبار یاهوا، ۲۶ مارس ۲۰۰۹.

[۸۲] *رادیکال*، ۲۶ مارس ۲۰۰۹.

[۸۳] همان.

می آید کاندیداهای AKP خیلی زود DTP را مقصر می‌دانند. وی خاطرنشان کرد از زمان شروع مبارزات انتخاباتی، ۴۵ مورد حمله با کوکتل مولوتف، بمب یا دیگر انواع حملات به دفاتر و شعب DTP صورت گرفته و پلیس یا مقامات امنیتی حتی از یکی از آنها جلوگیری نکرده یا در موردشان تحقیقاتی انجام نداده‌اند. بعلاوه، حتی یکی از کاندیداها یا مسئولان AKP چنین اقداماتی را نکوهش نکرده‌اند. و به هر هدفی که بوده، وقتی چنین اتفاقی می افتد AKP بلافاصله بدگمانی می‌کند. او تأکید کرد شلیک هر گونه اسلحه‌ای مایه تأسف است، هر چند طرفداران DTP تمام تلاش خود را برای ممانعت از گسترش برخورد انجام دادند.[۸۴]

دمیرتاش سپس مبارزه با کاندیدای AKP برای پست شهرداری را شروع کرد. قطب‌الدین آرزو ادعا می‌کرد هر جا که می‌رود سه نفر از طرفداران DTP برای ترساندن وی خود را به او نشان می‌دهند. در پاسخ به گلایه آرزو، دمیرتاش گفت آرزو به هر جای شهر دیاربکر می‌رود توسط پلیس محافظت می‌شود و وقتی او در استان می‌چرخید ژاندارمری از او محافظت می‌کرد. او سپس با عصبانیت پرسید "اگر آرزو همیشه از کمین حداقل سه تن از طرفداران DTP در هراس است چرا محافظانش تاکنون کاری نکرده‌اند؟"[۸۵] او گفت دلیل واقعی گلایه و شکوه کاندیداهای AKP این است که "آنها از نتایج نظرسنجی‌های اخیر مطلع شده‌اند که نشان از برتر بودن DTP بوده است. آنها برای نشان دادن وضعیت دشوار مبارزه به نخست وزیر اردوغان، می‌گویند DTP اقدام به چنان تحریکاتی می‌کند- آنها نگران نتایج انتخابات هستند."[۸۶]

در ۲۶ مارس کاروانی متشکل از ۱۰۰۰ خودرو برای نشان دادن شایستگی DTP برای پیروزی در یکشنبه انتخابات در دیاربکر نمایش بزرگی ترتیب دادند. کاروان برای بیش از دو ساعت در شهر دیاربکر و حومه چرخید. تظاهرکنندگان شعارهایی سر می‌دادند، "این دیاربکر است و این DTP است"؛ "زنده باد آپو"؛ "PKK مردم است و مردم اینجا هستند"؛ "سنگر مال ماست و مال ما خواهد ماند"؛ "هر رأی، شرافت است و شرافت را

---

[۸۴] *رادیکال*، ۲۷ مارس ۲۰۰۹.

[۸۵] همان.

[۸۶] همان.

نمی‌توان فروخت"؛ "می‌آیند می‌آیند آپوچی‌ها می‌آیند"؛ "کسانی که این را نمی‌خواهند بروند به جهنم".[۸۷] هزاران شهروند به هنگام عبور کاروان با دست علامت پیروزی را نشان می‌دادند.

آخرین نظرسنجی‌ها

شرکت‌های تحقیقاتی A&G و کوندا، هر دو به آرای عمومی مراجعه کردند. دو شرکت مزبور از معدود شرکت‌های نظرسنجی بودند که آرای قابل توجه AKP در انتخابات ۲۰۰۷ را بطور دقیق و درست پیش‌بینی کردند و این بار هم نتایج آخرین نظرسنجی خود را در ۲۶ مارس اعلام کردند. کوندا پیش‌بینی کرد AKP برنده ۴۷.۹ درصد آراء ملی در شوراهای استان و ۴۴.۶ درصد در مبارزات پست شهرداری‌ها خواهد بود که ۴ درصد بیش از آراء بدست آمده در انتخابات ۲۰۰۴ است. A&G پیش‌بینی کرد کل آرای AKP در مبارزات پست‌های شهرداری به ۳۹.۱ درصد سقوط خواهد کرد. A&G برآورد کرد اگر یک انتخابات عمومی در ۲۹ مارس به جای انتخابات محلی برگزار شود AKP، ۴۲.۵ درصد آراء را بدست خواهد آورد که حدود ۴ درصد کمتر از آرای ۴۶.۷ درصدی این حزب در ۲۰۰۷ است. در زمینه‌ای مشابه، کوندا برآورد کرد AKP برنده ۵۱.۸ درصد آراء باشد. عادل گور رئیس A&G فکر می‌کرد "ایستادگی سخت در برابر مسئله کُردی از جانب اردوغان در هفته‌های اخیر، توجه برخی رأی‌دهندگان کُرد را از ابتکارات حکومت مانند راه‌اندازی کانال تلویزیونی کُردی TRT 6 منحرف کرد. انتظار می‌رود این امر اثر مطلوبی در جلب آراء کُردی نداشته باشد. یک زن از هر دو زن دیاربکر نمی‌داند چگونه بخواند."[۸۸] اما تارهان اردم بنیانگذار و رئیس کوندا اظهار داشت حتی اگر DTP در دیاربکر محبوب باشد، "AKP هنوز هم حزب اصلی جذب‌کننده آراء کُردی است".[۸۹]

---

[۸۷] همان.

[۸۸] همان.

[۸۹] همان.

مومتازر تورکونه

متفکر و روزنامه‌نگار کُرد ترکیه مومتازر تورکونه با نظرات تارهان اردم موافق بود. او نیز تأکید کرد رأی‌دهندگان در ترکیه مایلند به سه حزب عمده رأی بدهند –AKP، CHP و MHP و احزاب حاشیه‌ای به استثناء DTP در جنوب شرق، آراء کمی به خود اختصاص می‌دهند. تورکونه بر این باور بود تغییر فاحش آراء بین احزاب عمده به وجود نخواهد آمد. او فکر می‌کرد رأی‌دهندگان بویژه در زمان اوضاع وخیم اقتصادی به دنبال ثبات هستند و به سه حزب عمده رأی خواهند داد. او خاطرنشان کرد نظرسنجی‌های اخیر بر این دلالت دارند که رأی‌دهندگان بخاطر بحران اقتصادی AKP را سرزنش نمی‌کنند و در واقع این حزب تنها حزبی بوده که بصورت نسبتاً موفقیت‌آمیز بحران را کنترل کرده است.

تورکونه همچنین فکر می‌کرد تحقیقات ارگنکون بویژه انتشار دومین لیست متهمان "کاملاً دستورکار انتخابات را در هم ریخته است." ادعاهای برآمده از این لیست متهمان بسیار مهم‌تر از نتایج انتخابات بود. این ادعاها بر نتایج انتخابات نیز اثرگذار هستند."[۹۰] تورکونه تأکید کرد "دومین لیست متهمان نشان می‌داد علاوه بر رقابت سیاسی قابل رؤیت برای رأی‌دهندگان، رقابت سیاسی قوی‌تر و خشن‌تری در پشت پرده در جریان است. سازمان تروریستی ارگنکون نه تنها برای براندازی حکومت نقشه داشته، بلکه از طریق روش‌های غیرقانونی و توطئه درصدد سازماندهی مجدد همه احزاب سیاسی برآمده بود. ارگنکون تلاش کرد رهبران CHP و MHP را عوض کند. تلاش کرده با هدف قرار دادن افراد نماینده پارلمان، AKP را تضعیف کند. برای رأی‌دهندگان کاملاً طبیعی است که با مد نظر قرار دادن آینده تحقیقات درباره ارگنکون آراء خود را تعیین کنند. این توضیح می‌دهد چرا آراء AKP افزایش می‌یابد. این واقعیت که CHP علیه انجام تحقیقات درباره ارگنکون موضع گرفته و MHP فقط حمایت ضعیفی از آن کرده، توضیح می‌دهد چرا پیش‌بینی‌های نتایج انتخابات در موردشان این‌گونه است."[۹۱] تفاوت بین تورکونه و دمیرتاش راجع به امکان عملکرد خوب AKP همچون گذشته یا حتی بهتر از آن، در

---

[۹۰] *تودیز زمان*، ۲۸ مارس ۲۰۰۹.

[۹۱] همان.

اظهارات آنها آشکار می‌شود. AKP تنها حزب از بین سه حزب عمده بود که از تحقیقات ارگنکون حمایت کرد و به نظر تورکونه، فارغ از اینکه دومین لیست متهمان خواسته یا نخواسته باشد AKP را مبرا کند، این کار آراء بیشتری برایش جذب می کرد.

تورکونه سپس به نقش قضیه کُردی در انتخابات اشاره کرد. او فکر می‌کرد در اصل DTP بر این باور است انتخابات آینده مسئله کُردی را شکل می‌دهد و امیدوار است انتخابات را به شکل نوعی رفراندوم در آورد. اما وقتی ایالات متحده اعلام کرد بنا به موافقنامه وضعیت نیروها[۹۲] از عراق بیرون می‌رود، ترکیه، عراق، KRG، PKK و DTP متوجه شدند وضعیت ژئوپولتیکی متفاوتی در منطقه نمایان می‌شود: آب شدن یخ بین ترکیه و حکومت منطقه‌ای شمال عراق محور اصلی قضیه کُردی را از انتخابات محلی و منطقه دور کرده و فشار آن بر مبارزات انتخاباتی برجسته‌تر شده است. بطور خلاصه، انتخاباتی که فردا برگزار می‌شود چیزهای زیادی را تغییر نخواهد داد و به عنوان انتخابات تا حدودی بی‌معنی از آن یاد خواهد شد. به استثناء دستورکارهای محلی جزئی برای تصدی پست‌های شهرداری جدید، ترکیه مجدداً روند قبلی را در پیش خواهد داشت. ما شاهد هیچ گونه بحث قابل توجه درباره نتایج انتخابات نخواهیم بود."[۹۳]

نظرات دیگری از کردها

دیگر اندیشمندان کُرد مانند امید فرات به آزادی‌های فرهنگی بیشتر علاقه‌مند بودند او از این دفاع کرد که "کردها مردمانی بسیار سیاسی شده هستند و رؤیاهایشان همیشه به نوعی بخشی از آن است. به همین دلیل است که انتخابات تحت هر شرایطی برای آنها بی‌نهایت مهم است. این انتخابات هم مستثنی نیست؛ در حقیقت، معنای این انتخابات برای آنها [کردها] مهم‌تر از دیگران است زیرا فقط دو حزب هستند که در اینجا [جنوب شرق] رقابت می کنند. این رقابت به مسابقه‌ای بسیار سرزنده مبدل شده است."[۹۴] آلتان تان دیگر

---

[۹۲] Status of Forces Agreement

[۹۳] همان.

[۹۴] *تودیز زمان*، ۲۹ مارس ۲۰۰۹.

متفکر کُرد "بی‌فایدگی" گزینه دو بخشی "خدمات یا هویت قومی" را که به کردهای جنوب شرق ارائه شده مدنظر قرار داد: "اگر حزب عدالت و توسعه (AKP) آراء کمتری از آنچه انتظار دارد کسب کند بدان معناست که فهمش از مشکل –نگاه به آن [مسئله کُردی] به عنوان مشکلی که پایه اقتصادی دارد و آرزومند برخورداری از خدمات بهتر است– مورد تایید مردم واقع نشده است. اگر DTP آراء مورد انتظارش را بدست آورد نشان می‌دهد چه کسی نماینده مردم است. من فکر می‌کنم حزب عدالت و توسعه از راهبرد انتخاباتی خود پشیمان می‌شود."[۹۵] زیور اوزدمیر کاندیدای AKP برای شهرداری باتمان ادعا کرد "تأکید بر هویت قومی کُرد به وضع نامساعد و بی‌فایده‌ای در می‌آید. اینجا در باتمان، رقابت‌های انتخاباتی بر اساس طرح‌های اقتصادی نیست بلکه بر پایه هویت قومی است. تحدید انتخابات به قومیت، توهین و بی‌احترامی به کُرد بودن [کوردایه‌تی] است. اما ما معتقدیم که اکثریتی خاموش وجود دارند که انتخابات را به عنوان موضوع هویت قلمداد نمی‌کنند."[۹۶] نویسنده کُرد ابراهیم گوچلو پوسترهای AKP در قبال کردها را بیشتر تایید می‌کرد که می‌گفتند "قبل از هر چیز، گام‌هایی که توسط حکومت برداشته شده نشان می‌دهد هیچ کس از بحث در مورد مشکل و ساختار قومی اجتناب نمی‌کند. اما راه‌حل‌های آن متفاوتند. کردها نشان خواهند داد کدام راه‌حل را ترجیح می‌دهند: آیا مشکل در درون نظام و توسط گام‌های مشابهی که حزب عدالت و توسعه برداشته یا پیشنهاد کرده حل می‌شود، یا کردها راه‌حل‌هایی افراطی چون خودمختاری دموکراتیک را، مانند راه‌حل‌هایی که DTP از آنها طرفداری می‌کند ترجیح می‌دهند؟ به همین دلیل کسانی که احتمالاً از احزابی غیر از AKP حمایت می‌کرده‌اند، در منطقه به AKP رأی خواهند داد."[۹۷] سزگین سزگین تانریکولو رئیس سابق کانون وکلای دیاربکر مجدداً اظهار داشت در انتخابات سراسری ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ سهم AKP از آراء بیش از سهم DTP بود اما در آن زمان وضعیت متفاوت بود و بخاطر حداقل آستانه ۱۰ درصد، کاندیداهای DTP به عنوان کاندیدای مستقل شرکت کردند. TAF نیز تذکاریه خود را در ۲۷ آوریل منتشر کرد و در

---

[۹۵] همان.

[۹۶] همان.

[۹۷] همان.

دور اول رأی‌گیری از انتخاب عبدالله گل به ریاست جمهوری جلوگیری نمود. تانریکولو گفت در این اوضاع و احوال، کردها خود را ملزم به حمایت از AKP دانستند. تانریکولو گفت "اما این بار وضعیت متفاوت است. DTP به عنوان یک حزب رقابت می‌کند نه در قالب کاندیداهای مستقل. بنابراین، انتخابات محلی، محکی برای سنجش قدرتش خواهد بود. ضمناً، AKP اشتباه کرده و با DTP به عنوان رقیبی سیاسی برخورد کرده است؛ به عقیده من اگر AKP به جای برخورد با DTP به عنوان رقیبی سیاسی، با او به عنوان همکاری برای حل مسئله برخورد می‌کرد، درانتخابات محلی رقابت خیلی قوی نمی‌شد."[۹۸]
مظهر باغلی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه دجله دیاربکر تأکید کرد الگوهای رفتاری رأی دادن در جنوب شرق تا اندازه‌ای به شکل خوبی تغییر یافته‌اند. او بطور ویژه به کاهش قابل توجه روابط خاندانی و قبیله‌ای و گسترش شبکه‌های خانوادگی در منطقه اشاره کرد. وی گفت "در گذشته تصمیم رئیس یک قبیله می‌توانست به معنای ۴۰۰۰ رأی یا حتی بیشتر هم باشد. اما با توجه به تغییرات سریع ساختار اجتماعی منطقه، دیگر این گونه نیست. قبایل و طوایف هنوز برای دیگر رفتارهای اجتماعی مهم هستند اما برای انتخابات دیگر نه. من فکر می‌کنم از این نظر ما در پایان عصر هستیم —با این حال احزاب سیاسی وقتی فنون انتخاباتی‌شان را طراحی می‌کنند، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی از این تغییرات آگاه نیستند."[۹۹] باغلی مثل بسیاری افراد دیگر و مانند من که در سراسر متن اشاره کرده‌ام، متذکر شد افزایش جمعیت افراد جوان در منطقه که بسیاری از آنها بیکار و بدون شغل هستند اما به هویت قومی خود بیشتر آگاهند، روز بروز به عامل مهم‌تری در سیاست‌ها و ساختار اجتماعی منطقه تبدیل می‌شود.

همزمان با نزدیک شدن شب ۲۸ مارس، مردم مشتاقانه منتظر بودند ببینند کدام تحلیلگر و کدام تحلیلی در مورد ۲۹ مارس درست‌ترین تحلیل را ارائه کرده است.

---

[۹۸] همان.

[۹۹] همان.

نتیجه‌گیری

نتایج سراسری انتخابات نشان داد حزب عدالت و توسعه (AKP) علی‌رغم از دست دادن حدود ۸ درصد آراء نسبت به انتخابات قبلی، هنوز در ترکیه حزب حاکم و برتر بود. لازم به ذکر است انتخابات ۲۹ مارس یک انتخابات محلی بود و درصد آراء اکتسابی احزاب سیاسی مربوطه را باید با آرائی که در انتخابات محلی ۲۰۰۴ کسب کرده بودند مقایسه نمود. در انتخابات محلی قبلی (۲۰۰۴)، AKP، ۴۱.۶۷ درصد آراء کل را از آن خود کرد و اندکی کمتر از ۳ درصد این آراء را در انتخابات ۲۹ مارس (۲۰۰۹) بدست آورد. درصد آراء AKP به اندازه مجموع درصد آراء هر دو حزب CHP (حزب مردم جمهوری‌خواه) و MHP (حزب حرکت ملی) بود.

جدول ۱: نتایج سراسری انتخابات

	۲۰۰۴	۲۰۰۷	۲۰۰۹
AKP	٪۴۱.۶۷	٪۴۶.۶۰	٪۳۸.۷۸
CHP	٪۱۸.۲۳	٪۲۰.۶۰	٪۲۳.۱۲
DP	٪۹.۹۷	٪۵.۴۱	٪۳.۷۳
DTP	تأسیس در سال ۲۰۰۵	٪۵.۴۰	٪۵.۶۸
MHP	٪۱۰.۴۵	٪۱۴.۲۹	٪۱۶.۰۴
SP	٪۴.۲۰	٪۲.۳۴	٪۵.۱۶

SP: حزب سعادت (Felicity Party - FP)

DP: حزب دموکرات (Democrat Party - DP)

برخی شاهدان فکر می‌کردند شاید AKP و اردوغان درصدهای خیلی بالایی کسب کرده بودند. برای مثال در ۲۰۰۲، AKP توانست ۳۸ درصد آراء را کسب کند؛ در انتخابات محلی ۲۰۰۴ هم ۴۲ درصد آراء را بدست آورد. در انتخابات سراسری ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ اردوغان ادعا کرد AKP می‌خواهد ۴۲ درصد آراء را کسب کند ولی توانست ۴۷ درصد

آراء یعنی پنج درصد بیش از آنچه انتظارش را داشت، بدست آورد.[۱۰۰] طی این مرحله رقابت‌ها برای انتخابات ۲۹ مارس اردوغان گفت می‌خواهد AKP، ۵۰ درصد آراء را کسب کند. برخی تحلیلگران تأکید داشتند انتخابات ۲۹ مارس انتخاباتی محلی با مؤلفه‌ها و عواملی متفاوت از انتخاباتی سراسری بود. در انتخابات محلی، عوامل محلی همانند شهرداران یا استانداران، که بدون در نظر گرفتن تعلقات حزبی اقدام به آوردن صنعت و تجارت و همچنین پروژه‌های زیربنایی به شهرها کرده بودند نقش بزرگی ایفا می‌کردند. شهرت، تعلق خانوادگی و قبیله‌ای و عضویت در سازمان‌های مذهبی و تجاری هم نقش اساسی و حیاتی داشتند. انتخابات ۲۹ مارس نیز به نظر می‌رسید بر این دلالت داشت رأی‌دهندگان بیش از پیش و به فاصله دو انتخابات، مایل بودند به احزاب دیگری رأی بدهند. به نظر می‌رسید این امر پیشاپیش نشان از این بود که AKP احتمالاً آرای مشابهی در انتخابات سراسری بعدی بدست آورد. نتایج انتخابات از زمان اولین صعود AKP به قدرت در نوامبر ۲۰۰۲ و انتخابات‌های متعاقب ۲۰۰۴، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ بر این دلالت داشت AKP با درصدی حدود ۴۰ درصد از انتخابات‌های محلی و سراسری، همچنان بصورت حزبی برتر و پیشرو باقی می‌ماند. برای مثال، AKP، ۱۵ شهرداری را به احزاب دیگر باخت، در حالی که CHP، ۲ (شهرداری)، MHP، ۲ (شهرداری) و در نهایت DSP (حزب چپ دموکراتیک) یک شهرداری را از دست دادند.[۱۰۱]

---

[۱۰۰] این تحلیل حسن اوزتورک، فارغ‌التحصیل دانشگاه کنتاکی در رشته علوم سیاسی است که به فاصله کمی پس از انتخابات ارائه کرد.

[۱۰۱] AKP در آدیان، سینوپ تکیرداغ، آنتالیا و گیرسون به CHP باخت؛ در عثمانیه، آدانا، بالکسیر، اسپارتا و مانیسا نیز به MHP باخت؛ در یالووا نیز مغلوب حزب دموکرات (DP) شد و در سییرت و وان نیز به DTP باخت. اما AKP در ماردین از حزب سعادت (SP) و در ترابوزان و آرداهان از CHP برد. همچنین در نیغده از MHP پیش افتاد. دلایل متعددی برای باخت ۱۵ شهرداری AKP به دیگر حزب‌ها وجود دارد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل، وجود اختلاف بین اعضای پارلمانی AKP، ارکان مدیریتی حزب و شعب محلی آن بوده باشد. این دلیل در مورد آدانا و اورفا صادق است. AKP بورسا را درانتخابات ۲۰۰۴ به DSP باخت زیرا آنها فرد پیشنهادی توسط مقامات محلی حزب را کاندیدا نکرده بودند. در اورفا دکتر احمد فاکیبابا شهردار شهر بود اما وقتی متوجه شد وی را نامزد انتخابات ۲۹ مارس نکرده‌اند، حزب را ترک نمود؛ او به عنوان کاندیدای مستقل خود را کاندیدا کرد و برنده شد. به نظر می‌رسد بزرگترین مشکل این بود که اعضای پارلمان در فرایند کاندیدا کردن دخالت کردند تا بتوانند دوستان خود را بیشتر در عرصه نگه دارند.

احسان داغی از تحلیلگران بزرگ سیاست ترکیه خاطرنشان کرد وقتی AKP با ۳۴ درصد آراء در ۲۰۰۲ به قدرت رسید با توجه به ماهیت گسیخته سیاست ترکیه و احزاب سیاسی آن وقت، یک پیروزی مسلم و باورنکردنی تلقی می‌شد. او متذکر شد آخرین باری که حزبی با ۳۹ درصد آراء به قدرت رسید مربوط به انتخابات محلی ۱۹۸۴ بود. از سال ۱۹۸۴ تا زمان پیروزی AKP در ۲۰۰۲ هیچ حزبی ۳۰ درصد آراء را بدست نیاورده بود.[۱۰۲] داغی نظرش را این گونه بیان کرد: "AKP حزبی شد که از تمام ترکیه رأی انباشت. در همه حوزه‌های انتخابی،AKP اولین یا دومین حزب برنده بود. آرای آن در هیچ استانی به زیر ۲۰ درصد تنزل نیافت. این حزب در ۶۲ استان از ۸۱ استان، حزب پیشرو و برتر بود."[۱۰۳] جالب توجه اینکه، نزدیک‌ترین چالشگر این حزب، DTP بود که در ۹ استان شرق و جنوب شرق برنده شده بود. هر چند CHP بیش از ۵ درصد بیش از آرائی که در ۲۰۰۴ بدست آورده بود کسب کرد با این حال فقط در ۷ استان اولین حزب بود و MHP فقط در دو استان اولین حزب شد. قابل توجه اینکه، CHP در ۲۶ استان کمتر از ۱۰ درصد آراء را بدست آورد؛ و در ۱۷ استان هم کمتر از ۵ درصد آراء را از آن خود نمود. داغی همچنین خاطرنشان کرد اگر چه CHP، ۲ درصد بیش از آرائی که در ۲۰۰۷ بدست آورده بود کسب کرد با این وجود در مقایسه با انتخابات ۲۰۰۴ سهم آراء این حزب در انتخابات ۲۰۰۹ حدود یک درصد کاهش یافت.[۱۰۴] معمای تحلیل داغی این بود که AKP ترس چندانی از هیچ کدام از احزاب سیاسی رقیب نداشت. علی‌رغم این واقعیت که DTPدر ۹ استان جنوب شرق و شرق برنده شد، اما حزبی رقیب در سطح منطقه‌ای باقی می‌ماند و در سطح ملی برای AKP چالشی ایجاد نمی‌کرد. این بدان معناست که DTP و آمال و هویت کُردی که نماینده آن است، چالش‌های مهمی برای AKP و دولت در جنوب شرق و شرق کشور بوجود می‌آورند.

افرادی هم بودند که با وجود دوام آوردن AKP پس از اینکه ۸ درصد آراء خود را از دست داد، به همین (لطمه به AKP) خرسند بودند. یکی از آنها بنّاز توپراک از جامعه-

---

[۱۰۲] *تودیز زمان*، ۶ آوریل ۲۰۰۹.

[۱۰۳] همان.

[۱۰۴] همان.

شناسان برجسته ترکیه بود که اخیراً در راستای تأکید بر نقش جامعه، بویژه فشار محله در مجبور کردن مردم به پذیرش استانداردهای محافظه‌کارانه مذهبی، بویژه در مورد زنان و دختران برای پوشیدن روسری، کتاب *متفاوت بودن در ترکیه: نقش مذهب و محافظه کاری در ساخت دیگران* را نوشت. وی در مصاحبه‌ای با روزنامه *ملّیت* گفت بخاطر نتایج انتخابات که حاکی از کاهش آرای AKP بود "در صبح روز ۳۰ مارس بسیار راضی و خوشنود از خواب بیدار شدم."[۱۰۵] توپراک گفت وی بطور روز افزونی از رویکردهای دیکتاتورمأبانه AKP پس از کسب ۴۷ درصد آراء در انتخابات سراسری ۲۰۰۷ که (ساختار) حکومت ائتلافی ترکیه و به تبع، دموکراسی ترکیه را تهدید می‌کرد ناراحت می-شده است. توپراک فکر می‌کرد پیروزی مرزی AKP در ۲۰۰۷ امکان ظهور دو حزب برتر در یک حکومت ائتلافی، که می‌توانست ثبات لازم را برای ترکیه جهت رویارویی با برخی مشکلات بوجود آورد، به مخاطره انداخت. او تأکید کرد تحقیقاتش نشان داده برخی طبقات اجتماعی بودند که قویاً از AKP حمایت می‌کردند. در بین آنها او طبقاتی را خاطرنشان کرد که طرفدار جنبش فتح‌الله گولن بودند. به عنوان مثال خاطرنشان کرد در سال ۲۰۰۲ اتحادیه یقه سفید بوروکراتیک مامور–سن ۴۲۰۰۰ عضو داشته و در سال ۲۰۰۸ این تعداد به ۳۱۵۰۰۰ عضو رسیده بود. او گفت شهرها و شهرک‌های داخلی ترکیه، علوی‌ها، اقلیت‌های خارجی، چپگرایان و سکولارها شکوه کرده‌اند که نمی‌توانند در بخش‌های دولتی یا شهرداری‌های تحت تصدی AKP شغلی بیابند. شکافی بین AKP و افرادی که دارای هویت اولیه سکولار بودند مانند دکترها، پرستاران، معلمان و کارمندان بوجود آمد. کسانی که به AKP یا به جنبش گولن نزدیک نبودند از فرصت‌های شغلی و تأمین اجتماعی کمتری بهره‌مند شدند.[۱۰۶] وقتی از او پرسیده شد به نظرش چه کسانی با حس "آرامش ذهنی" در ۳۰ مارس از خواب بیدار شده‌اند، او پاسخ داد کسانی که از شرایط اقتصادی ناراحت بودند هم شاید از کاهش آراء AKP خرسند شدند. توپراک فکر می‌کرد مردمی هم که خود را سکولارگرا می‌دانستند از کاهش آراء AKP خوشنود شدند. وی خاطرنشان کرد در سراسر مطالعه میدانی اجتماعی‌اش پی‌برده مردم زیادی در

---

[۱۰۵] *ملّیت*، ۵ آوریل ۲۰۰۹.

[۱۰۶] همان.

صورت به مخاطره افتادن بیشتر سکولاریسم، می‌خواهند کشور را ترک کنند و اگر نتوانند ترک کنند، از بچه‌هایشان خواسته‌اند این کار را بکنند. شخصیت‌پردازی AKP از چنان افرادی به عنوان سکولاریست‌های نظامی، دایناسورهای آتاتورکیست، و حامیان مداخله نظامی، بیزاری و بیگانگی این گروه‌ها را تقویت کرده است. در نتیجه، توپراک بر این باور بود دلیل کسانی که با حس "آرامش ذهنی" در صبح ۳۰ مارس از خواب برخاستند این بود که فکر می‌کردند نتایج انتخابات حاکی از امکان کاهش جاذبه AKP برای رأی‌دهندگان در انتخابات‌های آتی است، و از این‌رو آنها در انتخابات‌های آتی با حس خوب و اشتیاق بیشتری پای صندوق‌های رأی می‌روند.[۱۰۷]

انتخابات در جنوب شرق

بسیاری از مردم جنوب شرق با بنّاز توپراک در این مورد موافق بودند که سیاست‌ها، گفتمان و سخنرانی‌های کاندیداهای AKP طی مبارزات انتخاباتی به طور حتم بسیاری را بیزار و برخی دیگر را هم بیگانه کرده بود. اما به نظر می‌رسید در جنوب شرق قضیه بر سر توفیق و غلبه هویت کُردی بر قضایای توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری تجاری، بویژه از طرف شرکت‌های عضو و وابسته به مؤسسه تجار و صنعتگران ترکیه (TÜSIAD)، و بی‌کفایت قلمداد کردن شهرداران کُرد و رؤسای ادارات بخش‌ها برای اشتغال‌زایی، جمع‌آوری زباله‌ها و پاکیزه نگاه داشتن خیابان‌ها بود.

---

[۱۰۷] همان.

جدول ۲: نتایج انتخابات محلی در جنوب شرق ترکیه

	AKP	CHP	DP	DTP	MHP	SP
آدی یامان	۴۹.۳	۱۳.۴				۲۴.۱
آگری	۳۹.۶			۳۲.۴		۲۱.۲
باتمان	۳۶.۷			۵۹.۷		۱.۶
بینگول	۴۲۸			۳۳۸		۱۷.۲
بتلیس	۴۳.۱			۳۴.۴		۱۶.۱
دیاربکر	۳۱.۳			۶۵.۶		۰.۶
الازیغ	۴۷۸				۲۳.۳	۱۵.۴
حکّاری	۱۵.۱	۱.۲		۸۰.۲		
اغیر	۳۰.۵			۳۹.۶	۲۷.۱	
ماردین	۴۵		۱۰.۷	۳۶.۳		
موش	۵۰.۵			۳۷.۲		۶
سییرت	۴۵۸	۱۸		۴۹.۴		
شیرناک	۴۲.۶			۵۳.۷		
تونجلی	۲۱.۵			۳۰		
اورفا	۳۹.۳			۱۰.۵		
وان	۳۹.۲			۵۳.۵		۳.۶

در اورفا ۴۴ درصد آراء را کاندیداهای مستقل بدست آوردند. دکتر احمد فاکیبابا وقتی توسط دفتر مرکزی AKP مورد پذیرش قرار نگرفت، به عنوان کاندیدای مستقل به رقابت پرداخت و برنده شد و تفاوت (قدرت) بین دفتر مرکزی AKP و ادارات محلی را به معرض آزمایش گذاشت. در ۷ آوریل او به حزب سعادت پیوست. این جدول ترکیبی از منابع مختلف نتایج اخیر است و درصدها در نتایج نهایی شاید کمی تغییر کنند.

جدول ۳: نتایج انتخابات ۲۹ مارس ۲۰۰۹ در توابع دیاربکر

بخش	DTP	AKP	CHP	DP	SP	DSP	بقیه
باغلار	۶۸.۱۲	۲۹.۱۵					
بیسمیل	۷۰.۴۵	۲۷.۲۵					
چرمیک	۲۴.۴۵	۲۵.۱۲				۴۷.۷۸	
چنار	۵۹.۴۷	۱۱.۶					۲۷.۷۵
چونگوش		۴۸.۱۷	۵۱.۷۶				
دجله	۵۰.۲۳	۶.۹۴					۴۲.۸۳
اگیل	۵۲.۱	۲۷.۰۲		۲۰.۲۸			
ارگانی	۵۶.۰۸	۳۴.۰۶			۶.۵۶		
هانی	۵۲.۷۷	۴۶.۴۳					
هازرو	۳۶.۹۸	۵۶.۱۱		۶.۲۸			
کایاپنار	۶۳.۰۹	۳۳.۴۲					
کوجاکوی	۴۹.۶۳	۴۷.۸۴	۱.۱۲				
کولپ	۵۱.۴۳	۴۷.۰۴	۱.۰۱				
لیجه	۷۶.۶۵	۹.۰۷					۱۰.۷۹
سیلوان	۷۰.۸۴	۲۶.۱۶			۱.۰۴		
سور	۶۵.۳۲	۳۱.۹۶					
ینی‌شهر	۵۸.۹۸	۳۶.۴۱	۱.۳۹				

همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، در شرق و جنوب شرق DTP برنده هشت شهرداری شد؛ باتمان، دیاربکر، حکّاری، ایغدیر، سییرت، شیرناک، تونجلی (درسیم) و وان. در چهار حوزه –باتمان، دیاربکر، حکاری و وان– DTP بیش از ۵۰ درصد آراء را به خود

اختصاص داد. در سییرت برنده ۴۹.۴ درصد آراء شد. پیروزی‌های DTP در وان و سییرت، شیرینی خاصی داشتند چرا که این حزب قبلاً در انتخابات ۲۰۰۴ در هیچ کدام از دو شهر وان و سییرت برنده نشده بود. پیروزی در سییرت خیلی راضی‌کننده بود زیرا سییرت شهر زادگاه همسر اردوغان و استانی بود که اردوغان در مارس ۲۰۰۳، که سه ماه بعد AKP انتخابات سراسری ۲ نوامبر را برد، از آنجا به عنوان نماینده پارلمان برگزیده شد. همچنین، پیروزی در وان مشوق خاصی بود زیرا (وان) استانی بود که معمولاً نه به عنوان جنوب شرق بلکه بیشتر به عنوان شرق شناخته می‌شد و بین دریاچه وان و مرز ایران واقع شده بود. در مجموع، DTP در مقایسه با ۵۶ شهرداری که قبلاً داشت، این بار در انتخابات برنده ۹۹ شهرداری شد.[۱۰۸]

عثمان بایدمیر، شهردار مجدداً انتخاب شده دیاربکر تأکید کرد DTP، ۵۵۰۹۸۴ رأی و AKP، ۵۳۶۹۸۴ رأی از ۱۴۰۹۸۹۱ رأی مأخوذه از ۱۸ استان جنوب شرق و شرق را به خود اختصاص داده‌اند. (این استان‌ها عبارتند از): آدی‌یامان، آگری، آرداهان، باتمان، بینگول، بتلیس، دیاربکر، الازیغ، حکّاری، ایغری، قارص، ماردین، سییرت، موش، شانلی-اورفا، شیرناک، تونجلی (درسیم) و وان.[۱۰۹] این پیروزی بایدمیر را ترغیب کرد تا مدعی شود هم اکنون ترکیه متشکل از چهار حزب سیاسی عمده منطقه‌ای است: DTP در مناطق شرق و جنوب شرق، CHP در مناطق غرب و ساحلی، MHP در مناطق داخلی آناتولی، و AKP در مناطق مرکزی حزب برتر هستند.

بایدمیر مشتاق بود بگوید نمایش قوی DTP بر این دلالت دارد که اختلافات بین کردها و دولت را می‌توان از طریق توجه شایسته و مذاکرات صمیمانه حل کرد: "در ترکیه تا زمانی که تفاوت‌ها، هویت قومی و فرهنگی، یا اعتقادات مذهبی، مردم را به 'غیرخودی' تبدیل می‌کند، باید آنها را در دستور کار قرار داد. تا زمانی که مسئله کُردی حل نشود ما یک مسئله باقی خواهیم ماند. بنابراین هر کاری که انجام داده‌ایم نشان می‌دهد شهروندان با

---

[۱۰۸] وقتی در اکتبر ۲۰۰۸ در اربیل با عبدالله دمیرباش صحبت کردم، او به من گفت پژوهشگران DTP رهبریت DTP را مطلع کرده‌اند که DTP در انتخابات برنده ۱۰۶ شهرداری خواهد شد. برآورد پژوهشگران به طور قابل ملاحظه‌ای به رقم واقعی نزدیک بود.

[۱۰۹] حرّیت، ۸ آوریل ۲۰۰۹.

هویت‌ها، زبان‌ها، فرهنگ‌ها و اعتقادات خودشان وجود دارند و این موهبت است نه تهدید، و ما بدون شک تلاشمان را در این راستا ادامه خواهیم داد."[۱۱۰]

وقتی از او پرسیده شد آیا انتخابات برای ترکیه جغرافیای سیاسی جدیدی بوجود آورده است یا نه، بایدمیر پاسخ داد، "از نظر حل مسئله کُردی هیچ چیز هراس‌آوری وجود ندارد در واقع، کاملاً برعکس است. (مسئله کُردی) مسائل تعریف نشده را پشت سر گذاشته است. هم اکنون ما در فرایند برجسته و ساده‌سازی قرار داریم. این به ما اجازه می‌دهد با اشتیاق بیشتری به کارمان ادامه دهیم. در دوره کوتاه مدت و بلند مدت، ما نباید از چنان فرایندی بهراسیم. مردم ما می‌خواهند شناخته شوند و ارزش‌هایشان هم شناخته شود. من به آن انتخابات به عنوان درسی که چنین چیزی ارائه می‌دهد می‌نگرم."[۱۱۱] بایدمیر در ادامه از اصلاحاتی که AKP انجام داده گلایه و شکوه کرد و گفت آن اصلاحات عمدتاً بر روی کاغذ بوده و در حقیقت اجرا نشده‌اند. در مورد اقتصاد نیز چنین بود؛ بسیاری از پروژه‌ها اعلام، و گفته شده توجه لازم به عمل می‌آید اما تعداد معدودی از آنها به مرحله اجرا رسیده‌اند.

احمد ترک با بایدمیر و کسانی که نتایج انتخابات را تاریخی می‌دانستند موافق بود. او فکر می‌کرد انتخابات هشداری جدی به AKP داده و اگر آنها سیاست‌هایشان را تغییر ندهند، با احتمال شکست‌های بزرگ‌تر در انتخابات‌های آتی مواجه خواهند شد.[۱۱۲] او بر این باور بود نتایج انتخابات به AKP هشدار داد که باید به فرایندهای لازم برای نیل به استانداردهای پذیرش اتحادیه اروپا ادامه دهد، و باید بطور جدی برای تهیه و تصویب قانون اساسی جدید –که این مورد آخر برای کردها خیلی مهم است– اقدام کند.

احمد ترک با توجه به نتایج انتخابات و رضایت از آن برای شرق و جنوب شرق گفت در جنوب شرق ما در یک طرف DTP، و در طرف دیگر AKP را داریم که به ارتش، پلیس، فرمانداران و نظام قضایی ملحق شده و یک نظام کلی حکومتی تشکیل داده است. کردها در برابر سیاستی که می‌گوید "ما به شما TRT شَش [۶] را می‌دهیم و شما هویت

---

[۱۱۰] همان.

[۱۱۱] همان.

[۱۱۲] *رادیکال*، ۹ آوریل ۲۰۰۹.

خود را به ما بدهید" گردن خم نمی‌کنند."[۱۱۳] احمد ترک گفت او از بیانیه وزیر کشور جمیل چیچک در نتیجه نگرانی از پیروزی DTP در انتخابات ایغدیر، استان هم مرز با ارمنستان، سردرگم و گیج شده است. او پرسید منظور چیچک از گفتن اینکه کردها و DTP حالا هم مرز با ارمنستان هستند چه بوده است: "آیا آنجا سرزمین از دست رفت؟ البته که نه، تنها چیزی که از دست رفته AKP بوده است."[۱۱۴] احمد ترک و دیگران فکر می‌کردند بیانیه چیچک بر این دلالت دارد که در نتیجه پیروزی DTP در ایغدیر، احتمال همکاری بالقوه بین ارمنی‌ها و PKK قوی‌تر می‌شد. منظور چیچک هر چه بوده، احتمال چنین چیزی بعید به نظر می‌رسد. به فاصله کمی بعد از دیدار رئیس جمهور ایالات متحده باراک اوباما از ترکیه در ۷-۶ آوریل، که طی آن او از مذاکرات جدی‌تر بین ترکیه و ارمنستان حمایت کرده بود، سرعت روابط دیپلماتیک و اقتصادی بین آنکارا و ایروان افزایش یافت.

موفقیت یا عدم موفقیت ترکیه در مدیریت ناسیونالیسم کُردی

در مقدمه این جستار دوره ۱۶ ماهه‌ای از انتخابات سراسری ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ تا انتخابات محلی ۲۹ مارس ۲۰۰۹ را به عنوان شاخصی سیاسی برای اندازه‌گیری موفقیت یا عدم موفقیت دولت ترکیه در مدیریت بازداری و تحدید جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه، بویژه حزب کارگران کردستان (PKK) و حزب جامعه دموکراتیک (DTP) پیشنهاد کرده و در نظر گرفتم. انتخابات ۲۹ مارس هر دوی موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌ها را نشان داد. ترکیه از آن جهت که به هیچ کدام از مطالبات عمده PKK و DTP برای خودمختاری سیاسی، تمرکززدایی منطقه‌ای یا استانی در مناطق عمدتاً کردنشین عمل نکرد، موفق بود. طرح خودمختاری سیاسی ارائه شده، هم در مناطق کُردی و هم در مناطق ترکی، توسط پارلمان شامل نمایندگان کُرد عضو AKP رد شد. ترکیه همچنین در مورد عدم اعطای امتیازات قابل توجه فرهنگی و زبانی مورد مطالبه کردها موفق بود. از طرف

---

[۱۱۳] همان.

[۱۱۴] همان.

دولت هیچ گونه مجوزی برای آموزش زبان مادری و حتی آموزش به زبان مادری داده نشد. تنها امتیاز در زمینه زبان از طرف دولت، اجازه دایر کردن گروه‌های کُردشناسی در دانشگاه‌های بزرگی چون دانشگاه‌های آنکارا و استانبول بود. همان گونه که ذکر شد، دانشگاه بَلگی در بهار ۲۰۰۹ تدریس زبان کُردی را آغاز کرده بود. بدون شک چنین دوره‌ها و حتی گروه‌هایی در آینده بوجود می‌آمدند. اما این‌ها خیلی محدود بودند و بیشتر شبیه گروه یک زبان خارجی در دانشگاه‌های ایالات متحده بودند. در صورتی که چنان گروه‌هایی به مقاطع بالاتر یا دانشجویان فارغ التحصیل محدود می‌شد، این محدودیت‌ها بیشتر نمود پیدا می‌کردند. به نظر می‌رسید اعطای امتیاز افتتاح کانال TRT شَش، بیش از هر چیز، کاری انتخاباتی برای کسب آراء بیشتر برای AKP در ۲۹ مارس و مواجهه با سختی‌های کمتر در جذب کردهایی بود که از نظر زبانی و فرهنگی تا اندازه زیادی وسیعی ذوب[۱۱۵] شده بودند. پیگیری سرنوشت کانال شَش پس از انتخابات ۲۹ مارس و مشاهده اینکه آیا چنان کانالی حکومتی گسترش می‌یابد یا بسته می‌شود، جالب توجه است. بعید به نظر می‌رسد کانال‌های تلویزیونی خصوصی کُردی اجازه توسعه بیشتری بیابند.

ابزارها و تاکتیک‌های مورد استفاده دولت برای تحدید ناسیونالیسم کُردی

در سراسر دوره مورد مطالعه مانند ادوار قبلی از زمان تشکیل جمهوری، ترکیه از نیروهای مسلح، سازمان‌های اطلاعاتی و پلیس محلی و ملی و دیگر ابزارهای اجبار برای کنترل جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی استفاده کرد. با این حال، در دوره مورد مطالعه شاهد تأکید کمتری در استفاده از نیروهای نظامی معمول برای شکست دادن یا تحدید ناسیونالیسم کُردی بوده‌ایم. این امر پس از پاییز ۲۰۰۸ و پس از حمله ۳ اکتبر PKK به آکتوتون و متعاقباً جلسه ۲۷ اکتبر فرماندهان TAF و رهبران AKP همان‌گونه که در فصل چهار توضیح داده شده، روشن شد. پس از جلسه، نخست وزیر اردوغان و رئیس ستاد کل ایلکر

---

[۱۱۵] در برخی ترجمه‌ها کلمه Assimiliate را "جذب" ترجمه کرده‌اند که به نظرم درست نیست زیرا "جذب" معنای مثبت و اختیار خود طرف جذب شده را در خود مستتر دارد در حالی که کلمه Assimiliate حاکی از بعدی منفی و جبر و عدم آزادی است؛ بنابراین به نظر می‌رسد کلمه "ذوب" بهتر باشد-م.

باشبوغ در مورد راهبردهای آتی علیه PKK و DTP "روی فرکانس مشابهی" بودند. هر چند این احتمالاً به معنای عدم حملات گسترده بیشتر به PKK در ترکیه و با بسیج ده‌ها هزار نیرو بود، اما به این معنا نبود که TAF دیگر به عنوان ابزار اصلی برای مدیریت جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی در ترکیه باقی نمی‌ماند. اما نتایج جلسه ۲۷ اکتبر کابینه بر این دلالت داشت TAF، MIT و پلیس ملی به AKP اجازه می‌دهند برخی اوقات به جای استفاده از نیروی نظامی، برای کنترل کردها از سیاست استفاده کند.

دوره مورد مطالعه از این جهت نیز مهم است که TAF اعتراضی به بازداشت، دستگیری و محاکمه عوامل ارگنکون نکرد. به نظر می‌رسد این حاکی از آن بود که TAF فکر می‌کرد حمایت از چنان سازمان‌هایی علیه کردها برای مدیریت کردها دیگر مفید نیست و از این‌رو حاکی از حرکتی برای استفاده از ابزارهای سیاسی‌تر بود. قابل توجه است حرکت دولت علیه ارگنکون حدود یک سال قبل از انتخابات ۲۹ مارس روی داد. ممکن است TAF و AKP مانند دیگر احزاب سیاسی، فکر می‌کردند چنان اعمالی حداقل موجب تسکین و آرام کردن کردهای میانه‌رو می‌شود و به کردهای جنگجوتر نشان می‌دهد حکومت بیش از این از ترور یا قتل‌های وسیع شامل چاه‌های اسید، علیه ناسیونالیست‌های کُرد استفاده نمی‌کند. گمان می‌شد اقدام علیه ارگنکون سبب تسهیل سیاسی‌سازی مسئله کُردی شده و احتمالاً در انتخابات ۲۹ مارس به دستاوردهایی به نفع AKP منجر شود.

بنابراین طی دوره مورد مطالعه، به استثنای یک حمله زمینی به شمال عراق علیه PKK در فوریه ۲۰۰۹، حرکت مهمی در راستای اجتناب از استفاده گسترده از نیروی نظامی صورت گرفت؛ قابل توجه است که این عمل در عراق روی داد نه در ترکیه. این دوره همچنین از آن نظر مهم است که دولت بطور روز افزونی به سوی کاهش همکاری با سازمان‌های توطئه‌گری چون ارگنکون گام برداشت. البته این حرکت نه فقط در راستای تعامل با ناسیونالیسم کُردی بر پایه‌ای سیاسی‌تر بلکه بخاطر چالش‌های دیگری نیز بود که ارگنکون برای دولت بوجود آورده بود- بویژه بخاطر سهم ارگنکون در بهم خوردگی و آشفتگی سیاسی و اجتماعی نیز بود.

طی ۱۶ ماه مورد مطالعه، دولت به استفاده از نگهبانان روستا علیه PKK و DTP ادامه داد. در حقیقت همان‌گونه که توضیح داده شد تعداد نگهبانان روستا به ۷۰۰۰۰ نفر افزایش

یافت. پس از انتخابات ۲۹ مارس هیچ مدارک و شواهدی دال بر ترک یا تقلیل نظام نگهبان روستا به عنوان ابزاری برای کنترل ناسیونالیسم کُردی دیده نمی‌شود. استفاده از نگهبانان روستا فقط یکی از نمونه‌های چگونگی استفاده دولت از تاکتیک‌های تفرقه بیانداز و حکومت کن در مدیریت ناسیونالیسم کُردی است. همان‌گونه که در فصل پنج روشن ساختم، اختلافات بنیادی بین ناسیونالیست‌های کُرد، نه فقط بین PKK، DTP و HAK-PAR، بلکه بین تقریباً همه احزاب سیاسی کُردی وجود دارد که طیف کاملی از ایدئولوژی‌های سیاسی را به انتخاب‌کنندگان و اعضای آتی خود ارائه و پیشنهاد می‌کنند. بعلاوه، همان‌گونه که ذکر شد اختلافات زیادی بین بورژوازی کُرد مانند کردهایی که نماینده پارلمانی AKP هستند با احزاب سیاسی دیگر، کردهای طبقه کارگر و کسانی که بیکار و فقیر شده‌اند وجود دارد.

به نظر می‌رسید انتخابات ۲۹ مارس نیز حاکی از این بود که استفاده دولت از سازمان‌های مذهبی مانند جنبش گولن، طریقت‌های نقشبندی، حزب الله و گماشتن امامان جمعه حنفی مذهب در مناطق کُردی، آن‌گونه که دولت انتظار داشت مؤثر واقع نشده است؛ با این وجود همان‌گونه که انتخابات نشان داد حزب سعادت (SP) هنوز در مناطق کردنشین جذابیت داشت. علی‌رغم نامؤثر بودن ظاهری تاکتیک‌های مذهبی، احتمال داد استفاده از چنان سازمان‌های مدیریت‌کننده‌ای در آینده هم ادامه یابد.

در روز فردای انتخابات هیچ شواهدی دال بر تغییر تاکتیک‌های مدیریت با استفاده از پروژه‌های توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و مفهوم "یکپارچگی منسجم" (بویژه مطابق تعریف حسین آونی موتلو استاندار دیاربکر، تصمیم‌گیرنده برتر دولت در جنوب شرق) به چشم نمی‌خورد. دولت و AKP همچنان به توزیع کالاهای سفید در مناطق کردنشین، بویژه تونجلی و دیاربکر ادامه می‌دادند و این در حالی بود که پلیس کارت‌های تشخیص هویت و کارت سبز (بهداشت) را توقیف و هزاران نوع ارعاب دیگر را انجام می‌داد.

در سراسر این مطالعه روشن است قضیه زبان به عنوان زمینه اصلی نبرد باقی خواهد ماند و نه فقط ملی‌گرایان کُرد بلکه تقریباً همه کردها خواستار حقوق زبانی بیشتر از جمله آموزش زبان مادری بودند. این تحقیق روشن ساخت بسیاری از کردها حتی اعضای DTP با

آموزش زبان مادری راضی می‌شدند. بورژوازی کُردی در جنوب شرق بویژه در دیاربکر و همچنین در غرب ترکیه شامل شهرهای بزرگ استانبول، آنکارا، ازمیر و آنتالیا در صورتی که دولت اجازه می‌داد آموزش زبان مادری آن‌گونه که سزگین تانریکولو در فصل دو تعریف کرده بود صورت گیرد، تا حدودی راضی می‌شدند. اگر دولت اجازه آموزش زبان مادری را می‌داد، رهبران جنبش ناسیونالیستی کُردی بویژه کسانی که مخالف PKK بودند یا حداقل کسانی که مخالف اوجالان بودند، می‌توانستند در ملاءعام حاضر شده و بگویند آنها برای استفاده گسترده‌تر از کُردی امتیاز مهمی از دولت گرفته‌اند –(زیرا) خواسته اولیه عموم کردها، عمل به هویت کُردی خود و تبلور کوردایه‌تی بود.

دولت شاید به درستی به این باور رسیده باشد که اعطای حق آموزش زبان مادری، سبب نزدیک‌تر شدن بورژوازی و توده مردم به یکدیگر شده و به ناسیونالیسم کُردی قوی‌تر منجر می‌گردد و انسجام بیشتر بین بورژوازی، طبقه کارگر و توده مردم، دولت را به مخاطره می‌اندازد. از این منظر، به نظرم جنگ لفظی همان‌گونه که در سراسر تحقیق تأکید کرده‌ام بدون شک به عنوان صحنه اصلی چالش برای مدیریت ناسیونالیسم کُردی توسط ترکیه در آینده، و صحنه اصلی تلاش کردها جهت رشد زمینه‌هایی که می‌توانند آرزویشان برای بیان درست و حقیقی کوردایه‌تی را در آن صورت دهند باقی خواهد ماند.

فقط ۱۶ روز پس از انتخابات معلوم شد چالش‌های قوی و دشوار برای کردها و بویژه DTP هنوز باقی مانده‌اند. در ۱۴ آوریل پلیس اقدام به رشته‌ای عملیات در ۹۰ مکان در سراسر ترکیه نمود. این اماکن بطور مستقیم توسط DTP هدایت می‌شد، برخی از آنها عبارتند از دیاربکر، آدانا، آیدین، الازیغ، غازی عینتاب، استانبول، ماردین، شانلی‌اورفا، شیرناک، بینگول و حکاری. ۷۰ نفر فقط در دیاربکر دستگیر شدند. در بین آنها کاموران یوکسک معاون DTP و طرفدار قوی آموزش به زبان مادری وجود داشت. معاونین DTP سلما ایرماک و بایرام آلتون در کنار سه وکیل عبدالله اوجالان و بازرس ساختمان شهرداری باتمان هەوال اردملی نیز دستگیر شدند.[۱۱۶] افراد دستگیر شده به عضویت در

---

[۱۱۶] *بیانت ترکیه*، ۱۴ آوریل ۲۰۰۹.

PKK، فعالیت برای سیاسی‌سازی PKK و تحریک به آتش زدن وسایل نقلیه که در برخی شهرها توسط هواداران PKK انجام شده بود متهم شدند.

احمد ترک گفت بازجویی‌ها تلاشی برای بیرون راندن DTP از سیاست‌های دموکراتیک‌اش بود: "این‌گونه عملیات‌ها و فشارها نشانه عصر جدیدی است که در آن حزب‌مان به بیرون از کشمکش سیاسی هل داده می‌شود. هر کسی باید بداند ما از این کشمکش دست نخواهیم کشید."[117] احمد ترک همچنین خاطرنشان کرد "برخی نیروها در ترکیه تلاش می‌کنند در سایه این تحریکات کشور را وارد فاز خشونت کنند. اگر آنها بر درگیری اصرار کنند، همه چیز از آنچه در گذشته بوده بدتر می‌شود. اگر کشتی غرق شود همه ما غرق می‌شویم."[118] مقامات DTP در ۱۲-۱۱ آوریل جمع شدند تا در مورد خط‌مشی‌های جدید پس از پیروزی انتخاباتی خود بحث کنند. یکی از خط‌مشی‌ها توصیه می‌کرد به منظور یافتن راه‌حلی برای مسئله کُردی، باید با PKK و عبدالله اوجالان به مثابه همکار و همتا رفتار شود. DTP آن‌گونه که باراک اوباما در دیدار ۶ آوریل از آنکارا اعلام کرد PKK را به عنوان سازمانی تروریستی اعلام نکرد. در واقع، با نتایج انتخابات ۲۹ مارس، DTP برای PKK جواز و ضمانت اجرایی قانونی فراهم کرد؛ و در انتخابات گزینه‌های کمی برای حمایت گسترده از آن (PKK) و برای اوجالان در اختیار داشت. یکی از مقامات گمنام DTP گفت "جهان باید نتایج انتخابات محلی را تحلیل کند. ما تغییر نخواهیم کرد؛ جهان باید ما را آن‌گونه که هستیم بپذیرد. حزب‌مان فکر می‌کند انتخابات محلی مسیر جدیدی برای سیاست ترکیه به ما می‌دهد، و در این عصر جدید مأموریت حزب‌مان بزرگ‌تر از گذشته خواهد بود."[119]

رئیس کانون وکلای دیاربکر محمد امین آکتار، دستگیری‌ها را تقبیح کرد و گفت "چنان عملیات‌هایی نگران‌کننده هستند. ما نمی‌دانیم چه شاهد و مدرکی داشته‌اند. من این را به عنوان جریانی منفی می‌بینم. البته، پس از پیروزی DTP در انتخابات محلی در این منطقه،

---

[117] *تودیز زمان*، ۱۵ آوریل ۲۰۰۹.

[118] همان.

[119] همان.

و به عنوان حزبی که به عنوان نماینده قانونی کردها در فرایند یافتن راه‌حلی برای مسئله کُردی است، این کارها امید به یافتن راه‌حلی صلح‌آمیز را از بین بردند."[۱۲۰] علاوه بر ۷۰ نفری که در دیاربکر دستگیر شدند، زبیده چوغاج از اعضای شورای شهرداری بخش یوکسکوا در حکّاری نیز بازداشت شد. ۱۶ نفر دیگر نیز در ماردین دستگیر شدند. دستگیری و بازداشت حدود ۱۰۰ نفر که اغلب اعضای DTP بویژه از گروه "بازها" که طرفدار آموزش به زبان مادری بودند بر این دلالت داشت که دولت در نتیجه ظاهر شدن قوی DTP در انتخابات در ۲۹ مارس، اجرای استراتژی سرکوب را در پیش گرفته است. اگر این اتفاق بیافتد، و در صورتی که امید به راه‌حلی مسالمت‌آمیز آن‌گونه که محمد امین آکتار فکر می‌کرد از بین می‌رفت، در این صورت چالش‌های رشد هویت کُردی در آینده با خشونت بیشتری همراه می‌شد. اگر پیش‌بینی آکتار درست در می‌آمد، اقناع DTP و دیگر ملی‌گرایان کُرد برای حمایت از خلع سلاح PKK به صورتی که ترکیه، واشنگتن، بغداد و اربیل خیلی مشتاق آن بودند، سخت می‌شد.

برخی تحلیلگران گمان می‌کردند DTP از حکومت انتظار داشت قوانین ضدترور و همچنین مواد قانون اساسی مربوط به بستن احزاب را اصلاح و مورد تجدیدنظر قرار دهد. پرونده اقامه دعوی برای بستن DTP هنوز در دست بررسی بود. گمانه‌زنی‌هایی در رسانه‌های ترکیه بود مبنی بر اینکه دادگاه قانون اساسی حالا که انتخابات به پایان رسیده و بیشتر برای دولت نامطلوب بوده، حکم به بستن DTP خواهد داد. پرونده بستن DTP به دنبال ممنوع کردن فعالیت ۲۲۱ نفر از اعضای DTP بود که برخی از آنها جدیداً به عنوان شهرداران و رؤسای بخش‌های استانی انتخاب شده بودند. صلاح‌الدین دمیرتاش مدعی شد دستگیری‌ها واکنشی با انگیزه سیاسی به موفقیت DTP در انتخابات بود: "این اقدامی غیرقانونی علیه DTP و تلاشی برای دستکاری حمایت سیاسی DTP و شکستن اراده‌اش بود. انجام عملیات (دستگیری) این‌قدر زود پس از انتخابات، اتفاقی و تصادفی نیست."[۱۲۱] حاسیپ کاپلان با تحلیل دمیرتاش موافق بود، "به عملیات‌هایی که علیه ما انجام می‌شوند

---

[۱۲۰] همان.

[۱۲۱] همان.

عادت کرده‌ایم، اما این عملیات‌ها جستجو برای راه‌حل‌یابی را به مخاطره می‌اندازند."[۱۲۲] آمنه آینا معاون جسور DTP گفت "هم علت و هم تبعات عملیات‌ها خطرناک هستند."[۱۲۳] وی نیز مانند احمد ترک گفت عملیات علیه DTP تلاشی برای بیرون راندن آن از دایره سیاست‌های مشروع و قانونی بود.[۱۲۴] در نتیجه یورش‌ها و دستگیری تعداد زیادی از اعضای DTP، غیرمحتمل نبود که TAF و احزاب سیاسی دادگاه قانون اساسی را مجبور کنند DTP را ببندد و بدین‌گونه امکان انجام مذاکرات جدی بین دولت و کردها را غیرممکن کنند.

مورد نگران کننده دیگر فقط دو روز پس از انتخابات ۲۹ مارس رخ داد، لیلا زانا در ۳۱ مارس در برابر دادگاه دیاربکر حاضر شد تا به اتهاماتی از قبیل اینکه وی تروریست است، مرتکب جنایت شده، و برای سازمانی غیرقانونی (PKK) تبلیغات نموده پاسخ دهد. او به استناد قوانین متعدد ضدترور و مواد معینی از قانون جزای ترکیه، بخاطر سخنرانی‌هایی که طی سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ ایراد کرد متهم بود. وکلای وی برای تنظیم دفاعیه خواستار موکول نمودن جلسه به زمانی تا ۲ ژوئن شدند که دادگاه با آن موافقت کرد. با این وجود، دادرسی کوتاهی انجام شد که طی آن زانا بدین‌گونه سخن گفت "قضات محترم، مایلم قبل از هر چیز به مطلبی اشاره کنم که آن را یک رسوایی برای دموکراسی ترکیه می‌دانم که من بخاطر افکارم برای آن می‌کوشم. این واقعیت که بیان افکار را در حوزه جنگ علیه تروریسم قملداد می‌کنند هنوز قضیه‌ای رایج و حاد است. این واقعیتی است که امکان بیان افکار، تضمین‌کننده تمام دیگر انواع آزادی‌هاست."[۱۲۵] محاکمه لیلا زانا و دستگیری حدود ۱۰۰ نفر فقط ۱۶ روز پس از انتخابات ۲۹ مارس بر این دلالت داشت که شاخه قضایی دولت ترکیه به عنوان ابزار سرکوب هویت و حقوق کُردی برگزیده شده و برای TAF، MIT و پلیس ملی، همچنان به عنوان نهاد سرکوب عمل می‌کند.

---

[۱۲۲] همان.

[۱۲۳] همان.

[۱۲۴] همان.

[۱۲۵] گزارش نظارت بر محاکمه لیلا زانا توسط مارگارت اون (Margaret Own) به پروژه حقوق بشر کُردی (Kurdish Human Rights Project) واقع در لندن بریتانیا، در ۳۱ مارس ۲۰۰۹ ارائه شد.

پاسخ‌های کردها به مدیریت ناسیونالیسم کُردی توسط دولت

طی دوره مورد مطالعه همچون گذشته، کردها با استفاده از نیروی خود بویژه از طریق PKK، به استفاده دولت از نیروی نظامی، مخفی و سازمان‌های توطئه‌گری چون ارگنکون پاسخ دادند. در سراسر این دوره مورد مطالعه کردها در برابر نیروهای نظامی، ارگنکون، MIT، پلیس ملی، نگهبانان روستا و چماقداران، مقاومت و ایستادگی کردند و شاهد وعده و نه اجرای پروژه‌های اقتصادی و بیانیه‌های دولتی یکپارچگی منسجم با استفاده وسیع‌تری از کُردی در اماکن عمومی و در اخبار و آگهی‌های رسمی و برای امور عمومی مربوطه بودند. استفاده از کُردی توسط مقامات حکومتی در جنوب شرق و شرق سبب رشد بی-سابقه آن در تاریخ ناسیونالیسم کُردی در ترکیه طی دوره مورد مطالعه شد. یک سازمان کُردی جدید تَوگر و پَروَردَیا کوردی (TZP Kûrdi) خود را وقف توسعه کُردی نمود، حتی خواستار تحریم نظام آموزش، اصلی‌ترین ابزار ترکیه برای کنترل ناسیونالیسم کُردی از زمان تشکیل جمهوری شد. تأکید بیشتر بر استفاده از کُردی، حتی توسط آن کردها و آن اعضای پارلمانی DTP که نمی‌توانستند به کُردی تکلم کنند، بر اهمیت نمادین زبان به عنوان وسیله‌ای برای ابراز کوردایه‌تی و برای ناسیونالیسم کُردی افزود. همچنین شایان ذکر است ناسیونالیست‌های کُردی چون کاموران یوکسک معاون رئیس گروه پارلمانی DTP بطور تزلزل‌ناپذیری بر این باور بودند که DTP نه فقط برای آموزش زبان مادری بلکه برای آموزش به زبان مادری یعنی آموزش بچه‌های دوره ابتدایی به زبان کُردی نیز باید فشار بیاورد. (آموزش به زبان مادری) خواسته‌ای است که بطور قابل توجهی متفاوت از خواسته سزگین تانریکولو و اغلب اعضای کانون وکلای دیاربکر و افراد طبقه متوسط است. یوکسک تأکید کرد آموزش نمادین کُردی حتی در وسط خیابان‌ها هم به اجرا در می‌آید. یکی از مهم‌ترین دستاوردها و نتایج این مطالعه، حصول این نتیجه بود که دو دستگی بین کردهای طرفدار آموزش زبان مادری و آنهایی که خواستار آموزش به زبان مادری بودند، یکی از مهمترین چالش‌هایی است که جنبش ناسیونالیسم کُردی ترکیه در آینده با آن مواجه خواهد شد.

طی دوره مورد مطالعه موارد متعددی روی دادند که سبب رشد و تقویت حس کوردایه‌تی شدند. دو نمونه از مهمترین موارد، نشان‌دهنده این واقعیت بود که هویت کُردی ثابت کرد قوی‌تر از تمایلات اسلامگرایی است که دولت تلاش می‌کند با استفاده از سازمان‌های مذهبی از آنها برای مغلوب نمودن هویت ملی استفاده کند. انتخابات ۲۹ مارس نشان داد این (تلاش دولت) نتیجه‌ای به بار نمی‌آورد. دومین مورد، پاسخ کردها به نخست وزیر اردوغان در برخورد بد او با رئیس جمهور اسرائیل شیمون پرز در داووس بود که نشان داد هویت بر تمایلات اسلامگرایی چیره شده است. در حالی که (موقعیت) اردوغان نزد اسلامگرایان ترکیه و مسلمانان سراسر جهان، بویژه کشورهای عرب ارتقا یافت، همدردی بیشتر او با فلسطینی‌ها تا کردها، در نتیجه عملکردش در داووس، بیشتر به علت تقویت حس هویت کُردی با پاسخ سرد کردهای جنوب شرق مواجه شد. اما واکنش دولت به پیروزی‌های DTP در ۲۹ مارس نشان داد آنها برای حفظ و رشد هویت کُردی خود در سال‌های آتی با چالش‌های وسیع و کلانی مواجه خواهند شد.

تنگناهای ژئوپولتیکی ناسیونالیسم کُردی در ترکیه

همان‌گونه که این تحقیق روشن ساخت، افزایش همکاری بین آنکارا، واشنگتن، بغداد و اربیل یکی از چالش‌های کلان جنبش ناسیونالیستی کُردی در ترکیه است. مجموعه‌ای از توافقنامه‌های نظامی، اطلاعاتی و امنیتی بین چهار طرف مزبور طی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ درصدد محدود نمودن روابط بین جنبش‌های ناسیونالیستی کُردی جنگجو در ترکیه و عراق بود. این نیت در کلام جلال طالبانی رئیس جمهور عراق و رهبر PUK که درخواست کرد PKK اسلحه را به زمین گذاشته یا عراق را ترک کند نمود یافت. او این درخواست را در ۲۳ مارس و طی دیدار رئیس جمهور عبدالله گل از بغداد آشکارا اعلام کرد.

من در ۱۵ آوریل قبل از کنفرانس ملی کُرد برنامه‌ریزی شده برای برگزاری در اربیل در اواخر آوریل یا ماه مه، دست نوشته این کتاب را تمام کردم.[۱۲۶] اما به روشنی در ماه مارس

---

[۱۲۶] در زمان نگارش و حداقل در زمان مورد بحث، معلوم نبود به دلیل نتایج انتخابات آیا کنفرانس به پیش می‌رود یا نه.

و قبل از ۲۹ مارس، اعلام اینکه کنفرانس برنامه‌ریزی شده از PKK می‌خواهد اسلحه‌اش را به زمین بگذارد، دستور کار اصلی بود و احتمالاً منجر به جمع‌آوری آراء به نفع AKP در ۲۹ مارس می‌شد. اما نتایج انتخابات نشان داد واشنگتن، آنکارا، بغداد و اربیل حالا برای خلع سلاح PKK با مشکلات بیشتری مواجه خواهند شد. بسیاری از سیاستمداران کُرد در نتیجه حمایت مردم از PKK به عنوان شهرداران شهرها و شهرک‌ها انتخاب شدند. حالا این سیاستمداران چگونه می‌توانستند علیه PKK چیزی بگویند؟ و در اربیل نیز چگونه می‌توانستد چنین کنند؟ در ۱۵ آوریل به هنگام نگارش این سطور، به نظر می‌رسید به احتمال بسیار زیاد کنفرانس به وقت دیگری موکول شود و در واقع، حداقل با همان دستورکاری که ابتدا اعلام شد هرگز برگزار نخواهد شد.

نتایج انتخابات همچنین نشان داد دیدار رئیس جمهور ایالات متحده باراک اوباما از ترکیه در ۷-۶ آوریل و دستورکار ایالات متحده در مورد روابط با آنکارا، بغداد و اربیل بیشتر مسئله‌ساز بود. در حالی‌که اوباما اعلام کرد PKK سازمانی تروریستی است تا رضایت ترکیه را جلب، و از کمکش برای خروج نیروهای ایالات متحده از عراق و نگه‌داشتن کردهای عراق در قالب عراقی متحد بهره‌مند شود، در فردای انتخابات ۲۹ مارس همکاری KRG با نیروهای نظامی، حداقل با نیروهای نظامی قابل توجه علیه PKK در عراق سخت‌تر می‌شد. (KRG) اگر هم مرتکب چنان حرکتی نظامی می‌شد، بیشتر طرفداران PKK و سیاستمدارانی را که در نتیجه طرفداری حامیان PKK به منصبی رسیده بودند از خود بیگانه و بیزار می‌کرد.

در صورتی که KRG هرگونه اقدامی به صورت همکاری با ترکیه برای اقدام نظامی علیه PKK انجام می‌داد، نتایج انتخابات فشار بیشتری بر آن وارد می‌آورد. اگر در سال‌های آتی KRG و کردهای عراق با حمله نظامی قوی از طرف عراق عرب مواجه می‌شدند و برای دفاع از خود یا بقایشان به کردهای ترکیه وابسته می‌شدند چه؟ بعلاوه، نقل متوجه این بود که تا چه حدی روابطش را با ترکیه گسترش دهد زیرا ترکیه همچنان سیاست‌های خشن خود را در مدیریت ناسیونالیسم کُردی ترکیه ادامه می‌داد. همان‌گونه که مومتازر تورکونه گفته بود، ژئوپولتیک خاورمیانه بویژه در مورد عراق و اشغال آن کشور توسط

ایالات متحده، از مسئله کُردی در ترکیه مهم‌تر است. اما انتخابات ۲۹ مارس نشان داد مسئله کُردی در ترکیه به این سادگی از مسئله کُردی در عراق و روابط KRG با عراق عرب تفکیک نمی‌شود. هیچ شکی در این نیست که ترکیه امیدوار است با روابط روزافزون اقتصادی، تجاری، و روابط گازی و نفتی با KRG و بغداد، ناسیونالیسم کُردی را در ترکیه محدود کند. اما نتایج انتخابات ۲۹ مارس نشان داد این کار بیش از حد مورد انتظار آنکارا، KRG، بغداد و واشنگتن مشکل‌تر است –بخش مهمی از این هم بخاطر بیان قوی‌تر هویت کُردی بود که در انتخابات ۲۹ مارس ابراز شد.[۱۲۷]

[۱۲۷] جهت اطلاع از چگونگی استفاده ایالات متحده از معیارهای اقتصادی برای همراه نمودن ترکیه، بویژه پس از مخالفت پارلمان ترکیه با عملیات مشترک ترکیه و ایالات متحده در جنگ علیه عراق نگاه کنید به:
Robert Olson, "Relations among Turkey , Iraq, Kurdistan-Iraq, the Wider Middle East, and Iran," *Mediterranean Quarterly*, vol. 17, no. 4 (2006), 13-46; "From the 'EU Project' to the 'Iraq Project' and Back Again," *Mediterranean Quarterly*, vol. 18, no. 4 (2007), 17-35; "Turkey's Relations with Gulf Cooperation Council (GCC)," *Mediterranean Quarterly*, vol. 19, no. 3 (2008), 68-87; "Tukrkish-Kurdish Relations: A Year of Significant Developments," *Insight-Turkey*, vol. 10, no. 3 (2008), 23-52.

فهرست منابع:

Akyol, Mustafa. *Kürt Sorunu Yeniden Düşünmek.* Istanbul: Doğan Kitap, 2006.

Aras, Bülent. "Turkey and the Palestinian Question." Ankara: SETA-Foundation of Political , Economic and Social Research, 2009.

Ataman, Muhittin. "Özal Leadership and Restructuring of Turkish Ethnic Policy in 1980s," *Middle East Studies,* vol. 38 no. 4 (2002): 123-42.

Barkey, Henri J., and Graham E. Fuller. *Turkey's Kurdish Question.* Lanham: Rowman and Littlefield Publishers, 1998.

Barkey, Henri, J. *Preventing Conflict over Kurdistan.* Washington, D.C.: Carnegie Endowment for International Peace, 2009.

Bozarsalan, Hamit. *Violence in the Middle East: From Political Struggle to Self-Sacrifice.* Princeton: Markus Wiener, 2004.

____ . "Some Remarks on Kurdish Historiography Discourse in Turkey (1919-(1980)" in Abbas Vali, ed., *Essays on the Origins of Kurdish Nationalism* (Costa, Mesa: CA, Mazda Pblishers, 2003), 14-39.

____ . "Human Rights and the Kurdish Issue in Turkey; 1984-1999," *Human Rights Review,* vol. 3, no. 1 (2001): 45-54.

____ . "Why Armed Struggle? Understanding the Violence in Kurdistan of Turkey," in Ferhad Ibrahim and Gülistan Gürbey,

eds. *The Kurdish Conflict in Turkey* (New York: St. Martin's, 2000): 17-30.

____ . "Political Crisis and the Kurdish Issue in Turkey," in *The Kurdish Nationalist Movement in the 1990s: Its Impact on Turkey and the Middle East* (Lexington, KY: University Press of Kentucky, 1996), 135-53.

Çakir Rüşen. *Türkiye'nin Kürt Sorunu.* Istanbul: Metis Yayınları, 2004.

Cemal, Hasan. *Kürtler*. Istanbul: Doğan Kitap, 2003.

Cornell, Svante E., and Halil Magnus Karaveli. *Prospects for a 'Torn' Turkey: A Secular and Unitary Future?* Washington, D.C. John Hopkins University Institute for Security and Development Policy, Central Asia-Caucasus Institute Silk Road Studies Program, 2008.

Dorronsora, Gilles. "The Autonomy of the Political Fiels. The Resources of the Deputies of Diyarbakır (Turkey): 1920-2002," in *European Journal of Turkish Studies,* Thematic Issue, no. 3 (2005), on Internet at: http://www.ejts.org/document477.html.

Heper, Metin. *The State and Kurds in Turkey: The Question of Assimilation*. New York: Palgrave Macmillan, 2007.

International Crisis Report. *Turkey and Europe: The Decisive Year Ahead. Europe Report* no. 197, 15 December 2008.

____ . *Iraq and the Kurds: Resolving the Kirkuk Crisis.* Middle East Report, No. 64, April, 2007.

____ . *Turkey and Iraqi Kurds: Conflict or Cooperation,* Middle East Report, no. 81, 13 November 2008.

____ . *Oil for Soil: Toward a Grand Bargain on Iraq and the Kurds*. Middle East Report, no. 80, 28 October 2008.

Jabbar, Faleh A., and Dawood Hosham, eds. *The Kurds: Nationalism and Politics*. London: Saqi Books, 2006.

Gunter, Michael. *The Kurds in Turkey*. New York: St. Martin's Press, 1997.

____ . *The Kurds Ascending*. New York: Palgrave Macmillan, 2008.

____ . and Mohammed Ahmed, eds. *The Kurdish Question and the 2003 Iraqi War*. Costa Mesa, CA: Mazda Publishers, 2005.

____ . and Mohammed Ahmed, eds. *The Evolution of Kurdish Nationalism.* Costa Mesa, CA: Mazda Publishers, 2007.

Jongerden, Josst. *The Settlement Issue in Turkey and the Kurds: An Analysis of Spatial Policies, Modernity and War*. Leiden and Boston: E.J. Brill, 2007.

____ . "Contested Spaces in Landscapes of Violence: Displacement and Return in Diyarbakir at the Turn of the 21st Century," *Kurdische Studien,* vol. 4/5: 61-89.

Kirişci, Kemal, and Gareth M. Winnow. *The Kurdish Question and Turkey: An Example of a Trans-state Ethnic Conflict,* London: Frank Cass, 1997.

Klein, Janet. "Kurdish Nationalists and Non-Nationalist Kurdists; Rethinking Minority Nationalism and the Dissolution of the Ottoman Empire, 1908-1909," *Nations and Nationalism*, vol. 13, no. 1 (2007), 135-53.

McKiernan, Kevin. *The Kurds: A People in Search of Their Homeland*. New York: St. Martin's Press, 2006.

Meho, Lokman. *The Kurds and Kurdistan: A Selective and Annotated Bibliography*. Westport, Connecticut: Greenwood Press, 1997.

____ . *Kurdish Culture and Society: An Annotated Bibliography*. Westport, Connecticut: Greenwood Press, 2001.

Lawrence, Quil. *Invisible Nation: The Kurds Quest for Statehood is Shaping Iraq and the Middle East*. New York: Walker and Company, 2008.

Lundgren, Asa. *The Unwelcome Neighbor: Turkey's Kurdish Policy*. London: I. B. Tauris, 2007.

Marcus, Aliza. *Blood and Belief: The PKK and the Kurdish Fight for Independence*. New York: New York University, 2007.

Mutlu, Servet. "Ethnic Kurds in Turkey: A Demographic Study," *International Journal of Middle East Studies*, vol. 28, no. 4 (1996): 517-41.

Natali, Denise. *The Kurds and the State: Evolving National Identity in Iraq, Turkey and Iran*. Syracuse: Syracuse University Press, 2005.

____ . *The Kurdish Quasi-State: Development and Dependency in Post Gulf War Iraq*. Syracuse: Syracuse University Press, 2009.

Öktem, Kerem, _ "Incorporating the Time and Space of the Ethnic 'Other': Nationalism and Space in Southeast Turkey in the Nineteenth and Twentieth Centuries," *Nations and Nationalism* vol. 10, no. 4 (2004): 559-78.

O'Leary, Brendan, John McGarry and Khaled Salih, eds. *The Future of Kurdistan in Iraq*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2005.

Olson, Robert. *The Emergence of Kurdish Nationalism and the Sheikh Said Rebellion: 1880-1925.* Austin, TX: University of Texas Press, 1989.

____ . *Turkey's Relations with Iran, Syria, Israel, and Russia, 1919-2000: The Kurdish and Islamist Question.* Costa Mesa, CA: Mazda Publishers, 2001.

____ . *The Goat and the Butcher: Nationalism and State Formation in Kurdistan-Iraq since the Iraqi War.* Costa Mesa, CA: Mazda Publishers, 2005.

____ . "Relations among Turkey, Iraq, Kurdistan-Iraq, the Wider Middle East, and Iran," *Mediterranean Quarterly*, vol. 17, no. 4 (Winter 2006): 13-46.

____ . "Kurdistan Nationalism, Capitalism and State Formation in Kurdistan-Iraq," in *The Evolution of Kurdish Nationalism,*

eds. Michael Gunter and Mohammed Ahmed (Costa Mesa, CA: Mazda Publishers, 2007): 186-224.

____ . "Turkey-Iran Relations and the Kurdish Question: 1997-2000," in *Kurdish Identity, Human Rights and Political Status*, eds. Charles MacDonald and Carole O'Leary (Gainesville, FL: University of Florida Press, 2007): 87-114.

____ . "From the EU Project to the Iraq Project and Back Again? Kurds and Turks after the 22 July Elections," *Mediterranean Quarterly*, vol. 18, no. 4 (Fall 2007): 17-35.

____ . "Turkish-Kurdish Relations: A Year of Significant Developments," *Insight-Turkey*, vol. 10, no. 3 (2008): 23-52.

____ . *Kürt Milliyetçilik Hareketlerinin Durumu Hakkında Bazı Teorik Düşünceler/Some Theoretical Cosiderations on the Development of Kurdish Nationalism" in Türkiye'de Kürtler: Barış Süreci Için Temel Gereksinimle* (Berlin: Heinrich Böll Stifung Derneği (2008): 90-101.

____ . "Turkey's Relations with the Gulf Cooperation Council (GCC), 2003-2007: New Paradigms? *Mediterranean Quarterly*, vol. 19, no. 3 (Summer 2008): 68-87.

____ . "Theoretical and Historical Perspectives on Kurdish Nationalism," in *The Kurds in International Affairs,* ed. Robert Lowe (London: Chatham House and Brookings Institution, 2009).

Özcan, Ali Kemal. *Turkey's Kurds: A Theoretical Analysis of the PKK and Abdullah Öcalan.* London: Routledge, 2006.

____ . "The Vacillating PKK: Can it be Resurrected?" *Middle East Studies,* vol. 43, no. 1 (2007): 107-24.

Rabasa, Angel, and F. Stephen Larrabee, *The Rise of Political Islam in Turkey*. Santa Monica, CA: Rand Corporation, 2008.

Regions: Cornerstones of a Federal Democracy (New York: Syracuse University Press), 123-50.

Romano, David. *The Kurdish Nationalist Movement*. New York: Cambridge University Press, 2006.

Spencer, Boyer, P. and Brian Katulis. *The Neglected Alliance: Restoring U.S-Turkish Relations to Meet 21th Century Challenges*. Washington, D.C: Center for American Progress, 2008.

Stansfield, Gareth and Hashem Ahmadzadeh. "Kurdish or Kurdistan? Conceptualizing Regionalism in the North of Iraq," in Reidar Visser and Gareth Stansfield, eds., *An Iraq of Its*

Stansfield, Gareth. *Iraqi Kurdistan: Political Development and Emergent Democracy*. London: Routlege Curzon. 2003.

Taspinar, Ömer. *Turkey's Middle East Policies: Between Neo-Ottomanism and Kemalism*. Washington, D.C. Carnegie Endowment for International Peace, 2008.

____ . *Iraq: People, History, Politics*. Oxford: Polity Press, 2007.

Tahiri, Hussein. *The Structure of Kurdish Society and the Struggle for a Kurdish State.* Costa Mesa, CA: Mazda Publishers, 2007.

Vali, Abbas, ed. *Essays on the Origins of Kurdish Nationalism,* Costa Mesa, CA: Mazda Publishers, 2003.

White, Paul. *Turkey's Kurds: Primitive Rebels or Revolutionary Modernizers.* London: Zed Books, 2000.

Somer, Murat. "Turkey's Kurdish Conflict: Changing Context, and Democratic and Regional Implications," in *The Middle East Journal,* vol. 58, no. 2 (2004): 235-53.

____ . "Resurgence and Remaking of Identity: Civil Discourse on Kurds," *Comparative Political Studies,* vol. 38, no. 6 (2005): 591-622.

____ . "Resurgence and Remaking of Identity: Civil Beliefs, Domestic and External Dynamics, and the Turkish Mainstream Discourse on the Kurds," *Comparative Political Studies,* vol. 38, no. 6 (2005): 591-622.

____ . "Defensive and Liberal Nationalism: The Kurdish Question and Modernization/Democratization," in E. F. Keman, ed. *Remaking Turkey: Globalization, Alternative Modernities, and Democracy* (London: Oxford University Press, 2007): 103-135.

Watts, Nicole, F., "Allies and Enemies: Pro-Kurdish Parties in Turkish Politics, 1990-94," *International Journal of Middle East Studies,* vol. 31, no. 4 (1999): 631-56.

____ . "Silence and Voice: Turkish Politics and Kurdish Resistance in the mid-20th Century," in *The Evolution of Kurdish Nationalism,* eds. Mohammed Ahmed and Michael Gunter (Costa Mesa: CA: Mazda Publishers, 2007): 52-77.
____ . Institutionalizing Virtual Kurdistan West: Transnational Networks and Ethnic Contention in International Waters," in *Boundaries and Belonging States and Societies in the Stuggle to Shape Identities and Local Practice,* ed. Joel Migdal (Cambridge: Cambridge University Press, 2004):121-47.

____ . "Relocating Dersim: Turkish State-Building and Kurdish Resistance, 1931-1938," *New Perspectives on Turkey*, vol. 23 (Fall 2000): 5-30.

____ . "Allies and Enemies: Pro-Kurdish Parties in Turkish Politics, vol. 31, no. 4 (1999): 631-56.

Yavuz, Hakan, M., *Democracy and Secularism in Turkey*. New York: Cambridge University Press, 2009.

Yıldız, Kerim. *The Kurds in Iraq: The Past, Present and Future*. London: Pluto Press, 2004.

____ . *The Kurds of Turkey: EU Accession and Human Rights*. London: Pluto Press, 2004.

____ . *The Kurds of Syria: The Forgotten People*. London: Pluto Press, 2005.
____ . *The Kurds in Iran: The Past, Present and Future*. London: Pluto Press, 2007.

در مورد نویسنده

رابرت اُلسن استاد تاریخ و سیاست خاورمیانه در دانشگاه کنتاکی است. تا کنون آثار زیر از وی منتشر شده‌اند:

- □ *The Siege of Mosul and Ottoman-Persian Relations, 1718-1743: A Study of Rebellion in the Capital and War in the Provinces of the Ottoman Empire* (1975), translated into Arabic (1983).
- □ *The Ba'th and Syria, 1947-1979: An Interpretative Historical Essay* (1980).
- □ *The Ba'th and Syria from the French Mandate to the Era of Hafez al-Asad, 1947-1982* (1982).
- □ *The Emergence of Kurdish Nationalism and the Sheikh Said Rebellion: 1880-1925* (1989), translated into Turkish (1989); translated into Persian (1999); translated into Kurdish (2000); translated into Arabic (2008); (paperback) *The Emergence of Kurdish Nationalism* (1991).
- □ *Imperial Meanderings and Republican By-Ways: Essays on Eighteenth Century Ottoman and Twentieth Century History of Turkey* (1996).
- □ *The Kurdish Question and Turkish-Iranian Relations: From World War I to 1998* (1998); revised and translated into Arabic under the title *The Kurdish Question and Turkish-Iranian Relations: From World War I to 2000* (2001);

translated into Persian (2002) with the title *Masale Kurd va Ravabet-e Iran va Turkiye*.

- *Turkey's Relations with Iran, Syria, Israel and Russia, 1991-2000:The Kurdish and Islamist Questions* (2001); translated into Turkish (2005); translated (online) into French (2005).
- *Turkey's Relations with Iran, 1979-2004: War, Revolution, Ideology, War, Coups and Geopolitics* (2004); translated into Turkish (2005).
- *The Goat and the Butcher: Nationalism and State Formation in Kurdistan-Iraq since the Iraqi War* (2005); translated into Turkish (2008).

پروفسور اُلسن نویسنده حدود ۹۰ مقاله تحقیقی، ۸۰ مقاله مرجع و منبع و ۲۱۰ مقاله انتقادی از کتب است.

او در سال ۱۹۹۹-۲۰۰۰ جایزه بهترین کتاب را از مؤسسه مطالعات جهان سوم دریافت کرد. در ۱۹۹۹-۲۰۰۰ او توسط دانشگاه آلبرت و الیزابت کیروان به عنوان پروفسور انتخاب شد. او در ۲۰۰۰-۲۰۰۱ توسط کالج هنر و علوم نیز به عنوان پروفسور شناخته شد.